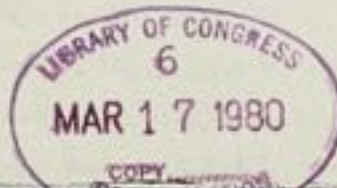


شنبه ۲۰ دلو ۱۳۵۸
۹ فروری ۱۹۸۰

A-P

77-938031

ون



کتابتوز
15521/0271yco

پ۔ لچرخی یادداشتنا کترین شکنبه گاه قرن

(صفحه ۶)



Ketabton.com

جمناسٹیک مدرن و با آنچ
را کہ المپیک فاقد آنست
(صفحه ۴۰)

رمز سخنگویی حیوانات
(صفحه ۲۶)



مدیریت اطلاعات وزارت امور خارجه خبر-
میدهد بیابانی از جانب ببرک کارمل منشی عمومی
کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان
رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری
دموکراتیک افغانستان عنوانی رهبر جلیل القدر
ملت برادرمان ایران حضرت آیت الله امام
خمینی به تمنای اعاده صحت جناب شان به
تهران مخابره گردیده است .

مدیریت اطلاعات وزارت امور خارجه خبر-
میدهد ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی
حزب دموکراتیک خلق افغانستان رئیس شورای
انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغا-
نستان ساعت ۱۰ قبل از ظهر ۱۴ دلو جلالتماپ
جسکاران سنگه تيجا سفير کبير جمهوری عند
راجبت ملاقات تعارفي در مقر شورای انقلابی
پذیرفتند .

مدیریت اطلاعات وزارت امور خارجه خبر-
میدهد اسد الله سروری معاون شورای انقلابی
ومعاون صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان
ساعت یازده و پنجاه و پنج دقیقه قبل از ظهر
۱۷ دلو باجلالتماپ جسکاران سنگه تيجا سفير-
کبير جمهوری عند در کابل درمقر صدارت
ملاقات تعارفي نمود .

طی این ملاقات روی موضوعات مورد علاقه
بحث و مذاکره صورت گرفت .
انجنیر نظر محمد وزیر فواید عامه ظهر ۱۳
دلو بایک تعداد از آمرین پروژه هاودوایسر
مرکزی ریاست آبرسانی و کانالیزاسیون و ریاست
کوپراتیف تهیه مسکن وزارت فواید عامه
در دفتر تاراش ملاقات و در اطراف پروگرام های
آنوزارت در سکتور آبرسانی و تهیه مسکن
مذاکره کرد .

قرار داد پنجاه و سه پایه ماشین آلات طباعتی
کهک بلاعوض اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی
به جمهوری دموکراتیک افغانستان بعد از ظهر
۱۶ دلو در وزارت اطلاعات و کلتور امضا گردید .
قرار داد راز طرف جمهوری دموکراتیک

افغانستان در حالیکه عبدالهجید سر بلند وزیر
اطلاعات و کلتور نیز حاضر بود محمد عوض نبی-
زاده کارگر رئیس عمومی مطابع دولتی و از جانب
اتحاد شوروی یوری سر گیویچ سلویو نوف
نماینده اتحادیه تجمعات اکسپورت آن کشور در
کابل امضاء نموده و اسناد مربوطه را تبادل
کردند .

جمهوریت مردم هنگری چارده پایه ماشین
اکسپرت به صورت بلاعوض به افغانستان کهک
نموده است .
استاد مربوط باین مساعدت را جلالتماپ
دیزوگیش سفير کبير جمهوری مردم هنگری
در کابل بعد از ظهر ۱۷ دلو به یوهانه دکتور
محمد ابراهیم عظیم وزیر صحت عامه در دفتر
کارش تفویض نمود که با ابراز تشکر قبول
شد .

محمد خان جلالت وزیر تجارت که درراس
هیاتی برای انجام مذاکرات تجارتی به تاریخ
ده دلو به اتحاد شوروی رفته بود بعد از ظهر
۱۷ دلو به کابل باز گشت .

یورد عالی اصلاحات ارضی بتاسی از بیانیه
مورخ دهم دلو ۱۳۵۸ ببرک کارمل منشی عمومی کمیته
مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ، رئیس
شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک
افغانستان ساعت ده قبل از ظهر ۱۷ دلو تحت
ریاست رئیس توزیع واسکان و معین سرپرست
اداره اصلاحات ارضی تشکیل جلسه داد .

اختتامه وقایع مهم هفته

مدیریت اطلاعات وزارت امور خارجه خبر
میدهد شاه محمد دوست وزیر امور خارجه
جمهوری دموکراتیک افغانستان ساعت سه بعد
از ظهر ۱۷ دلو جلالتماپ شلندرا کمار سنگه
نماینده خاص حکومت جمهوری هند وادیشنل
سکرتری دروزارت امور خارجه جمهوری هندرا
در حالیکه جلالتماپ جسکاران سنگه تيجا سفير
کبير جمهوری عند در کابل نیز حاضر بود
دروزارت امور خارجه ملاقات تعارفي نمود، طی
این ملاقات پیرامون موضوعات مورد علاقه دو
جانب و اوضاع منطقه تبادل افکار بعمل آمد .

دگرمن محمد رفیع وزیر دفاع ملی ساعت
ده قبل از ظهر ۱۷ دلو در دفتر کارش باجلالتماپ
ادوارد راجی سفير کبير جمهوری مردم بولند
در کابل ملاقات نمود .

طی این ملاقات پیرامون موضوعات مورد علاقه
بحث و مذاکره بعمل آمد .

یوهنل گلداد وزیر تحصیلات عالی و مسلکی
ساعت ده قبل از ظهر ۱۷ دلو در دفتر کارش
باجلالتماپ راول گارسیه پلاز سفير کبير
جمهوریت کیوبا در کابل ملاقات تعارفي نمود .

انجنیر محمد اسماعیل دانش وزیر معادن
و صنایع بعد از اشتراک در جلسه عمومی انکشاف
صنایع که از طرف ملل متحد در دهلی جدید
دایر شده بود قبل از ظهر ۱۶ دلو به کابل
باز گشت .

در میدان هوایی بین المللی کابل معینان
وزارت معادن و صنایع و نماینده ریاست تشریفات
وزارت امور خارجه از وی استقبال کردند .

سید محمد گلاب زوی وزیر امور داخله بعد از
ظهر ۱۷ دلو در ریاست طرح ساختمان باروالی
کابل از ماستر پلان ۲۵ ساله شهر کابل
دیدن نمود .

یک هیات جمهوری دموکراتیک آلمان بریاست
هاینس زکسی معین وزارت تجارت خارجی آن
کشور قبل از ظهر ۱۷ دلو وارد کابل
گردید .

قرار است هیات در مدت اقامتش در افغا-
نستان با مقامات افغانی پیرامون همکاری های
اقتصادی بین جمهوری دموکراتیک افغانستان
و جمهوری دموکراتیک آلمان مذاکراتی انجام
داده و در زمینه موافقتنامه با امضا برساند .

نماینده اتحاد شوروی روز ۱۶ دلو در جلسه
کمیته خلق سلاح در ژنیو گفت اتحاد شوروی
جلوگیری از مسابقات تسلیحاتی را عامل عمده
رسیدن به خلق سلاح و مشکلاتی که بشریت
به آن مواجه است تلقی می نماید او گفت هیچ
چیز اتحاد شوروی را از موقف ثابت اودر مقابل
دیتانت مانع شده نمی تواند .

شورای صلح جهانی سازمان های ملی
بیش از یکصدوسی کشور وابسته به آن تگرانی
عمیق شانرا نسبت به وخامت اوضاع بین المللی
ایراز داشته اند .
این مطلب را، رامش چندرا رئیس شورای
صلح جهانی روز ۱۶ دلو طی کنفرانس مطبوعاتی
در دهلی جدید اظهار کرد .

حکومت امریکا به تیره ساختن اوضاع و از دیاد
موجودیت نظامی خود در حوزه خلیج ادامه میدهد .
هارولد براون وزیر دفاع امریکا در مصاحبه
بامجله یورنیس نیوز اندورلد ریپورت گفته است
آن کشور یونت های نظامی را بوجود آورده
است که به زود ترین فرصت آماده خدمت
شده و در هر منطقه مطلوب از طریق هوا با تمام
وسایل و تجهیزات انتقال داده شده می توانند .

کمیسیون اجرایی اتحادیه یک صد و چهل و یک
کمیته ملی المپیک متفقا علیه تقاضای جیمی
کارتز رئیس جمهور امریکامبنی بر تحریم بازیهای
المپیک در مسکو رای داده است .
اتحادیه از کمیته بین المللی المپیک خواسته
تا از هر گونه اعمال نفوذ خارجی در نهضت
المپیک جلوگیری نماید .

یوریس پانا ماریوف منشی کمیته مرکزی
حزب کمونسٹ اتحاد شوروی اظهار داشت که آن
کشور در افغانستان هیچ نوع تعامل غرض
آلود ندارد پاکستان و ایران را تهدید نمی کند و
نمیخواهد طوریکه امپریالیست ها ادعای کنند
بر خلیج فارس دست یابد .

رشید الدین خان عضو پارلمان هند و پروفیسر
یوهنتون جواهر لال نهرو در دهلی جدید گفته
است .

دخالت ایالات متحده امریکا در امور
افغانستان جز ستراتیژی امریکا برای تسلط
بر جهان می باشد .

وی طی مصاحبه بی بامجله پانوراما تایید کرد
که مداخله امریکا در افغانستان به اشتراک چین
و پاکستان علت اصلی افزایش تشنج در بحیره
عرب می باشد .

لیونید بریزنف منشی عمومی کمیته مرکزی
حزب کمونسٹ و صدر هیات رئیسه شورای عالی
اتحاد شوروی ۱۵ دلو در مسکو گفت در حال
حاضر مردم جهان یک داعیه مشترک دارند و آن
غلبه بر تشنجاتی است که یکبار دیگر روابط
بین المللی را تحت الشفاع قرار داده است .

رئیس حزب پیشرو دنمارک هیا هوپی را که
به بهانه تحولات افغانستان براه افتاده است
حیله بی برای تخریب دست آورد های تشنج
زدایی بمقصد احیای قضای جنگ سرد دانسته
است .

وی ضمن مصاحبه بانمایند تلوویزیون شوروی
یاد آور شد که غرب حتی قبل ازین حوادث گناره
گیری خود را از سیاست دیتانت آغاز نموده و این
همه ثابت می سازد که هدف از جنجال کنونی
تنها پرده انداختن بر مشی تجاوز کارانه
امپریالیزم می باشد .

وی این ادعا هارا که تحولات افغانستان محویا
صلح را تهدید می نماید مستخرم خواند .

سفر بریزنسکی مشاور امنیت ملی کارتر
به پاکستان و گفتگو های او با مقامات اسلام
آباد یکبار دیگر به اثبات رسانید که ایالات
متحده امریکا می خواهد پاکستان را به عامل
اجرای نقشه های تجاوز گرانه خود در منطقه
تبدیل کند .



سیاست همزیستی مسالمت آمیز

• • •

درباره سودمندی هنر

• • •

خواهر تاسی جو روی اوتاسی نری

• • •

پرورش گاه مار

• • •

رهنمایی برای کسانی که میخواهند
شوهر بگیرند

• • •

خاطراتی از زندن پلچرخ

• • •

اسرار جبهیل طلایی

• • •

به پرمختیایی هیوادو نوکی دفعطی سره
مبارزه

• • •

اوبدنیا آمد تا هنر رقص رابه اوج آن رساند

• • •

تأثیرات نوعیت بازیچه ها بالای انکشاف
روحی اطفال

• • •

شرح روی جلد :

افر یقایی وطنپرست «بجرم»
سیاهی رنگ پو ستش دریکی
از زندانهای مرگبار زنژاد پر-
ستان افریقای جنوبی

• • •

عکس پستی اخیر :

آهوی زیبای مارکو پولو رابا
میرگنان در پامیر نشان میدهد
که توسط محترم خرمی از ریاست
مگر زندوی تهیه گردیده است
شرح تابلوی متن :

یکی از زنان قهرمان افغانستان را نشان میدهد

صفحه ۳

«اکنون عمده ترین مطلب که در برابر خلق کشور قرار گرفته
دفاع از انقلاب در برابر ضدانقلاب داخلی و مداخله گران
امپریالیستی است و حزب دموکراتیک خلق افغانستان
در پیشاپیش این مبارزه قهرمانانه و شجاع و دلیر قرار
دارد»

«بیرک کارمل»

شنبه ۲۰ دلو ۱۳۵۸ ، ۹ فبروری ۱۹۸۰

امپریالیزم امریکانه ششهای شومش را در پرده انسان دوستی می پوشاند

چرا انتقام کشتارها و قتل عامهای
وینامی های بیگناه را از خود امپریالیزم
امریکا نمی جویند ؟

و چرا از جنایات امین فاشیست و داروینست
جنایتکار آن حتی نامی نمی برند ؟

پس واضح است که نزد امپریالیزم امریکا
که خود در راس همه جنایات قرار دارد و
مسئول عام و تام آنست موضوع دفاع از حقوق و عدالت
مطرح نیست و تنها مطلب «دفع کردن تنور»
است تا نان شانرا در آن بپزند. مهم نیست
که بجای هیزم در آن انسان بسوزد یا هست
و بود منطقه !

ما چنانکه بارها اعلام نموده ایم که خواهان
هماینگی نیک و صلح و ثبات منطقه هستیم
و همانگونه که عدم مداخله را در امور دیگران
محترم می شماریم به هیچ کس اجازه نخواهیم
داد تا در امور داخلی مداخله نماید .

خلق افغانستان امپریالیزم انگلیس را بحیث
دشمن دیرین خویش می شناسد و از زودبند
های امپریالیزم امریکا با امین خوئریز و بانده
فاسد وی بخوبی آگاه شده اند و حاضر نیستند
تا آزموده بیازمایند .

پس بر خلقهای منطقه خصوصا بر خلق
پاکستان است که «پلنگان را در لباس ملنگان»
با خصلت درنده خویشی آنها بخوبی
شناسند و اجازه ندهند تا اجرا کنندگان
نقشه های شوم امپریالیزم ، خاک شان را به
پایگاه نظامی جنایتکاران و محل تلاقی
جنگ طلبان مبدل سازند زیرا عواقب آن
آتش را خواهد بود و مصیبت بار !

کرده و میدانند که پشت این دانه ها چه
دامهای وحشتناکی گسترده اند و از خلقهای
منطقه بخصوص خلقهای پاکستان و افغانستان
چه میخواهند ؟

آیا باز دید های مغرضانه معاون وزیر
دفاع امریکا، مشاور امنیت ملی آقای کارتر،
وزیر خارجه انگلستان و وزیر خارجه چین
از پاکستان و کمک چهار صد میلیون دلاری
امریکا جهت مسلح ساختن پاکستان برای چه
منظوری صورت گرفته است بجز از تهیه و
تدارک نقشه های جنگی ، تجاوز بر خاک
افغانستان و به آتش کشیدن منطقه و آیا
آنها بیکه از کمپ های تخریب کساران و
زورستان دیدن می نمایند و به ملیونادار
در تجهیز و تربیه آنها به مصرف میرسانند
حاتم طایی های عصر خویش اند و یا اغراضی
شوم و مرگباری هم در قبال دارند ؟

اگر این غالیجنابان داد از انسان دوستی
میزند پس چرا امپریالیزم امریکا و
صهیونیسم اسرائیل را که سرزمین چارملیون
فلسطینی را غصب نموده اند و به کشتارهای
دسته جمعی آنها مبادرت ورزیدند و ادار به
تخلیه نمی سازند و به داد حقوق حقه مردم
فلسطین گوش نمیدهند ؟

چرا پنجابهای جنایتکاران و نژاد پرستان
افریقای جنوبی را از گلولی و طپهرستان
افریقایی دور نمی سازند ؟

چرا خونهای آلوده و هزاران انسان
بیگناه چیلی را از رژیم جنایتکار بنوچیت
نمی خواهند ؟

یک دیدسطحی و گذرابر ماهیت امپریالیزم
این واقعیت را باثبات میرساند که امپریالیزم
در نهانش بجز از چپاول و تاراج هستی خلقهای
سراسر جهان به هیچ چیزی دیگری نماندیده
و نه تنها خود درصدد آن بوده است، که
ثروت های مادی و معنوی مستضعفین جهانرا
غارت نماید بلکه با تلاشهای مذبحخانه
و سرسام آور در پی آنست تا از غاصبان ،
چپاولگران و همه دشمنان بشریت در هر جا که
باشند پشتیبانی نموده و نفیست های متری را
خفه نماید، زیرا این سیستم جهانخوار را
اساس بر آنست تا هستی خود را در نیستی
دیگران بجوید و برای برآورده شدن این
منظور غیر انسانی و ضد بشری اش از هیچ
وسيله ممکن دریغ نرورزد و لوبریختن خون
هزاران انسان بی دفاع و بیگناه هم تمام شود .

اما نقطه قابل توجه در اینجاست که
امپریالیزم جنایتکار امریکا که در جهان
کنونی سردمدار این سیستم غارتگر است
و به ماهیت سیستم چپاولگرش سوگند خورده
تا از دشمنان انسانیت حمایت و پشتیبانی نماید،
اکنون بشر دوست و نوع پرور شده است
و در غصه با اصطلاح «مهاجرین افغانی» خویش
نمی برد ! و روی همین منظور در دست گذاری
مخالف ارتجاعی پاکستان و نظامیان ملیتاریستی
آن، که بطرف همه مرتجعین و امپریالیستان
بین المللی فراز گردیده تحت نام با اصطلاح
کمک به «پناه گزینان افغانی» به صد ها
ملیون دالر میگذارد .

باید اظهار داشت که همه خلقهای جهان
و عناصر مترقی متشاه این زهد ریاکارانه
امپریالیزم امریکا و متحدینش را بخوبی درک

جهان را بنگریم. با دیده یی ژرف و او بزرگتیف رویداد های آنرا در طول تاریخ و رسی کنیم. خاطرات مردم را در طول تاریخ ارزیابی نمائیم. بسیار دور نمی رویم این نگرش خود را به بر رسی واقعات جنگ جهانی دوم و بعد از آن محدود می سازیم.

علت انشائی همه جنگ ها و از جمله جنگ بین المللی دوم همان تضاد منافع مردم و دشمنان مردم و تصادم این منافع می باشد که بحکم تاریخ نتیجه ی از این تصادم بنفع مردم و بضرر دشمنان مردم می انجامد.

پس از آنکه امپریالیزم فرزند ناخلف و خود سری (فاشیسم) رابه جهان نیان تحویل داد و به آن مامور

این جنگ تجا و زکارا نه ی امپریالیستی تمام شد سیستم یکسوری مما لك صلح جو و مترقی به سیستم جهانی تبدیل شد. نهضت های آزاد بخش ملی اوج گرفت، طومار استعمار کهنه ی امپریالیستی واستعماری در هم پیچید و ندادی آزادی خواهان از کران تا به کران گیتی اوج گرفت و پیچید.

چون در این جنگ و در اثر نتایج آن ضرر به گیچکننده ی به امپریالیزم وارد آمده بود، برای اینکه خود را از تلاشی کلی و نا بسودی نجات دهد به تکا بو افتاد و این تکا بو جز بکار بردن حيله ها و نیرنگ ها و چا لبا زی ها چیز دیگری نبود. در این نیرنگ امپریالیزم امریکا مامور فعالیت در ارو پا و افریقا گردید و امپریالیزم کهنه کار انگلیس

تا ریح شنا هداست که :

امپریالیزم عمده ترین و مغرض ترین دشمن بشریت و از جمله اسلام است

مامور فعالیت های استعماری در آسیا و افریقا گردیدند.

امپریالیزم انگلیس یعنی این گریک انسان در لباس چوپان شتافت و او لین تخم نفاق واستعمار را در متصرفات خود و در قدم اول در بین خلق کبیر نیم قاره (هندوستان با بهارت) پاشید. امپریالیزم محیل انگلیس بعد از آنکه در زیر فشار مبارزات خلق کبیر نیم قاره بزانو در آمده و وادار به شکست شده بود نخواست که بدون زهر پا شیب بگذارد که مردم آن سر زمین مصروف حیات و تعمیر کشور بلا کشیده ی خود شو ند ولی این عمل امپریالیزم دور از انتظار نبود زیرا خاصیت طینت و

ریت قلع و قمع و او لین کشور صلح خواه و پشتیبان نهضت های رهایی بخش و آزادی خواه جهانی را داد. زمامداران آنوقت ممالك امپریالیستی از يك واقعیت دیگر نا آگاه بودند و آن اینکه رهایی لجام این وحشی هیچکسی حتی هم مسلمانان را نیز آرام نخواهد گذاشت و در این موضوع خود تضاد میان ممالك امپریالیستی محرك واقعی می باشد.

نتیجه ی وحشت و جنگ افروزی فاشیسم و نازیسم بر خلاف پیش بینی چرچل ها و روزولت ها چیزی دیگری از آب بدر آمده، بعد از آنکه

نقشه یی این بلای انسانی همین طور است.

امپریالیزم انگلیسی برای پیاده کردن نقشه های استعماری خود از احساسات پاک دینی مردم نیم قاره سو استفاده کرد و وایسن سر زمین واحد را بنام هندو و مسلمان دو پارچه نمود و آنهم طوری که زمینه یی بهم اندازی ها و ایجاد نفاق سهل و آسان باشد. آیا ملت های هندو با کستان فراموش خواهند کرد که امپریالیزم به مثابه عمده ترین دشمن بشریت تخم نفاق و جنگ را بین شان کشت نمود و در اثر همین عوامل وطنی چندین جنگ خانمانسوز صدها انسان بیگناه از دو طرف کشته شدند و ملیونها لاله پول بهر دو طرف خساره وارد شد. همچنان استعمار انگلیس در طی یکتیم صد سال حکمرانی بر اینها و استعمار گران نه ی خود چون زانو خون خلق های هندو، مسلمان و دیگر ملیت ها و اقوام نیم قاره را میکشد و صناعی محلی و روستایی آنها را در هم شکست.

در شرق میانه نیز این امریالیزم بود که اولاً کشور های این منطقه را تحت سطره ی استعماری خویش در آورد و طی چندین دهه ممالك عربی مانند مصر، عراق، اردن و غیره را در اشغال استثمار گران خود داشت و بعد از آنکه این خلقها بر ضد استعمار شوریدند و زنجیر اسارت مستقیم آنرا گسستند و بدور انداختند، امپریالیزم محیل و بو قلمون از راه دیگری در آمد و بزرگترین دشمنی تا ریح را بر حق عرب و بخصوص خلق عرب فلسطین روا داشت و آن آواره نمودن این خلق و از کاشانه را ندن آن بود.

امپریالیزم جهانی به اینهم بسنده نشد و آواره یک خلق مصر آزادی کال سو یز ویا آپراره ملکیت خود را ملی اعلام داشت حمله یی مثلثی بر مصر نمود و طی این حمله از بمباردمان و ویران نمودن شفاخانه ها، مکاتب، کودکستانها، مساجد و شهر های پر نفوس در یخ نورزیدند. درین حمله صهیونیسم (که قبلاً از طرف امپریالیزم به مثابه سنگ زنجیری و زاندارم تا دندان مسلح در سر زمین عرب فلسطین جا یگزین شده بود) نخستین نمک حلالی!!

امپریالیزم با تأیید، تا کید، تحریک و تسلیح صهیونیسم جنگ تجا و زکارا نه ای دیگری را نیز در سال ۱۹۷۳ بر خلق عرب تحمیل نمود که خسارات و تلفات بیشماری را ببار آورد. باز هم امپریالیزم به این بسنده نشد و دست به یکسلسله اعمال تجا و زگرانه و اها نت آمیز دیگر نیز زد و آن به آتش کشیدن مسجد اقصی یا او لین کعبه مسلمانان جهان میباشد و همین حالا نیز علاوه بر اشغال سرزمین های عرب و ایجاد وحشت و آوارگی ملت بیچاره و صلح خواه لبنان نیز هر روز بخاک و خون کشانیده میشود و زرادخانه های امپریالیزم و در قسم اول امپریالیزم امریکا مقادیر بسی پایان اسلحه تحویل این انسانان کشان صهیونیست می نماید تا هر چه بیشتر منطقه شرق میانه رابه کانون جنگ و زدو خورد مبدل سازد.

اعمال و تجاوز گریهای امپریالیزم حقوق بشر شنا س؟! امریکا در سر زمین ویتنام از هیچکسسی



ار
گر
به
ك
ای
ند
ش
ه
ست
ه
ر
ه
ك
ه
ن
سن
بود
بنی
سی
انه
لد
و
وزم
لد
مك
در
دكه
رد
لد
جل
زدو
سی
ان
لاوه
و
ست
هر
را
اول
سی
ان
اهر
ه
بدل
یا
کا
سی
ه
ن

رسانیده و بیدار عدم سپرده بود.

درین میان خبرنگاران، عکاسان، فلمبرداران و راپورترهای داخلی و خارجی آزادانه گشت و گذار میکردند و منتظر باز شدن دروازه زندان بودند.

در میان موجی از خوشی و شادمانی هزاران نفر، دروازه زندان بر وی زندانیان گشوده شد و زندانیانیکه از زیر ساطور امین سفاک جان به سلامت برده بودند، عاشرانه و از آغاز بر آمدن به افشاء کردن امین جنایتکار و باند ترو ریست او پرداختند که شنیدن هر کدام از داستانهای آنها تنها غصه آور بلکه تعجب آور بود زیرا انسان بزر انداز سفاک و نوعکش هم باشد آخر که انسان است و تا وقتی که انسانی بسوی آسیبی نرساند و یاد قید او گیر آید دیگر شکنجه و آزار بایان می یابد ولی بنا بگفته چند تن از زندانیان آزاد شده جور، ظلم و ستم و عتک حرمت از طرف باند فاشیستی امین سفاک آنقدر زیاد بوده که هزاران نفر تحت شکنجه جان سپرده



هزاران نفر از مردم ماکه به پیشواز زندانیان از بند رسته شتافته اند

یکی از زندانیان پلچرخ هنگام بر آمدن ازین باستیل جهنمی به خبرنگار و ژوندون گفت:

دژ خیمان امین سفاک و باند جنایتکار او آنقدر زندانیان بیگناه را شکنجه میکردند که گویی بمرض سادیسم مبتلا بودند و از رنج و آزار دیگران لذت می بردند

و تعداد کثیری در زیر ساطور جام شهادت را در حالی نوشیده اند که آن صحنه هائنگ بشریت است و برای ابد باعث نفرین خلق کشور بوده و میباشد.

در نزدیک دروازه درونی محبس زن سالخورده ای بزمین افتاده بود دستش را گرفته و لسی نتوانست بیا بایستد توام با فغان و تاله چنین سر داده بود که پسرش را از خانه اش برده اند و دیگر اثری از آن ندیده است. دختر جوان این زن داغ دیده که رویش را با اشک و خون شسته بود پیش حرفش دویده گفت که او ای از غنی خیل ننگر هار است و برادرش صاحب منصب عسکری بود شب هنگام او را از پیش چشمان از حدقه برآمده زن و فرزندانش بآلت و کوب توام بموت انداخته و بردند که از آن وقت تا امروز اثری از آن دیده نشده است.

روز ۱۶ جدی که روز رهایی زندانیان، از زندان امین جنایتکار بود، دهها هزار از مردم کشور از مرکز شهر و اطراف رهسپار زندان پلچرخ بودند و به امید اینکه مگر گمشده های خود را باز یابند، توسط موتر ها و حتی از چند کیلومتری این باستیل جهنمی بایای پیاده خود را بدهن در آغوش بیرونی زندان رسانیده بودند. در جلو محبس مذکور تا نظر کار میکرد آدم بود که معلوم میشد هر کدام، هر خانواده و هر فردی از حاضران که شاید صدها و هزاران آن رسیده نتوانسته بودند، گمشده ای داشتند که برای دیدار حاضر گردیده بودند، ولی این تلاش های نزدیک شدن بدروازه محبس و تحمل رنج مسافرت برای این منظور از نقیصه دور کشور برای هزاران نفر مایوس کننده معلوم میشد زیرا واضح بود که هزاران نفر را امین سفاک زیر ساطور آدمکشی خود به شهادت

بزدان کشید و دسته دسته آنها را بگلوله بست و هزاران خانواده را برای همیشه در ماتم نشانید. آخرین قربانیان اعمال جنایتکارانه امین بدنام تاریخ که خشم خلق او و باندش را مجال نداد تا آنها را نیز عقب شهدای دیگر بفرستند بپیروزی مرحله نوین انقلاب شکوهمند تورو عفو عام و تمام بزرگ کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب واحد دموکراتیک خلق افغانستان رئیس شورای انقلابی و صدراعظم ملی مراسم خاص دروازه های زندان بروی شان گشوده شد، با هر کسی عرچه که میگفتند، از بیدار گریهای امین سفاک و باند جنایتکار او بود و هر قصه ای از آنها قصه غاوغصه هایی از شکنجه ها و آزارهای درمناشه زندان بانان بود که با شنیدن آنها مویرتن انسان راست میشود و هیچ انسانی نمیتواند راه گریه اش را بگیرد و آب دیده اش را نگاه دارد.

زندان پلچرخ این دژ جهنمی که داود جلال برای دربند کشیدن و نظیرستان و تار و مار کردن آزادی خواهان آنرا اعمار و مملو از هموطنان بیگناه ما، گردانید، بپیروزی انقلاب شکوهمند نور برای اولین بار دروازه های مستحکم آن باز گردید، ولی این میراث شوم آن به امین جنایتکار و باند ترو ریست و آدمکش آن که با انجام یک جنایت بزرگ و گرفتن قدرت را عاشرانه بسوی انجام دادن جنایات بی حساب و گشتار دسته جمعی هموطنان بیگناه ما باز کرده این اعمال جنایت کارانه او و باند آدمکش در اذهان فرد فرد کشور عزیز ما برای همیشه بجا مانده و تا که جهان است نسل های امروز و فردا به آن نفرین می فرستند.

امین سفاک و باند جنایتکارش، اطفال، زنان مردان و حتی با اصطلاح درجن بست خانواده ها را در باستیل پلچرخ و دیگر مخفیگاه ها



زندانیان آزادشده توسط سرویس های ملی بس زندان بلچرخي و اترك گفتند



گناه آنها فقط این بوده که از جنایات امین سفاک حمایت نمی کردند



زندانیان بلچرخي حیات دشواری راسپری می نمودند

امین سفاک و باند جنایتکار او راهی موتری شد شاهد خوشی و سرور آنها و خانواده های شان که تازه می خواست طرف شهر حرکت کند. بودند و همه در هر لحظه ای بر پیروزی های آری، آنروز زندانیان سیاسی آزاد میشدند مرحله نوین انقلاب تور دعای کردند و بر باند و قدم بدنیای آزاد می گذاشتند که هزاران نفر جنایتکار امین نفرین می فرستادند.

زن جوان در حالیکه پیشروی هر زندانی آزادشده را میگرفت، فریاد میزد که برادرش چه شد او را چه کردید، در کجا شپید شد و ازین قبیل پرسش ها ولی هیچ کدام جوابش را نمی گفت بجز آنکه باوی میگریستند و اظهار تسلیت بوی می نمودند که این منظره دلخراش هر سنگ دلی را سر گریه می آورد و اشکها جاری میشدند.

مرزا محمد حسین خیل با شنیده بغلان هنگام خارج شدن از دروازه درونی محبس در حالیکه یکس نسبتا سنگینی را در دست داشت در برابر سوالی چنین اظهار کرد: من در سر مزعه خود مصروف کار بودم که چند نفر آمدند و بمن گفتند که بیایید یکبار بولایت مربوط بروید، من جزء قبول این پیشنهاد دیگر چاره ای نداشتم ناچار با ایشان رفتم آن ظالمان مرا در اطاقی حبس کردند و بعد شب هنگام آمدند و به شکنجه گاه انتقالیم دادند از عبد اب شکنجه چه عرض کنم، شکنجه چه که هنگام حرمت رو داشتند و فحش هایی نثارم کردند من بالاحاج وزاری گفتم: آخر چه کرده ام! می لت و کوبم می کردند و می گفتند که: دیگر با فلان و بهمان صحبت می کنی! و دیگر بعد ازین هم از پیشروی ما بر اعتنای گذری و ازین قبیل سخنان که انسان را بحیرت می انداخت.

زندانیان آزاد شدند، خوشی و شادمانی و وابستگی شان نمودار این حقیقت بوده که دیگر ظلم و ستم و آدم کشی از کشور ما رخت سفربسته و جایش را به صلح، آسایش و فعالیت دسته جمعی برای شکوفان گردیدن افغانستان عزیز رها کرده است.

در بیرون محبس هزاران نفر منتظرین دیگر بغاظر اینکه کشته های شانرا برای همیشه هم کرده بودند و در زیر ساطور امین سفاک جام شهادت را نوشیده بودند، غم و اندوه جانگاهی در چهره های شان مشاهده می رسید.

آری، آنها عزیزان خود را از دست داده بودند و سر ازین روز باید سر گلیم ماتم عزیزان شان می نشستند.

یک زندانی آرزو مند دیگر که با عجله راه بیوستن به خانواده چشم بر اهش رادر پیش گرفته بود، با من رو برو شد وقتی خود را باوی معرفی نمودم و از حال گذشته اش در باستیل جو یا شدم گفتم: این همه را که می بینی از لب گور برخاسته اند مگر چند روز دیگر اعمال جنایتکارانه امین و امینیان خاتمه نمی یافت، شاید

ازین میان یکی که پدر و برادرش را از دست داده بود گفت: طی مدتی که عزیزان شانرا از نزدشان ربوه بودند، همیشه گلیم غم و اندوه برخانه های شان هموار بود ولی حالا یکبار عزا داری میکنند و همیشه بر امین خونخوار نفرین می فرستند، وی در حالیکه می گفت: نفرین باد بر

قتل عده زیادی از خلق مبارز کمپوچیا بشمول
روشنفکران از کارهای عادی و معمولی این
رژیم خون آشام بود کم از کم سه میلیون نفر
از جمله هفت میلیون نفوس کمپوچیا طی این
مدت بقتل رسیدند. رژیم پول پوت که با کمک
توسعه طلبان منطقه در پنوم پن مستقر شد
طی دو دهه تاریک زمامداری چهار ساله خویش
از هیچ نوع ظلم و بیعدالتی در مورد خلق
کمپوچیا دریغ نکرد.

کمپوچیا قبل از آزادی از سلطه پول پوت
حیثیت یک کشور در حال مرگ را داشت که
خلق آن با انواع مختلف مصایب و آلام مواجه
بودند.

هنگام آزاد شدن، کمپوچیا چهره یک کشور
در حال مرگ را بخود گرفته بود که صنعت
وزراعت شدیداً از بین رفته و سایر فعالیت های
اجتماعی در حال نابودی کامل قرار داشت.

طبق احصائیه های منتشره چهار میلیون نفوس
باقیمانده از جمله هفت میلیون قبلی که سه
میلیون در کشتار ظالمانه پول پوت جان سپردند
دور فقر، چهل و مریضی بسر میبرد و عده
زیادی از آن ها بیکار بودند.

در سپتامبر ۱۹۷۹ تعداد معلمان، نویسندگان
آرتیستان، ژورنالیستان و روشنفکران که زنده
مانده بودند محض ده فیصد احصایه سال
۱۹۷۰ بود. طور مثال در سال ۱۹۷۰ (۴۰۰۰)

داکتر در کمپوچیا موجود بود که اکنون فقط
از آن جمله (۵۰) نفر باقی مانده است.

پول پوت و حامیانش قبل از گریز از کمپوچیا
همه فابریکه ها و تشبثات را ویران کردند و
کارگران از موسسات صنعتی اخراج نمودند و آنها
را طور آواره پراکنده ساختند. تحمیل کارهای



آب چاه نسبت دفن اجساد در نزدیکی آن غیر قابل نوشیدن گردیده است. این کشتارهای دوره تاریک پول پوت صورت گرفته است.

د. یوسفی

ترجمه و نگارش

شماره‌یی از جنایات ضد بشری رژیم پول پوت در کمپوچیا

خلق دایر این کشور بعد از آزادی کمپوچیا کار عمر آن مجدداً به شدت آغاز کرده‌اند.



عساکر رژیم پول پوت حتی تکلیف دفن نمودن مقتولین و قربانیان را قبول نمی‌کردند.

یکی از پهلوه‌ای ناگوار سلطه نظام های
استعماری و استبدادی، میراث های سوم و
ویرانی های اقتصادی و کلتوری است که بعد از
شکست استعمار و استبداد نصیب خلقهای مختلف
جهان می‌گردد.

این امر بخوبی در مورد خلق کمپوچیا که
تازه بناسیس یک رژیم و افکار دموکراتیک
توفیق یافته اند، صدق میکند.

برای اینکه یک تصویر روشنی از کمپوچیا
تحت تسلط رژیم فاشیستی پول پوت داشته

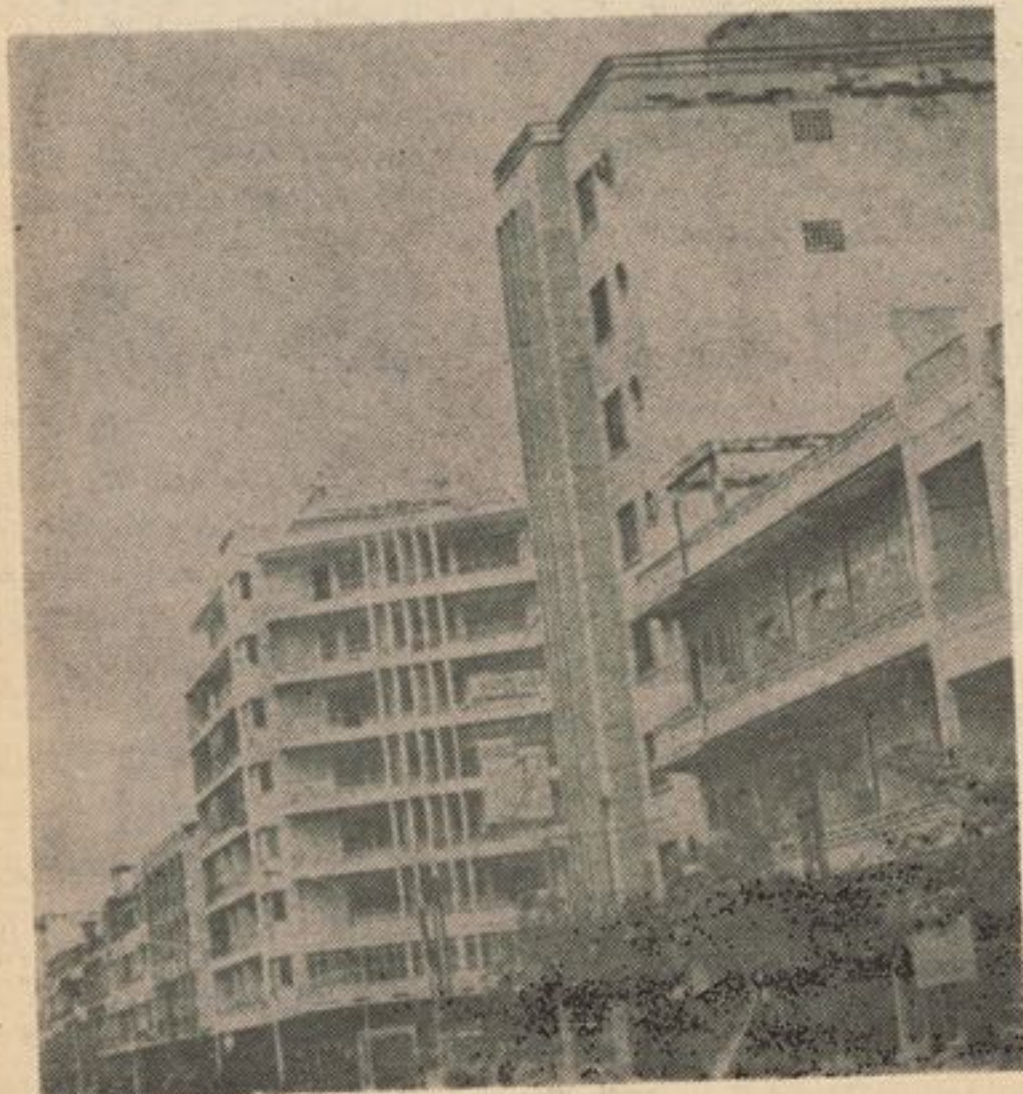
باشیم مختصراً بتذکر بعضی از جنبه های این
دوره تاریک چهار ساله می‌پردازیم. باید گفت
که طی استبداد چهار ساله دار و دسته پول پوت
ینگ ساری همه شهر ها تقریباً بویانه‌ها تبدیل
شده بود. قریه ها خالی از سکنه بود خانواده
ها از هم بکلی متلاشی بوده، صرف غذای همه
اعضای یک خانواده در یک جای اکیدا منع بود و
هر کس جداگانه جیره ناچیز خود را که اکثراً
برنج می‌بود می‌گرفت و با شکم نیم سیر و روح
افسرده زندگی بر رنج خود را بسوی آینده
مجهول و متحلامرگ قبل از هنگام ادامه میداد.



يك مکتب حریق شده در انگیانگ



در اندیشه و غصه خا نواده ازدست رفته اش



پنوم پن شهری که هنگام سلطه پول پوت به شب میماند

نقیل - ۱۲) ساعت در روز و موجودیت کمپ های شکنجه دهنده اکثریت خلق کمپوچیا را از زندگی بیزار ساخته بود در چنین شرایط دشوار و ناامید کننده اقتصادی و سیاسی بود که خلق مبارز کمپوچیا به حکومت پول پوت خاتمه دادند .

تولد دو باره کمپوچیا :

به تعقیب يك سلسله قیام های خونین سر انجام اردوی انقلابی خلق کمپوچیا در هفتم جنوری ۱۹۷۹ پنوم پن را آزاد ساخت و بتاريخ هشتم جنوری همین سال شورای انقلابی خلق تحت ریاست هنگ سامرین تاسیس شد . باینوسیله جمهوری خلق کمپوچیا عرض اندام کرد .

یکی از وظایف اولی شورای انقلابی ، عادی گردانیدن حیات در کمپوچیا و تهیه کمک های غذایی و طبی برای خلق آنکشور در مناطق قطعی زده بود . دهها هزار تن شالی و سایر کمک های طبی و غذایی که توسط جمهوری

قریب سه میلیون نفر طی دوره تاریک چهار ساله

پول پوت در کمپوچیا به قتل رسیدند .

سوسیالیستی ویتنام و سایر کشور های برادر سوسیالیستی در کمپوچیا سرازیر شد سرعت به خلق آنکشور توزیع شد و سلسله این کمک ها در سطح ملی و بین المللی همچنان جریان دارد .

کارگران کمپوچیا بعد از تارو مار شدن رژیم پول پوت با علاقه فراوان به کار های شان باز گشتند . فابریکه ها مجدداً به تولید آغاز کرد ولی فابریکه ها تقریباً همه متلاشی و پارچه شده بود و برای حکومت انقلابی کمپوچیا مشکل بود تا طور لازم فابریکه ها را فعال گردانند . از یکطرف کمبودی های زیادی از لحاظ پرزه و ماشین آلات برای فابریکه ها موجود است و از سوی دیگر قلت مواد سوخت محسوس بوده و هم تعداد زیادی از کارگران ماهر طی دوره اختناق آور پول پوت کشته شده اند .

توجه به تعلیم و تربیه مجدد :

شورای انقلابی خلق کمپوچیا گرچه مساعی اعظمی خود را در مورد غلبه بر قطعی و احیای مجدد فعالیت های اقتصادی آنکشور متمرکز گردانیده است معیناً حکومت جدید انقلابی توجه زیادی را به تعلیم و تربیه صحیح انقلابی معطوف داشته است . سال های ۱۹۸۰ - ۱۹۷۹ بعیت اولین می نمایند .



منظره‌یی از کاخ موزیم پاولوفسک

ترجمه : احمد

از سیو تنیک

کاخ موزیم پاولوفسک در اتحاد شوروی

میکرد تا در وقت بازگشت آرا بسکه آسانی در یافت کنند. با این نقشه ویلان یسارک زینووه بتا ریخ (۱۶) سپتمبر (۱۹۴۱) از موزیم پاولوفسک خارج شد زیرا درین روز جرمنی‌ها به پا رک رسیدند شب را به بسیار نا آرامی سپری کرد زیرا همه جا را آتش فرا گرفته بود و از موزیم به کلیسای ایسا کوف آمد و در اینجا (۹۰۰) روزهای محاصره را سپری کرد. در اینجا باز یینووه سه زن دیگر نیز زندگی میکردند اینها سیر و فیو بالایووه محافظ کاخ، ایرینا یا نچنکو همکار فنی

تری آنها واقع بود. بعد از اینکه قطار آخری با گنجینه‌های موزیم با و لو فسک عازم مناطق شرقی اتحاد شوروی گردید هنوز آثار هنری قیمت بهادر کاخ باقی مانده بود. اینها باید به زیر زمینی‌های کلیسای ایسا کوف انتقال داده میشدند اما باز هم مرمز ظریف ممکن بود در اثر انتقال بشکند. در مقابل گذاشتن آنها به حال سابق نیز خطرناک بود زیرا فاشیست‌ها ممکن بود همه را به باد فنا می‌سپاریدند. زنها مجسمه‌ها را از جاهای آنها به بسیار احتیاط از طریق زمینه‌ها که بالای آنها تخته‌های چوب گذاشته شده بود کشتان کشتان به زیر زمینی‌های موزیم میکشاندند و به یکی از نقاط خلوت آنها را قرار میدادند. بعد همه را با خشت‌ها مسدود میکردند و برای اینکه کسی به آنها برنبرد همه را باریک می‌پوشانیدند. چون در پا رک کاخ موزیم یکتعداد زیاد مجسمه‌های نادر و قیمتی وجود داشت برای اینکه از تخریبات اشغالگران فاشیست‌های آلمانی در آلمان با قسری میماندند خندق‌های عمیق حفر میکردند و آنها را در آنجا دفن میکردند. قبل از عقب نشینی عساکر شوروی یکی از سربازان در یکی از مجسمه‌ها که بتام «صلح» یاد میگرد چنین نوشته بود: «ما دوباره با ز میگردیم و تو را پیدا میکنیم». در خندق‌ها علف، برگ‌ها و غیره اشیای نرم میگذاشتند.

چون اناز یینووه نقشه پارک را با خود میداشت در نقشه همه خندق را نشان

ده کردیم. در پاولوفسک در نزدیکی شهر لنینگراد اتحاد شوروی واقع میشد. نواحی کاخ را طبق اظهار متخصصین یکی از بهترین پارک‌های جهان احاطه نموده است. در سالهای جنگ دوم جهانی فاشیست‌های آلمان کاخ را آتش زدند و اشجار پارک را قطع کردند. در تاریخ احیای مجدد پاولوفسک اناز یلیووه که فعلا رئیس موزیم میشد رول مهمی را بازی نمود. این زن در سال (۱۹۴۱) مسئول انتقال عجایب و مناظر موزیم پاولوفسک مقرر گردید. چینی‌های ظریف، تصاویر و گلدان‌های مقبول را که از مرمز سبز ساخته شده بود در قطعی‌های مخصوص جا میدادند و بسته بندی میکردند. در حال حاضر لغت بسته بندی بسیار ساده و آسان به نظر می‌خورد اما در آنوقت ضرور بود تا از هر جلیغ‌راغ صورت حساب دقیق آماده میشد به عین ترتیب آویزه‌های کریمتالی با بد یا ز میشد و به اطراف آن کداه چیز بسیار نرم گذاشته میشد تا از شکست آن در وقت انتقال جلوگیری میشد. اما تعداد آویزه‌ها هزار نیز زیاد بود. همینکه صندوق‌ها کفایت نمیکرد از وسایل مختلف کار می‌گرفتند و در اطراف آن علف می‌گذاشتند در پهلوی این همه مشکلات تعداد کارگران به چند نفر محدود می‌شد و آن هم‌زمان بودند زیرا مردان همه به جبهه رفته بودند چند گروه کارگری را که شو را می‌سپری غرض انجام کارهای مذکور تخصیص داد نیز زنان بودند. خط جبهه جنگ در چند کیلو



قسمتی از عجایب پارک موزیم

های سنگین وارد میشد و آنها را از پوست جدا میکرد.

درین وقت حساس انازیووه به همه مقامات مسئول اثبات میکرد که بدون توقف و تاخیر حفاظت کاخ صورت بگیرد والا از بین می رود. اما خود نمیدانست که این همه کارها را برای چه به هنگام اثبات میکند. هنوز جنگ دوام داشت نیروی کار کفایت نمیکرد و سایرین نیز موجود نبود. زینیووه نزدیکی از امرین ساختمانی مراجعه کرد تا برایش ضرورت اعمار مجدد کاخ موزیم را تشریح نماید اما در مقابل امرینمی خواست به حرفهای او گوش دهد و چنین ادامه داد: «موزیم شما آدرس را غلط کرده اید. ما افراد نظامی هستیم و مسایل کاخ مربوط ما نیست». آمر هیچ این را تصور هم نمیکرد که چند روز بعد همین زن خواهد آمد و نزدش مکتوب را با محتویات ذیل خواهد گذاشت: «به صورت استثنائی به ترمیم کاخ پاولوفسک آغاز کنید».

در کاخ که از مابین تفسیه شد کارهای ساختمانی آغاز شد. همه قسمت های کاخ تخریب شده بودند و سطح محلول های مخصوص استحکام کاری می نمودند. اشیای که قابل استحکام کاری نبودند به نحو پلخانه انتقال داده میشدند و زنها از خانه های خود همه چیزها را که در ترمیم کاخ بکار میرفت می آوردند تا ترمیم کاخ هر چه خوب تر صورت بگیرد.

برای اینکه هیچ یک از عناصر به جای دیگر نصب نمیکرد دید از سیستم مخصوص رمز نویسی استفاده نمودند. هر یک از سالن ها دارای رمز مخصوصی و هر دیوار نمبر مخصوص داشت.

کارکنان «لنوو یکت» در کاخ اندازه گیری ها را آغاز کرد چندی بعد فیو دور-الینیک از جنگ بازگشت. این هنوز قبل از جنگ محصل بود و دیپلوم خود را در موضوع «ساختمان کاخ پاولوفسک و نقش و نگار دیواری نما یسگاه گوناگون» دفاع نمود.

بقیه در صفحه ۴۳



گوشه ای از موزیم پاولوفسک

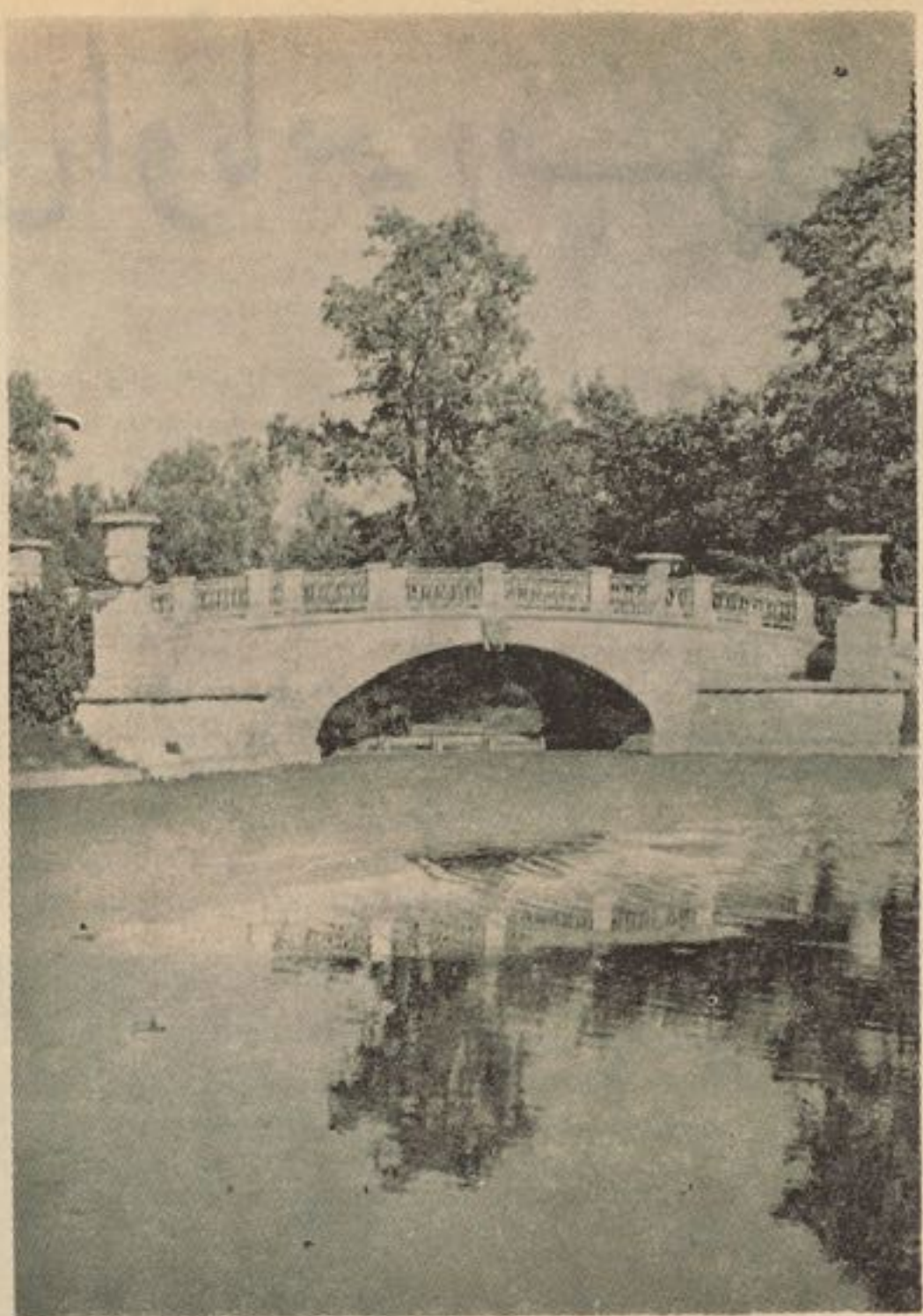


آثار قیمتی موزیم که در وقت جنگ تخریب گردیده بود.

هنوز نمیدانست که بعد از اعمار مجدد چه شکل را بخواد خواهد گرفت. شاعر معروف آنوقت لنینگراد و پسرا اینتر در کتابچه یادداشت خود مو ر خه اول فیبروری سال (۱۹۴۴) چنین نوشته بود: «دیروز با نقاشان و کارکنان موزیم به دو درگوف پاولوفسک و پوشکین رفتیم. به کاخ پاولوفسک رسیده توانستیم زیرا که پل توسط جرمنی های فاشیستی منبجر شده بود ما زینیووه به چنان سرعت از راه های دور و دراز و پر مشقت به اطراف ساحل خود را رسانید که مرد ها نمی توانستند پی او برسند و از موزیم به سوی شهر دو باره به بسیار آرا می گام می برداشت قسمیکه معلوم شد تنها شکل خارجی آن به حالت بسیار وخیم خود باقی مانده بود، در داخل کاخ همه از بین رفته بود. چندی بعد زینیووه به بسیار مشقت پیاده خود را به اطراف واکناف شهر لنینگراد رسانید تا اشیای را که توسط اشغالگران آلمانی به غارت برده شده بود دریافت نماید. در نتیجه تفحصات خود قسمتی از اشیای را دریافت کرد و قسمتی آنرا بعد ها در شهر ریگا و در جرمنی بدست آورد اما غایبات بسیار زیاد بود.

در کنگرس بین المللی مهندسانین لندن که رایج به تعیین خسارات ناشی از جنگ جهانی دوم تریب داده شده بود اتفاقا ذیل طنین انداز بود: «بشریت از مجسمه های قیمتی و آثار پو شکن و پاولوفسک بسیار غمگین میا شد».

چطور ضایعات جبران می شد! در دیوارهای داخلی کاخ که ده روز پیشو خست هنوز قسمت اعظم دیکور گچ کاری و بقایای نوشته ها باقی مانده بود. در پهلوی این رسامی های حقیقی بعضی از عکاسی ها نیز بحالت خود دست نخورده نیز بحال اولی شان باقی مانده بودند. اعمار مجدد امکان پذیر بود اما رئیس بدون کارگران چه کاری را انجام داده میتواند! از اینکه گچ از آتش صدمه فراوان دیده بود در مقابل بر ف با ری تحمل ندانست و پارچه پارچه نقش های برجسته بر زمین میریختند. نوشته های که برنگ روغنی صورت گرفته بود از اثر سرمای شدید رنگ خود را می باختند. دربارک باد های شدید می وزید. این باد ها مخصوصا برای نقش های دیواری ضرر



قسمتی از منظره پارک موزیم که در اوایل قرن ۱۹ ساخته شده

کدام جا غلام میبودند امکان رسیدن سالم را به اینجا نداشتند زیرا هر لحظه ممکن بود بمباری شهر آغاز شود. سردی هوا روز بروز شدت می یافت و قسمت خول ما نند مسایق قیودات وضع نه بود همه با لایوش ها داخل میشدند و به اندازه ضعیف دیده میشدند که قدرت آنرا نداشتند تا بر ف را از بالای لایوش دور کنند بعضی ها با اطفال خود بکجا به سوی محل کار روانه میشدند. خواندن کتاب مشکل شده بود زیرا از یک سو شیشه های پنجره ها یخ بسته می شدند و از سوی دیگر چشمها از اثر گرسنگی باز نمیشد.

زینیووه در جواب سوالی که درین مدت مصروف چه چیزها بود چنین گفت:

«من درین وقت افکلاف اجتماعی اواخر قرن هجده و اوایل قرن نوزدهم مطالعه میکردم میخواستم را جمع به اطراف لنینگراد و موزیم پاولوفسک چیزی بنویسم درهمه مکاتیب خود که زینیووه با دوستان خود در جاهای دیگر مکاتبه میکرد لغت «پاولوفسک» بسیار دیده می شد میخواستم از آنها رایج به اعمار مجدد کاخ مشوره های لازم دریافت کنم اما

کاخ و ینگینیا تو رو و محافظ کاخ های شهر پوشکین بودند. انازیووه به بسیار نرمی و علاقت از رو حیه قوی آنها چنین حکایت میکند:

«درین وقت هوا بسیار سرد بود. چندی بعد هوا به اندازه سرد شد و قتی میخواستم کمی احساس گر می کنیم از کاخ به جاده خارج میشدیم. وقتی که بهار فرار رسید یخبندی های دیوارها رو به آب شدن شد و از آنجا ما نند جو بچه ها جاری شد. درین ضمن تنها کمی تخریب شد و آب زیر زمینی ها را فرا گرفت و صدوق ها را به بسیار زحمت از زیر زمینی بیرون می آوردیم و آب را دور میکردیم».

بعد از اینکه صندوق را بیرون می آوردند همه اشیای را خشک میکردند. به این ترتیب از جمله آنها (۱۳۰۰۰) عدد خشک کاری شدند.

در ساعاتی که بمباری فاشیست ها متوقف میشد همه کارکنان بین دو یا سه رستمان را بسته می کردند و پارچه های گلدوزی ابریشمی و دیگر اشیای قیمتی را خشک میکردند ممکن است اینطور فکر شود که مردم می ایستادند و از آنها دیدن میکردند اما نه. مردم لنینگراد در آنوقت اگر به

خواړه ناسي چوروي او ناسي نسي

بشر ددی دپاره چه ژوندي پاتى شي زياتي
اپتيوي لري چه ډيره مهمه اپتيا يسي
خواړه او بياپوښاک او کوردي .
ښه تغذيه ته يواځي دانسان د جسمي
او رواني سلامتې تنظيموي بلکه د ژوند
نه په اعظمي گټه اخستلو سره د بشر د کار
محصول پور ته بيا يي او پدي ډول د هيواد
په اجتماعي او اقتصادي پرمختگ کس
مولر نقش لوبوي .
دانسان روغتيا ، سلامتيا او کفايت دهغه
لازمه او ضروري غذائي مواد و پوري اړه
لري کوم چه د ژوندانه په بيلو بيلو مرحلو

ددهم وکو په جوړښت کي يوه
کاني ما ده چي دکلسيم پنا مه ياد
يزي يو مهم او اساسي عنصر
شميرل کيږي . اما دکلسيم ته پيښه
هيو وکو دجوړښت له پاره هغه
وخت صورت مو مي چي په وجود
کي دويتا مين ډي کافي مقدار موجود
وي . ځکه دويتا مين ډي مو جوړ ديت
ددي سبب کيږي چي لازمه انداز
کلسيم دکلمو څخه جذب او ورو
سته دهم وکو په جوړښت کي تري
کار اخيستل کيږي .
نن دنړي په پرمخ تللو هيوادو

هغه څه په پاملرنه سره چي
وو پيل شوه . دادي هغه مطالب چي
دخواړو بالخاصه وينا مينو په هکله
تهيه شوي تا سو گرا نو وطنوا لو
حضور ته وړاندي کوم هيله مند يم
چي دا راپورل شوي مطالب ستا سو
داستفا دي او مننې وړ واقع شي .
د بدن اپتيا خواړه ته :
ښه او په انډول خواړه دپوره
روغتيا د تا مين له پاره ضروري دي .
ځکه د بدن وده او انکشاف توا لداو

دټولني دهغو غړو دوجود مقاومت
چي داقتصا دي کمزور تيا له کبله
کافي اومنا سبب خواړه نشي
اخيستلای ډير ټيټ وي لدی کبله
دا ډله خلک په مکرو بي ناروغيو
زيات اخسته کيږي .
دنارو غيو سیر په هغو کسانو
کي چي دغذا يي موادو په کمښت
اخته وي ډير خطر ناک وي اواکثرا
وجود نشي کولای دهغوي په مقابل
کي مقاومت وکړي دزخمو نو جوړ
يدل پداسي خلکو کي ډير وخت
نيسي او دمکرو بو دمداخلي په
اثر دهغو دښوالي او يارو غيدلو
احتمال ډير لږ وي . برعکس هغه
کسان چي ښه او مناسبت خواړه
اخلي دنا روغيو په مقابل کي
زيات مقاومت لري . او ډير لږ ناروغيه
کيږي .



کي د هغه بدن ته وسپري .
هغه څوک چه په سمه تغذيه لوي شويوي
د روحي او جسمي پلوه روغ وي او د
اجتماعي له نظره بر يا لږ او په خپل ژوند
مين وي . او له بلي خوا څرنگه چه کافي
مقاومت د ناروغيو په مقابل کي لري . په
عمومي توگه د يو کس ملي روغتيا او
خوشحالي ته پر خور د اړه وي .
نا مکمله او ناسالمه تغذيه دهر چا او
هري ټولني لپاره گرانه تما ميږي اکثره
دتنفسي ، عصبي او عصبي سيستمو ناروغي په
غير مستقيم ډول د نا درستي تغذيه نتيجه
ده دا ناروغي د ټولني د غړو د نا توان
کولو له کبله دنه چیران کيدونکو اقتصادي
او اجتماعي زيانو لامل و جو ب کيږي .
او دا ادعا چه مخنيوي يا وقا په موثره
او ارزانه لهدرممل څخه ده ، د پوره
په ځای او معقول اودمترولوپڅېره

تنا سل دانر ژي او حرارت يا
تودو ځي توليد جسمي او روحي
ښوا لي ډيري نږدي او نه بيليدو
نکي اپيکي دخواړو سره لري .
۱- خواړه دوجود دغړو دطبيعي
ودي له پاره :
پرو تينو نه ، مالگي ، کافي مواد
وجود دجوړښت اساسي مواد
تشکيلوي . ځيني نور مغذي مواد لکه
ويتا مينو نه دجوړښت دعمليو په
چټکوالي ، تنظيم او ترتيب کي مهم
رول لري ددي دپاره چي مطلب مو
ښه اوواضح تشریح کړي وي .
ترڅو پوه يي آسانه شي تا سو
ته يومثال وړاندي کوم .
کي دتغذي دسمون په اثر دکتنسي
وپر جسمي بدلون په ځوان نسل کي
منځته راغلي دي . پدي معنی چي د
نن ورځي هلکان او نجوني دخپلو
پلرونو او ميندو په نسبت دقد
او قامت له نظره جگ او جسمي
غښتلي او پياوړي دي او هم دخپلو
ميندو په پرتله ژر بلوغ ته رسيږي .
ترهغه ځايه چي ثابته شوي هيڅ بل کوم
محيطي عامل بي له خواړو نه
پدي برخه کي رول نري .
۲- خواړه دترميم يا جوړولو
له پاره :
ديوي ښي او متوا زني غذا په
را نيولو سره پر هارو نه اود بدن
ته نور وارده زيا نو ته په ډير لږ

۳- خواړه دتوا لد او تناسل
له پاره :
دبي انډول لي او نامنا سبي غذا
خو پل جسمي خستگي ، ستر يا ،
کسالت ستو مانتيه ضعيفيت او بي
کفايتي منځته را وړي . جنسي
خوا هشات او تمايلات کموي او
حتي دښمنيدو سبب کيږي .
۴- خواړه د بدن دمقاومت له
پاره :
دټولني دهغو غړو دوجود مقاومت
چي داقتصا دي کمزور تيا له کبله
کافي اومنا سبب خواړه نشي
اخيستلای ډير ټيټ وي لدی کبله
دا ډله خلک په مکرو بي ناروغيو
زيات اخسته کيږي .
دنارو غيو سیر په هغو کسانو
کي چي دغذا يي موادو په کمښت
اخته وي ډير خطر ناک وي اواکثرا
وجود نشي کولای دهغوي په مقابل
کي مقاومت وکړي دزخمو نو جوړ
يدل پداسي خلکو کي ډير وخت
نيسي او دمکرو بو دمداخلي په
اثر دهغو دښوالي او يارو غيدلو
احتمال ډير لږ وي . برعکس هغه
کسان چي ښه او مناسبت خواړه
اخلي دنا روغيو په مقابل کي
زيات مقاومت لري . او ډير لږ ناروغيه
کيږي .

رول لری اوددی ویتا مین دغا صیت پوا سطره ستر گی کو لای شسی چی دزیا تی رها خخه په کمه رها کی خپل تعا دل بر قرار کړی . او خپل لید نه وسا تی ددی ویتا مین په کمبیت سره دستر گو دا خاصیت او دید لږ کپړی او بالاخره لمنځه ځی . او دیوه نارو غی چی شبکو ری پنا مه یاد پری منځته را ځی . چی په هغه کی ستر گی په لږه رها او نیمه تیا ره کی ښه لید لی نشی . د شبکو ری دوام په کو چنی ماشومانو کی ناوړه عوا قب له خانه سره لری خکه چی کو چنی ما شومان خپل ستونزه ویلی نشی شبکو ری هم په هغوی کی پت سپر کوی . چی متا سفا نه په پای کی په ږند یدو

تما میږی . ددی ویتا مین یو مهم خا صیت د بدن دطبعی مقا و مت زیا توا لی او تا مین دی دمکرو بو په مقابل کی . هغه خلک چی د ویتا مین په کمبیت اخته دی دبو لی او تنفسی لارو په نارو غیو زیات اخته کپړی . دا ویتا مین د وجود یو سترکی روغ ساتی دهو وکو غا ښو نو او په اور ید لو کی ښه تا ثیر لری .

ویتا مین آ دتودو ځی په مقا بل کی مقاوم دلمر دوړا نگو پوا سطره تخریب پری دامید وا ری اودشیدو ور کولو په وخت کی د وجود اړتیا دی ویتا مین ته زیا ت پری .

دویتا مین آ مهمی منا بسع څکر ، دشیدی کوچ دچر گی دهکی ژپر ، تر کا ری ، با لخصوص کازری کدو خواړه آلو گان ، پالک ، گشنیز میوی لکه زردا لو ، شفتا لو ن و آلو - بخارا دی . دحیوا نا تو پښتور گی هم لږ شا نته ویتا مین آ لری .

ویتا مین دی:

ویتا مین دی چی دلمر دویتا مین په نامه مشهور دی د بدن په وده او پا تی په ۵۴ مخکی

کپړی ددی له پاره با ید په ورځ کی په منظمه اندا زه وا خیستل شی . مگر په غوړو کی منحل ویتا مینونه په بدن کی ښه ذخیره کپړی . په کلی توگه په نظر کی باید ولرو چی په غوړو کی منحل ویتا مینو نه په عا دی حرا رت چی په پخلیو کی تری کار اخیستل کپړی له منځه نه ځی او په هغه او بو کی چی دپخو لو له پاره پکار اچول کپړی نه حلیږی . پدا سی حال کی چی په او بو کی منحل ویتا مینو نه په آسا نی سره په او بو کی حل کپړی . اوڅه مقدار یی دپخلی دحرا رت په وا سطره له منځه ځی . لدی کبله دهغو خوړو په پخلیو کی چی دا غذا یی مواد پکښی مو جود دی دهغولارو چا رو خخه چی ورو سته تری یادو نه شوی ده تری کار وا خیستل او سمه ور ته پا ملر نه وشی .

درنو لو ستو نکو ستاسو دمعلو - مات له پاره هر ویتا مین جلا جلا تر مطا لعی لاندی نیسو اود هغو دښیگنو اود کمبیت دناوړه نتااجو



خخه یادو نه کو .

په غوړو کی منحل ویتا مینو نه ویتا مین آ دا ویتا مین دستر گو دیوی مهمی برخی په جوړ ښت کی اسا سسی

شمیر خواړه کافی اندازه ویتامینونه لری .

دویتا مینو کمبیت په ستر گو بو سترکی (عضلا تو) هلو وکو - اعصابو زړه پښتورگی - تناسلی -

هضمی او تنفسی دستگاو با ندی ناوړه اغیزی کوی . او ددی په څنگ کی دانسان په روانی حالت بانندی هم نامطلوبه اغیزه کوی . ویتامینونه په دوه برخو ویشل شویدی :

لمړی برخه هغه ویتامینونه چه په غوړو کی منحل دی او دوهمه برخه یی هغه ډله ویتا مینو نه دی چه په اوبو کی منحل دی .

په غوړو کی منحل ویتامینونه عبارت دی له ویتا مین آ . دی . ای اوک په اوبو کی منحل ویتامینونه دی گروپ ویتا مینونه او ویتا مین سی او نور دی .

په او بو کی منحل ویتا مینو نه په ډیره لږ اندا زه په وجود کی ذخیره



کس را از محیط زندگی خود دور کنسید .

ټول مواد په خواړو کی چی باید دسمی تغذی دلیاری په صحی تو گه بدن ته ورسول شی . که نه نو بیل بیل غړی او په مجموعی تو گه ټول بدن کمزوری کپړی او په نارو غی با ندی اخته کیدو ته چمتو کپړی .

دغذا یی موادو ډو لو نه:

په عمو می توگه غذا یی مواد په دری برخو ویشلای شو .

لمړی برخه : هغه خواړه چی سو زی او تودو ځی او انر ژی تو - لیدوی دا ډله عبا رت دی له قندونه نشا یسته او وازدی یاغوړو خخه

دوهمه برخه - هغه خواړه چی د بدن دانسا جو جوړ ښت او ترمیم له پاره پکار وړل کپړی او هغه پرو تینو نه دی .

دریمه برخه : هغه خواړه چی دوجود دغوړو ددندو په سا تنه تقو په جوړښت ، تنظیم او تعا دل کی اسا سسی نقش لری . هغه عبا رت دی . ویتا مینو نه ، کا نی ما لکی او اوبه دی . دلته موږ یوا ځی په یسو شمیر مهم او حیاتی موادو په هکله چی ویتا مینونه دی خبری کو . سربیره پردی دخواړو سسی او صحی پخولو په هکله هم څه مطا لب تاسو در نو لوستونکو ته وړاندی کوم .

ویتامینونه :

ویتا مینو نه هغه حیا تی اوبارزښته غذایی مواد دی چی دوجود دبیلو غړودندو په سلامتیا مقا ومت ساتنی او تنظیم کی ستر نقش لوبوی زیات



دهمین قرن تولد دانشمند بزرگ ابن سینا در سال ۱۹۸۰ برگزار میگردد

خاص امیر حاضر نمایند. اما کوشش ها و تحقیقاتی که صورت گرفته هیچ يك ازین تصاویر بدست نیامده بنابراین سوال که طرح میگردد این است که ابن سینا چه تصویر و شکل داشته است .

بوعلی سینا در سال ۱۰۳۷ در شهر همدان ایران از جهان رحلت نمود در همانجا به خاک سپرده شد بعد ها جسد او را به محل سعید نفیسی انتقال دادند .

سعید نفیسی دانشمند و نقاش چیره دست شرق دو تصویر از ابن سینا را ترسیم نمود و توانست زیاد ترین تصاویر را ترسیم کند زیرا در آن زمان ترسیم تصاویر توهین به مقدسات و عنعنه آن زمان شمرده میشد و از طرف علما و مشایخ مذهبی به باد تکفیر متهم میگرددند . این تصویر حصه از مجسمه ابن سینا را نشان میدهد که این تصاویر بعد ها در اتحاد شوروی در دانشگاه تحقیقاتی انتقال یافت .

ترنوفسکی عضو انجمن تحقیقاتی علمی اکادمی اتحاد شوروی از نقطه نظر اناتومی تصویر مذکور را مورد ارزیابی و تحلیل قرار داده که این تصویر بیش تر و مسمن تر از سال حقیقی خود ۵۷ به نظر میرسد . از ظواهر آن چنین به نظر میرسد که دانشمند مذکور از حیات خویش را ضایع نموده است اما در آخر دوران حیات او به زندگی علاقمندی و دلچسپی خاص داشته است . اراده و عقیده او به پیروزی غلبه به مشکلات الهام بخش دیگران خصوصا در آینده هادور و جهان امروزی گردیده است .

نظرات و تیوری های طبی او از طرف دانشمندان طب در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در موسسه اندیزهان مورد تحقیق قرار داشته و از نظرات و اندیشه های ابر مرد بزرگ تاریخ هنوز هم استفاده مزید در ساحه طب بعمل میاید . تحقیقات دانشمندان در مورد تصاویر و مجسمه های این مرد بزرگ نتایج زیرین بدست داده است :

ساختن چمنه او که توسط بشر شناس میخایل گراسیموف و ترنوفسکی مورد ارزیابی قرار گرفته نشان میدهد که چشم ها این تراز سطح بل سوراخ بینی در حدود چند میلی متر



دانشمند بزرگ ابن سینا

پروفسور یوسف اتابیکوف رئیس دانشگاه روزی روی میزش تصاویر پوست کارت و عکس های جالب از ابن سینا عالم شایسته افغانستان را که از گذشته ها تا نشان و رسمان چیره دست کشیده بودند گذاشت که بخوبی و صراحت نمایانگر چهره فیلسوف ما باعالم شایسته بوعلی سینای بلخی است در بعضی جا ها او لنکی بزرگ به سر داشته و در بعضی تصاویر و نقاشی های دیگر او کاملا چهره يك دانشمند را داشته است .

مجسمه ابوعلی سینا که در ایران موجود است این مجسمه از سنگ مرمر سفید ساخته شده چنانچه ابوعلی سینا را نشان داده که گویا تاجری از قسمت های بغار در حال گشت و گذار در نقاط مختلف جهان است در حالیکه رسم چهره دست فرانسوی به بوعلی شکل پادشاه فرانسه لویز را داده است که در حال عروج و شکوه و دبدبه خاص است .

پروفسور یوسف میگوید که راویان چنین روایت میکنند که سلطان محمود غزنوی چهل تصویر ابوعلی سینا را کشیده و دستور داده بود که آن ها را به ولایات مختلف ارسال دارند و هم دستور داد که دانشمند برجسته را به دربار

قرار دارد که نمیتواند تمثال حقیقی وی را نشان دهد .

کار تحقیقاتی در موسسه تحقیقاتی هنوز هم جریان داشته و به اساس گفته سوکولوو دانشمند زیبایی شناس در هریک از علایم که در تصاویر و مجسمه های این مرد از طرف نقاشان و میناتوران ترسیم گردیده خصوصیات زندگی و آثار فلسفی را در چهره این مرد بزرگ تاریخ نشان میدهد . مجسمه ابوعلی سینای بلخی در وسط دانشگاه های علمی در اتحاد شوروی قرار داشته این مرد بزرگ که برای بهداشت و صحت بشریت مبارزه نموده الهام بخش دگران قرار دارد . به اثر تحقیقات دانشمندان اکادمی طبی اتحاد

داحسان ژاپره

دخمکی د آب او هواد خرنگوالی در اتلونکی په هکله نوی خیرنی

کی دسا نتي گراد پنځه در جی او په ژ می کی شل در جی یتوی . د کنگل کیدو علت دلیر په وپانگو او د کال په تودو او سړو موسمونو پوری اړه لری ، که دهوا دتو - دو خي احتما لی اندا زه زیا ته شی ، دا امکان شته جی گوندی دمنځنی ارکتیک کنگل به دژمی دعادی کنگل ته رایت شی او په پای کی به دغه کنگل بیخی و یلی شی . همدا راز پو هان عقیده لری که چیری دخمکی شمالی نیم کړی تو - دو خه د سانی نتي گراد د دوو در جو په اندا زه زیا ته شی دار کتیک کنگل به

ویلی شی دا لاندی جدول دار کتیک د سمند رگی د کنگلو نو د طبقو و یلی کیدل به په راتلو نکو شلو کلو نو کی احساس شی . او دغه کنگلو ته به په (۲۰۲۵) عیسوی کال کی بیخی و یلی شی .

که دخمکی تو دوخی زیا ته شی ، دغه تودو خه به دخمکی دیلو دیلو عرض البلدونو کرښو سمبول یو شان نه وی . د منا ل په تو گه که په (۲۰۲۵) عیسوی کال) کی ، دخمکی د شمالی نیم کړی منځنی تو دوخی دسا نتي گراد له دوو خغه تر دری اعشاریه

پنځو درجو پوری لوړه شی د لوړو عرض - البلد و نو سیمو ددو بی تو دوخی به د سانی گراد له ۷ نه تر لسو درجو پوری زیاته شی ، اود دتوسیمو د ژمی دتودوخی انداز به د سانی گراد له منځی پنځو نه تر لسو درجو پوری یتته نشی . دهوا د تو دوخی دغه در اما تیک تغییرات به په عمو می تو گه

د نړی په اقلیمی حالا تو کی بد لو نو نه را مینځ ته کړی او دغه بدله نو نه به په لوړو او ټیټو عرض البلد و نو سیمو کی ښکاره شی . ددی عقیده لپاره هم پوره د لیلی نه پاتی په ۵۸ مخ کی

په پخوانیو وختونو کی ځینی پوهانو دا نظر در لود چی د نړی آب او هوا په تدریجی سر پړی او دغه سړو خه به داز مینه برابره کړی چی بیا دخمکی دکړی پر مخ دکنگل دوره پیل شی . خو او س پو ها نو په دی هکله زیاتی خیرنی کړی دی او په دی هکله بیلی بیلی نظر یی یی وړا ندی کړی دی . د شلمی پیری تر نیما یی وختو نو پوری دخمکی اقلیمی حالت په عمو می تو گه د بشر د یو لنیز و او اقتصادی فعالیتو نو خغه جلا شمیر ل کید . خو وروسته دغه جلاوالی تغییر و موند ، دخمکی پر مخ د سون د موادو د سوزیدلو او راز راز لو گیدو د پور ته کیدو په نتیجه کی دخمکی په اتمو سفیر کی د کار بن دای ا کسا یداندازه زیا تیری او همدا راز دخمکی د اتمو سفیر طبیعی حالت له تو پیر سره مغا خ کوی او دخمکی دحرارت په اندازه کی هم زیا توالی مینځ ته را ځی . د نړی په ډیرو هیوادو نو کی پوهانو په یو لړ خبر نو او تحقیقا تو بوخت دی خو داسی حقا یق پیدا کړی چی دکار بن دای اکسا ید دکتلی دتوا لی اندازه و پآ کی او همدا راز د کار بن دای اکسا ید زیا تیدو اغیزی دخمکی اتمو سفیر دتو دوخی ددرجی په لوړ و ا لی کی گړندی کړی ، نوموړو پوهانو دا نظر په غر گنده کړی ده چی دکار بن دای اکسا ید دکتلی اندا زه دوه چنده شی دخمکی د کړی د اتمو - سفیر د لاندنی طبقی دتو دوخی درجه به د سانی نتي گراد دریو در جو په اندازه لوړه شی .

دیوهانو داخر گندونی په راتلونکی کی د هوا دتو دوخی داندازی او خرنگوالی په باب زیا تی اسا نتیا وی برابروی . دعلمی احصایی په اساس د ا رکتیک د سمند ر کنگلونه د منځنی ارکتیک هو ا په دوی

نو یسند : وادیوم نیکرا سوب

متر جم : سید حسام عل

تضاد

های

درونی

جهان

سرمايه

داری

تعمیق و تشدید بحرانها در سیستم جهان سرمایه داری و بروز اختلافات در بین جوامع یکی از پدیده های مشخص عصر ما است. ادامه مشکلات و برهم خوردن زندگی اقتصادی به تعقیب بحرانها ت دوره نسی سالهای ۱۹۷۴-۱۹۷۵ انعکاس سیاست نا استوار داخلی جهان سرمایه داری بوده که باعث ایجاد و ظهور تضاد در سیاست و روش طبقات حاکم و در مناسبات بین الدول جوامع سرمایه داری گردیده است. جریان حوادث موجوده بصورت فشرده توسط رهبر پروتاریا چنین توضیح گردیده بود که :

« ترا کم سرمایه مالی محرك اصلی انكشاف تا هموار دول سرمایه داری بوده ، که این خود موجب ظهور اختلافات شدیدی بین دول جهان سرمایه داری میگردد. در عین وقت با لیمی هر نیروی امپریالیستی امروزی نسبت به گذشته در آن نهفته تا با در نظر داشت عینیت طبقاتی مبارزه شان را به مقابل جهان سوسیالیسم، جنبش های رهایی بخش انقلابی و جنبش طبقه کارگر شدت بخشند .

دول سرمایه داری برای بایرداری و تقویت وضع خویش در صدد آن میباشند تا اختلافات درونی خود را بنام نظم مصالحه و نمود سازند .

این دول به تمر رساندن نظم مصالحه را بیشتر در عرصه اقتصادی مرقوا هندی هم در جستجوی آن اند تا نیرو های مولده خویش را در سطح پیشرفت و انكشافی گسیل ، پروسه انقلاب علمی تکنالوژی را انكشاف ، و بین المللی ساختن اقتصاد سرمایه داری را سرو صورت داده برای تحقق این مایل مبارزه و تلاش بخرج میدهند . ولی پروسه مناسبات بهم مربوط اقتصاد بین الدول سرمایه داری تا لیرات روشن و مشخص را در سیاست داخلی و خارجی این کشور ها گذاشته که بموجب آن روش های کاملاً تازه و جدیدی را بغرض اعمار انحصارات بین المللی روی دست گرفته و برای تحقق آن سعی فراوان بخرج میدهند . بر علاوه اروپای غربی بصورت مشخص در جدو جبد است تا یک سیستم پولی بین المللی را برای دول سرمایه داری و کشور های دیگر بسو جود آورد تا اگر بتواند که وضع نا سامان موجود را بهسود بخشد و از بحرانها در حال انكشافی جلو گیری بعمل آورد .

بهر حال این پروسه ها و جریانها تا را ایدو لوگ ها و پالیسی میکسران جهان سرمایه داری یا نمی خواهند و یا نمیتواند بخوانند ، تا صناعات جدیدی همگون و متحدالشکل را جهت انكشاف سیستم سرمایه داری بوجود آورند .

با تصحیح و اکمال این توقعات و با مخالفتی که به مقابل جهان سوسیالیستی از خود نشان میدهند ، با وجود آن هم نمیتوانند اختلافات درونی خود را بر طرف و مضحمل سازند . در عین وقت امپریالیسم بموجب بروز مبارزه شدیدی بین سیستم سوسیالیستی و سرمایه

داری مجبور گردیده تا این واقعیت را درک نماید ، که همه این تغییرات حاصله و اختلافات موجوده جهان سرمایه داری ناشی از پروسه پالیسی بین المللی خود این دول میباشد .

اختلافات درونی مشخص موجوده جهان سرمایه داری در سه مرکز گاملاً بهم مربوط در دهه اول بعد از جنگ جهانی یعنی در ایالات متحده امریکا ، اروپای غربی ، بشمول دول شمال بازار مشترک و جاپان ظهور کرد . که هر کدامی از این مراکز تلاش بخرج میدادند تا سیستم مناسبات موجوده را به نفع خود تغییر دهند و سود بیشتر بدست آورند . ولی در نتیجه اندازة اختلافات در مراکز فوق تا امروز به نحو بالنده و رشد یافته خود در حال افزایش و پیشرفت است .

پا نین آمدن سطح تولید ایالات متحده امریکا به مقایسه سطح تولید جهان سرمایه داری و انكشافی تاسپ تولیدات دول اروپای غربی (خصوصاً در جمهوری فدرالی آلمان) و جاپان که همزمان به وقوع پیوست اختلافات موجوده جهان سرمایه داری را مبدل به تضاد های کاملاً اقتصادی بین دو مرکز امپریالیستی ایالات متحده امریکا که مرکز سوم امپریالیستی است گردانید . با ید بخاطر داشت که این تضاد ها در مراکز اروپای غربی و جاپان نسبت روابط نزدیک و با همی بودن شان چند ان صورت تگرفت ولی بهر صورت رقابت بین هم با یک نوع تحرك در حال پیشرفت روز افزون بود . که در نتیجه مناسبات اقتصادی نیز در عرصه سیاسی جامعه عمل پوشید و شامل پالیسی روز گردید . اختلافات در کمپ جهان سرمایه داری

بعد از بحرانات سالهای ۱۹۷۴-۱۹۷۵ ، بهر حله حادث شدید خود قدم گذاشت ، پا نین آمدن ظرفیت صنایع ، از دیاد گروه بیکاران ، و انقلاب سیون روز افزون همه و همه باعث ایجاد رقابت شدیدی بین نیرو های امپریالیستی گردید مبارزه بپیر حمله بغرض احراز بازار ها بخاطر فروش کالاها بین شان آغاز گردید . کشور های سرمایه داری و گروهی از دول انحصاری شان مانند کشور های شمال بازار مشترک اروپا ، سعی بخرج میدادند تا در اطراف ما رکیت های داخلی خود حضاری پوجود آورند و مانع دخول

امته خارجی گردند تا اگر بتوانند اشتغالات خویشی را تأمین و بازار های خود را بدست خود رونق دهند و سود هنگفتی را بدست آورند . بهر حال رچی معتقد اند که بین مراکز رهبری کننده سرمایه داری بخاطر تجارت بازاریابی جنگ اقتصادی به شکل روز افزون و شدت خود ادامه دارد .

نتایج حاصله از بحرانها در ساحات اجتماعی و سیاسی چارم حصه از حکمروایان سرمایه داران انحصاری را واداشته که اعتماد بهروز مستقبل خود نداشته را هسی را سراغ ندارند تا از این مشکلات و رقابت های خصمانه رها یی یابند . اختلافات موجوده در حال انكشافی طوریکه

گفته آمدیم به توده های وسیع زحمتکشان این فهم و درک را دارد ، که حکمروایان بورژوازی قادر نیستند ، تا از بحرانها ت اقتصادی جلو گیری بعمل آورند ، بناء کلیه زحمت کشان معتقد اند که ایدولوگ های بورژوازی در واقعیت امر ایمان و عقیده به نظریات و سیستم سرمایه داری که بصورت کور کورانه آنرا تبلیغ و بالای مردم می قوی لاند نداشته و ندارند ، صرف برای اقناع سرمایه داران و منافع آنها غلام حلقه بگوش اندوین . درین او اخر ایالات متحده امریکا در یکی از نشریه های خود موسوم به «اخبار و راه پور جهان» یاد آور میشود که تمام دول بزرگ شامل پیمان « نا توه» دارای وضع نا استوار سیاسی بوده یعنی دارای وضع سیاسی پایدار و مستحکم نیستند ، این همان واقعیت تلخی است که خود نمایندگان امپریالیسم آنرا بی پرده اظهار میدارند .

در تحت شرایط موجود ، مصالح کشتی سرمایه داری آن چیزی را که خوبتر می بیند و مشاهده میکند ، جنگ اقتصادی هرکس علیه همه کس است .

که میراث مهم و خطیر سیستم سرمایه داری بصورت کل محسوب میگردد . پس به همین منظور است که جهان سرمایه داری بغرض حل تمام پرابلم های اقتصادی جهان خود به سیاست محرك ، بیشتر و نده و آشتی طبقات نزدیک میگردد و مبارزه خود را بمقابل تمام نیرو های صلح ، دموکراسی و پیشرفت های اجتماعی معطوف ساخته و می رزمند ، ولی بهر حال اوضاع موجوده جهان آنرا که «کارتر» رئیس جمهور امریکا ارزیابی کرده چنین توضیح میدهد .

«نظم اقتصاد جهانی در شرایط فعلیه نسبت به هر چیزی دیگر خواهان آن است ، تا تمام دول بصورت متقابل و با همی برای حل پرابلم های موجوده مشترکاً مساعدت نمایند .»

چهره مشخص وضع جاری در دنیای سرمایه داری مشتمل است بر مناسبات بین الدولی که خود آنرا ترتیب و تنظیم نموده اند ، و آن عبارت از بوجود آوردن پلاک های نظامی و سیاسی بوده که بصورت همیشگی در بسط و استحکام آن دول ذینفع تلاش دوامداری بخرج میدهند . تکنیک و میخانیک را که امپریالیست ها بغرض نیل به هدف بکار میبرند ، آن امکاناتی را بوجود می آورند که علاقه و دلچسپی عامه را در مقابل این با آن عضو گروه مستور و پوشیده نگاه دارند . و بر بعضی از اختلافاتی که بین ایشان و آنها یک عمل جدا گانه و علیحده نشان میدهند پرفه افکنند . و به نحو غیر قابل تصور و عدم

درک صحیح فقط و فقط در پی آن میباشند تا یکطرفه منافع هنگفتی از طرف دیگر کسب نمایند ، بدون آنکه دارای تسلط و نفوذ مستحکم در اتخاذ عمل خود باشند .

امپریالیسم ایالات متحده امریکاهمیش و در هر جا چنان نقشی را میخواهد بقیه در صحنه ۴۳

سگریت پلورونکی

د آسمان شینی مخ څو وو ریځو پوښلی
و او دبا وان څاڅکی په ډیر شدت دځمکې
پر مخ را تو نیدل .

غځېدنه ځمکه یی لاڅو بو له او د اوږوږی
لېستی یی هری خوا ته بهول . سر و غو نه
ښار په غیر کی نیولی و او ټول ځانونه یی
ریږدیده او ایستل . بر پښتا وخت ناوخته
په خپلی زړینی لېستی د آسمان په توږمخ
غلدار و نه کول او د تلندی هیبتا کی غرا
د یغنی د لاشدات او زور خبرو نه خبرول
سری سبلی دوی لویه په شان کوکی وهلی ،
ځمکې ، کورو نه ، سمی ، غرونه او دښار
په مخ هر هری شی ته یی خپلی د ظلم څپیری
ور حواله کولی . دبا وان شدت وار په
وار ډیریده هوا سره وه ، ښار او ښا ریان
یی ټول له ډیر شدت نه څرختول .

شپې خپله توره لمن ورو ورو هر یی خوا ته
غوږو له او دور څی څی مخ یی لاله نور او
دنا څخه بی بر څی کاوه ، کو څی او واټونه
له خلکو څخه تشی وه ، ښار یان په ډیره
پیږه په واټو نو او کوڅو کی دی خوا هسی
خوا کیدل ، په منډه منډه یی خپل کارونه
سر ته رسول او اصلا ډیر لږ خلک له خپله
کوږه دبا ندی تر سترگو لیدل ، خوږوکی
سگریت پلورونکی لا همغسې دپځو ایست
شان ، هلته په بازار کی دیوه تر لسی
دکان مخی ته تر منا لاندی ولاړو ، غونډ تر
خپل یوازیښی اغوستی نازکه سوری سوری زاپه
کمیسی لاندی ریږ دیده او په ډیرید کی
نری آواز یی غمغه ناری وهلی .

سگریت ...! سگریت ...
هغه سهار لمانځه مهال له خپلی زړی
چو تگری څخه راوتلی و ، لو څی پښی او
لو څ سر په ښار کی دی خوا څو څو څو
د سگریتوږی بلیه یی دڅر څلاو په هیله
هری خوا ته څرځول . څرځوکی یی لیدل
په منډه یی ځان ورساوه او په ډیره امیدواری
به یی ورته وویل .

سگریت ... سگریت ... دغه دی سگریت
او گله چی به یو نیم څر یدار کو مه دانه
سگریت تری وپیرونوغم خپلی لو یدلی
سترگی به یی په مینه وخلیدلی . په
ډیر شوق به یی روپی له څر یداره ترلاسه
کړه او دځپل زاپه شویدلی کمیسی څیر ن
واپه جیب ته به یی وراچو له له څو شی
ډکه نری څندا به یی په شو نه و وغوړیده ،
په منډه به یی له مخی د بل څر یدار د
میتد لو په امید تری شو او بیر ته به یی
خپلی ناری شروع کړی .

سگریت ... سگریت ... دغه دی تا زه
سگریت ... ما شوم سگریت پلورونکی
غو نه ورځ په همدی ترکیب میتد او څرځیدلو
دژمی سری هوا او دنه زلملو یغنی ته

تیره کړی وه او دا و اوس چی کرار کرار
ور څی شپې ته خپل ځای ورځو شی کا وه ،
په داسی حال کی چی نودنی نو په پښو کی
دگر خیدلو او په ستونی کی دنا رو و علو
شیمه نهوه پانی ، اوله لو پی نی کیده ورته
سو خیدله ، دلته ددکان مخی ته کرار ولاړو
او په یو عالم چر تونو ډوب دځپلی غونډی
ور څی دکار او ستر یا په باب اند یښویه
سراخیستی و .

واپه ، نه ، لسرگن سگریت پلورونکی
خپل ډنگر ، زهیر او غو تلی بدن دمنه پناه
ته لسه بارانه خوندی
کړی و او پداسی حال کی چی
زړی ز بیښلی مخ او څیری او لو-
یدلیو څو سترگو یی په څر گند
ډول دڅواری او خوا شینی بیان
کاوه ، په رازراز چور تونو او
فکرونو کی ډوب و ، فکر یی کاوه
چو ر تونه یی وهل او داند یښنو
په بی پایانه سمندر کی لاهو و .

دځپلی ټولی ورځی دکار او ستر یا په
باب دځپلی خواری ور څی او بد-
بختی په باب ، او دځپلو په لاس
ور غلیو رو پیو په باب یی فکر کاوه
او له دی کاره سره به سم غونډ
دخوا شینی او نا امیدی څپو-
واخیست . او په بدن به یی دغم لری
راو څر خیدلی ... هغه فکر کاوه
او ور په یا دیدل چی سهار په څه
نیت اوڅومره امیدواری له کوره

راووت ، خپل واپه واپه وروڼه
ترده دو کا له مشره خوراو نارو غه
کونډه مور ورپه زړه شوه ، ورپه
یاد شوه چی مور یی نارو غه ده او
باید نن له و چی ډوډی سره یو ځای
نیم خورد غوړی هم کور ته یوسی ،
بیایی خپل ورور ور په یاد شو چی
په څومره امید واری یی ور ته
ویلی و چی که یی ډیری رو پو-
وگتلی ، دته یوه دانه پتا سه

واخلی ... ور په یاد شوه چی نن هم
دنورو ورځو په شان ، سهار لمانځه
مهال بازار ته راغی او دځپل هر
ورختنی مهربانه د کانداز له دکانه
یی دسگریتوږی د بلیه واخیستل
چی دادی تر اوسه یی لا دڅر څو لو
په هڅه کی دی . پ او ددی ټو لو
یا دو نو له ور په یا دو لو سره یی
بیا په تندی کی دخوا شینی لېستی
و بریښیدلی .

از آنوقت تا این عصر بنام جهیل
طلائی یاد میشود .
دژینکه جهیل تیلستک را دریاها
وابشارهای خروشان ، تنگناهای
عمیق احاطه کرده است در طول
سالهای متمادی از نظر دور مانده
بود . به این لحاظ طبیعت دست
نخورده آن تا حال شکل او لیه خود
را حفظ کرده است .

جهیل مر نضع تیلستک در دنیای
تحقیقات علمی تا چندی قبل چون
(صفحه سفید) دست نخورده باقی
بود و گروه های تحقیقاتی ندرتا
غرض پیشبرد تجارب تحقیقاتی
سفر میکردند اما ضرور بود تا

تحقیقات دقیق درین قسمت صورت
بگیرد . به این لحاظ در سال ۱۹۶۵
در نزدیکی جهیل تیلستک استیشن
تحقیقاتی علمی تشکیل و به فعالیت
آغاز کرد . کارکنان استیشن
تحقیقاتی علمی باید به سوالات متعدد
جواب میدادند بطور مثال چرا فقط
در اواسط زمستان یعنی در ماه
جنوری یخبندی درین جهیل
صورت مینمید و آنهم برای مدت

جهیل تیلستک را که در مناطق
کوهستانی التای اتحاد شوروی
موقعیت دارد اغلبا از لحاظ زیبایی
باجهیل بایکال مقایسه می کنند .
شفا قیت نقره فام آب ، زیبایی سواحل
ارتفاع زیاد آن نظر به سطح بحر
(چهارصد و سی و شش متر) همه این
صفات دست بهم داده و این جهیل را
از لحاظ زیبایی طبیعی آن در ردیف
جهیل معروف بایکال وامثال آن در
دنیا قرار میدهد .

در جهیل تیلستک مانند جهیل
بایکال یکتعداد زیاد دریاها که شمار
آنها به هفتاد و یک میرسد سرا-
زیر میشوند اما فقط یک دریا بنام
دریای بییا از آن سر چشمه میگيرد
عمق و سطحی جهیل به (سی و
بیست پنج) متر میرسد . گرچه
از لحاظ عمق به جهیل بایکال نمیرسد
زیرا عمیق و سطحی جهیل بایکال
به (یکهزار ششصد و بیست) متر
میرسد اما نظر به جهیل های
معروف جهان مانند جهیل های
مشیگان ، انتاریو و تیتیکاک عمیق
تر است .

ع.بیکن مشکوفز مطبوعه وشریده

ترجمه احمدشاه

اسرار جهیل طلائی

بسیار کم ؟ سنا ختمان کف جهیل
چطور است ؟ علمیت تغیر شدید
دقلیم درین منطقه چیست که دریک
قسمت نزدیکی سوا حل یخبندی ،
شدید حکمفرماست ودر قسمت
دیگر آن که از قسمت اولی چند
کیلومتر فاصله بیش ندارد هوا ،
مانند منطقه کریمیا ملایم و نرم
ناچیز جهیل را در یافت کردند زیرا
جهیل تیلستک عمیق است ودر مقابل

سرمای یخبندی ډیر تر مقاومت ،
میکند . در ماهی تا بستان فقط
اقشار فوقانی آب تا اعماق بیست
الی چهل متر حرارت خود را بلند
می برند و اقشار دیگر آن در طول
سال حرارت مثبت چهار درجه
سانتی گرید را دارا میباشند .

آب درین جهیل تا حد اعظمی
توسط اکسیجن مشبوع است اما در

از زمان های قدیم در سواحل
جهیل تیلستک مردم التای از قبیله
تیلست زندگی داشتند به این لحاظ
در حال حاضر آنرا بنام قبیله مذکور
مسمی کرده اند .

مردم قبیله تیلست این جهیل را
بنام التین کول که جهیل طلائی معنی
مورد افسانه ذیل را حکایت
میدهد مسمی کرده بودند ودرین
میکردند . در زمان قدیم خشکسالی
شدید بوقوع پیوست . شخصی بود
که سکه طلا داشت که در آن تصویر
کله ای اسب نقش شده بود اما در
مقابل حتی یک لقمه نان نداشت که
از آن رفع گرسنگی میکرد . مرد
مذکور نزد همسایگان مراجعه میکرد
واز آنها میخواست تا سکه را با
قرص نانی تبادل کنند اما هیچ کس
به این معامله حاضر نه شد . مرد
مایوسی زیاد سکه بی بهای خود را
به جهیل پر تاب کرد . به این ترتیب



ارکادی رایکین در حین نمایش

ار کادی رایکین در بنو ق ت بسیار شغلیک شد زیرا به او اجازه نما یش بعضی از صحنه های میر هوجیا تی را اجا زه دادند اما چند ی بعد به این نکته اعتراف کرد که هم مسلکان انگلیسی او در چو کات منطقی که برای خود انتخاب کرده بودند کاملاً منطقی و معقول بودند . زیرا اگر کسی سعی میو رزد تا از بیرو گراسی بیرو کرات هاور شوت خوری دفاع میکند طبعی است که اجرای نما یشا نه های را که در آن ها بیرو گراسی ، بیرو کرات ها و رشو ت خوری به یاد انتقاد گرفته شوند مجاز نمی شما رد . ار کادی رایکین بعد چنین اظهار داشت : « چندر خوب است که در مملکت ما از رشو ت خوری به شکل « تجارت بکلی مجاز» دفاع نمیشود و هیچ کس اینطور فکر نمیکند که بیرو گراسی از غنعات ملی ما بشمار میرود . »

ار کادی رایکین چون صحنه های انتقادی را اجرا مینماید بنا ء چنین شخصی با ید به زندگی و مسایل میر م حیا تی به چشم عقل و منطق بنگرد و اعمالی مانند بیرو گراسی ، رشو ت خوری را بدون عاطفه بیاد انتقاد بگیرد . ار کادی رایکین میگوید : اینکه کدام اعمال غیر مجاز را بیاد انتقاد میگیر م حتمی نیست که از جواب منفی بطور همیشه سخن گفته شود و به شاخه های دیگر توجه نگردد . بر عکس طنز و انتقاد آنو ق ت مفید و قابل قبول واقع میشود که در خود نکات مثبت را نیز بگنجانند .

ار کادی رایکین میگوید : اغلباً از من سوال میشود : شما به کدام حق درینو یان موضوع مزاج و از بعضی مسایل انتقاد میکنید ؟ معمولاً جواب میدهم من منحیت يك انسان ، يك هنرمند و يك تبعه مملکت به خود این حق را میدهم نخست از همه خودم اینرا به خود اجازه داده ام زیرا اینها مسایلی اند که مرا به این نوع نما یشا نه ها میکشاند و با ید حل شوند . خنده و مسخره در مقابل چنین اعمالی مانند بزدلی ، بی علاقه گسی به امور محوله ، بی احترامی و پستی منحیت سلاح عمده بشمار میرود و در مقابل باقانون جنایی در يك مقام و مرتبه قرار میگیرد و حتی بیشتر تر از آن تا گیر مثبت وارد مینماید .

البته اگر اینطور فکر شود که موفقترین صحنه های طنز در جهان و مردم تغییر کیفی وارد می کند ساده لوحی شخص را نشان میدهد در مقابل این نیز بی منو م خوا هد بود اگر شخصی شغل طنز را در یشی گیرد و به امکانات آن عقیده نداشته باشد .

ار کادی رایکین تمام زندگی و فعالیت های حیاتی خود را در زمان دو لت شوروا ها یش برد و می برد . او میگوید : من به این افتخار دارم که وظایف محوله و کار های دشواری را مردم ما به بسیار خوبی انجام میدهند و داده اند اما سنگین ترین بقیه در صفحه ۵۱



ارکادی رایکین در اجرای نمایشنامه مقابل سربازان دیده میشود



ارکادی رایکین در جبهه های مختلف، تماشاگران را می خنداند

ارکادی رایکین بدون شك بشیان گداو استاد بزرگ مینا تور طنز در اتحاد شوروی عیا شد قبا تر مینا تور یعنی چه ؟ این قبا تر از هنر مندا تی متشکل عیا شد که نما یشا نه های کوتاه را اجرا میکنند . در قبا تر طنز لیننگراد این نما یشا نه ها بسیار شد ید ، میر م و انتقاد میا شدند . درین قبا تر نه تنها نما یشا نه ها اجرا میشود بلکه هنر مندا ن بعضی از صحنه ها را تمثیل می نما یند که با خود صحبت میکنند و مسایل میر م حیا تی را به شکل انتقادی و خنده آور آن تمثیل مینمایند . ار کادی رایکین در اتحاد شوروی و در خارج از آن از شهرت زیادی برخوردار است . او میگوید : « در یکی از سفر ها یم به لندن مقامات مربوط به من اجا زه دادند تا در تلو یزیون انگلستان بعضی از نما یشا نه ها را اجرا نما یم این پنج دور نما یش از نما یشا نه های



هنگامیکه ارکادی رایکین راپرسی و یکتن از ممتلین در باز گشت سفر همراهی میکنند

ترجمه: عبدالله

از سبوتنیک

کمیدین معروف تیا تر طنز ار کادی رایکین

متشکل بود که در سالهای مختلف در اتحاد شوروی آنها را اجرا کرده بودم . درین وقت بطور غیر مترقبه هم مسلکان انگلیسی- اظهار داشتند که بعضی از صحنه های کمیدی را از پرو گرام خارج سازم . با خود فکر کردم چه حادثه رخ خواهد داد؟ سخن از چه قرار است ؟

یکی از آنها برایم توضیح داد : آقای رایکین ما به نیر نگهای شما پی برده ایم حال شما میخواهید کردار يك شخص بیرو- کرات را تمثیل کنید اما اسمیکه معلوم است بیرو کرات حقیقی برای او لین مرتبه در انگلستان ظاهر شد . یا بطور مثال شما میخواهید رشو ت خوری را مسخره نمائید ما بعضی هارا در انگلستان عقیده دارند

که رشو ت خوری يك تجارت بکلی مجاز شمرده میشود . پس به این ترتیب چرا بر نسب های موازین اخلاقی خود را بر هم زنیم ؟ و این لیر نگ شما را که میخواهید به اشخاص مخاطب تان نام های روسی بگذارید و ما را گول بزنید درك کرده ایم .



ارکادی رایکین در حال ممارست و تمرین

سیاست همزیستی مسالمت آمیز

در جهان امروز روابط بین المللی و سیاست خارجی در حیات ملت ها ، در فعالیت های احزاب ، حکومتها و دولتها نقش مهمی بازی می کند ، این همه به شرایطی مربوط است که جبر خصوصیات عصر و عمل کرد عوامل مختلفه آنرا بوجود آورده . - در آغاز ، باید گفته شود که سر نوشت ملیون ها مردم و حتی تمام مدنیت بالندازه ایکه امروز به شرایط بین المللی ، حل مسائل کلیه ی بین المللی و بویژه مساله صلح و جنگ وابسته است در هیچیک عصر گذشته نبود - انقلاب علمی و فنیکی سبب ایجاد سلاح های مخرب کتلوی بی سابقه گردیده .

در جنگی که توسط امپریالیست ها شروع شود اگر از چنین سلاح ها استفاده بعمل آید جهان را با امحای ملیون ها مردم و نا بودی شرایط موجودیت نوع بشر تهدید می کند ، در عین زمان انقلاب علمی و فنیکی باعث رشد سریع نیرو های مولده گردیده نوع بشر را با پرابلم های جهانی ، مانند استفاده معقول از منابع طبیعی ، تهیه کار و معیشت برای همه مردم ، فایق آمدن بر پسمانی امور اقتصادی کشور های روبانکشاف و غیره مواجه ساخته ، بر علاوه ، انقلاب علمی و فنیکی باعث وسعت تقسیم کار بین المللی و همکاری اقتصادی بین المللی در تمام ساحات بشمول استفاده از فضا و ابحار و حمایت محیط زیست گردیده .

در عصر حاضر که خود یک عصر عمیق انقلابی است ، تأثیر نوده ها بر سیاست تزیاید کسب نموده ، سیاست های داخلی و خارجی باهم ارتباط نزدیک یافته اند ، جریان و نتایج مبارزات طبقاتی در این یا آن کشور به تناسب قوا در کادر جهانی ، بحالت روابط بین المللی بی اندازه وابسته شده بالاخره یک خصوصیت ویژه عصر حاضر عبارت از موجودیت موازی دولت های است با دو سیستم کاملاً مخالف یعنی سیستم سرمایه داری و سیستم سوسیالیستی که دارای دو سیستم اقتصادی اجتماعی بوده و هر کدام آن با قوانین ذاتی خود تکامل می کنند .. طبیعی است که این حادثه در روابط بین المللی محسوس شده و به شکل تصادم و عمل متقابل تمایلات عمومی و تکامل قوانین تجسم می کند ..

اساس همزیستی مسالمت آمیز ، که توسط سرزمین جوان شوروی به پیش کشیده شد و تهداد روابط با کشور های سرمایه داری را می سازد چنانچه بعضی از سیاست دانان بورژوازی ادعا دارند ، هیچگاه یک مانسور و حیلۀ تاکتیکی نبوده ، فرغۀ همزیستی مسالمت آمیز جزء لاینفک تیوری انقلاب سوسیالیستی است .

تیوری علمی و انقلابی طبقۀ کارگر بیان می دارد که از اثر رشد نا متوازن اقتصادی و سیاسی کشور ها و امکان پیروزی سوسیالیزم ، اول در یک یا چند کشور و حالت مخصوص بوجود خواهد آمد که در آن سوسیالیزم و کشور های سوسیالیستی و کشور های سرمایه داری موازی وجود خواهند داشت از جریان وقایع جهانی چنین نتیجه گیری به عمل آمده که اعمار سوسیالیزم نا گسبان صورت نمی گیرد بلکه یک جریان طولانی تاریخ را احتوا می کنند . ازین حقیقت چنین نتیجه گیری می شود که ناگزیر برای مدت مدیدی دو سیستم مخالف موازی پهلوی هم دیگر وجود داشته می باشند .

شک نیست که یک مبارزه حاد و شدید بین سیستم اجتماعی کهنه و از نظر تاریخی محکوم بقا و سیستم جدیدی که با به عرصه وجود نهاده قهرای درمی گیرد و تضاد بین دو سیستم متضاد تعیین کننده دورۀ انتقالی بوده و امپریالیزم با استفاده از تمام امکانات دست داشته ، حتی مداخلۀ نظامی ، برای سرکوب کردن انقلاب سوسیالیستی قیام می کند و از طرف دیگر انقلاب سوسیالیستی پیروزمندانه اکتوبر ، سر مشق و انگای بین المللی مبارزات کارگران جهان ، بالخاصه کارگرانی که در مراکز اساسی سرمایه داری متمرکز گردیده اند ، می باشد .. با وجود این تضاد عمده در روابط بین المللی یک نیروی بسیار بزرگتر از خواست ، اراده و تضامیم حکومت ها و یا طبقات متخاصم و مخالف با سوسیالیزم وجود دارد که آنها را مجبور می سازد ، با کشور های سوسیالیستی تماس داشته باشند ، این نیرو ، نیروی روابط عمومی اقتصادی جهانی بشمار می رود ...

تیوری علمی طبقۀ کارگر عمیقاً معتقد است که منافع علمی کشور های سوسیالیستی و کشور های سرمایه داری و منافع حیاتی تمام جامعه بشری حکم می نماید که مبارزه بین کشور های دارای نظام های اقتصادی اجتماعی متضاد باید به شیوۀ مسالمت آمیز صورت گیرد نه باستعمال سلاح و اختلافات حاد بین کشور ها باید با تقابل سیاسی ، اید یولوژیکی و رقابت اقتصادی در تکمیل نمودن شیوۀ زندگی و حل مسائل جهانی از میان برود ، نه در میدان جنگ ... این است معنای همزیستی مسالمت آمیز ..

در ختم سال های ۱۹۶۰ و آغاز سال های ۱۹۷۰ ع قضای بین المللی ، تمام جریان تکامل در عرصۀ بین المللی و سیاست جهانی بصورت عموم به تغییرات بزرگی معروض گردید یعنی تغییرات در سنت آوازش فشار بین المللی و کمی خطر جنگ جدید جهانی ،

حالا باید فهمید که چه عواملی سبب این تغییرات گردید ؟

نخست : تحکیم بیشتر مواضع کشور های سوسیالیستی و رشد نیروی اقتصاد و تأثیر سیاسی آنها ، همین عامل است که تأثیر قاطع دارد ، زیرا این عامل تلاش مذبحخانه محافل حاکمه امپریالیستی را برای حصول تسووق نظامی بر کشور های سوسیالیستی بر مسلا ساخت و پیروزی های ممالک صلح دوست ، خلاهایی را در محاسبات غرب بوجود آورد و انحصار آنها را بر مطلق العنانی پایان داد ، حصول تساوی خصوصاً در قسمت سلاح های مشرانی یک موقف قدرت و سیاست جنگ سرد را به نقطه صفر یعنی منفی رسانیده و برای خود غرب نیز خطرناک ساخت .

دوم : تغییر دو پاره نقشۀ سیاسی جهان در نتیجه پیروزی های مبارزات رهایی بخش ملی و بروز و تکامل چندین هوجبین (نواژه) کشور های جوان در صحنۀ جهانی بسیاری ازین مملکت ها در یک دور امپریالیستی را بدور انداخته در مبارزه ضد اعمال تهاجمی ، مبارزه بخاطر صلح و مصونیت بین المللی در کنار کشور های سوسیالیستی قرار گرفتند . تغییرات بزرگی در مسیر قوا در بین خود ممالک امپریالیستی نیز بوجود پیوسته یعنی بسیاری از کشور های سرمایه داری که در سال های ۱۹۵۰ با اطاعت کامل از کشور بزرگ امپریالیستی جهان پیروی می نمودند و مسیر دیگری را در پیش گرفتند .

سوم : رشد نیروی ضد امپریالیستی در جهان : طغیان جنبش طبقۀ کارگر در کشور های سرمایه داری و تحکیم نیرو های دست چپی در بسیاری ازین ممالک مخصوصاً احزاب طراز نوین کارگری ، یک خصوصیت و وضع سیاسی در دهۀ اخیر عبارت است از رشد وسیع جنبش های شوکراتیک در اکثر کشور های سرمایه داری از همه اولتر جنبش ضد جنگ .

چهارم : تغییرات در حلقه های حاکم ممالک بزرگ امپریالیستی ، و رشد تمایلات ریالیستیک در این طبقات و در سیاست اکثر کشور های غربی ، این یک جریان خیلی مغلق و اغلباً متضاد است . تظاهر عمده آن درک نتایج و خطرات ذخیرۀ نامحدود سلاح ها است توسط زمام داران غرب و نیز فهم روز افزون این مطلب که سیاست خارجی باید از دیدگاه جدیدی مورد ارزیابی قرار گیرد ، این باید علاوه شود که شخصیت های بورژوازی ای که بیشتر ریالیستیک فکر می کنند از پشتیبانی بیشتر مردم در حوزۀ های انتخاباتی برخوردار اند ، حقیقتی است که از آن انکار شده نمیتواند . تمام این عوامل در مجموع وانعکاس آن در شعور طبقات ، گروه ها و عده از شخصیت های مؤثر سیاسی و دولتی سبب شد که در اواخر سال های ۱۹۶۰ ع احساسات مردم بخاطر تغییر عقیدۀ جنگ سرد در کشور های بزرگ سرمایه داری اوج گرفت . این بود که شرایط عینی و ذهنی تکامل نمود و امکان آن را میسر ساخت تا از جنگ سرد به آرامی فشار بین المللی ، تکامل روابط عادی بین دو سیستم مخالف جرخشی بوجود به یوئد و همزیستی مسالمت آمیز در عمل و قانون توسط غرب بر رسمیت شناخته شود . عبور از جنگ سرد ، از تقابل انفجار دو جهان مخالف ، به دینان ...

جهانی مرتبط بود اما به تلاش و حرکت زیاد نخست از همه به تغییر تناسب قوا در کادر خلق ها ضرورت احساس می گردید .

مخصوصاً خلق هاییکه مسئول سیاست دولت ها بودند تا تقسیم شود که مسائل مورد نزاع را نه از طریق غرور بلکه از راه همکاری مسالمت آمیز ، بدون تقابل مسلحانه میتوان طور طبیعی حل نمود ..

انتقال از جنگ سرد به دینانست : درک وسیع اساسات همزیستی مسالمت آمیز در آن واحد صورت نپذیرفت ، مقایست یک جریا ن طولانی بود و در جهان به شیوۀ های مختلف متظاهر گردید و در روابط کشور های سوسیالیستی و سرمایه داری اشکال مختلفی را اتخاذ نمود .

این جریان بصورت بسیار قاطع در اروپا به پیش رفت ، در براعظمی که در آنجا دو نظام اقتصادی ، اجتماعی مقابل با سازمان های نظامی و اساسی شان (ناتو) و وارسا مستقیماً در برابر هم قرار داشتند . اولین کشور بزرگ سرمایه داری ای که با اتحاد شوروی مناسبات خود را بهتر ساخت فرانسه بود ، این حادثه هم از لحاظ اینکه فرانسه یک پیش قراول برای تسهیل عادی شدن روابط کشور های دیگر سرمایه داری با جهان صلح گردید و نیز از لحاظ نقش فرانسه در تاریخ جهان ، سیاست جهان ، اقتصاد و کلتور اهمیت بسزایی داشت ، اولین قدم جدید مناسبات میان فرانسه و اتحاد شوروی در ۱۹۶۶ ع بعد از مسافرت بریزدنت دسگول گذاشته شد .

این یک نقطۀ جرخشی بود در روابط هر کشور و برای هر دو کشور و جریان دینانست در مجموع اهمیت بسزایی داشت ، روابط هر دو کشور در دهۀ اخیر نمونه عالی است برای تجسم اساسات همزیستی مسالمت آمیز و تعاون بین کشور های نظام های مخالف و یک عامل مهمی است در عادی ساختن تمام امور مغلق روابط بین المللی و اروپایی

یک واقعه عمده و نقطۀ عطف در تاریخ بعد از جنگ اروپا عبارت از قرار داد ۱۹۷۰ مسکو بود که سنگ تهاب دینانست را در براعظم اروپا گذاشت و هم این قرار داد بمعنی عادی شدن روابط کشور های سوسیالیستی با جمهوری فدرالی آلمان بود ، اهمیت این واقعه از موقف خصوصی جمهوری فدرالی آلمان در مجموع روابط بین المللی بعد از جنگ ، از نقشی که او در جنگ سرد داشت و هم از امکانات زیاد که آلمان غرب در دست دارد کم نیست ... چنانچه در مدت ۲۵ سال پس از جنگ ، مسائل مغلقی که با جمهوری فدرالی آلمان و برلین غربی مرتبط بود ، به نحوی از انحاء بحیث محراق تقابل دو سیستم باقی مانده بود و جهان را بروی کار آمدن یک جنگ عمومی تهدید می نمود ، این است دلیلی که عادی شدن روابط جمهوری فدرالی آلمان با کشور های سوسیالیستی برای روابط همزیستی مسالمت آمیز اهمیت بسزایی داشت ...

کشور های صلح دوست همیشه علاقه مند بهبود و تکامل مثبت روابط با بریتانیای کبیر و ایتالیا بوده اند ... زیرا این کشور ها نیز موقف مهمی در اروپا و سیاست جهان اشغال نموده اند ... مناسبات با این کشور ها از نظر تعاون اقتصادی : تماس های سیاسی و غالباً مناسبات حسنه بوده است . با بهتر نمودن

رهنما برای کسانی که میخواهند

شوهر بگیرند



عروس به عقد رفته، هنوز هم در تعجب است که شوهرم چگونه است؟

بهر است تا اولتر بدانیم که مرد یعنی چه: علم درین قسمت تعریف مکمل آنرا داده است.

مرد زنده جان دو پاست که به بسیار زودی تسخیر میشود و به جلی میرسد که ظروف رامیشود، کف اطاق را پاک میکند و پول معاش را مکمل به خانم تقدیم میکند. حال به اصل مطلب برگردیم. هر يك از قبیل مقبول، نامقبول سیاه چهره، سفید چهره و بالاخره همه شوهر میگیرند.

از همه زودتر جاق ها و لاغرها و کمی نادان ها زودتر شوهر میگیرند. از همه مشکل تر داناها شوهر میگیرند زیرا کدام مرد میخواهد که زن عاقل تر از خودش داشته باشد؟ قبل از اینکه شوهر انتخاب کنید به قنوقامت مرد ها متوجه شوید. قد مردها مانند در مغازه های درجه اول، درجه دوم درجه سوم میباشد. مردها باقد بلند در کار های منزل چندان وارد نمیشوند. مرد های قد کوتاه برعکس غرض استثمار بهتر و

مساعدتر اند. اگر شوهر با قد کوتاه داشته باشید هیچ ضرورت نیست که لباس های کهنه تان را بدو اندازید زیرا از یک پیراهن تان يك جوهر درشتی برایش به بسیار آسانی ساخته میتوانید. مردها با قد متوسط خاصیت اطفال را دارند اما با اندازه تان میخورند و از مردان قد بلند عقب نمیشوند. چشم های مرد ها آبی، سبز، خاکستری و سیاه میباشد. بدون در نظر داشت رنگ چشم های مرد ها چندان با حیا نمیشوند. مرد های که دارای چشم هامحجب (برآمده) باشند همیشه در جستجو میباشد تا در هر قسمت معلومات کافی داشته باشند و از شعار



نمایی از شوهران دلخواه

ذیل پیروی میکنند «میخواهم همه چیز را بدانم».

حال راجع به رنگ موها صحبت می کنیم. مردها دارای مو های روشن، خرمایی و سیاه میباشند.

مرد های، با موهای روشن بسیار متواضع خوش باور و ساده میباشند معاش را بدون کم و کاست به خانم تقدیم میکند.

مرد های موسیاه بسیار حسود و خشن میباشند. همتیکه بالای زن خود بد گمان شد به بسیار هیجان وعده میکند او را ازین می برد و خود نیز خودکشی میکند. اما نمی داند که اولتر خود و یا خانم خود را ازین ببرد بدین ترتیب ساله را نازل گداشته و برای همیشه تا شام از خانه خارج میشود. مردهای مو خرمایی بسیار مهربان و خوش خلق میباشند. همه موخرمایی ها میخواهند خود را در جمله مرد ها با موهای روشن قرار دهند. اگر شوهر موخرمایی انتخاب میکنید

پس اگر میخواهید شوهر بگیرید بدون وقفه مرد تاس سر را انتخاب کنید این نوع شوهر قیستی است! با او در خانه همیشه خوش و مستریج میباشد.

بقیه صفحه ۱۶

اسرار جهیل طلائی

مهم میا شد و در حل بعضی مسائل کمک شایانی مینماید.

از جمله عجایب متعدد جهیل

تیلک از عجبیه میتوان نام برد که توسط دست. های طلائی انسان ایجاد شده است. این عجبیه باغ با درخت

های میوه دار است که در شرایط

ناگوار و در صخره آباد شده است.

شخصی که در قسمت مشاهدات

جهیل معروف است نیکلای سمیر-

نوف بود، این شخص در آنوقت

اندازه گیری سطح آب را به عهده

داشت. نیکلای در مسکو تحصیل

میکرد اما مریض شد. داکتران به او

مشوره دادند تا در يك قسمت کناره

و خاموش زندگی کند. به این ترتیب

نیکلای به جهیل تیلک آمد و فکر

ایجاد باغ را کرد. در سواحل صخره

یی میخ های چوبی نصب کرد و خاک

مورد نیاز را از ساحل مقابل در،

قایق نقل می داد. آب در اثر طغیان

سه مرتبه باغ او را ویران کرد اما

نیکلای باز هم به کار خود ادامه داد.

در حال حاضر باغ نیکلای سمیر-

نوف درین نواحی یگانه نیست. در

قسمت های زیاد ساحل جهیل طلائی

درخت های میوه دار دیده میشود

مردم از آنها استفاده مینمایند.

مقابل ماهی ها نسبتا کمتر اند. علت این حا دئه چیست؟ قسمیکه معلوم

شده است این جهیل برای ماهی ها

غذای کافی را دارا نمیشود زیرا در

جهیل مذکور قسمت های وجود ندارد

که دارای عمق نا چیز باشند تا گیاه

های مورد نیاز ماهی ها در آنجا،

بروید و منحصی (چرا گاه) ماهی ها

از آن استفاده نمایند و از سوی دیگر

سواحل جهیل صخره یی بوده و دارای

تشیب زیاد میباشد. به این لحاظ

در جهیل تیلک فقط سیزده نوع

ماهی موجود میباشد. درین جهیل

نیز مانند جهیل بایکال ماهی های

موجود اند که در هیچ نقطه دنیا

یافت نمیشود. بطور مثال در سال

۱۹۴۹ درین جهیل يك نوع ماهی

دیده شده است که طول آن به دهالی

دوازده سانتی متر میرسد.

کار کنان استیشن تحقیقاتی

مشاهدات دقیق را درین قسمت

انجام میدهند و نظر به نتایج تحقیقات

آنها (گز ارش های سالانه هایدرو-

لو جیکی) ترتیب میگردد. این گز

ارش ها اقلیم و رژیم آب را درین

جهیل بطور واضح تشریح مینمایند.

این معلومات برای بپو لو جست ها،

هایدرو لو جست ها، کار کنان

زراعت و مالداري بسیار ارزنده و

انزکافی وای ایجا، بمان

افق جدید در تکنالوژی طبی امروز

معاینه نموده وحتی بتوانند ذرات وسلول های کوچک مغز آدمیزاد را نیز تحت مطالعه ومعاینه قرار دهند .

طب(هستوی) یکی از جدید ترین انکشافات طبی است که بشر درباره آن تلاش ومجاهدات نموده اند واستفاده از وسایل موادرادیولوژی در تشخیص امراض افق جدیدی را در ساحه طب امروزی گشوده که میتواند امراض ارگانیک بدن را تدای نماید . استفاده از رادیو آرتروپ هادر وجود امروزیکی از پیشرفته ترین وسیله تدای امراض ارگانیک شمرده میشود که دکتوران موظف میتوانند موقعیت بخصوص امراض سرطان ، تومور ، لخته شدن خون وغیره را در بدن به صورت واضح دریابند .

گرچه وسایل طبی امروزی تا حدودی ناراحتی های دروجود حین عملیات بوجود میآورد اما تلاش بعمل میآید تاچنین مشکلی را در آینده بتوان مرفوع سازند . استفاده از اشعه رادیو لوژی در تدای امراض سرطانی نتایج درخشانی را تاکنون در جهان امروز نشان داده است در جاپان امروز دانشمندان در صدد پیدا نمودن وکشف وسایل مهمتر وموثر تر جهت مبارزه با امراض سرطانی دیده میشوند چندی پیش باترزیق اشعه اکس وگاما بالامراض سرطانی مجادله صورت میگرفت اما امروز بواسطه ذرات هستوی که بواسطه لین های سیکلو ترون ها تولید میگردد علیه ریشه های امراض سرطانی مبارزه ومجادله صورت میگیرد .

ذرات هستوی دارای انرژی فوق العاده زیاد بوده زمانیکه مستقیما به امراض سرطانی متوجه

درحدود نیم قرن قبل اوسط عمر ۴۵ سال درنظر گرفته شده بود، اما امروز بواسطه انکشافات علوم طبی ووسایل ضروری مبارزه علیه امراض این تخمین را تا حدودی بالا برده است چنانچه در جاپان امروز دوام عمر به ۷۶ سال برای زنان و۷۱ سال برای مردان تخمین میگردد که این رقم در سویدن وناروی ز یاد تراز سایر کشور های جهان شمرده میشود .

گرچه دلایل وعلل مختلف درمورد ادا مه حیات موجود است اما عمده ترین این دلایل همان انکشاف وسایل طبی وعلم طب است که بعد از جنگ جهانی دوم به پیمانه وسیعی انکشاف وتحولات عمیق نموده است که این وسایل را عمدتا میتوان عدسیه های برقی ، فزیک هستوی وغیره دانست که در طبابت به پیمانه وسیعی قابل استفاده بوده که نه تنها در تشخیص امراض بلکه در راه علاج ودرمان آن نیز قدمی مهم به پیش برداشته شده است پروسس ارقام درسیستم های اداری شفاخانه

سیستم معاینه دقیق اتوماتیک مریضان در شفاخانه های مدرن امروز به پوسونل کمی ضرورت احساس میکند این دستگاه اتوماتیک الکترونیکی در مرکز یک عمارت واقع ووسایل وملحقات آن در معاینه خانه های اگر نصب می باشد که از همین جا میتواند مریض را به صورت دقیق تشخیص امعاینه نماید .

چنین دست آورد های علمی در بهبود شرایط زندگی خلُق ها نهایت موثر و ثبت تمام میشود انکشاف و بهبود وسایل فایروسکوپ دکتوران مربوط را قادر می سازد تا معاینات دقیق قلبی ، جگر وشنش ها که در گذشته امکان پذیر نبود امروز به صورت دقیق



عملیه فایروسکوپیک (مشاهده ارگان های داخلی وجود) ناراحتی مریض را تخفیف

می بخشد .

صفحه ۲۰

پرورشگاه مار

شش ماه قبل یک پرورشگاه مار بطرفیت در حدود هزار مار دریکی از شهرهای نژد یکی هانوی (مرکز ویتنام) تاسیس گردید . زهرمار به پیمانه وسیع در فارمکولوژی مورد استفاده قرار گرفته ودر مارکیت بین المللی یک گرام آن ۴۰ الی ۵۰ دالر ارزش دارد . پرورشگاه مذکور میتواند بیشتر از ششصد گرام زهررا جمع وتبیه نماید .

زهر مایع مار در طبابت فولکوریک ویتنامی ها به پیمانه وسیع مورد استفاده قرار میگیرد ودر نقاط کوهستانی وزمین های پایین شپاهای آن مملکت زهر مارا رابحیث بهترین دوا جهت معالجه روماتیسم وبولی آرتریتیس بکار میبرند . درسال ۱۹۸۰ تعداد ماران پرورشگاه مذکور طبق پلان مرتبه به پنج الی شش هزار ازدیاد خواهد یافت .

چگونه موسیقی جاز در جهان

معرفی گردید



بمناسبت فستیوال موسیقی جاز نمونه‌ای موسیقی جاز را از درخت ساخته و به نمایش گذاشته اند

بعدها کینار و جنگ رانیز با آن توام نمود .
 اعضای کارگران هنری او علاوه بر موسیقی نوازان شامل درامه نویسان - شاعران - هنر مندان دیگر نیز بود موسیقی جاز اتحاد شوروی حتی در فلم هانیز راه پیدا کرد چنانچه در فلم میری فیلو (رفیق خوش طیب) چارلی چاپلین آمریکایی می نویسد که آمریکایی ها در ادر

انسان‌های قدیم در مورد کائنات

چه نظر داشتند؟

مصریان قدیم سه هزار سال قبل در مورد فضا چنین نظر داشتند که آسمان بشل یک گنبد بر روی زمین قرار دارد و هر شام آفتاب رابه قلب خود فرو می‌برد و تمام شب در داخل وجودش سفر کرده و فردا جدیداً متولد میگردد .

یونانی‌های قدیم عقیده داشتند که یک سپر آسمانی الی زمین را از آتش‌های که بفاصله دور وجود دارد محافظت می‌کند، و قتیکه ستاره‌ها می‌درخشیدند آنها تصور می‌نمود که شعله‌های آتش آنطرف سیراز سوراخ‌های سپر دیده‌میشود همچنان عقیده داشتند که سیارات بوسیله فرشته ها از یک جای دیگر منتقل می‌شوند درینوقت زمین مرکز تمام اجرام سماوی تصور می‌شد . حتی در قرن سوم قبل از میلاد مسیح یکی از علمای یونانی بنام (ارستار چیس) سیستمی را ارائه کرد که از آن فهمیده می‌شد زمین بدور آفتاب گردش میکند ولی نظریه اول نسبت بعضی عوامل به اثبات نرسید تا اینکه در قرن ۱۶ میلادی یک انقلاب علمی بوجود آورد و ذهن انسانرا از توهم و غلط فهمی و ارعاید .

بقیه در صفحه ۵۰

روی همین ملحوظ محیطی که سوتوف در آنجا تولد شده در رشد شخصیت هنری او نقش بس‌مهم داشته زیرا مقوله معروف است که محیط اجتماعی سازنده افکار اجتماعی است . ولی سوف در عنوان جوانی یعنی زمانی که پابه‌بپار بیست و پنجمین خود گذاشته بود روبه موسیقی آورد و اولین نمایش خود را در ستدیوم بزرگ آنجا به نمایش گذاشت .

اوتی سوف که ستاره درخشان موسیقی اتحاد شوروی سوسیالیستی است او بیش از یک هزار پارچه شعر سروده که از جمله ۷۶۰ آن ثبت و بخش گردیده ست او شاعرو کمپوزر خوبی است که همه آهنگ و نغمه هارا خودش کمپوز میکند .

اوتی سوف علاوه بر همه شهرت ها و فعالیت‌های هنری اش موسس و بان موسیقی جاز در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی دانسته میشود . در مراحل نخستین سنج‌های کافی برای نمایش هنر موصوف وجود نداشت در آخر قرن بیستم بود که یک تعداد سنج‌های محقر ظاهر شد در آن زمان شعبه جمعیت زیاد از مردم سروده نمی‌شد بعدها به اثر تلاش و مبارزه خستگی ناپذیر او بود که اشعار کلاسیک و نو نیز در تالارهای بزرگ به مردم سروده می‌شد و در آخر علاقمندان زیاد از هر سن و سال به شنیدن آن به محافل مختلف رومی‌آوردند و این امر سبب می‌شد که روز به روز به شهرت هنرو موسیقی جاز افزوده گردد .

درین زمان بود که مبارزه جدی بین هنرهای نو و کهنه جریان داشته هنر مندان هم در جهت طرد اشکال کهن هنری که فاقد محتوی نوین بوده تلاش و مبارزه می نمودند تا اینکه توانستند با تلاش و فعالیت شب‌روزی شان هنرا در خدمت خلق قرار دهند .

بروسه رشد و تکامل موسیقی جاز طراز نوین بود زیرا باشکل مروجه موسیقی جاز ایالات متحده امریکا که سر چشمه اصلی آن پنداشته می‌شد کاملاً متفاوت بود اما موسیقی جاز در اتحاد شوروی تنها آن اشکال را از موسیقی جاز ایالات متحده الگوسازی نموده بود که هنوز هم می‌توانست با خصوصیات ویژه موسیقی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی توافق و همگونی داشته باشد .

اوتی سوف بالاخره با خلاقیت هنری که داشت توانست اشعار دسته جمعی و عامیانه اتحاد شوروی را با نواختن موسیقی جاز توام سازد . یک گروه موسیقی جاز او متشکل برده نفر بود که درین جاز پیانو - بنجو - ترومپت و سایر انواع آلات موسیقی نواخته می‌شد . اما

برای نخستین بار موسیقی جاز در سال ۱۹۱۲ در ماسکو بر گذار شد که برای بار اول موسیقی جاز سیا هیوستان از ایالات متحده امریکا به مردم اتحاد شوروی معرفی گردید . این نمایش در ستدیوم بزرگ خلق در ماسکو به نمایش گذاشته شد چنین به نظر می‌رسید که درپ‌های ستدیوم بروی علاقمندان باز بوده هیچ گونه ممانعت در مورد قبول وجود نداشت . این نخستین باری بود که درین زمان موسیقی کشور های اروپای غربی و همچنان ایالات متحده امریکا به اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی معرفی گردید موسیقی جاز در پروسه رشد و مراحل تکاملی خود راه‌های پربرج و خم و طولانی و تکامل رایکی بعد دیگری عقب گذاشته و در ابتدا بارقص های هیجان آمیز نیز همراه بوده است که در هتل ها و رستوران‌ها برگزار میگردد ماکسیم گورکی نویسنده ریالیست اتحاد جماهیر شوروی این گونه رقص و نمایش را فقط و فقط هنر و یا موسیقی که برای اندوختن پول بود نام گذاشت .

در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در ابتدای قرن بیستم موسیقی جاز مورد بحث و گفتگو های زیاد قرار گرفته بود عده زیاد بر آن بودند که نواختن جاز را منع نموده و عده دیگر در نقطه خلاف آن قرار داشته و اصرار می‌نمودند . که جاز هر چه بیشتر به اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی معرفی گردد د یکی از روز نامه‌ها در مورد چنین نگاشته بود :

جاز موسیقی خوب است که میتواند در تسکین آلام روحی مددگار باشد .
 این تا سال های ۱۹۲۹ بود که موسیقی جاز تاحدودی به شهرتش افزوده و به حیث آرگستری عمده در اتحاد شوروی سوسیالیستی تلقی گردید .

لیونید اوتوی سوف میگوید که وی در یکی واز نواحی بحیره سیاه چشم به دنیا گشوده این شهر (اودیسه) خیلی عادلحسب و موسیقی آن خیلی گرا بود وی میگوید : این امر با لا خیره موجب گر دید که عشق و علاقمندی تام که به موسیقی درمن پیدا شده بود جزیی از اجزای بدلم گردد بنا بر همین عشق و علاقمندی بود که توانسم همراهی گروهی آواز خوانان یکجا سرود بغوانم این گروه در ابتدا یک گروه کومیک بود بعدها توانست محبوبیت بین مردم پیدا نموده تعداد زیادی را بدور خود بکشد .

او میگوید که شهر اودیسه مرکز علوم و فنون مختلف بوده نویسندگان شاعران موسیقی نواز آن مختلف در آن جاجشم به جهان گشوده‌اند

در باره سودمندی هنر

زمان های باز پسین که بیشترجا نبدار
عمل بود ند در یا فتند که هنر با ازا دیایی
تأثیر تربیتی و پرورشی بر روان و احساس
آدمی دارد .

ارستو فان در شعر (بقه ها) مطالب
جالب زیادی در باره شعر بیان میکنند
به عقیده او شعر برای بزرگسالان چنان
است که تعلیم برای خورد سالان وظیفه هنر
است «که مردم روی زمین را خوشیاد و ترو
بهرتر میسازد» سترا بون شعر را «نخستین
فلسفه» و یکی از وسایط عقل ساختن
مردم می داند .

پلو تا رخ در اثر خویش به نام «در
باره پرورش جوانان» تقریباً هشتاد
نکته را باز می گوید . به نظر او فلسفه
ناب چیزی است که بدشواری فهمیده می
شود ، گو یا «شرابی است بدون نوشا به
دیگر» و از آنرو لازم است که شعر را در
آن بریزیم ، «طوری که باریختن
نوشا به دیگر در شراب ما چیزی بدست
می آوریم که هم سودمند ی اش را نباشد
است و هم زیان آور نیست البته
نمیخواهیم که شاخه شعر را بشکنیم و بنا
بر آن نباشد به فکر پاسداری آن شد
اما باید در این زمینه اندکی اندیشیدن
فلسفی را باید آموخت و باید به یافتن
ودوست داشتن سودمند در مطبوع
عادت کرد .»

همچنان نظر هو را س کا ملا معروف است
که می گفت : لذت بخشی یا آموزش ، هدفی
است که شعر ا به سویش میروند و این
این و هم آن !
عقیده با مطبوع و پلو تاریخ نیز این
نکته را باز گفته بود : «آنچه مطبوع است
عقیده است .»

در سده های میانه و در دور دینسانس
«شعر وادانش نشاط بخش» می نامیدند
اما در دوره جدید هیگل و شیلر دو شاگرد
بر ازنده کانت هر چند از راه های
مختلف مگر به یک عقیده متوسل شدند
که هنر ابزار تربیت است . هیگل هنر را
یکی از سه مرز معنوی (مذهب ، هنر
و فلسفه) دانست که در آن ایده در شکل
احساسی آن شناخته می شود .

شیلر بر آن عقیده بود که هنر دارای
همان هدفی است که در طبیعت سراغ می
شود .

هنر باید خوشی را عام سازد و خوشی
شبهتی با د آورد و علاوه میکند که «بدین
صورت هنر برای ما راه زندگمی اخلاقی
را باز میکند» . سخن شیلر را ستاست
مگر این یگانگی را می نیست که هنر در
برای انسان می کشاید !



عمرشاعر بر ازنده که در تمام قرون و اعصار از محبوبیت خاصی برخوردار بوده است .

آیا سودی از هنر متصور است ؟ اگر است
کدام ؟ در این نمیتوان شك داشت که هنر
عقیده است . هر گاه عقیده نمی بود به وجود
نمی آمد .

مگر گاهی که هنر مضر است هم وجود
دارد . به سوا لیکه چه وقت هنر مفید
است و چه وقت مضر و سود و زیان هنر
در چیست زیلا یا سخ می دیم :

هنر جوامع نخستین تحت عوامل زیادی
به وجود آمد که در عین زمان آن عوامل
اهداف آن هنر بود . هنر ابتدا ایی با
مذهب ، اقتصاد ، جنگ و غرایز جنسی
پیدا شد و در خدمت همه این ابعاد زندگمی
قرار گرفت .

در زمانهای باستان در میان یونانیان
و رومیان قدیم گاهی که هنر به ارزشهای
گوناگون تقسیم شده بود بعضی اندیشمندان
آنرا ابزار پرورش اخلاق و بعضی و سیله
معرفت (سفر ط - افلاطون) می شمردند .
به سخن دیگر هنر را خدمت گزار نیکو
کاری و حقیقت میدانستند . مفاد عملی
انواع «نازل» یا (صنعتی) سطح سودمندی
تربیتی انواع «عالی» هنر (سر ، های ،
پیگر تراشی و غیره) را با لا برد . هنر
حقیقت و نیکو کاری را به نحو احسن می
آموزد ، این تیوری تربیتی اثر «عالی» در
قدیم ، در سده های میانه و در عصر
انسانس رواج داشت .

بدینصورت هنر با ابزار دلپذیر خویش
چیزی را می آموزد که بیرون مرز خود
است .

آیا این کار از هنر ساخته است ؟ بلی ،
مشا به دیگر ارزش های همانند آن از هنر
هر چه ساخته است . ارزش های مذکور
که خود هدف به نظر می آیند در عین
حال و سایل تحقق اهداف دیگر بیرون
مرز خود اند . استقلال آنها نسبی است زیرا
یک ارزش دارای چندین هدف می باشد .
ارزش ها نه تنها از هم جدا می شوند
بلکه تما یل به یک پا چگی نیز دارند
هر یک به نحوی بر دیگری تاثیر مینماید
و یک هدف دیگری را رد نمی کند . این
ناهمگونی اهداف بدان معنی است که
هر یک ارزش نسبت بدانچه می باشد

نتایج بیشتری باری آورد و نیاز
مندی های و افری را پاسخ میگوید
و تنها تعدد اهداف و تعدد معانی
ارزش ها استقلال آنها را نفی نمیکند .

میرویم بر سر نظر قدما در باره
عقیده بودن هنر . در بالا گفتیم که عقیده
ستراط در باره عقیده بودن هنر به چه
(خیر) و عقیده افلاطون به چه چیزی
(حقیقت) و نظر پلوتین به چه (پیوستن
به وحدت) می انجامد . اندیشمندان

تاریخی سودمندی و زیبایی عکس آنچه را می گویند که سپهر گفته است. نژاد - شناسان تاکید میکنندکه زیبا بیشتر از سودمندی به وجود آمد اما این نظر اشتباه آمیز است. زیبایی و سودمندی در جامعه با استفاده از نخستین ابزار کار توأم به وجود می آید. بحث بر مسأله سودمندی هنر از آن رو دشوار است که این اصطلاحات هم به معنای وسیع آن و هم به معنای محدود آن به کار برده می شود. مثلاً گاهی که از سودمندی چیزی سخن میرانند سود عملی یا آموزشی افراد نظر میدارند. میگویند «هنر» گاه «شعر» و گاهی حتی از آن زیبایی طبیعت منظور شده است. بیشتر طرفداران بی فایده گی هنر در میان نقاشان شعرا یافته می شود. تا نظر به پردازان منتقدین - دو کم «هنر برای هنر» فقر تقریباً تمام قرن نوزدهم بوده است. طرفداران این دو کم تمام عناصر عقلی و اخلاقی را از قلمرو هنر طرد میکنند. هنر ناب میخواهند! عاری از هر آمیزشی! این هنر دست و پا بسته سالونی، هنر معیای، هنر اشرافی، هنر ذوق های ممتاز و هنر ضد اجتماع است. این قیاحت در زمان مانه تنها از واقعیت فرامی کند بلکه از عقل نیز می گریزد. هنر فرار، هنر آفتناک، بی مسؤولیت و بی هدف است و آن نه تنها «بیپوده» بلکه زیانمند است. و آخرین حد تنزیل فورمالیزم (شکل گرایی) محسوب میشود.

هنر آتقدر هدف زیاد دارد و آتقدر با تمام جهات زندگی اجتماعی مربوط است که نمیتوان به مثابه صرف ییپوده نیرو بدان نگریست. بر عکس هنر سودمند تر یسن پدیده می است که تمامیت اجتماعی را عیان میکند و آنرا انکشاف می بخشد. اما برای آنکه هنر به مقاصد غیر زیبایی شناختی نایل گردد تنها حسن نیست بلکه زیست - هنریش از همه باید به اهداف زیبایی شناختی خود برسد یعنی لذت هنری بار آورد و برای این منظور لازم است تا تمام عناصر آن با هم پیامیزد و به اثر هنری تبدیل گردد. اگر هنر نمیتواند به اهداف خویش نایل آید هرگز نخواهد توانست به کدام هدف دیگری نیز دست یابد.

لذت یابی از هنر خود نیازمندی بسز درک اجتماعیست. جامعه هرگاه تنها مصروف کار های بسیار «عملی» و «مهم» عاری از لطیف، تنها برای تسکین غرایز، بقای نفس و ادامه زندگی است نمیتواند تا دیری یابد. جامعه محتاج نشاط و نیازمند آید یالهاست. واضح است که رفع شدن نیازمندی های واقعی لذتی همراه دارد اما این لذت حسی است و لذتی که هنر می بخشد روانی و هیجالی است. با سروکار داشتن با تخیلات، عقل و دل هر شکل نوعی «بازی» را دارد که تابع نظم و ترتیب معینی است.

هنر زاده هوس ایجاد کاری فردی نیست. هنر ثمر فعالیت اجتماعی است و طوری که گفتیم دارای قاعده های مافوق فردی میباشد. و قتیکه از تبعیت هنراز «نظم و ترتیب» سخن میرود همین قاعده های مافوق فردی در نظر میباشد. نظریه عقیده ک. بولگه هنرمند اختراع نمی نماید بلکه کشف میکند.

تالهام

است با گذشت قرن ها نمیتواند زیبا شود. در موزیمها در کنار اشیاییکه تنها دارای ارزش هنری است (مجسمه ها و تابلو های نقاشی) اشیاییکه هم دارای ارزش هنری و هم دارای ارزش عملی است (اسلحه، ظروف و غیره) و بالاخره اشیاییکه تنها از نگاه باستانشناسی و تاریخی مهم است مسانند «پنجه دست» انسان ابتدایی، جمدسربازانیکه در جنگ مارافون شرکت داشتند، چراب بند نایلیون و غیره نیز گذاشته میشود.

نژادشناسان تاکید میکنند که نیازمندی به آرایش تن در انسانها، بیشتر از تقاضای پوشیدن لباس ظهور یافته است. به پندار آنها انسان از روی ضرورت پیشه و ر و از روی غریزه هنرمند می شود. (این عقیده درست نیست زیرا فعالیت زیبایی شناختی انسان پدید اجتماعی است نه بیولوژیک) به سخن دیگر دانشمندان نژاد شناس در مورد تابع

به وجد می آید از نظر فکری با آن متحد می شود «اتحاد سمبلیک شخص با اثری که ایجاد وجد کرده است» از لیبس. در اعماق هرو جدی نوعی علاقمندی روانی می تد. درست است که تاثیر مستقیم زیبایی هنری عبارت از تابع ساختن غرایز است. مگر برای کسیکه هنوز آماده نشده است شاید تولید اضطراب کند. چنانکه لوکیان (به صورت غیر جدی) درباره عشق داغی با مجسمه افروخت حکایت میکند.

بر می گردیم به نظریات سپهر. مثلیکه خوب ساخته شده است در روند تکامل جامعه بیکاره می شود بنابر آن بیکارگی یعنی بی فایده گی خود به زیبایی تبدیل نمیشود. شی مذکور از آغاز زیبا بود و برای آن ساخته شده بود که زیبا (و به همان اندازه مفید) باشد. و برعکس شی که بد ساخته شده

هنر در جایی آغاز می یابد که سودمندی پایان میپذیرد و هر چیز مفید همینکه مفید نیست به زیبایی تبدیل می شود. چون قفل ها، قصر های قرون وسطی، مسوئل کهنه، ظروف، اسلحه و غیره.

روح انسانی زمانی میتواند به تماشای زیبایی برسد که تمام تصورات غیر زیبایی شناختی را در باره سودمندی آن به دور بیندازد.

در فرجام فیختر مولف با جرات «زیبایی شناسی تجربی» بای ریزی تیوری زیبایی شناختی خود بر بنای احساسات ساده (که در عین حال هنر هم نهاد «سنتیز» شناخته میشود) داش در باره زیبایی را چون بخشی از دانش عمومی درباره دلپذیری شناخت. نظر نزدیکتر به این که توصیف تازه یی از هنر است (هر چند آتقدر تازه نیست!) عبارت است از شناختن هنر چون «بازی»، «تجمل» و «ضرورت به چیز های زاید».

هنر درست است که «از احتیاج برخاسته است». اما نه احتیاج به چیز های زاید بلکه «احتیاج به آنچه ضرور است». هنرنیز چون حقیقت، حقوق و اخلاق نمیتواند وجود نداشته باشد. درست است که هنر «بازی» است. زیرا حین آفرینش اثر هنری تخیل و شخصیت خود هنرمند سهیم می شود منتهی هنرمند و پذیرندگان اثر هنری تخیل و شخصیت خود هنرمند هیچکدام آنرا بازی تلقی نمیکنند در هنر به قول شیلر که طرفدار تیوری «بازی زیبایی شناختی» است: «ما بازی زندگی خویش را اجرا میکنیم».

(که وی بیشتر هنر دراماتیک را در نظر دارد). هنر همچنان تجمل است، زیرا لذتی که از هنر دست میدهد خصلت مافی ندارد. این چیز لذت بخش اما از نوع دیگری است. اما چنان نوع دیگری که در واقع وجود دارد و آنرا بنابر «ارزش های ایدئالشی» تا حد قربانی های مافوق فردی میرساند.

پس هنر از مفید بودن دور است و اصلاً آنجا که سودمندی تمام میشود آغاز نمی یابد هیچک از پدیده های روانی ما ساده و مستقل نیست. تمام عکس العمل های فزیولوژیک و روانی انسان تا مرحله خاص کلیه در هم پیچیده می میباشد. شخصیت انسان به بخش های مجزا و خاص مانند: حسی، منطقی، اخلاقی، مذهبی و عملی و غیره تقسیم نشده است. شعور انسان واحد و تقسیم ناپذیر است. ناممکن است که علت (خارجی یا داخلی) که انگیزه کدام پدیده روانی شده است پنهان یا آشکارا عناصری از دیگر زمینه های روانی در خود نداشته باشد.

تاثیر خالص روانی از شی آرزوی ناخود آگاه مالکیت آنرا نیز در بردارد. و این آرزو آغازی برای عمل میباشد. آرزوی مذکور با کوشش توأم با درک نمیتواند تحقق یابد زیرا در آن صورت فوری تصور تحقق نیافتن آن به میان می آید. کسی که از هکتور هومر به وجد می آید میخواهد مانند آن باشد. گوته در انگنی خویش می نویسد: «بگذار هر کسی قبر مان خویش را بر گزیند و در حساب اولمب گردد». آنکه از منظره کلود لورن



هرکلیس واتنی



مرچینا (در نقش وی-وی-وای ستانینسین)

تکا ن مید هد . تشکر ، دو ست عز یز تشکر ! اجازه بده که بخاطر این روزگرمی ، سا گروز ما ، ترا به آغوش بکشم ! (هر دو بغل کشی میکنند) من راستی را سستی بسیار خوش هستم تشکر از کار ها و تلا شهای خستگی نا پذیر ! تشکر دو ست من اگر من کدام کار با ارزش در این با نك انجام داده باشم ، همه از اثر تلا شهای خستگی نا پذیر شما همکاران است . (آهی از دل بیرون میکشد) بلی ، پیرمرد . پانزده سال ! پانزده سال ! همینطور باور دارم مثلیکه نام شیوچین است ! (با اشتیاق بیش از اندازه) گزرا و ش چطور شد ؟ کارش نزدیک به خلاصی است ؟

کرین : بلی فقط پنج صنف دیگه .

شیوچین عالی . خیر تا ساعت سه تیار خواهد شد ؟ کرین آگاه کسی مرا حم نشود . فقط چند لحظه باد تمام میشود .

شیوچین : بسیار عالی ! کاملاً عالی ! همینطور یقین دارم مثلیکه نام شیوچین است . جلسه عمومی ساعت ۴ شروع میشود برای اینکه کار و زر در انجام شود ، بهتر است که نصف آنرا بدی که بغوا نم تا خوب به محتوی آن وارد شوم . بیا بده (نصف گزارش را میگیرد) من تمام امیدم دایه این گزارش بسته ام .

این گزارش برایم به منزله معجزه اهمیت دارد . با آن میتوانم نمایش آتش بازی ترتیب کرده و چشم همه را خیره سازم آتش بازی ! همینطور باور دارم مثلیکه نام شیوچین است . (می نشیند وزیر لب گزارش را میخواند) چقدر خسته شده ام ادیشب باز مرض تفرص به بندتتم هجوم آورد و تمام روز را هم ایسو و آنسو دویدم تا

کارها روبه راه شود و حالا هم فضایی بر از هیجان چک چکبا ... من بسیار خسته هستم !

کرین : (مینویسد) دو ... صفر ... صفر ... سه ... نه ... دو ... صفر ...

لعنت خدا به ای کار و بار . (با تقوتوق ، جوت را به صدا میآورد) شیطان بیرش ! (مینویسد)

یک ... دو ... سه ... هفت ... دو ... یک ... صفر . او وعده کرده که برایم بخششی بده . اگر وضع همیتو پیش بره و او بتواند همه ره فریب بده ، میخا به که به مه یک ساعت قاب طلا و سه صد رو بل بخششی بده . خات دیدیم !

(مینویسد) ولی آگاه کارها نادرست بود با زانو و خت نه توره گرفت و نه مره داد ده او صورت عصبی خات شدم و ده او وخت کسی از مه گله می نکتد ...

صدای فریاد و چک چکبا از پشت صحنه میشود . صدای شیوچین شنیده میشود که میگوید : « تشکر ! تشکر ! بسیار ممنون هستم ! شیوچین واد میشود . او لباس فراک به تن دارد و نیکتا یی سپید به گردن بسته است والیو می را زیر بغل دارد که به وی همین چند لحظه پیش هدیه کرده اند .

شیوچین (در دهن دوازده ایستاده است و برای همکارانش نطق مینماید) : همکاران عزیز ، من این تحفه شما را به حیث یادگار شادترین روزهای زندگیم ام ، تا آخر عمر نگه خواهم داشت ! بلی ، راستی اقایان !

یک بار دیگر از شما تشکر میکنم ! با سر انگشتانش به سوی آنان بوسه

میفرستد و به طرف میز کرین . (میرود) دوست عزیز ، نزد یکتر یسن کسانم !

تمام مدتی که او روی صحنه است کاتبی میاید و کاغذها را برای امضا کردن میآورد .

کرین : (از جایش بر میخیزد) صایب اجازه بتم که پانزده امین سالروز با نکه به شما تبریک عرض کرده و امید نمایم که ...

شیوچین : (با حرارت دستهایش را

نوشته : جغوف

ترجمه : صدیق رهپو

سالروز

کمیدی در یک پرده

با زیگران :

ادری شیوچین : رئیس با نك قر سهن ... آدمیست نه چندان پیر و همیشه عینك يك چشم میپوشد .

تا تیا نا : زن رئیس بانك كه ۲۵ سال دارد .

کرین : ما مور سابقه دار بانك .

خانم مرچو تکینا : زن مسن گله با لایوش مد قدیمی به تن دارد .

سهمداران بانك .

کارمندان بانك .

حادثه در خود بانك قر سهن ... رخ میدهد

پرده كه با لا میرود ، اتا ق رئیس بانك پدیدار میشود . دروازه طرف چپ ، به دفتر عمومی بانك باز میشود . در اتا ق دو میز تحریر گذاشته شده است . دفتر کار رئیس طوری با كوچ و چو کی مغطی آتشی ، گلدان ها ، پیکره ها ، قالیچه ها و تلفون تر یین یافته است كه از آن شكوه میبارد . چاشت است .

کرین به دفتر کارش تنها نشسته است و گفتشای گشاد به پا دارد .

کرین : (در حالیکه كله اشرا از كلیتیچه پهلوییش خا رج مینماید ، فریاد میزند) کسی ره به دوا خان روان كنین كه يك پا نزده كو پكه دواي اعصاب آورده وكتی خود يك پیا له آب هم به اتا ق رئیس صاحب بیاره ! نمیخا هم كه چند دفعه برای تا ن بگویم ! (به طرف میزش میرود) از ای کار و زله شدیم ! چار روز میشه كه بشینم و شب و روز آنرا در ست كنم



از راست به چپ : شیوچین (در نقش وی-وی-وای ستانینسین) مرچینا (در نقش وی-آ-پی-آ)

زویوا



صحنه پایان فلم «سالروز»

تن و بکسی دستی سفری به شاه دارد،
وارد میشود.

شیو چین: ها! خرس را یاد کن!
تا تیان: عزیزم! (به سوی شوهرش
میدود و یک بوسه دوازده وی میگیرد.)
شیو چین: همین حالا در باره تو گپ
میزدیم. فقط همین دقیقه! (به ساحتش
نگاه میکند.)

تا تیان: (در حالیکه نفس نفس میزند،)
پشتم دق شده بودی؟ خوب هستی؟ از
ایستگاه بدون توقف به اینجا آمدی. حتی
به خانه نرفتم. بسیار گفتنیها برایت دارم

اینقدر زیاد که طاقتم نیامد زیاد تر صبر
کنم. بالا پوش را بکش. من فقط یک
دقیقه اینجا هستم و پس (رویش را به
سوی گرین مینماید.) چاشت تان بخیر
(به طرف شوهرش.) خانه از هر طرف
خیریت است؟

شیو چین بلی عزیزم. دویک هفته گوشتی
ترو زیبا تر شدی... از سفر لذت بردی؟

نا تمام



گرین (دیتس وی-وی-او) توپورکوف

خود را شیرین بسازد. تو عجب آدمی
هستی! من در خانه ادم معمولی هستم و
تسلیم هوی و هوس خشن. ولی در اینجا
همه چیز باید با نزاکت و ادب اجرا شود. اینجا
با نک است، بانک! از همه چیز اینجا باید
شان و شکوه بیارد. (توتو کاغذی را بر
میدارد و آن را در بخاری دیواری میاندازد.)
بزرگترین خدمت من این است که شهرت
با نک را بالا برده ام! او، نا من از همه
چیز مهم هست! نشنیدی که نام بکش و به
غندی بنشین! شهرت. همینطور یقین دارم
مثلیکه نام شیو چین است. (گرین
با لایو با بین میگرد.)

پیر مرد، چندین بار برایت گفتم که
ممکن همین حالا سر و کله سهامداران پیدا
شود و تو هنوز همان کفشهای گشاد به
پا داری و این دستمال کهنه و فرسوده و
به دور گردنت! ببین، رنگ جاکت به
کلی از بین رفته است. باید یک
دست لباس فراوان یا کم از کم یک درویشی
سیاه به تن میپوشی.

گرین: جانچوری برای من مهمتر از تمام
سهامداران است. می بینی که تب تمام
چانه بیلواری می لوزانه...

شیو چین: ولی اینرا قبول کن که
سراپا بیت از دیدن نیست. تو خوشتمایی
بانک را که برای آن اینقدر کار شده است
از بین میبری.

گرین: وقتیکه ای سهامداران آمدند،
من خنده پت می کنم. ای کار چنگال نمایی
خاید... هفت... یک... یک... هفت

... دو... یک... پنج... صفر... خوش
ندارم دیگر ای کلمه بد نموده به زبان بیاری
هفت... دو... نه... (باز تروق دانه
های جوت را بلند میکند.) بهتر میبود که ده
میپاشی شو ز تباره نمیخاستی.

شیو چین: جیات نکو.

گرین: مهمی فام که امشو تو بر ای
نشان دادنت حال ره از آنان پر خات
کدی. بهتر بود که ده ای باره فکر میکردی
اونان تمام چیزه خراب خات گدن. ز نه
کاری دیگه نمیکش جزای که مشکلات خلق
نمایند.

شیو چین: بس کن دیگر. زنان جز حتمی
محق اند.

گرین: راست میگی؟ ممکن زن شما
از کدام جنس خوب است، ولی دو شنبه
گذشته کاری کرده که برای دو روز هوی
بر تنم را س استاد شده بود. یک دلفه
و بدون مقدمه از من و او هم پیش همه
میرسه که راستی اس که شوهرم برای
با نک اسپام جتی و پتی ره که نرخ آنها
در بازار اسپام لحظه به لحظه پایین میاید.

خریده اس؟ او بسیار پریشان به نظر
میايد. پیش اد میای بیگانه ای گپ
از زدن اس! من نمیفام که شما چرا به
اینا باور میکنی. میفایین که شماره به
زندان بیندازن؟

... ازای ار فام چنان به نظر میاید که
همه چیز گل و گلزار است. سه... یک
... شش... چار... یک... پنج... (با
تروق تروق روی جوت کار میکند.)

شیو چین: خبر بد برایت دادم امروز صبح
بازنت آمده بود و از توشکایت میکرد. گفت
که تودیشبوی و خیاشنه ارا میخواستی با کارد
نان بری بزنی. گرین، این چه قسم
رفتار است که تو میکنی؟ راستی شرمنه
نیست!

گرین: سایب اجازه میتن که به خاطر
همی سا لروز از شما خوا هستی بکنم.
مهر با نی کرده به امور خانوادگی ما

داخلت نکنی. به لحاظ همین کار طاقت فرسایی
که برای شما میکنم شیو چین (آه) می کشد
هستی ولی بازنان چنان رفتار میکنی گرین تو آدم
خوبی هستی مثل اینکه
... سود و کهنه فکر باشی. نمی
فهم تو چرا از آنان اینقدر نفرت داری؟

گرین: و نه نمیفام که چرا شما ایفیه
از او تا پشتیبانی کرده و دوست شان
دارین؟

شیو چین: کار مندان دیگر به من به
تا زگی یک البوم یاد کاری حدیده کرده
اند و میدانم که سهامداران میخواهند
برایم خطابه بی ایراد نموده و یک صراحتی
نقشه بی بخشش بدهند. (در حالیکه با عینک
یک چشمش با زی میکند.) این کار بسیار
عالی است. همینطور یقین دارم مثلیکه نام
شیو چین است. به یقین کار بدی نخواهد
شد. راستی اگر با نک میخواستی اهد شهرت

پیدا نماید باید کسی خرج و برچ کند
خوب به هر ترتیب، آنقدر مهم نیست. تو
آدمی هستی که میتوان به آن اعتماد کرد و
تو خودت همه چیز را میفهمی.

متن این سخنرانی را خودم نوشته ام و
صنراحی نقره بی راهم بنده خریده ام و
همچنان پوش چرمی را برای نطق یا دنده
خریده ام. با آنکه اگر پوش چرمی را
برای متن سخنرانی نمیخریدم، ۴۵ رو بیل
فایده میکردم، ولی بلا به پیش. خود شان

در اینمورد هیچ فکر نمیکند، که اینقدر پول
از کجا میشود. (به اطرافش نظر می
اندازد.) چه جای خوبی است اینجا! او!
آنان عقیده دارند که من به همه چیز توجه
و دقت کافی میکنم. در حالیکه تمام تلاش
من اینست که در دروازه ها خوب جل
وبل بزنم. کار مندان نکتایی های باریک
به گردن بزنند، و نگهبان شیک پوش به

دهان دروازه ایستاده شود. ولی، کسی
آقا، دروازه های جل و بلی و نگهبان شیک
پوش چیزهای پیش پا افتاده و بی اهمیت
نیست. من سعی میکنم اینجا مثل خانه ام
رفتار کنم. مانند یک خوک بخورم. و تا بینی
نان بخورم و تا لحظه یکم سراز پا نشناسم
شراب بنوشم...

گرین: لطفاً خود به اصطلاح ده دل ما
شیرین نکو.

شیو چین: کی بیکار است که در دل تو

رمز سخنگویی حیوانات و پرنده ها



صحنه از زندگی حیوانات و پرندگان در جنگل

قسمتیکه دیده میشود در اوقات زمستان در جنگلات سکوت حکم فرما میباشد همینکه برف روبه اتمام میرود در جنگل سکوت برهم زده میشود، صدای قیل و قال پرندگان بلند شده و تقسیم مناطق بین آنها صورت میگیرد. همینکه کدام پرندگان قسمتی را تصاحب کرد به دیگر هم قطار آن خود توسط نغمه ها خبرداری میدهد تا از ورود در ملکیت او بپرهیزند.

باینکه پرندگان های نر و ماده دارای اعضای صوتیه مطلق مشابه میباشد طوری که دیده شده بطور عموم پرندگان های نر نغمه سرایی میکنند اگر چه صداهای آن به عین ترتیب یکی پی دیگر طنین انداز میشوند هدف از (تصنیف های عاشقانه) او این است: (من مجردم و در اوج نیروی خود میباشم دارای آشیانه هستم) این صداهای را بعضی پرندگان ها (۲۳۴۰) مرتبه و بعضی ها تا (۳۳۷۷) مرتبه در یکروز تکرار مینمایند.

باشنیدن این نغمه ها و (تصنیف های عاشقانه) پرندگان های ماده که نظر به پرندگان های نر کمی پسانتر به جنگل رومی آورند نیز به جستجوی جوره خود آغاز میکنند تا اینکه با کدام یک تشکیل خانواده بدهند.

پرندگان های که باهم دیگر عقد (نکاح) بستند دیگر به نغمه سرایی چندان جدو جهد به خرج نمیدهند.

مصونیت سرحدات: ساحاتی را به صورت عموم جانوران در ملکیت خود داخل مینمایند از لحاظ مساحت دارای



پرندگان های که باهم دیگر عقد (نکاح) بستند دیگر نغمه سرایی نمیکنند

بلاگو سکولونوف چندین نوع پرندگان را مورد چنین آزمایش قرار داد. این شخص آشیانه یک پرندگان را به ساحه ملکیت پرندگان دیگر انتقال میداد همینکه جاور جنگل برپا میشد پیروزی نصیب پرندگان میشد که ساحه در ملکیت آن قرار داشت. بعد عملیه معکوس را انجام داد و ملاحظه نمود پرندگان که چند ساعت قبل پیروزی را کسب کرد در اینجا ناکام بدر می آمد. به این ترتیب چندین صد تجربه را انجام داد و هر بار مالک ساحه پیروزی بدست می آورد.

درین جایک تفاوت جزئی نیز بنظر میرسد که مجاورین به او کمک میرسانند. مشاهدات و تجاربی که در مجمع الجزایر یا مال در بحیره کار سک انجام یافته عملیه فوق را به اثبات رسانید.

پرندگان های که درین قسمت زندگی میکردند دیده شده که چندین بار به هم سایه خود غرض ازین بردن و یادآور راندن دشمن کمک کرده اند. درین ضمن از پرندگان های که بنام دم چنناک مسمی میباشد میتوان یاد آوری نمود. دیده شده که سه پرندگان نر همیشه به یکدیگر کمک میکردند بدون در نظر داشت اینکه در محوطه

صدای شدید اللحن ظاهر میشود. بدون اینکه تصادفات خواه در آب، درخشد بوقوع پیوندد با اجرای مراسم خاصی محدود میشود. جانوران درین قسمت از تسلسل آواز و صداهای معین کار گرفته و در هر یک از مراحل صداهای عجیب که حالت معین را منعکس مینماید از خود بیرون می آورد. اول صداهای اخطاریه را میکشند بعد به حمله آمادگی میگیرند. حتی وقتی که حمله حتمی باشد به جانب مقابل موقع داده میشود تا در همین لحظه تصمیم خود را عوض نماید و حالات را متشنج ننماید.

اگر گذشته از اقدامات و تصامیم جنگ و جدال بازم آغاز گردد طبق معمول بسیار کوتاه میباشد و در دوام نمیکند. جانوران چه بزرگ و چه کوچک باشند بعد از حمله اولی از فرادیر عیز میکند و بعد از اینکه فرار حتمی میشود تعقیب آن از طرف حریف شکل نمایی را بخود میگیرد. در اثر تحقیقات متوود قانون مندی جالب کشف گردیده است. به هر اندازه که دعوا و جنگال بین جانوران صورت بگیرد بدون نیروی جسمانی همیشه مالک منطقه پیروز میگردد زیرا حق اولیت تصاحب ساحه به مالک آنجا بر تریب روانی می بخشد.

به این ترتیب یکی از پرندگان شناسان معروف



صحنه‌های از زندگی در جنگل

که صدای يك پرنده و يا جانور نو سفا جا نوران و پرنده های مجاور به عين معنى تلقى ميشود . به اين ترتيب بطور مثال اگر حيوانات سم دار افریقایى كه در فافله های مختلف باهم جمع ميشوند اگر يكى از حيوانات خود صدای خطر كشد همه الا و نه از خطر فرار ميكنند ميمون ها نيز به عين ترتيب عمل ميكنند و از نژديك شدن دشمن مطلع ميشوند .

زاغ ها همينكه در چند متری خود انسان را دید صدا های «قافا» ميكنند . همينكه زاغ های ديگر صدا را شنيدند همه پرواز ميكنند .

پرنده ها كه تنها هم نوغان خود را از نژديك شدن خطر مطلع ميسازند بلكه از شنيدن صدا های آنها جا نوران ديگر نيز احساس خطر ميكنند . همينكه صياد به جنگل داخل شود زاغچه ها صدا ميكنند و با شنيدن اين صدا ها آهو وغيره جانوران از ورود صياد به جنگل مطلع ميشوند .

پرنده ها دارای يك نوع صدای مخصوص ديگر ميشوند كه در موقع بسيار حساس از آن استفاده ميكنند اين صدا های کوتاه و مسلسل به هم پيوسته گان از احتما ل خطر بسيار جدی اطلاع ميدهد . يکی از پرور فیسوران علوم يو لوی بنام ايليچوف صدا های خطر پانزده نوع پرنده ها را تحليل نمود و در نتیجه به اثبات رسانيد كه شيمای تلفظ آنها با هم شباهت تقريباً تا م دارد به اين ترتيب جا نوران از خود در مقابل خطر ات احتما لي دفاع مينما يند .

پشك ، گنجشك های زنبور خور نیز صدا ميكنند . در كشيدين اين نوع صدا غرض تر سايندين دشمنان دارا كوپ نیز ماهر ميشود . تلاش های راکه جانوران غرض محافظه تخم ، نوزادان خود به خرج ميدهند توجه همه را به خود جلب ميكنند بطور مثال زاغچه ها با صدا های بلند در مقابل دشمن از خود دفاع ميكنند . اگر نوزاد كوچك دشمن را ببيند به هيا هو می پر دازد و والدين آن به بيسار سرعت خود ر ا به محل حادثه می رسانند درنده را مورد حمله قرار ميدهند و صداهای بلند جنگل را فرا می گيرد .

خرگوش ها كه بسزدل و ترسو بشمار ميروند در حقيقت چندان تر سويست همينكه صدای چوچه خود را شنيدند به كمك آن ميشتابند . وقتيكه مردم چوچه خرگوش را اذيت كنند خرگوش از آنها دور تر فرار را اذيت كنند خرگوش از آنها دور تر فرار نمی كند حتى بعضی اوقات تلاش می ورزد تا توجه مردم را به خود جلب كند و آنها را هر چه دور تر از چوچه های خود ببرد . خرگوش با لای پرنده های لاشخور بسيار شجاعانه به حمله می پر دازد .

روپاه ها نيز از چوچه های خود بسيار دليرا نه دفاع ميكنند مثلاً اگر در نژديك غار روپاه سگ بخواهد چوچه های او را اذيت كند روپاه دورتر فرار نمی كند و اگر سگ او را دنبال نمايد بعد از چند لحظه دوباره خود ر ا در حوالی غار خود می رساند . مشاهدات در قسمت كره دار جا نوران مخصوصاً در حالات بحرانى نشان ميدهد



تلاش های راکه جانوران غرض محافظه تخم و چوچه خود به خرج ميدهند توجه همه را به خود

جلب می کنند

در سنگ ها ، موش های صحرايی سيستم اطلاع و با خبری از نژديك شدن دشمن نيز انكشاف يافته است و توسط صداهای غوغا خود همه ساكنين منطقه را با خبر ميسازند . با اين اطلاعات جانور های ديگر از شكل خطر و رفتار و كردار دشمن بخوبی با خبر ميشوند .

وقتيكه در ساحه دید پرنده های دم دراز گروگ و باروباه واقع شود چندین صدای پی در پی ميكنند و اگر درنده هوایی را ببينند صداهای عليحدته ميكنند . و اگر درنده هوایی به سوی زمین خود را فرو آرد اين پرنده صداها بعد از هشت ثانيه يکی بي ديگر ميکشد به اين ترتيب تين پرنده در حالات مختلف از خود صداهای مختلف ميکشد .

سار نيز توسط صداهای مخصوص همه را از نژديك شدن دشمن اطلاع ميدهد . اگر پشك نژديك آيد يکنوع صدا و اگر انسان بخواهد نژديك شود صدای ديگر را ميکشد .

وقتيكه مار صدا ميدهد همه ميدانند كه مساله از چه قرار است . گرچه صداهای مار بی ضرر اند اما همه رابه اين نكته توجه ميسازد (من دارای سلاح خطرناك يعنی دارای غد و ات زهری ميشم و اگر ضرورت پيافتد بسد و ن تاخير آنها را بكار می اندازم)

مارهای آبی طبيعتاً دارای جنين سلاح نيستند اما همينكه صدا كشيده همه رابه ترس می اندازد و به عقب ميروند . اين نوع صدا تاحدی مروج است كه از آن حشرات ، پرنده ها و جانوران نيز استفاده ميكنند .

كدام پرنده همچان ناخوانده نفوذ كرده است هر نوبت دشمن رابه شكل مشترك دور می رانند . پرنده ها هميشه به عين ترتيب در مقابل نژديكان خود متجاوز نميشوند . همينكه زندگی فاميلي رويه اختتام ميشود پرنده نسبتاً مهربان تر را و در مقابل ديگران نسبتاً پرحوصله ميشود در اثر تحقيقاتی كه بالای پرنده های كه بنام كله سر خك ياد ميشود اجرا گردیده به اثبات رسیده است كه چهل و دو فيصد وقت خود را برای محافظه ملكيت خود به صرف ميرسانند تا اينكه آشيانه بسازند بعد از عمليات متجاوز گرانه آنها بمراتب كاسته ميشود . در مناسبات بين پرنده های ديگر نيز از عين قانونمندی بيروى ميشود و مناقشات متفقوی اغلباً وقتی اتفاق می افتد كه هنوز آشيانه ها ساخته نيستند .

كسب اطلاع از وقوع خطر ات :

اغلباً دیده شده است كه مناقشات فاميلي در جانوران بطور غير مترقبه وقتی قطع ميشود كه دشمن مشترك در ملكيت آنها رخنه كند . آنهايكيه چند دقيقه قبل باهم جنگ وجدال ميگردند مناقشات را يكسو گذاشته و دشمن مشترك را عقب می رانند .

قبل از وقوع احتمالی خطر صداهای مخصوص خطراً ميكنند . اغلباً اين صداها توسط جانوران متعدد كشيده ميشود و هر کدام طوری آنرا اجرا می كنند كه برايش آسانتر باشند اين صداها مخصوصاً در حالاتی شديد ميشود كه دشمن عزم تخريب آشيانه را داشته باشد .



صحنه از زندگی پرنده های جنگل



خاطراتی از زندان پلچرخی

خیلی بامن انس گرفته بود موجود بود فراق هم یک خاطره بود و همچنان این خاطره که باوجود امکانات محدود می‌توانستیم به رفقاییکه پایواز نداشتند و یا قوماندان قهار زندان مانع از کمک فامیل هایشان می‌شدند مدد رسانیم و یا بعضی اطلاعات را که حاصل می‌کردیم به سمع رفقا می‌رساندیم و خاطره‌های را بیاد می‌آوردیم و از اطفال خود سخن می‌گفتیم و در چهار دیواری پلچرخی باهم صحبت می‌کردیم و بالاخره خاطره‌ای را بیاد می‌آورم که چگونه دانش‌های انقلابی خویش را در خدمت یکدیگر می‌گذاشتیم و همچنان خاطره ایمان و شجاعت و انضباط پذیری دوستان هم اتاق خویش را همیشه بیاد می‌آورم. سر از آنجائیکه در وطن محبوب ما سابقه نداشت که زنان را تاکنون به این قسم بهانه‌ها بزنند بپندارند. ممکنست بگویند که عکس العمل فامیل شما هنگام بازگشت چطور بود؟

در جواب گفت: فامیل خودم و فامیل شوهرم از راه عقیده و اندیشه من و شوهرم اطلاع کافی داشتند و می‌فهمیدند که راهی را که مادر پیش گرفته ایم انجامش پیروزی است و یا مرگ مادرم چون یک پسر و یک دختر و داماد هایش زندانی شده بودند بعد کافی رنجیده و خسته که در همان روزهای که هنوز بزنندگان نرفته بودم

کردند که چطور مردم هستند با تمام قوا از سرف و ناموس سازمان و رفقا دفاع کردم که این خود مایه خشم آنها و شکنجه دادن ما می‌شد. چه خوش است که دشمن از شکنجه دادن خسته شود و نتواند چیزی بدست آورد و با چهره عبوس و غمناک عرق‌های خود را پاک کند.

بالاخره نوبت برق دادن رسید، برق رادر یاها و دستبایسم بسته کردند. از شدت درد فریادم برآمد بایک روحایی جگر و خون آلود دهانم را بسته کردند و بعد از دو شب شکنجه روانه زندان پلچرخی کردند.

ناگفته نماند که آنها مرا به بهانه بخش‌سب نامه دستگیر نموده بودند و البته مادر بخش سب نامه دست داشتیم مگر بکلی از آن منکر شدیم بخاطریکه بخش آن از راز حزب و سازمان بود و ما باید انکار می‌کردیم.

سالحه روستا در مورد خاطرات پلچرخی چنین اظهار عقیده میکند:

خاطرات در داخل زندان نزد اشخاص فرق میکند، خاطره یک زندانی که به ناحق زندانی شده، خاطره یک زندانی متعبد، خاطره خورد سالن که بی موجب در سلولهای زندان می‌ولیدند. اما اندیشه من همیشه به حزب رفقایم، فامیل و مخصوصاً فرزند دینم ساله‌ام که در همان روزهای که هنوز بزنندگان نرفته بودم



فامیل خودم و شوهرم از راه عقیده و اندیشه من و شوهرم اطلاع داشتند و قبول کرده بودند راهی را که مادر پیش گرفته‌ایم انجامش پیروزیست و یا مرگ

و بای برجا نگهدارد و دوست‌های سا زمانی با تمام قوت در استواری سازمان رزمیدند و موفقانه از عهده آن برآمدند که این همه کارها دشمنان مردم را سرسام ساخت و دست به توقیف و شکنجه هازند که بعد از شکنجه دوره بود یا باستیل و یا پولیگون، و من بدین ترتیب گرفتار شدم روز ۲۸ جوزا که در دفتر کار خود بودم ساعت یازدهم و نیم یکنفر آمد و گفت بیا که باتو کار داریم من مخالفت کردم، دیدم که کارت اگسار نشان داد و مرا با تفنگچه تهدید نموده و سوار موتر کرد موتر روانه وزارت داخله گردید و بعد از لحظه انتظار در یک اتاق تاریک در عقب وزارت داخله یک اتاق شکنجه بود که در آنجا فوراً برایم دادند که خانه پری نمایم بعد ساعت

دو شب مرا به صدارت بردند تا فردا ساعت ۹ شب انتظار کشیدم و ساعت ۹ بود که هیات تحقیق آمد و گفت شما انسان‌های بسیار خوب معلوم می‌شود هر چیزیکه میدانید بگوئید. در جوابش گفتم که چه چیز را بگویم؟ گفت هر چه را که میدانید بگو من گفتم که هیچ چیز نمی‌دانم بالگدی که بمن زدند سرم گیج شد و بی‌یاد خوردم گفتم که باز هم نمی‌گویم؟ زود بگو باکی ارتباط دادی، غصو ارتباط تو کیست؟ ظاهراً می‌گفتم که با کسی ارتباط ندارم اما در دل می‌گفتم که اگر مرا تکه تکه هم کنی این جواب را نخواهی گرفت و وقتی که در باره سازمان و رفقای رهبری پرسیان

دار و دسته و باند امین در پهلوی سایر جنایات و خیانت‌های بیشمار حتی حقوق و احترام بزن را نیز لگدمال کردند اعمال ضد انسانی آنها نه تنها خلاف کلتورو عنعنات ملی خلق افغانستان بود بلکه این دوره در جهان در شما دوریاسه دوره ظلم تاریخ بحساب می‌رود.

باند امین به نصف‌های شب بهانه حاحمله می‌بردند و بهانه‌های گوناگون دختران و زنان مردم را راهی شکنجه گاه‌ها و زندان‌ها می‌ساختند. جهت معلومات و آگاهی بیشتر خوانندگان عزیز مجله ژوندون مصاحبه‌ای بایک زن جوان و یک دختر جوان که مدت چندماه در دژ خوفناک باند امین زندانی بوده‌اند داریم که اینک از نظر شما می‌گذرد:

این دو جوان با وجود اینکه سر حال و شاد صحبت می‌کردند اما آثار خستگی و کسالت از چهره هایشان عوید بود وقتی از آنها خواستم تا در مورد خاطرات خویش از زندان پلچرخی برای ما حکایت کنند، ابتدا سالحه روستا شروع به صحبت نموده و در جواب این سوال که روی کدام جرم شما را بزنندگان انداختند گفت:

علت واضح بود به جرم عشق بوطن، آتش در جان دشمنان ما زبان می‌کشید و در صدد بهانه بودند که ما را توقیف کنند و در شرایط بسیار بد مخصوصاً بعد از کودتای فرزند و فا دار (سیا) در داخل حزب تلاش تمام رفقا در این بود که سازمان و به صورت کل حزب را زنده

می‌رویم بعد از موتر پیاده‌شدم و بیک اتاق رفتم که در آنجا شخصی پشت میز به چوکی خوابیده بود بمن گفت تو همین هستی؟ گفتم بلی. گفت ما برای خودت کار میدهم (معلمی) من خنده تمسخرآمیز زدم و گفتم شما بسیار لطف دارید و من از شما تشکر میکنم که درین وقت شب ب فکر بی کاری من شده‌اید، از آنجا مرا به اتاق دیگر که اتاق شکنجه بود بردند چهار طرف اتاق مردمانسته بودند. مرا گفتند بنشین چشم من بیک جای خالی افتاد و براه افتادم که بنشینم مگر فریادی مرا متوقف کرد که به زمین بنشین بعد شکنجه با تهدید، توهین، مشت و لگدم برای برق شروع شد و تیکه شکنجه بیایان رسید، روشنی صبح تازه همه جا دمیده بود مرا به اتاق دیگر فرستادند و در آنجا بایک تعداد دیگر دختران و پنیپرست رو برو شدم که همه خسته و مانده از اتاق شکنجه آمده بودند آنها گفتند که اینجا گسا ست بعد از آن در فکر خانه و خواهر تشایم افتادم و چهار شب بسپمین ترتیب سیری شد و بعد به بلچرخ فرستاده شدیم البته یک کاروان بسته بودیم که از پنج الی شش موتر تشکیل میشد موترها پر از مردان مبارز و و پنیپرست بود و تشایم معاون (نواب) با موتر خود ما را همراهی تا تقریباً یکماه فاملیم ازم هیچ اطلاعی در دست نداشتند هر چند ایشان روزها تشایم همه روزه به دفاتر دولتی جهت مطلع شدن از چگونگی مجرم بودن و محکومیت ام مراجعه نموده بودند اما تا این مدت هیچ اطلاعی برایشان داده نشده بود.

راستی آنها می‌خواستند که ما باکی ارتباط داریم و به کجا ارتباط می‌گیریم و و پنیپرستان رابه آنها معرفی بداریم مگر ما یادداشتن اندیشه مردمی و آزادی به این شکنجه ها و رنج‌های آنها اعتنای نکرده و امیدواری به آینده مستقل و پیروزمند به مقاومت خود علیه هر نوع استبداد آنها ادامه میدادیم.

باشنیدن پیغام آزادی زندانیان سیاسی مسرت زیادی برایم دست داد فکر میکنم در همان لحظه چنان هیجانی بمن دست داده بود که هیچ چنین لحظه را در زندگی ام بیاد آورده نمی‌توانم و یکبار دیگر حس مسولیت و خدمت به خلق در روحم که به جرم آن زندانی شده بودم و از فعالیت باز نگه داشته شده بودم دمید. برای یک دختر و پنیپرست ازین بیشتر جای خوشی و مسرت نخواهد بود که موقع بیاید تادوش بدوش مردان و پنیپرست در راه اعمار جامعه نوین حصه بگیرد ازوی خواستم تادر مورد صفات یک زن مبارز چیزی بگوید.

بنظر من یک زن یا دختر مبارز همیشه حقیقت بین بوده و در تاریکی مبارزه را پیش نبرد، یک زن مبارز همیشه همراهی اجتماع هم صحبت بوده و از چگونگی زندگی مردم خود باخبر باشد و در راه مبارزه خود علیه یک جامعه ای که از هر حیث عقب مانده از هیچگونه شکنجه و

بقیه در صفحه ۵۰

نهایی سمستر دوم مانده بود. بعد هرچه به جستجوی کار شدم موفق نشدم و کسی برایم کار نداد تا اینکه در یکی از شب‌های ماه جوزا در خانه که جرم و خواهرم کسی دیگر نبوده به همان بودند، و ساعت دوی شب بود که دروازه با بسیار شدت کوبیده شد. و تیکه دروازه حویلی را باز نمودیم اشخاص موثق مانند گرگ های گرسنه و مجرّم با ما شنیدار بدون اجازه به حویلی داخل شدند و چهار طرف حویلی را محاصره نمودند و چند تن از آنها داخل خانه شدند بعد از تلاشی نمودن تمام خانه ها و حویلی



سمین:

متأسفانه قلم و کاغذ نداشتیم تا تمام جریانات را یادداشت می‌کردم.

ازمن خواستند تا خانه را ترک گفته با ایشان یکجا بروم چون از همان اول الی وقت دستگیری برای خدمت بوطن از هیچ چیز نمی‌ترسیدم درینوقت نیز عراسی بخود راه ندادم، باخواهرم خدا حافظی نمودم مگر اواز آنها با گریه می‌خواست که بگذارند مادرم را ببینم و بعد بروی اتاق افتاد او را بهمان حال و تشایم رها کرده همراهی آنها، به طرف موتر رفتم. دیدم سه موتر برای بردن من آمده دست در موتر وسط نشستیم، مو تر حرکت کرد، چون شب تاریک بود نفهمیدم کجا

مخالف به سرک کابل تغییر می‌کرد و مقابل قوای چهار زره دار که گشتار گاه ساخته بودند بنام پلیگون ایستاده می‌شد. با رسیدن موتر چراغ پلنگون روشن میشد و بعد از چند دقیقه صدای گلوله شنیده می‌شد و شعله های سرخ آن به هوای تاریک نمایان می‌شد. دوباره از چوکی پائین آمده و به بستر خواب به فکر می‌رفتم، به فکر کودکانیکه پدران خود را از دست میدادند و مادر اینکه دلبندهای خود را از دست میدادند. بمجریکه صدای پاینده‌هلیز می‌شنیدیم از فکر خود دوباره به بستر می‌نشستیم که حالا دروازه زده می‌شود و ما را هم به گشتن

شده بود از همین سبب زندانی شدن مرا ازوی پنهان کرده بودند و برایش گفته بودند که صالحه مخفی شده است و عکس العمل فامیل شوهرم درست بمتابه یک برخورد بایک عضو فامیلی که متعهد است با حزب و وطنش پیمان بسته است که تا آخرین لحظه حیات در سنگر حزب است برخورد میشد با تمام قدرت بغاظر آسایش و آرامی من در داخل زندان میکوشیدند و بخصوص که از ناحیه کودک خود به تشویش بودم، آنها در حالت های گوناگون ازوی عکس می‌گرفتند در بین قطعی ها برایم می‌فرستادند. خوب صالحه جان هنگامیکه خبر آزادیتان را

شنیدند چه احساسی برایتان دست داد؟

من در لحظه ای که خوشی سراپایم را فرا گرفته بود یکبار ب فکر زندگی حزبی قبل از زندانی شدنم، بعد زندگی داخل زندان و تمام خاطره ها از پیش چشمم مانند پرده سینما می‌گذشت و اگر شما آقای خبرنگار از کام امین نجات پیدا نمی‌کردید و مانند هزاران هموطن دیگر زندانی می‌شدید و در همان وقت احساس یک زندانی را خوبتر درک می‌کردید و احساس مراد همان لحظه رهایی میدانیستید.

فعلاً چه پیامی برای زنان و دختران کشور دارید؟ پیام من این است که دو شاد و شاد دیگر خواهران و برادران خود مانند یک موجود فعال در تحت رهبری حزب با تمام قوا در آبادی و سربلندی این کشور بیچاره که سالها رنج زحمت بخورده بگویند.

بعد از شنیدن سخنان صالحه روستا که خالی از دلچسپی نبود دختر جوان که سپمین نام دارد و محصل آکادمی تربیت معلم میباشد بنام تخریب کار از آکادمی منفک گردیده بود و بزندان افتیده بود رشته سخن را بدست می‌گیرد.

هر روز در زندان با خاطره سیری میشد مگر متأسفانه که قلم و کاغذ بدسترس نداشتیم تا همه را یادداشت می‌گرفتیم خاطراتیکه شکنجه های روحی آن خواب را از چشمان ما دور کرده بود مثلاً یکی از آن خاطره ها در شب و تیکه تاریکی و سکوت مرگبار فضای زندان را فرا میگرفت ساعت یک یا دوشب صدای دریش نگهبان زندان سکوت را درهم میشکست و موتر داخل زندان می‌شد بعد چندین جوان و پنیپرگناه در حالیکه دست هایشان به پشت سرشان بسته میبود آنها رابه موتر بالایم کردند و موتر دوباره از زندان خارج میشد. فراموش نشود که باید بگویم اتاق مادر بلاک اول یعنی بلاکی که قوماندان زندان در آن بود موقعیت داشت و ما از داخل اتاق با استفاده از یک چوکی آهنی که در اتاق داشتیم حادثات بیرون را تا جائیکه امکان داشت می‌دیدیم. چوکی را زیر پنجره قرار می‌دادیم و بالای آن ایستادمی شدیم، بلی شبهای بیشمار موترها را که مردم بیگناه ما را از زندان بیرون می‌برد تعقیب می‌کردیم و تیکه موتر به سرک کابل میرسید سمت حرکت آن

می‌برد، روز ها و شب ها بهمین ترتیب در انتظار سیری میشد انتظار مرگ و یا موفقیت تا ماه جدی این صدای نجات دهنده یعنی موفقیت را بگوش خود شنیدیم.

سپمین جان اینکه ترا چطور و در کجا دستگیر کردند برای ما صحبت کن.

باید بگویم که در مرحله اول در سال ۱۳۵۷ محصل صنف ۱۳ آکادمی تربیه معلم بودم که بنام تخریبکار از آکادمی بطور قطع منفک شدم در حالیکه صرف چند روزه شروع امتحانات

سرود خشم

آهنگر آن پیر، همه پتك ها بدست
 باجهره های سوخته، در نور آفتاب
 چون اختران سرخ، بتاریکی غروب
 چشمان پراز نوید فرح بخش انقلاب
 پتك گران بدست و دهانها پراز خروش
 فریاد شان گسسته در آفاق شامگاه
 روئیده در دیار افق، خوشه های خشم
 افسرده بر لبان شفق، بوسه های ماه
 پنداشتی غریو خدا یان آسمان
 پیچیده در کرانه ی خاموش زندگی
 بگرفته از فروغ شفق، رنگ انتقام
 آن گونه های که سوخته از سرم بند می
 پنداشتی که خشم فرو خورده ی قرون
 جوشیده از خرابه ی فر توت روزها
 پنداشتی که شیون قربانیان جنگ
 آتش فکنده در دل آتش فروز ها

از سینه ها رسیده بلبها سرود خشم
 افکنده در حریم دل آسودگان هراس
 گفتی بر آستانه ی این شامگاه تلخ
 دردم خزیده سایه ی مردان ناشناس
 در چشمان طلیعه ی توفانی شفق
 آرد خبر زخنده ی خونین صبحگاه
 فریاد شان گسیخته در آسمان شهر
 خشم سیا هشان همه جوشیده در نگاه
 دردم شکسته است توگویی سکوت مرگ
 در دستخیز این شب تاریک و افسین
 برقی دمیده از دل آفاق دور دست
 تاسایه ی گیود شب افتاده بر زمین
 خوانده بیاس روز نظر، باد شامگاه
 شکرانه ی گسستن زنجیر بندگی
 آهنگران پیر، همه پتك ها بدست
 در چشمان، طلیعه ی خورشیدزندی
 (نادر نادرپور)



گامها

ومن در شام آن هستی سامان سوز
 همی غارتگران باغ را دیدم
 که هر صبحی گلی از شاخه می چیدند
 ویریر مینمودند، میدیدند
 خنده میکردند و میرفتند
 چه گلهایی!
 گل سوسن، گل سرخ و گل نسرین
 گلی زیباتری از زهره و پروین
 وکی غافل از آن بودند که روزی
 بجای يك گلی
 صدها گلی در باغ می روید
 هارون یوسفی



ملیان لایق

بهار دروغینه

بیار ساقی گلچهره باده د و منی
 که نقش تازه بریزیم و طرح انجمنی
 ازین بهار دروغینه بوی خون آید
 مرا رسیده ز حافظ اشارت سختی
 « ز تند باد حوادث نمیتوان دیدن
 درین چمن که گلی بوده است یاسمنی»
 چنان زجر فلک سنگریزه می بارد
 که نی بسزه چمن ماندونی به گل وطنی
 زهر که می شوم حرف «سوخته» بالاست
 به هرچه مینگرم تیغ و آتش و رمنی
 هنوز قطره خون تازه کار خویشتن است
 بدامنیکه ننگجد در آن دگر لجنی
 بهوش باش که این رهزنان بازی زور
 خدای تازه تراشد و هیکل و تنی
 منع باغ کهن پرورند و سینه زند
 بنام خار یابان و سبزه ای خشتی
 تو آسمانی و اندیشه ای تو ابر بهار
 تو نوربخش زمینی، تو مغز و جان و تنی
 تو نقشند جهانی، تو خلق کارگری
 تو بسته بند حوادث، تو قدرت شکنی
 بنوش باده مردی و راه چاره بجوی
 که چاره جوی نبود فراغت چمنی
 به خار های یابان اگر نمی نرسد
 بهار چیست که لاله ز باغ نترنی

۱۳۵۷/۶/۱۷

کابل



د بند خونند

خلوبشت کاله آزاد ژوند عسی بوخ نکرم
 لکه بوخ چی کرم یو کال عقر د بند
 د آزاد ژوند به ارزښت باندی څه پوهوم
 چی بندى شوم مټى پوه یی شوم په خونند
 دوکتور زیار، خر خي زندان ۱۳۵۸/۸/۲۳

روزنه امید

باغزم و امتان
با شور شعف و شوق
با قلب پر امید
در کار زندگی
هر دم روان گرد

خیر است گر ترا
آن نیروی شاد
در بازو ها و پنجه
دیگر نمالده است

تو غصه راه مده
گر چرخ روزگار
هم مال و مکننت
ز دست رفته است

هرگز پریش مباش
گر نخلهای ممتی
وان گلبن عشق و صفای شباب
در بوستان قلبت
بزمده گشته است

افسردگی مکن
از گردش ایام
گر تارو بود هستی ات
از کین و انتقام
فسرده است

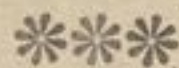
در غم مباش
از نور چشم خویش
کز درد انتظار
گر دی کشیده است
امید ز دست مده
گر چند پیر گشته یی و
بسان گذشته نیستی
اما -

آنچه دست داده ای
با جامه دیگر
همراز رزم تست
اکنون تو شاد باش و

با غرور تام
در کار زار هستی
جایی به پیش گیر
امروز -

امروز تو میوای
با نیروی اراده
با حب و عشق مردم
با لذت ایثار
در نور حق و راستی
باراد مردی تام
هر آنچه خواسته باشی
انعام آن کنی

شمس الحق - یاسا



ویل کول

ویل کول ساویدن دی انقلاب ته
یویی بله انقلاب نشی داوود لای
له ویل سره کول ملگری بو به
تش ویل هسی هستی نشی لرلای

دوکتور زیار، امینی شکنجه خای

۱۳۵۷/۱۱/۱۷

ایه های زمینی

آنگاه خورشید سرد شد
و برکت از زمین ها رفت

وسپزه هایه صحرا ها خشکیدند
وماهیان به دریا ها خشکیدند
و خاک مردگانش را
زان پس به خود نپذیرفت

شب در تمام پنجره های پریده رنگ
مانند يك تصور مشکوک
پیوسته در تراکم و طغیان بود
وراء ها ادامه ی خود را
در تیرگی رها کردند

دیگر کسی به عشق نیندیشید
دیگر کسی به فتح نیندیشید
و هیچکس
دیگر به هیچ چیز نیندیشید

در غار های تنهایی
بسیودگی به دنیا آمد
خون بوی رنگ وافیون می داد
زلفهای باردار
نوزاد های بی سر زایدند
و گاهواره ها از شرم
به گور ها پناه آوردند

چه روزگار تلخ و سیاهی
نان ، نیروی شگفت رسالت را
مفلوب کرده بود

.....
.....
.....

در دیدگان آینه ها گویی
حرکات و رنگها و تصاویر
وارونه منعکس می گشت
و بر فراز سر دلقگان بست
و چهره ی وقیح فواحش

يك هاله ی مقدس نورانی
مانند چتر مشتعلی می سوخت
مرداب های الک

با آن بخار های گسی مسموم
انبوه بی تحرک روشنکران را
به زرقنای خویش کشیدند

و موش های موزی
اوراق زردنگار کتب را
در گنجینه های کهنه جویدند

خورشید مرده بود
خورشید مرده بود و فردا
در ذهن کودکان
منهوم گنگ گمشده یی داشت
آنها غرابت این لفظ کجانه را
در مشق های خود
بالکای درشت سیاهی
تصویر می نمودند
مردم
گروه ساقط مردم
دلبرده و تکیده و مبهوت
در زیر بار شوم جسد هاشان
از غربتی به غربت دیگر میرفتند
و میل دردناک جنایت
در دستپايشان متورم می شد

گاهی جرقه یی ، جرقه یی ناچیزی
این اجتماع ساکت ییچان را
یکباره از درون متلاشی می کرد
آنها به هم هجوم می آوردند
مردان گلولی یکدیگر را
با کارد می دریدند
و در میان بستری از خون
با دختران نا بالغ
همخوا به می شدند

آنها غریق وحشت خود بودند
وحش ترسناک گنجهکاری
ارواح کوروکودشان را
مفلوج کرده بود
پیوسته در مراسم اعدام
وقتی طناب دار

چشمان پر تشنج محکومی را
از کاسه بافتار به بیرون می ریخت
آنها به خود فرو می رفتند
و از تصور شپو تناکمی
اعتصاب پیرو خسته شان تیر می کشید

اما همیشه در حواشی میدان ها
این جانان کوچک را میدیدی
که ایستاده اند
و خیره گشته اند
به ریزش مداوم فواره های آب

شاید هنوز هم
در پشت چشم های له شده، در عمق انجیل
يك چیز نیم زنده ی مغشوش
بر جای مانده بود
که در تلاش بی رمقش می خواست
ایمان بیاورد به پاکی آواز آب ها
شاید ، ولی چه خالی یی پایانی
خورشید مرده بود
و هیچکس نمی دانست
که نام آن کیوتر غمگین
کز قلبها گریخته ، ایمانست .

آه ، ای صدای زندانی
آیا شکوه یاس تو هرگز
از هیچ سوی این شب منفور
تقی به سوی نور نخواهد زد ؟
آه، ای صدای زندانی
ای آخرین صدای صدا ها

فروغ فرخزاد

میتوان در پهلوی بازیچه اشیای خورد دیگر را
او یزان کرد همینکه طفل آنها را بدست
گرفت چند ی بعد می آموزد که اشیای به
حالت سخت ، ملایم ، سرد و داغ موجود
میباشند . به هر اندازه که اشیای اضافی
تر باشند به همان اندازه تجربه به طفل
درین قسمت مکمل تر میشود .

طبق عقیده روان شناسان طفل در این
فعالیت نموی بیشتر میکنند . برای این
مقصد انستیتوت مذکور با بازیچه دیگر را
پیشنهاد کرده که همچنین صدا دار میباشد
در تار پارچه های مدور ، استوانه مانند
و حلقه ها او یزان هستند اما هر کدام
اینها دارای اندازه های مختلفی میباشد
اندازه های پارچه های استوانه ای
و مدور قطر به اندازه حلقه خورد تر
هستند به این ترتیب میتوان از حلقه
بگذراند . هر بار که طفل با این بازیچه
بازی کند معلومات جدیدی را می آموزد
زیرا این بازیچه امکان میدهد تا طفل
راجع به اندازه اشیای و مقیاس آنها
معلومات پیدا کند . به این ترتیب سعی
شود تا طرق جدید درین قسمت برای اطفال
پیشنهاد شود تا معرفت اطفال را جمع به
محیط پیرامون هر چه زود تر رشد کند
اختراع و طفل این کدام مفهوم را

ارائه میکنند ؟

قسمتیکه معلوم است اطفال به محیط پیرامون
خود به بسیار هیجان و علاقه نگاه
میکند و هر چیزی که رنگ شاد داشته
باشد توجه آنها را به خود جلب میکند .
همینکه والدین به این نکته متوجه شدند
دفعات متعدد زیاد با بازیچه ها را میخرند و
به خود به ترتیب در پهلوی طفل
میگذارند و طفل درین صورت منجبت
ناظر به همه آنها میکند . والدین درین
قسمت اشتباه را مرتکب میشوند زیرا
آنها خود در طفل روحیه بی علافتگی
را پرورش میدهند . زیرا طفل وقتی که
در حدود ۳ الی ۵ سال داشته میباشد
نه تنها شکل ، تناسب و موقعیت اشیای
می داند بلکه نکته مهم اینست که طفل خود
میتواند که جهان بازیچه های خود را خود
تشنگ سازد .



ژوندون



از سیوتنیک

ترجمه: س.س.

تأثیرات نوعیت بازیچه ها بر الای انکشاف روحی و فکری اطفال

درین وقت و محل معین خود را پیش برده
میتوانند ؟ قسمیکه تجارب متعدد نشان
داده است که درین سن اشیای
سازگار با توجه طفل را جلب کرده و
توانند اما به مجرد اینکه با بازیچه در مقابل
طفل حرکت داده شود چشم های طفل از
حرکت او دنیال میکنند اگر با بازیچه صدا
دار باشد توجه طفل را اضافه تر جلب
میکند .

مؤثر جدیدی که توسط انستیتوت
بازیچه ها در اتحاد شوروی پیشنهاد شده
از چوب ساخته شده اما قسمی عیار
شده که برای دست بزرگ سالان مساعد
است نه برای دست های اطفال . دسته
بازیچه به پارچه چوب مدور خاتمه
می یابد و از این سوراخی که درین چوب
ساخته شده تار عبور داده شده و در انجام
تار دو پارچه خورد چوب بشکل مدور
او یزان میباشد که دارای رنگ های
مختلف هستند .

در ابتدا بازیچه به طفل نشان داده
میشود بعد از اینکه طفل کمی بزرگتر
خود سعی میکند تا آنرا بدست گیرد و
بالاخره طریق درست گرفتن آنرا می
یابد . این بازیچه دارای صدای بسیار
ملایم میباشد همینکه طفل یکی از پارچه
های مدور را بدست گرفت دفعتاً پارچه

چطور میتوان در طفل از او ایل روزهای
زندگی اش روحیه اجرای کارها را
به تنهایی پرورش داد ؟ در حال حاضر
بالای حل این برابرم تعداد زیادی ادب
روان شناسان داکتر ها و مختصر عین
کار میکنند . چندی قبلی در مسکو به
این مقصد کارگر س. لیم «شورای بین-
المللی اختراع صنعتی» دایر گردید و بود
و برای اولین بار در آن ممکن اختراع

برای اطفال «جا داده شده بود .
قسمیکه اشکارا است اطفال در حال
حاضر زود تر رشد و نمو میکنند . درینجا
اغلباً این سوال مطرح میشود که غرض
نموی هر چه بیشتر اطفال از کدام نوع
بازیچه ها باید استفاده شود .
با در نظر داشت تفاضات های عصر
لا براتوار انستیتوت با بازیچه ها در
اتحاد شوروی سیستم معین با بازیچه ها را
برای اطفال پیشنهاد نموده است . بالای
هریک از این انواع با بازیچه ها که زیلا
از آنها تا م برده خواهد شد سه متخصص
یعنی ادیب ، روان شناس و طراح کار
های زیاده را انجام دادند .

هنوز از عمر طفل یکماهه گذشته نمیشد
که مادر مهربان در جیرکت طفل انواع
مختلف بازیچه ها را با رنگ های شاد
میگذارد اما طفل تنها درین وقت به طری
سقف طاق می بیند . آیا با بازیچه ها

د شخصیت وده د معلو مانو د ترلاسه کولو څخه پیل او د معلو مانو لاس ته راوړل اوده موده غواړي نو پدې توگه یو اوږد عمر به کار دی تر څو د معلو مانو په ټولولو سره د شخصیت ودې ته پراخیا ورکړي شي.

دایوه تصاویر د دې مسئله ښه چې د شوروی اتحاد دوو کتونو په ورځني مهال ویش کې ښوونه، حساب، لوستل خبرې کول او طبیعت پېژندنې ته ځای ورکړ شو پدې بلکې د یو لړ تجربو په نتیجه کې ثابت شوی چې دا ټول دما شو مانو د معلو مانو په زیاتوالي او پدې توگه د هغوی د شخصیت په وده کې څو را اغیزمن دی.

په همدې توگه په هغه مهال ویش کې چې د شوروی اتحاد د ښوونې او روزنې وزارت له غواښتو شوی د هر څه نه زیات تر مانو لوبو ته زیاته پاملرنه شوې او ورسره چوخت مانو دنده شل شې، مجسمه جوړولو، ټول ټول صنایعو، لغاتو، شعر او سندرې ویلو زده کړې ته په ملکه اشنا وه شوی. همدا رنگه په دغه مهال ویش کې داسې شیاوې ته ځای ورکړ شوی چې دما شو مانو نو د فکري ودې سره چوخت د هغوی احساساتو ته هم وده ورکوي. د مثال په توگه که کوم ماشوم داسې مشخصات ولري چې د نورو ماشومانو پام ځان ته واړوي او نورو ته د احترام په سترگو وگوري ښوونکي یې مجبور دي چې دغه صفتونه د ښوونې او روزنې په مرسته په هغه کې وږیوي. نو پدې توگه باید هر کیم چاته او آرام ما شوم باید دا احساس پیدا کړي چې نور ورته احترام لري اود احترام وړ دی. او که نه امکان لري دروند تر پایه پورې ځان بېو زلي او معيوب احساس کړي.

هر ښوونکي باید خپل شاگردان په مختلفو لارو داسې تشويق کړي تر څو هر یو یې وکولای شي خپل حال او پېښو-صوتیتونه په خورا جرات سره څرگند کړي. د مثال په توگه د یو ماشوم زیات شمیر کیسې زده دي، بل ماشوم کولای شي چې ځواکه په ښه توگه پر میز یا نندۍ تنظیم کړي او ځینې نور مانو دموډر وښو مختلف ډولونه ښه پېژني ښوونکي ددې دپاره چې د ماشومانو پام یې د هغو دغو خصوصیتونو ته په ښه توگه اړولی وي باید په وار سره هر ماشوم ته په لوبو کې غوره برخه ورکړي چې پدې توگه هرما شوم ځان پر دې نه بولي او پر ځان یې اعتقاد نه وي لږدی ټولو سره سره بیا هم وپکتنود ماشوم په روزنه کې د کور ځای نشي نیولی. مگر بیا هم د میندو او پلرونو سره د هغه ستر او د روند دندې په ترسره کولو کې چې دخپل ماشوم د سالمې روزنې له امله په غاړه لري د لیدو وړ او په زړه پورې مرستې کوي.



په وړکتنو کې ماشومان خپل ښوونکي ته په ځیر سره متوجه دي

د ښوونې څخه

دېر یا لې علی زاد زېږد

د ماشوم د شخصیت پر وده باندې دور کتون اغیزه

چې په شوروی اتحاد کې مورا و بلارد واپه له کور څخه دباندې کار کوي او په کور کې هیڅوک نشي چې د هغو د ماشومانو ساتنه وکړي نو مجبور دي چې خپل ماشومان وړکتنو ته وسپاري. مگر دوی تېرو تلی دی ځکه چې په سلو کې یواځې اته څلوېښت کورنیو له همدې کبله خپل کوچنيان وړکتنو ته سپاري. د داسې حال کې چې زیاتره کورنۍ د دې لټیزې روزنې په مقصد دغه کار کوي او دوی عقیده لري چې ټول لټیز روزنه تر کورنۍ روزنې غوره ده نو پدې توگه په زغرده ویلای شو چې دما شو مانو په روزنه کې وړکتنو نونه ښه د کورنیو باوري مرستندوی دي او په حقیقت کې (د روزنې په برخه کې) او د ښوونځیو په شان عامه ښه غوره کړیږي او هم د یو لړ څېړنوپه نتیجه کې دا حقیقت تر لاسه شوی چې د یو نسل روحي او جسمي روغتیا او اخلاق په وړکتنو نو کې د کورنۍ چټکۍ او دروندۍ سره نه شلیدو کې اړیکه لري.

د شوروی سو سیالستي جمهوریتونو د اتحاد په اساسي قانون کې دا هم ذکر شوی چې (د شوروی اتحاد دولت خپله دنده گڼي چې د انساني شخصیت د سالمې ودې دپاره هر اړخیز پراخ امکانات تامین کړي). اوس وینو چې آیا د فردی شخصیت وده کله پیل کېږي. دایو انکارته منو لکي حقیقت ده چې

څخه د ښوونځي لټلو تر عمره پورې هغو وړکتنو نو ته چې د هغوی د کارځای او یا کورته نږدې واقع دي سپاری او په عادي توگه ماشوم د سهار له اتو بجو څخه دماز دیگر تر پنجو بجو پورې په وړکتنو-نو کې وي. دلته شاید سوال پیدا شي چې ولسي میندې او پلرونه د خپلو ماشومانو نودروزي دپاره د ټولو لټیزو موسسو څخه څه اخلي؟ د کورسټر ومانښاد (چې د واکمنۍ د سپیند په غاړه پروت او دوه سوه پنځوس زده تنه او سید و نکی لري) ټولنیو مانو د هغو تحقیقاتو د تحلیل او تجزۍ څخه چې د دغه ښار په شپږو بیلا بیلو صنعتي واحدونو کې سر ته رسولی دغه نتیجه تر لاسه کړې چې وړکتنو نو ته د کوچنیانو د سهار لوبه برخه کې ما دی گټې په نظر کې نیولایږي. سټې ځای لري. ځکه چې په سلو کې پنځه تنو میندو او پلرونو د همدې مقصد دپاره خپل کوچنيان وړکتنو ته سپاري. کورنیو دغه موضوع چې دما شو مانو ساتنه په وړکتنو کې د کور په پر تله ارزانه تمایز یو عادي کار بللی.

په شوروی اتحاد کې په عادي توگه دما شو مانو د ساتنې څلور پر پنځه برخه څرخ په وړکتنو نو کې د دولت له خوا ورکول کېږي او هم د هغو کورنیو دما شو مانو ټول څرخ چې زیات کوچنیان و لري د دولت له خوا ورکول کېږي. د ځینو ټولنیو مانو په عقیده څرنگه

کله چې ماشوم لوړی پخپلو پېښو د پېرې او پر لاره روانیږي او هم خپله خوله په خبرو پرانیزي مور او پلار یې پدې فکر کېږي چې څنگه باید هغه وروزي تر څو د هغوی څخه د ټولنیو فعال غړی جوړ شي. د همدې مسئلې په ارتباط له شوروی ماما تو څخه د هغو کوچنیانو د روزنې په هکله چې لښوونځي ته د تګ ټا کلي عمر ته ندی رسیدلي زیاتې بوښتنې شوي. د دغه شان سوالو نو په ځواب کې باید وویل شي چې وړکتنو نو نه د دغه شان مسئلو په بشپړ او صحیح حل کې د کورنیو سره په زړه پورې مرستې کوي.

د شوروی اتحاد په اساسي قانون کې بدغه هکله داسې څرگندونه شوي (د شوروی اتحاد دولت د هغو کوچنیانو د روزنې په برخه کې چې د ښوونځي ټاکلي عمر ته نه وی رسیدلي د ځان تګ و مو سود پراخو شبکه په ایجاد کولو سره نه ستړی کیدونکي مرستې کوي). د شوروی سو سیالستي جمهوریتونو د اتحاد حکومت د استقرار د لوړنیو کولو نو راهیسې د هغه هیواد په هره برخه کې دوو کتونو جوړول پیل شوي او ورڅخه ورڅخه مخ په پراختیا ده او همدا او سریدنه هیواد کې د دولسو ملیونو تنو څخه زیات مانو مانو شیر خوار مانو وده سپارل کېږي او وړکتنو ته ځي. په لویو صنعتي ښارونو کې زیاتره کورنیو خپل ماشومان له ددې کلني

سیری در جهان هنر

هنر و نقش آن در انعکاس واقعیت‌های عینی زندگی



این تابلو نمایانگر ازدواج‌های غیر اصولی است که بی‌عدالتی و قلدری طبقات ستمگر جوامع را نشان میدهد

حقیقت آفریننده آن بوده‌اند به خود و درباریان خویش نسبت داده‌اند و کمتر نامی از شاعران هنر مندان و نویسندگان مردمی را تذکر داده‌اند. اکثر چنین نویسندگان، هنرمندان در عالم گمنامی دنیا آمده در عالم گمنامی جهان را بدرود حیات گفته‌اند.

امروز که روند تاریخ در دایره مخالف آن یعنی به نفع توده‌ها و مستمندان جامعه دور می‌زند و پشاهان جنگ جنبش‌های مترقی و پیشرو که از آینده‌لوی طبقه پیشرو و انقلابی الهام می‌گیرند درین تلاشند تا آثارشان را مطابق به خواست زمان و ایجابات وقت مطابق به قانونمندی علمی پدید آمده‌های اجتماعی که تخطی از آن منجر به نابودی شخص می‌گردد به جامعه عرضه نمایند هم چنان کاوش‌ها و تحقیقات در مورد فرهنگ و کلتور پارینه‌یعلی آورده آثار هنری که هنر مندان گمنام جهان کلی و نا برابری‌های اجتماعی و فست را ترمیم نموده بودند در دستگاه هنرمندان علاقمندان و محققین قرار دهد تا با استفاده از آن دانش پژوهان جوان عصر، بتوانند گذشته را دقیقاً مطالعه نموده و با مطالعه گذشته و حال آینده جامعه آدمیزاد را بصورت دقیق‌تر، عمیق‌تر و زودتر پژوهش و بی‌ریزی نمایند همه این هنرهای که در گذشته‌های دور مابله و مبارزه انسانها و طبقات را وانمود می‌نموده است الهام بخش آن اندیشه‌های در دماغ و مغز انسانها و هنر مندان، شاعران و نویسندگان مردمی گردید که همیشه در جهت منافع و مصالح توده‌ها اندیشیده و توده‌ها را آفریننده تاریخ قبول نموده‌اند.

مردمی همیشه نابرابری‌ها، فشار و بی‌عدالتی اجتماعی را در تصاویر گویای شان که چهره منحوس استبداد و قوت راباز گو نموده‌اند گنجینه‌ای که همه و همه در خدمت خلق و مردم خویش بوده‌اند و نام شان در اوراق تاریخ با خفا و درین دج گردیده و مردم و توده‌های میلیونی ستمکش همیشه به نیکویی از ایشان یاد نموده و سپاس گذار آنها اند.

اما برعکس بودند هنرمند دلقک پیشه و شاعر درباری که افسار دربار را به گردن گذاشته چکیده‌های ادبی، هنری و غیره را به مدح و توصیف اقلیت منت خوار ستمگر جامعه وقف نموده‌اند.

اما از آنجائیکه زندگی اجتماعی در جوامع طبقاتی، سیر طبقاتی داشته و طبقات ستمگر جامعه در هرم جامعه قرار داشته پساکمک هنرمندان، نویسندگان و مورخین گماشته خویش همه دست آورد‌های فرهنگی، مدنی و اجتماعی را که خلق و توده‌های مردم به



مستضعفین که دست تکی بسوی دهر و اوان سنگدل دراز کرده‌اند این تابلو صیغه مردم داری هنرمند را وانمود می‌سازد.

زندگی اجتماعی بر از فراز و نشیب‌های است که فراز و نشیب‌هایی نهایت دشواری و چالاکانه است و مقابله با آن شرط لازم و ضروری زیست و ادامه پراتیک اجتماعی، دانشمندان و هنرمندان جامعه که اندیشه‌های والای مردمی داشته در بدترین شرایط اختناق ترور، وحشت و استبداد همیشه جناح مردم را گرفته و واقعیت‌های تلخ زندگی را به اشکال مختلف و شریک مختلف بیان نموده‌اند.

زمانیکه هنرمند تحت شرایط ویژه استبداد مطلق‌العنانی درباریان قرار داشته باشد بی‌دوستانه

با گروه هنر پیشگان تیتر بزرگ عازم امریکا شدند. این پروگرام را کارگردان معروف سول یورک ترتیب کرده بود. قسمتی را که نادیا و گردیف در آنجا اجرا کردند توسط مطبوعات امریکا بنام (قسمت پرعیان نمایشات) یاد کردند.

در سال ۱۹۷۴ نادیا مکتب مسلکی بالت شبر-برم را به پایان رسانید و به حیث رهبر گروه در تیتر او پرو بالت شبر برم شناخته شد. چندی بعد به مسکو به تیتر بزرگ دعوت شد. این دعوت بسیار مهم وارنده و در ضمن بسیار مشکل بود. زیرا اگر چه نادیا درین وقت از باریکی های هنر رقص بالت آگاه بود اما ضرور بود تا بسیار کار نماید تا رول های جدید را به طور موفقانه آن انجام دهد.

بتاریخ ۶ نوامبر سال ۱۹۷۵ نادیا و گردیف مردود منیچت قهرمان های رول عمده رادر بالت (ژیزل) در سیتی تیتر بزرگ اجرا کردند و در همین روز عروسی خود را نیز جشن گرفتند.

در حال حاضر یکی از شخصیت های برجسته هنر رقص بالت ولادیمیر واسیلیف با این جوهر ممتاز نمایشات خود را اجرا میکند. اول کار دسته جمعی اینها تحت عنوان (ایکان) اجرا

گردید که در آن گردیف رول انسانی را که میخواهد به آسمان پرواز نماید و پاولووه بعیت دوست صديق او درین قسمت کار میکردند.

این نما ییش از طرف تماشاچیان به بسیار گرمی استقبال شد. درین اواخر این جوهر ممتاز در چنین نمایشنامه های معروف مانند

قهرمانان (قشنگ خوابیده)، (دون کیشوت) (سپارتاک) رول های مهم و ارزنده را و در ضمن به بسیار خوبی اجرا میکردند. نکته مهمی و در

ضمن مخصوص که این جوهر را از دیگران متفاوت میسازد اجرای رول ها به شکل عجیب و صداقت در کار آنها میباشد. در یکی از روزها از هنر پیشه عمده تیتر بزرگ یوری گریگورو وچ رسیدند که این جوهر را با که مقایسه میکند؟ او جواب داد: «باهیج و تکالیف بودا مانادیا

راهی را که این جوهر در قسمت هنر پیمووده فکر میشود بدون رنج و تکالیف بودا مانادیا پاولووه و گردیف این را بخوبی درک کرده اند

که با شخصیت های برجسته هنر تیتر بزرگ رقابت آنها کار ساده نیست. درین ضمن متخصصین بر جسته هنر هوشدار میدهند که فقط تسخیر تماشاچیان توسط حرکات الاستیکی و سپورتی کفایت نمیکند. چیزی که برای دختر

پانزده ساله، بالرین معروف عصر حاضر (عجیب) است مراحل سپری شده او در هنرش میباشد. این که تا کدام اندازه این جوهر به حال

فعلی خود باقی میماند پراکتیک آینده نشان خواهد داد. زیرا قسمی که گفته شد پیشگویی در قسمت هنر شکل اتفاقی و ناگهانی را دارا

جوان و یچسلاو گردیف که چندی قبل در گروه هنر پیشگان تیتر بزرگ مسکو شامل شده بود انتخاب شد. در نتیجه قرعه معلوم گردید که یکی از آنها نمبر (۹۹) و دومی نمبر (۱۰۰) را انتخاب کرده بودند. در مقابل این دو هنر پیشه جوان ستاره های درخشان جهان هنر

بالت نمایش های متعدد اجرا کردند. اما وقتی یکی از روز نامه نگاران از نادیا پرسید که قبل از اجرای نمایش چه احساس میکند. نادیا جواب داد احساس (مسرت) بلی احساس مسرت نه پراگندگی این نکته خود پسندی هنر پیشه جوان نبود بلکه از احساس پاک درونی او حکایت میکرد که همیشه هنر پیروز میگردد و نه خود پسندی.

بعد از قسمت اول مسابقات نادیا ۱۱۶۵ از (۱۲) نمره ممکنه بدست آورد. سپس دو-قسمت دیگر مسابقات نیز پایان یافت و معلوم شد که گردیف مدال طلایی و نادیا پاولووه

همچنین مدال طلا را صاحب شدند. نکته جالب این است که همه اعضای عیات ممیز به اتفاق اراء به این عمل موافق رای دادند. در

ترکیب هیات اشخاص ورزیده جهان بالت مانند هنر پیشه درجه اول تیتر بزرگ یوری گریگو

روویچ، بالرین معروف کیوبا الیسیا الونس بالرین فرانسوی کلود بیسی، ستاره های معروف بالت شوروی گالینا اولانووه و مایا-پلیستسکایا شامل بودند.

این شناسایی بالرین جوان در بالت حادثه غیر عادی بود، زیرا بالت خود یک جهان مفلک و متضاد است. کدام نکات و مشخصات نادیا را

از هنر پیشگان رقص بالت متفاوت میساخت؟ آیا تخنیک پر مهارت؟ نه خیر زیرا در آن اوقات نادیا هنوز به این نکات چندان وارد نبود.

نکته جالب که همه را متوجه او ساخته بود این است که او در رقص به اصطلاح زندگی میکرد و قابلیت آنرا داشت. بخاطر می آورند

و قتی که نادیا کوچک در مکتب مسلکی بالت در شهر برم مصروف تحصیل بود در یکی از

نمایشات امتحانی پروگرام ذیل ترتیب یافته بود. قهرمان او دختر کوچک با پیراهن نازک

سفید بود که میخواست به پدر خود طوری نشان دهد که رقص بالت را فرا گرفته و میخواهد

درین رشته تحصیل نماید. برای این کار خود قیافه ها و ژست های متنوع را به او تمثیل و نشان میداد. درین پروگرام بسیار کوتاه نادیا

به اندازه حیل و مکارگی طفولیت را تمثیل کرد که صد فیصد به واقعیات زندگی مطابقت داشت. نادیا هنوز چند سال نداشت که در نمایشات

بالت در مکتب مسلکی و حتی در تیتر شهر برم در مقابل تماشاچیان ظاهر شد. اما نه در مکتب و نه در تیتر با دختر کوچک محاسبه انجام می گرفت همه می گفتند: هنوز بسیار کوچک است.

بعد از اجرای نمایشات در مسکو نادیا و گردیف



طفلکان معصوم نیز مورد استنثار بر رحمانه مستگران بوده که تابلو نمایانگر آن است.

عینی جامعه نقطه گره ها و مشکل هارا بازگو نموده و جبهتی را وانمود می سازد که مطابق به قانونمندی عینی تکامل پدیده های سرو حرکت میکنند هر گاه هنر در خدمت مردم قرار گیرد و بتواند جهان کلی زندگی اجتماعی را وانمود سازد گفته میتوانیم که پروسه رشد و تکامل حیات اجتماعی نهایت موزون و مطابق به قوانین عینی تکامل بوده نهاد اساسی محکمتری ردر جهت رجحان وار تقای کامل می یساید.

آنچه هنر مندان امروز به آن می اندیشند این است که هنر نباید فقط در خدمت هنر قرار گیرد زیرا درین صورت آثار هنری از وراء واقعیت های عینی نشئت گرفته سبقت گرفته و فقط در دایره هنر برای هنر و یکنوع تکلف و پیچیده گی های را نمایان می آورد که از زندگی مردم و از واقعیت های عینی کاملاً تجرید میگردد اما هنر برای مردم در خدمت مردم جهت ارتقا و تکامل زیر بنا و روبنای هستی اجتماعی شده واقعیت های

ترجمه: س. ا.

اوبد دنیا آمد تا هنر رقص را به اوج

آن رسا ند



پیشگویی هادر قسمت هنر متاسفانه همیشه تحقق نمی یابند. اغلباً اتفاق می افتد که یک استعداد جوان مانند ستاره روشن می درخشدا اما چندی بعد خاموش میشود. به این لحاظ در مورد پیشگویی در قسمت هنر از احتیاط کار گرفته شود. اما نادیا پاولووه این (عجیبه کوچک) هنوز چند سال بیش نداشت که همه را با مهارت خاص درین قسمت تسخیر کرد و به پیشگویی های مردم جامعه عمل پوشانید. دو سال بعد از نمایش موفقانه خود در مسابقه سر تاسری شوروی دو باره در سال ۱۹۷۴ در مسابقه بین المللی هنر پیشگان بالت که در مسکو دایر گردیده بود اشتراک ورزید. نادیا درین وقت هفده سال بیش نداشت.

درینجا برای اولین جوهر نادیا هنر پیشه

هر دو خوش و خندان به سوی تیتر می روند

چگونه نه علاج امراض را میتوان با مواد آرسنیک انجام داد



دانشمند کیمیا حین تحقیقات مواد کیمیای دولابراتوار دیده میشود

گیری شدت مرض دفتري کشف نموده است تا امروز حیثیت بین المللی داشته و از آن استفاده مزید به عمل میاید .

پال در سال ۱۸۹۹ در موسسه تجربی شامل کار شد که از آن موسسه پول کافی در یافت می نمود که کلیه مخارج زندگی او را تا مین نموده میتوانست و در آنجا به آرامی مصروف کار و تحقیق شده که این امر زیاد تر او را به عظمت و شهرت رسانید . او عقیده داشت که تداوی امراض با تطبیق سیروم آنقدر موثر تمام نمیشود زیرا ثابت شده بود که تطبیق سیروم نمیتواند امراض ساری را از بین ببرد اما تداوی و تطبیق سیروم تنها به امراض که بقیه در صفحه ۵۴



دانشمند جاپانی حین مطالعه دیده می شود ژوندون

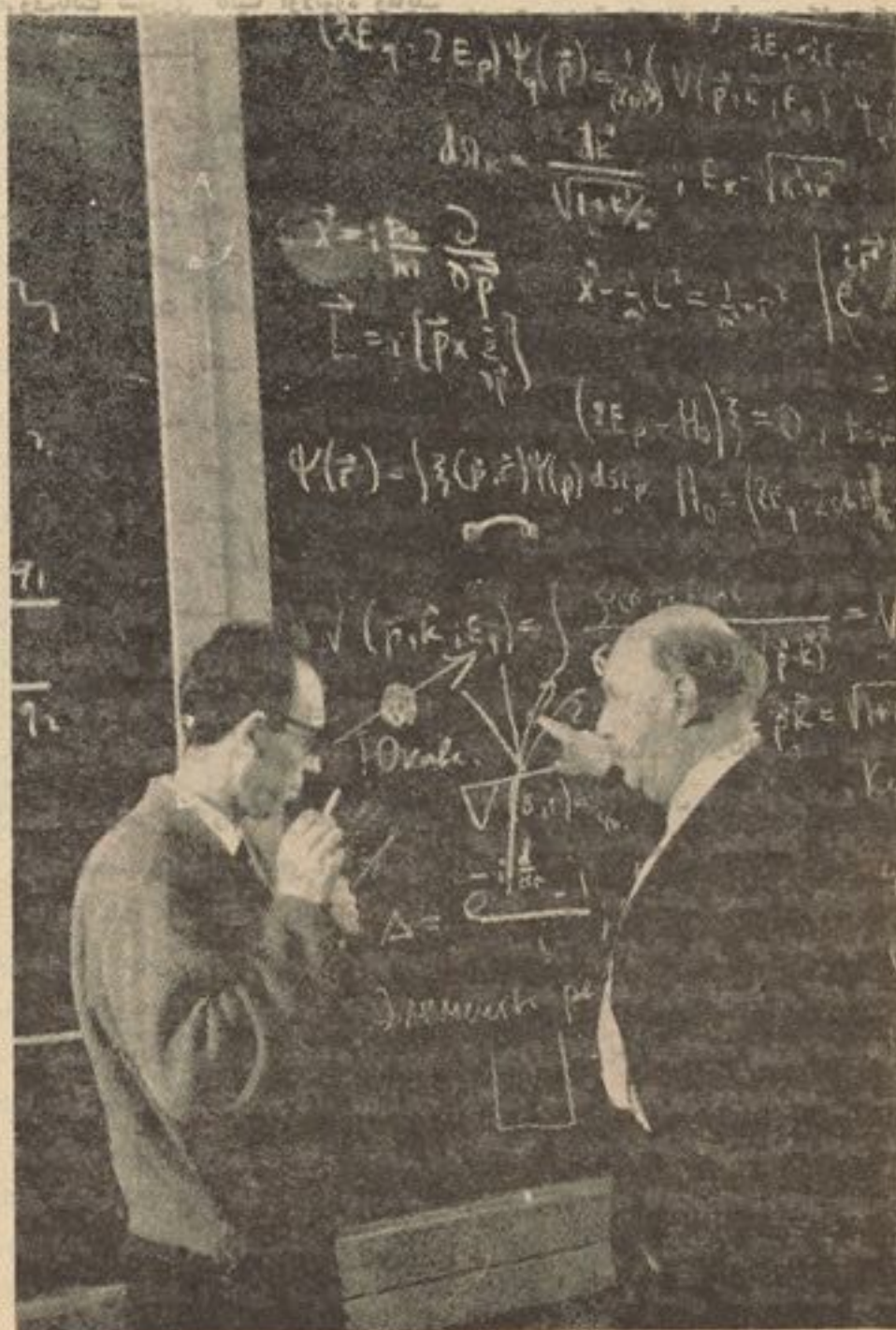
طاعون به زودی اثری از خود بجای نمی گذاشت اما وجود داشت . تعداد زیاد مردم مبتلا به آن پدرود حیات گشتند این مرض بعد ها به اثر رشد و تکاملش ستون فقرات را نیز مورد حمله قرار میداد .

ممکن است علت مبتلا شدن به سفسل را اطبا و پزشکان متجرب در یافته بودند مگر نمیدانستند که چگونه میتوانند با این مرض خاتمان سوز مجادله نمایند اما دانشمند پال ایریج به اثر زحمات و تلاش های پیگیرش توانست درین راه موفقیت نصیب گردیده و در مان موثر را برای مبارزه و مقابله با آن کشف نماید .

پال در سال ۱۸۵۴ در شهر سلیسیا چشم به دنیا گشود او بعد ازین که تحصیلات خود را به پایان رسانید در رشته طبابت قدم گذاشت او از همان زمان در نگهداری و یاکي حجرات موفقیت بدست آورد این کار و موفقیت او باعث گردید که راه را برای رابرت کوخ دانشمند شهر دیگر در مورد کشف توپر کلوز هموار سازد . که بعد ها رابرت کوخ در موسسه تحقیقاتی و علمی برلین مصروف کشفیات و تحقیقات علمی گردید . پال ایریج با کمک ایمیل بهرینگ توانست تاثیرات ناگوار مرض دفتري را ثبت و اندازه نماید که این مرض تباه کن باعث نابودی و قتل بسیار اطفال در سنین طفولیت میگردد . سیستمی را که پال برای اندازه

در سال ۱۹۱۵ زمانیکه پال ایریج دانشمند بزرگ و برجسته المان جایزه نوبل را صاحب گردید او به تحقیق راه درمان و نجات آدمیزاد را از مرض تباه کن سفسل کشف نموده بود او بصورت ساده و آسان توانست حق الامتیاز ادویه کشف شده هایدرو کلوریک دای اوکسی مینورسی فوینزول را بدست آورد.

اما با وجود کشفیات بزرگ پال موادی را که به دسترس مطبوعات قرار داد خیلی ها ناچیز بود . مواد ی که دانشمند مذکور روی آن تجربه و تحقیق می نمود ۳۲ فیصد مواد آرسنیک (زهر حیوان کش) را که خیلی ها به حیات زنده جان ها مضر و کشنده است تشکیل میداد اما دانشمند دیگری که با او یکجا تجربه و تحقیق



دانشمندان در حال فورمول های مربوط دولابراتوار مناقشه مینمایند

سیاست همزیستی...

باید بخاطر داشت که حتی در شرایط امروز، که با تناسب جدید نیروهای جهانی متصف است، سرمایه داری است که تهاجم، ملناریزم و استثمار خلق های ممالک خودشان و کشورهای دیگر جهان کار برد جبرانه تنها در داخل کشور مربوطه بلکه در سایر کشورها خصوصیت ذاتی آنها تشکیل میدهد، این حقیقت باید به آن علاوه گردد که عقده ها و امور مغلق نظامی، صنعتی کشورهای بزرگ سرمایه داری به عامل یزرگ اقتصادی، سیاسی تبدیل شده که عمل کرد حکومتها، پارلمان و احزاب بورژوازی همه را تحت تاثیر قرار میدهد. نیروهای ارتجاعی بسیار متعصب، منافع سیاسی خود را بالاتر از منافع ملی کشورهای شان قرار داده، از جنگ سرد استفاده کرده بعضی ازگروپ ها رادربارلمان های ممالک امپریالیستی زیر نفوذ و اثر خود قرار می دهند، احزاب راست افراطی که از دیرینام احزاب محافظه کار یاد می شوند با نیروهای ارتجاعی یکجا قدم برمی دارند، و از پشتیبانی و هبیری آنها دبه

های کارگری دست راستی بر خوددار می باشند عامل عمده دیگر ایدئولوژیک های بورژوازی اند که با تعصب بر ضدایدئولوژی دورانساز طبقه کارگر دارند سد راه دینان میگردند.

نیروی چپ افراطی عامل دیگری است که با ارتجاعی ترین نیروهای بین المللی همدست شده دینان یعنی صلح و آرامش را مانع می گردند و خود را با اصیل ترین مدافعین جنگ همنوا می سازند.

یکی از راه هاییکه محافل مرتجع جهان می خواهند دینان را رد نمایند این است که آنها مانند «جاده یکطرفه» جلوه داده میگویند که تنها کشورهای سوسیالیستی و مملکت های جهان سوم از آن بهره مند میگردند... بادر نظرداشت این عوامل ودلائل چه میتوان دراین مورد گفت؟ آیاتمام کشورهای از خورد تا بزرگ، کشورهای سوسیالیستی و امپریالیستی به صلح علاقه مند نیستند، پس حصول صلح تنها از طریق دینان می تواند انجام پذیرد وبصراحت می توان گفت که همزیستی مساومت آمیز و دینان بر ای امنیت جهانی اهمیت حیاتی دارد وهبه کشورهای هاز خورد تا بزرگ - صرف نظر از نظام سیاسی شان باید به آن علاقه مند بوده و در

تعمیل وتطبیق آن بکوشند...

روابط با کشورهای بزرگ سرمایه داری جهان سوسیالیستی علاقه مند بهتر ساختن روابط با کشورهای کوچک سرمایه داری نیز می باشد.

اروپا از نظر سیاسی واقتصادی و ساحات دیگر در میان ممالک گیتی بصورت کل نقش مهم وفعالی دارد اما خود کشورهای

قاره اروپا بین خود پراپلم های بزرگی دارند که تنها از طریق داشتن تماس وروابط حسنه با کشورهای قاره دیگر می تواند حل شود.

این حقیقت مسلم است که امنیت بین المللی

یکی از مسائل حاد اروپا می باشد و به یک ارزیابی چند جانبه نیاز دارد، این مسئله

بسیارچونکه مسئله تازه، لااقل دریک نیم قرن گذشته نبوده و به شکلی از اشکال در اوقات مختلف بهمان آمده، دو جنگ جهانی که در این قاره بوقوع پیوست تلاش قبلی را دراین

مورد بی ثمر جلوه داده یکی از درس های گذشته می آموزاند که مسئله امنیت اروپا تنها می تواند با جد وجهد مشترک، داوطلبانه، برادرانه وهبه جالبه حل گردد که تمام ممالک را از خورد تا بزرگ دربرخواهد گرفت.

کشورهای جهان صلح باید عقیده اند که دو نوع صلح درعالم وجود داشته می تواند، یکی صلح بمعنی وقفه موقتی بین دو جنگ، که درین وقت هیچ دولت، نامزد جنگ نی باشد اما هر یک فعالانه برای جنگ و یکبار آمادگی می گیرند، همین نوع صلح بود که در تاریخ گذشته بشریت بیشتر عمومیت داشت مخصوصا در مرحله سرمایه داری چنانچه دو جنگ جهانی شاهد این ادعاست و هر یک به حیات میلیون ها انسان خاتمه داد.

شکل دیگر صلح عبارت از وجود روابط حسنه است بین دولت های دارای سیستم های مختلف اقتصادی واجتماعی که جنگ را بکلی رد نموده وهمکاری همه جالبه را توسعه می بخشند. منظور از «امنیت» و «امنیت اروپا» موجودیت همین نوع روابط است بین دولت های دارای نظام های مختلف اقتصادی واجتماعی... اما حقایق نشان میدهد که دینان بین المللی چیزی نیست که یکبار و برای همیشه خود بخود بدست آید. هر قدر هم دینان ریشه های عمیق داشته باشد بازهم موضوع مبارزه حاد در عرصه بین المللی است. نخست از همه موضوع مبارزه بین نیروهای صلح وامپریالیزم و در داخل کشورهای سرمایه داری بین محافل حاکم و توده های وسیع دوام دارد.

دلایل آن قرار ذیل اند: نخست از همه

به پرمختیایی هیوادونو کی له قحطی سرهمبارزه

دبحران دمغیوی له پاره دیوه نیروال کنفرانس دجوړیدوله پاره زمینه برابره کړی.

لکه چی وروستیو راپور ونو اوستراتیژیکي تحولاتو څرگنده کړیده تر اوسه پوری نیرواله ټولنه (دلویدیځی نړی دسیاسی تشویق د نشتوالی او ناوړهسیاسی روشونو او پالیسوپا) په دی نه ده بریالی شوی چی دغذایی مواد و دکمبود دستو نزو دحل دپاره اقدام وکړی. همدارنگه نیرواله ټولنه په دی هم نه ده بریالی شوی چی دډیری دغذایی چارو د غوره انسجام دپاره «امنیت سیستم» جوړاوپه کاردی واچوی.

دډیری دکرني او خوراکي موادو دسازمان دیوه وروستی راپور له مخی دروانی پیړی په پیل کی دغغو کسانو شمیر چی دلوری، فقر او دغذایی مواد و دکمبود له ستونزو سره مخامخ دی (۳۶۰) میلیون ترتره رسیده حال داچی اوس اوس شمیر یی څه دپاسه نیم بیلون تنوته رسیږی.

له بلی خوا په اقتصادی لحاظ دډیری په وروسته پاتی هیواد ونو کی دغذایی موادو د تولید اتو او حاصلاتواندازه هم په تدریجی توگه مخ په کمیدوده نوځکه په دغو هیوادونو کی دوارداتی حبوباتو نرخونه مخ په لوړیدودی. لکه چی څرگند - سویده یوازی په (۱۹۷۹) کال کی به ددغو هیواد وپه تجارتی بازارونو کی دوارداتی حبوباتو اندازه څه دپاسه (۸۰) میلیون ټنو ته ورسیږی. دغه کار داسی معنی وړکوی چی ددغو هیوادواو سیدونکی مجبور یی چی خپل ضرورت وړ حبوبات په لوړو نرخونو کی باندی تر لاسه کړی اوددغه کار په نتیجه کی دافضلاسیون سره مخا مخ گیری.

په اوسنیو وختونو کی یوزیات ارقام او احصاییو راپور ونه موجوددی چی ښیي په پرمختیایی هیوادونو کی دغذایی مواد و دکمبود دله منځه وړلو دپاره زیات پروگرامو نه طرح او تر اجرا لاندی نیول شویدی خو بیاهم دغه اندازه دغذایی تولیدات په نوموړ و سیمو کی دلوری او دغذایی موادو دبحران ته ځواب وویلا یی.

لکه چی د پرمختیایی هیوادونو داستازو دمور میز وروستیو پراوونو کی ویل شویدی په وروسته پاتی او پرمختیایی هیوادونو کی یوازی دغذایی موادو زیاتوالی په نومه و سیمو کی دلوری بحران نشی له منځه ولاړی بلکه دغه کار سره جوخت داهم ضروری ده چی دکلیو دپراختیا او دځمکو ددموکراتیکو اصلاحاتو دوروستی کنفرانس داعلامی له اهدافو سره سم پاتی په ۵۴ مخ کی

په دی وروستیو وختونو کی دیو کوسلاو یا دزاکریپ په ارغونی ښارکی دډیری د (۵۹) هیوادو دشپږ زره پنځه سوه موسسو اوسازمانونو په گډون داستهلاکی مالونو نیروال نندارتون پای ته ورسید.

سیرکال ددغه نندارتون دکډون کوونکو هیوادو په ویای دلومړی ځل دپاره دپرمختیایی هیوادونو یومور میز جوړشو. په دغه میز کی دپرمختیایی هیواد ونو څخه یوزیات شمیر استازوته دگډون کولو چانس پیدا شو. دپرمختیایی هیوادونو دمور میز په څیروکی اصلی موضوع په دغه هیوادونو کی دکرني دستکوردی او پراختیا مسئله وه. ددغه اصل له مخی په دمور میز کی دپرمختیایی هیوادونو استازو دکرني په برخه کی ددغو هیواد ونو ترمنځ دزیاتو همکاریو دتشویق اوراجلبولو دپاره مهمی پریکړی وکړی څرنگه چی ددغه دمور میز اجندادامهیت او کیفیت له نظره دنورو براعظمونو په نسبت اسیاسی افریقایي او دغه راز دلاتین امریکی هیوادونو ته متوجه وه نو ځکه دپرمختیایی هیوادو په دمور میز کی داسیا، افریقا او لاتین امریکی څخه دپرمختیایی هیوادونو ته بلنه ورکړی شوه چی دنورو نیروالوارگانو تر څنگ دکرني اومالداری په سکتورونو کی پخپلو مربوطو هیواد ونو کی دزیاتو مرستو او خواوځیزو همکاریو له پاره شرایط اوپه زړه پوری امکانات ولټوی. په زاکریپ کسی پرمختیایی هیوادواستازو په وروستی دمور میز کی په دی خبره بانندی زاته رنا واچوله شوه چی په ځان باندی دمتکی کیدلو اصل په پرمختیایی هیواد ونو کی د لوری اوقحطی سره دبریالی مبارزې کولو یوازی لاره ده.

پرمختیایی هیواد ونه په ځانگړی ډول مکلفیت لری چی دځان دپاره دغذایی موادو یوه ستراتیژی وضع کړی اوپه خپلو مربوطو سیمو کی دلوری قحطی او دغذایی موادو دلوړوالی داوستی بحران دله منځه وړلو دپاره یونوی فارمول طرح او تر تطبیق لاندی یی ونیسی.

دمور میز په څیروکی برخی اختیواتونو استازو پریکړه وکړه چی دغذایی موادو دیوی ستراتیژی طرح کولودپاره باید ټول پرمختیایی هیوادونه سره یو لاس او یو موټی شی اودیوه نوی نیروال اقتصادی نظم فارمول ته عملی ښه ورکړی. دغه راز دا هم ددغو هیواد ونو ستره ونه اوه وظیفه ده چی دملگرو ملتو د سوسی دکر نی او خو را کی مواد و دسازمان په همکاری دغذایی مواد و

لغوي پيژوندی دی

ژان کافایت

د مثال په توګه کله چې دیوی ورځی ذکر- او نه ډک کار څخه وروسته دمه کولو وخت او دډوډی خوړلو وخت رارسیدي دغه وچ فرمان موږ ټول لږ ټولی :

(اوزوهر) . یعنی باید سره بیل شو، سپړي ولټوو میاشی وشړو دخوا وږو دوش ونیسو وتلل شواود اسی نور کارونه . پرعینی حال

کې باید خپلی خولی بطلون کمیس نیکرکاشوغه اولوبی هم وساتو په تیره بیانه ښایی چې دډوډی کړیون یوه شپه له ځانه لری کړو یوه ګری په یخه هواکې لوخ لېږدريزو او انتظار

باسو او یاداجې په منډه ساراښتی ته خواو یایو یو دبلوک درنيس په وړاندې تیريرو، ددغو ټولو کارو نو په ترڅ کې نه ښایی چې

دکالیو اوډوډی غوټه له ځانه لری کړو . په اولی کې دوه ځلې او ځنی وختونه دری ځلې سپړي لټوو . دیوکټ پر سر لوخ دريرو او

سلمانې راځی یولاسی څراغ سره زموږ تخرک او د پښو منځ په ډیر څیر سره ګوري

پدی ترڅ کې زموږ کمیسونه او نیکرونه ددښتوب په لست له خوا معاینه کیږي بدمرغه به هغه څوک وی چې یوه سپړه

په کالو کې ولیدل شي هرکله چې کومه سپړه پیدا کړو باید هغه ووژ نو او ښه نښانه یی

هم له مینځه یوسو . ددی کار لپاره ډیری دری چاری شته چې دلته د مثال په توګه به یی یوه نمونه تاسی ته ووايم .

سپړه په یوه معینه درجه تود وځی کسی له مینځه ځی له همدی امله نازیان سپړي د سفر لاندې یخنی کې لوخ لېږدروي وروسته

له څو شیبو څخه سپړي ډاډه کیږي چې نورد سپړن وژي هم له مینځه تللی دی اوسری

خپله هم که مقاومت ولری ژوند پاتی کیږي کله چې تفتیش پای ته ورسید ښایی کالی بیرته و او غو ستل شي او خپل پرستن

دشقاوت واقعیت پدی کې نده چې یو واحد درد پرسری باندې دتل دپاره تحمیل کړی،

سپړي ورو ورو ددغه درد په زغملو عادت کوي که ددغه تپ سر چې لږ ښه شوی وی . بیرته

خلاصی کړو درد او کړاوی لا ډیریری ددی دنازیانو رمز او فن دانسانی حساسو رشتودله

مینځه وړلو په لاره کې . ددغه فن په نتیجه کې او پدی توګه یوه بل پسې له مینځه ځی .

کله چې دلته راغلو موږ ته یی ویلی : (تاسی به هیڅکله څه شي ونه لیکي) . خوموږته

دغه فرمان حیرانوونکی نه وځکه چې پوهیدو دڅه ډول غلیمانو سره مخامخ یوځایو ورځ

یی دبند یانو ترمنځ کار تونه وویشل چې څه پکې ولیکي . موږ ویلی چې پدغه موضوع کې

به کومه اشتباه پېښه شوی وی . خودوی زموږ په ځواب کې وویل :

- لکه دنوروغوندی تاسی هم حق لری چې پنځه ویشتم کلمی ولیکي .

او موږ هم ولیکل، له بی ساری شور او زوږ سره چې د لیکلو لپاره ښی کلمی موندل کړو .

یواځی موږ، هوکی دغه ګران موجود کولای موږ کارتونوکی ولیکل . څومره زیار موایسته

شواي چې زموږ دلیکو نو په معنی پوه شي . (شریب) کار تونه ټول کړل . موږ مو چ کاوه چې : کار تونه بی یی لیرې وی . باید

زوره یی بېوډی خوږ پری هماغه کار تونه چې موښپړاونی مخکې لیکلی وو بیرته راکوی دوی

اصلا دغه کار تونه ندی لیرې او یواځی غوښتی وچې پر موږ باندې ملنې ووهی .

د (موښو) کارگر (لوی بزرګه) پر هغی تلنکله باندې چې زما تر څنګ اواره ده ناست

دی اوهغه کارت چې په هغه کې یی خپل ټولی هیلې او عشقونه لیکلي وو دخپلو ډنگرو گوټو

په منځ کې تاوه وی . زه پوهیږم چې دوه پنځه اواره کلن ماشومان لری .

پر ډنگر هغ باندې یی یوه قطره اوبښکه لویږي . دغه سپړي چې له کوم شکایت څخه

پرته یی دبند یخانی ټول رنځونه اوکړ اوونه زغملی و ددغه روحی صدمی څخه به له پښتونه ولویږي .

او، بېشرفو نازیانو! سره له دی داسی وخت به راښی چې تاسو به ونشي کړای چې موږ

رښخند کړی . یعنی هغه شیبی چې تاسی خپله پخپله ورځپانو اووینا وکې اقرار کوي چې ماتی

موکړی ده دغه شیبی چې دتاسی دپوره ماتی ښی نښانی دی زموږ ژوند ډیری ښی شیبی دی

دډاډ اوږده ورتیا شیبی دی . (داستراحت کړی) - بیا هم یو بل بریالیتوب .

دکاراونی پای ته رسیدلی ده کار دشنبی ورځی په مازدیګر پای ته رسیدی او بیاد

یې ډدی سلمانی موږ هر یوه ته یوه ټوټه صابون راکوی . سره له دی چې لمر شته خوساږه

ډیر سخت دی او موږ ددی لپاره چې ځانونه گرم کړو ټوپ ووهو . هغه دروازه چې موږ په

اغزی لرونکی مزی سره داردوګاه دنورو برخو څخه بیلوی خلاصیږي او قیدیان په خفاسته

دحمام خواته درومی . غښتلی کسان کوم چې دنوروته پوښی ځانونه حمام ته رسوی نیکمرغه

دی ځکه چې خپل ځانونه دټولو نه مخکې له یخنی څخه زغوری . فرانسویان طبیعتاً وروستی

کسان دی . موږ په آزاد ه هواکې ددغه سمندی اهررو په سپړی کې چې داردوګاه او دکالی

مینځلو دځونی ترمنځ واقع شوی دی دخپل نوبت . په انتظار ولاړ یوه لیکه مرغه ټول .

ډیر واکه نه ډیره دځنداوې صحنه وه . په پراستی لاسونه اووازو پښوددغه پښدی

له مخی چې زموږ ددغ غوښی کولو مسوول دی ، تیريرو . ددغ غوښی کولو دستګاه یوه

اوږ ده لوله ده چې دیوی ډبلی سره تړل شوی ده او په ډبلی کې (سولفاتی) مواد اچول شوی

دی . ددغ غوښی کولو مسوول سپړي زموږ په نس او تخرک باندې مواد شیندی داسی ښکاری

چې دډیر سوږ شاور لاندې ولاړ یو، ساږه موکېږي . ځولاتر اوسه پوری کار پای ته نه دی

رسیدلی کله چې دبند دمخکې برخی ضدغوښی کول پای ته رسیدی یو بل زندانی یو لوی

برس د ضد غوښی کولو مواد په ډبلی کې ننه باسی او زموږ په کسو تاتی کسی موښی

دالومېری ځل ندی چې دغه شان ته ازموښی پر موږ عملی کیږي خو ددغو عملیاتو بدلیلد وجریان دتنوع سبب کیږي

پدغه هکله دبلوک قیدیان یوه نه هیریدو نکې خاطر لری . هغه داچې دیوی اولی په اوږدوکی

هره شپه یی په یو خاص شکل سره یی موږ آزاد ولو . ددغه ازار وروستی پړاو دا چې پوره

پنځه دقیقې دخواو بوټر شاور لاندې ودریږو

واو وروسته بیاد معتد لواو پوپه یو ه حوص

کې داسی کښیو چې اوبه موږ سر واوړی

دبلوک رئیس موږ باندې اوبه اچوی . موږ دغه

ورځد (حوص دورځی) په نامه یادوله نوځکه

دابه ډیره عادی خبره وی چې موږ دداسی

پېښو څخه حیران نه شو .

ددغ غوښی کولو نه وروسته ښایی چس

دحمام کولو لپاره ډیر زمینی ته ننوځو . دغه

دگرمواو یوحمام موږ ته خورا خوند راکوی

دخپل ځان دو چولو لپاره هېڅ شی لرو لنده

څښته دډیر زمینی نه بیرته پورته کیږو

زما ځوان دوست (تولی) دکالی پری مینځلو

کوتی ذکر کې له لاری یوه قدینه در کوی

زه وروسته له دی چې خپل ځان وچوم قدینه نورو

ملګرو ته ورکوم . تولی یو ډیر نجیب ځوان

دی عمر یی دښار لوډ عمر په اندازه دی . دی

دوه کاله مخکې دکمونیسټ ځوانانو د یسوه

سازمان دجوړولو په تور نیول شوی دی .

دی دفرانسویانو دلوډمې کاروان سره

اردوګاه ته راغلی دی او ددی لپاره چې په پری

ژبو پوهیږي کولای شوچې په یوه ښه کوماندو-

کې ځانته مناسب ځای ومومي .

زه په اردوگاه کې دننه ملگرو سره دده په وسیله اړیکې ټینګوم . روبرت له یوکاروان سره داروگاه څخه تللی او هیڅ احوال یې نشته . . . (تونی) دهغو کسانو څخه دی چې (تاناو) په گډون داروگاه دپټ سازمان لارښوونه په لاس کې لري .

هغه په ډیر شور او زوږ سره چې دهغه د مهربان طبیعت زېږنده دی کارکوي . هغه کله چې قدیمه ماته را کول په غوږ کې یې راته ورو وویل : «کیف» خپلواک شوی خوالهانیانو دغه موضوع رسماً ناپید کړې نه ده . دغه خبر د اورد چا و نیسي په خیر دفرانسویانو ترمنځ خبریږي داسې ښکاري چې وژدونه مو خلاصی شوی وی . کله چې دښې ډوډی خوړل پای ته ورسید ، دغولی په یوه څنډه کې سره تولیږو . اندره زما څخه پوښتنه کوي :

سوگوره چې درواغ ونه وایي ، بابا؟
ته پوهیږي چې زه هیڅ وخت درواغ نه وایم .

نوهه کله چې الهانیانو څه نه دی ویلي ، ناسی له کومه ځایه خبریاستی .

سدادراز ساتلو اصل دی . خبره دلته ده چې دغه موضوع حقیقت لري . نه ښایي چې آن ډیر ونږدی دوستانوته ووايو چې په اردوگاه کې دمخبرې یوه پټه دستگاه شته چې په هغې باندې یواځې څو تنه خبرې اوبس اوک زه دهغه راز ونشم ساتلی ځکه کولای شم ډاډه ووايم چې هغوی زما دغه خبره نورو ته نه وایي .

موريس پوښتنه کوي :
نوږدی اساس دوستان پولی ته نږدی کیږي اودی خواته راځي ؟

سمیون ځواب ورکوي :
(دکیلف) خپلواکي هغوی دپولند دپولی دوه سوه کیلو مترې ته رسوي . اوس ښایي چې د (ژیتومیر) خواته پرمختګو کړي . اندره په خوشحالي سره وایي :
نو داسې ښکاري چې کار پای ته رسیدلی دی ؟

(سربر) ځواب ورکوي :
نه بابا ! لاتر اوسه پوری پای ته نه دی رسیدلی . زه نه پوهیږم چې ته دیوسترسیس څخه ديو ستر پوځ دتیرولو په ستونزو باندې پوهیږي که نه ؟ پداسې حال کې چې دهغه سین (دنی پر) یو کیلو متر پلن والی لري . برسیره پردې ښایي یوه شی چې روسان دخرابو اوو- بجاو وسیمو څخه تیريږي . باید پدغو سیمو کې چې ډاډیځې ټینګولو وسیلې له مینځه تللي دي دپوځ دخوراک موضوع اودجېبي دشاسره اړیکې ټینګې وساتي .

ددوهی جېبي څخه هم خبر نشته ؟
ژوریاخند په دغه جېبه هم پرانستله شي .
خو ظاهر ۱ تراوسه پوری لاروسان ډیر وژل شوي نه دي ؟
نو موږ به (نول) اختر همدلته تیر کړو ؟
ډیر امکان لري .

(سربر) بې له دی چې وځاندي پوښتنه کوي :
څه فرق کوي ؟ دادی نه خوښیږي ؟
کوي :

یعنی مطلب می دده چې دنوی کال اختړ په بل ځای کې را باندې ښه تیريږي .

(سربر) اعتراف کوي :
ساوکه ددغه ځای نه زه وژغورل شم په راتلونکي وخت کې به دازما ویاپوي چې دلته می دغه شان ورځي تیری کړي دی .

اندره وایي :
زه برعکس . که موږ ددغه جېب نه ژوندی ووځو هیڅوک به زموږ په خبرو باورونکي دمثال په توګه موږ ته دلته (مجرمین) وایي زموږ لقب مجرم دی . او موږ ته په همدې نوم غږ کوي ، ته خپله سوچ وکړه کله چې زه وغواړم خپلوملګرو ته دخپل (مجرمیت) ژوند تعریف خپلوملګرو ته دخپل (مجرمیت) ژوند تعریف کړم چې څرنگه مجرم شوم او جرم می څنګه زده کړه زما خبرې به ومني ؟ او برسیره پردې دغه ژوند هیڅ تعریف هم نلري .

کله چې دخوب نه باخبري باید ډیر ژر خپل سامان په لاس کې واخلي دمتروکو له ګډارونو نه تیر شي او خپل ځان په یوکار باندې (هر څه چې وی) بوخت وښیي تر څو چې له وهلو او ټکولونه خلاص شي . آن مستراح ته (دسارناستی ځای) هم باید خپل سامان او لوبښ له ځانه سره یوسي که نه در څخه غلاکېږي .

ددی لپاره چې دحاضري په وخت کې دلقنو او خپېر و څخه ځان وژغوري ښایي چې دټولو څخه مخکې هلته (دحاضري ځای کې) حاضر شي او هلته هم باید کوشش وکړي چې دپلوك درنيس څخه ليري ځای پیدا کړي که نه شپه دهغه خبره دوسپړي یعنی هروقت دلیک در او آخر څخه ځان لیري وساتي کله چې کارته ځي نه ښایي چې داسې داسد اژادو څنګ کې لاړ شي .

لاسونه ونه ښوړوي . مخصوصا باید خولې وباسي . دژینو څخه دښکته کیدلو په وخت کې باید دلیک منځني برخې کې ځای ونیسي . دحاضري په وخت کې باید خود نمایی ونکړي کومانډوکی تر ټولونه مخکې حاضر شي ، دکار دپیل په وخت کې هیڅکله دژبیل دټولسو داوطلب نشي ، په تیره بیا زیار وباسي چې خارجیانو (بېرنيو) سره یواځې پاتې نشي ، دکار په وخت کې ښکته پورته ښي اوکین ته ځیرو اوسي ، خپل قدمونه او حرکتونه باید ښه وسنجوي تر څو چې قوت دی بیځایه څرخ نشي . پرته له ډیر ضروري وختونو خپل انرژي مصرف نکړي ، هیڅکله خپل ځانونه ښیښي او تل باید زیار وباسي چې گمنام او پټ پاتې شي . داش دویشلو په وخت کې باید پداسې نوبت کې ودرېږي چې ددیګي لاندې او وروستی برخه دی په نصیب شي . دډوډي خوړل لونه وروسته (دکاپو) دټلو څخه ځان لري وساتي او یواځې

ځان هغه وخت ونیسي چه کارونه او مسو- لیتونه ویشل شوي وي ځان داسې عیار کړي چې په آفتابي ورځو کې په سیوري او په سروورځو کې په لمر کې کارو کړي . دا باید زده کړي چې په ژبیل کې دټیرو ټیرو دځای کولو په وخت کې دی لاسونه اوګوني ټیږ نشي ډېر لوجېي له مخې دکار په وخت کې دی باید ځان خون نشي . تل باید داسې ساس په خت کې ځای ولري او هیڅکله تش لاسونه او بیکاره دهغه په وړاندې ونه درېږي . دکار دپای ته رسید لونه وروسته دسل کسيزو ډلو په لمرې لمرې کې ځان ته ځای ونیسي تر څو چې په اسانۍ سره له زینو څخه پورته شي . دهغولیکونو څخه چې دټیښانو دوډلو لپاره دی لکه طاعون غوندې وتښتي . ددی لپاره چې دمازیديگر حاضري نه وروسته ډوډي درته لږ ونه رسيږي باید دخپل نوبت خیال وساتي .

اوپید خوب په وخت کې باید داسې یوه تلټکه لاس ته راوړي چې نه لټوړي نه لټوړي اونه نري ، او هغه وکړي چې ددوو فرانسویانو منځ کې خملې اودخپل ځان لپاره اړت ځای مینده کړي اوداسې هڅو کې چې ژر ویده شي . دادی په پورتنی تعریف سره ګوډی چې زموږ دغه (جریمه یي) یعنی دمجرمیت ؟ ژوند چندانې خوند نلري .

شار لووایي :
ساوکه دغو ټولو کارونو دسرتو رسولوسره بیا هم دخوب په وخت کې دچورابو نو دغه ایستلوله امله یوه درونده څپره خوري .
چورت دی مه خرابوه (دده) جانه روسانو ځانونه (کي یف) ته رسولی دی .
هوکی ، دامو نیکمرغي ده .

همداسې چې غږیدو ، وخت ډیر تیر شوی او دمازیديگر دحاضري وخت را رسیدلی دی . یونیم ساعت په لیک کې او یوساعت دډوډي لپاره دریدل . نن یوه قاشوغه مربا او یوه ټوټه سپین پنیر هم په پروگرام کې شته . موږ خپل وچه ډوډي ښه څیره او خپل پنیر او مربا پر هغه باندې مویښو ، چې پدی توګه ښکلی رنگ غوره کوي .

ساوشریږن ! آلماني کلمې یعنی دکوټي په لور ! ...

څه پیښه ده چه ؟ طبی کتنه ؟ نه هېڅ یو یې هم نشته . دسپړ و دټولو لپاره راغلی دی . او موږ پدی توګه دخپل میلستپانه دخوند اخستلو وخت له لاسه ورکړ . په هره توګه چې وو خپلې دډوډي ټوټې مو په بیسره سره له ستونې نه تیری کړي یوځل بیا موکالي وایستلې او لوڅ لېږدوړیدو . دغه پلټنه هم یوساعت اوږد شو . پس له هغه نه دکوټي مسوولین څو ټوټې کاغذ دتلټکو پرځای پرمخه باندې غوږوي . دادرې میاشتي کیږي چې دسپړ ودرېږي والی له کبله په تلټکو باندې نه خملو . یواځې آلمانیان او څوګسه خواص دغه امتیاز لري او هغوی له دی امله دکوټي نیمایي برخه

نیسي اودسلو کسوتند یانو څخه اتیا کسه دکوټي په منځني برخه کې خملې زه لکه نورو نیسو غوندې د(سربر) او (شارلو) په منځ کې یم . سره غږ یږي . پروډاکتور دستر انقلاب دکالیزی جشن و . تصمیم نیسو ددی ورځي په ویاډ چې د(کیف) دخپلواکه کیدلوسره یې سمون خوړلی ده دخبر و اترو یو مجلس جوړ کړو .

شارلو دلوږي له زوره خپل نس په سولوهی او وایي :
ډیره عجیبه ده ، کله چې سپرې وږي وی ، صحیح سوچ هم نشي کولی .

(سربر) ځواب ورکوي :
همداسې ده ، دماډی احتیاج په وړاندې هرکار او هر سوچ له مینځه ځي . یوه هسپانوی ماته ویل چې دخپل دښد په لمرې کال کې دخارویو په خیر یواځې پدی سوچ کې وم چې څرنگه کولی شم دخپل ډوډي ورځني جیرمزپاته کړم . اوس اوس هغه دکوټي مسوول دی او کولی شي هرڅومره یې چې زړه غواړي آسوخوري اوس نور دپروسپرن فکري په سرکسي نشته ، خولاه بدمرغه شوی دی ځکه چې تل خپله ښځه اودری کوچنیان چې اوه کاله کیږي هغوی یې نه دی لیدلي ، یادوي .

شارلو ځواب ورکوي :
دښتیاده ، زه تاسو ته اعتراف کوم چې پدغه شپه کې دهېل مور اوڅور په هکله چرت نهوهم . دلته انسان دخاروی ښه غوره کوي . باید ویده شو شارلو ! اودتادلوی په هکله هم سوچ ونکړو .

پدی ترڅ کې (پتي لویی) دسارا ناستی څخه بیرته راستنېږي اوغواړي چې پخپل ځای کې دفرانسویانو په منځ کې خملې خوله بده مرغه یو او کرایښي دهغه ځای نیولی دی او

هیڅ خبره نه اوري ، هر دلیل چې ورته وایي نه یې مني . (پتي لویی) چې ددغې وضعې زغم نشي کولی خپل ځان په یواځې اچوي او کرایښي هغه بیرته دفرانسو یانو خواته ټپل وهي او فرانسویانو هم زور وهي چې مبادا ځایونه یې تنګ شي . په آخر کې پتي لویی ځان ځایوي اونور بند یان غور یږي .

دروغه فرانسو زن (آلماني کلمې یعنی فرانسو- یانو چېپ شي) .

پتي لویی ورو وایي :
هر څوک چې ماته لاس نږدی کړي خوله به یې ماته کړم .
(نوریا)

در نمایش های که انجام شده زنان به خوبی نشان دادند که چگونه بصورت خوب میتوانند هنر رقص و ورزش را با هم یکجا به نمایش در آورند.

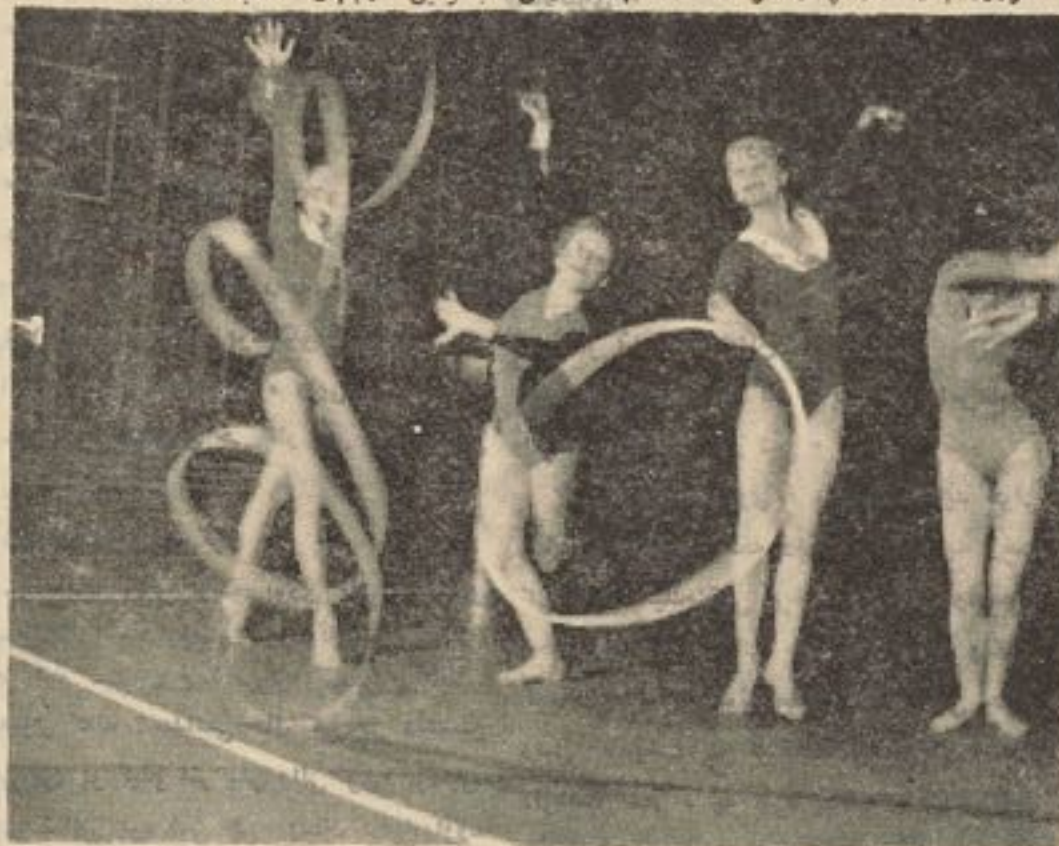
بعد ها بعضی از عناصر رقص اکروباتیک جز این ورزش گردید بنابراین گفته میشود که رقص های اکروباتیک نمیتواند با جمناسیک و اساسات جمناسیک مدرن امروزی در تضاد واقع گردد.

متخصصین این فن عقیده دارند که بازی کتان جمناسیک مدرن که به تدریج از رقص فاصله می گیرد این امر باعث میگردد که به تدریج با گذشت زمان جنبه های احساساتی و عشقی خود را از دست بدهند. در عوض مهارت و ظرافت دختران تنها در قسمت تمرینات فیزیکی تکامل خواهد نمود.

هر قدر ورزشکاران این جمناسیک را که دختران تشکیل میدهند در تمرین این ورزش دقت به خرج دهند بصورت خوبی می توانند هنر و ورزش شانرا بهبود و تکامل بخشند چنانچه گالیما یک ورزشکار و وزیده این جمناسیک است.

او یک ریسمان قاری را با مهارت خاص به پیش انداخته خودش به تعقیب آن حرکت میکند دفعا خیز زده با پا آفرامیزند این عمل او سبب میگردد که ریسمان مذکور شکل بیضوی و حلقه را بخود اختیار نماید با تشکیل این کار او چند ایدین تمرین رقص اکروباتیک را اجرا می نماید.

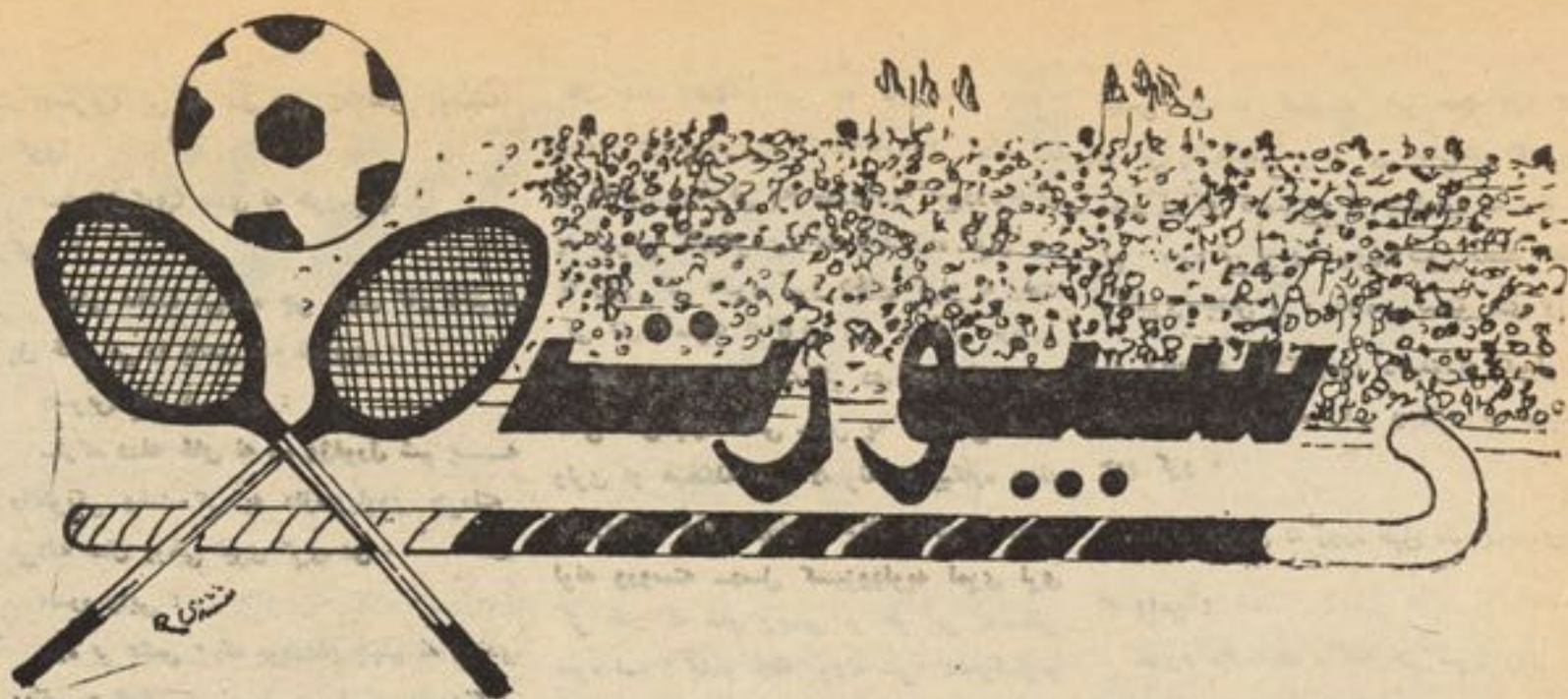
بازی کنندگان این هنر جمناسیک عبارتند از درویشان و استادان اتحاد شوروی گی گرووا در بلغاریه ریسچر در جمهوری فدرالی آلمان استوگا در جاپان که با مهارت توانسته اند با انجام این ورزش شهرت بسزایی در جهان کسب نمایند.



بازی بانواریکی از خصوصیات عمده این جمناسیک را می سازد.

را نمایش و اجرا می نمایند که به رقص شباهت تام را می رساند که گویا موسیقی نیز در آن دخیل است. حقیقت درین است که جمناسیک مدرن امروزی در مرحله نخست به رقص دانش توجه نداشت و بعضی حرکات رقص اکروباتیک را اجرا می نمود که بعد ها به حیث یک سیورت مستقل تبارز نمود.

ژوندون



مترجم : ح. عمادی

جمناسیک مدرن و یا آنچه را که المپیک

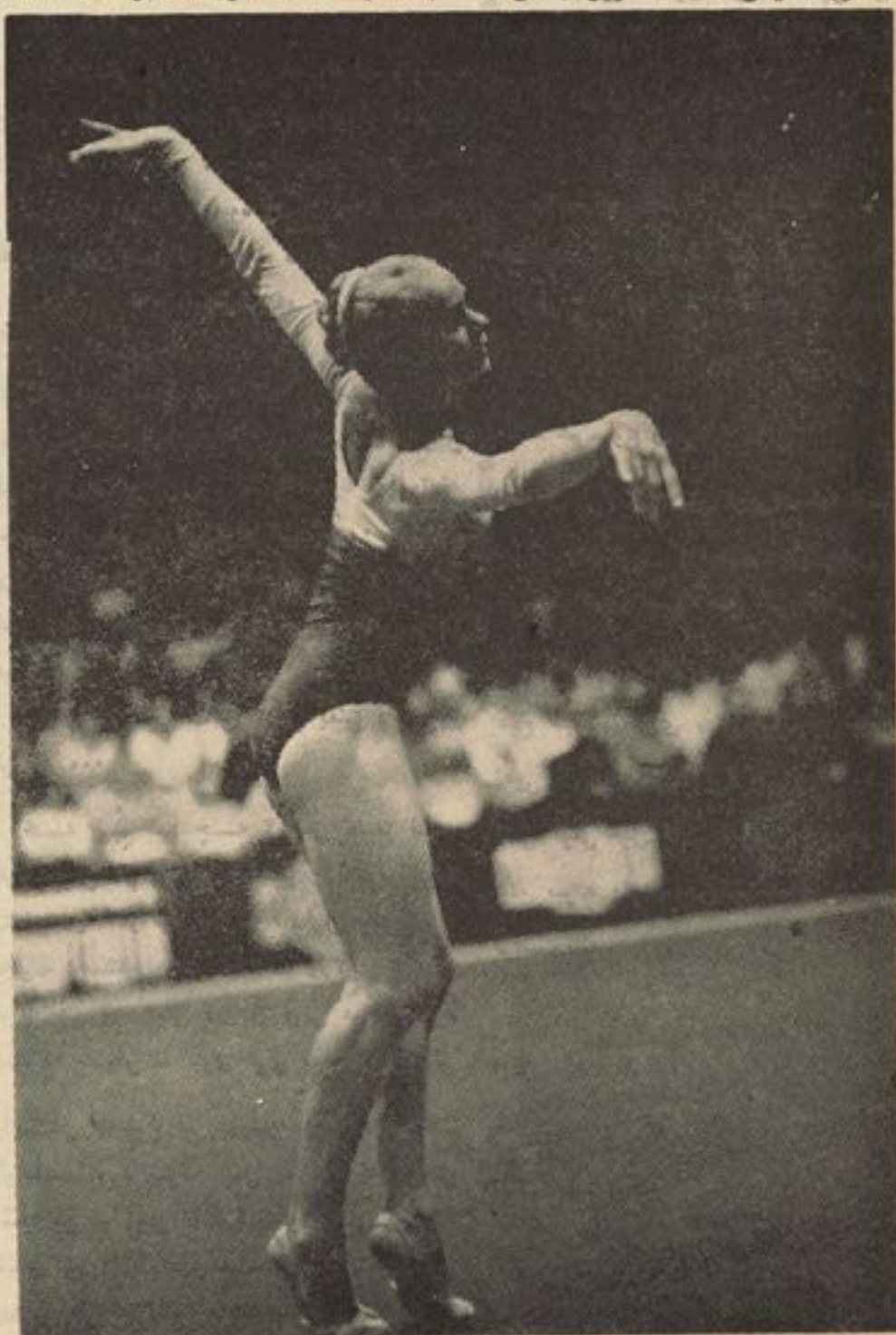
فاقد آن است

گویند جمناسیک مدرن مذکور از مکتب رقص بالت که در سال ۱۹۲۳ تأسیس گردیده الهام و سرچشمه میگیرد این مکتب رقص بالت توسط یک نفر امریکایی نام فونکن در ماسکو افتتاح گردیده بود.

گفته میشود که جمناسیک امروزی تا اندازه به رقص شباهت نزدیک پیدا کرده زیرا در این جمناسیک زنان با حرکات موزون بدن شان چنان حرکات جمناسیکی

است که اشکال ظریف هنری را نیز با خود همراه دارد و در مسابقات اولمپیک بین المللی مقام ارجمندی را کسب میکند. نظریات فونکن هم در مورد ریشه و اساس جمناسیک مدرن امروزی وجود دارد که می

دومورد جمناسیک مدرن امروزی نظریات متعددی وجود دارد اینکه آیا این جمناسیک بصورت عمده یک ورزش است یا اینکه نوع از هنر. بنابراین گفته میشود که جمناسیک مدرن امروزی یکی از عمده ترین ورزش ها



ورزشکار بازی جمناسیک مدرن در حال اجرای این بازی

ورزشکاران ما باید آراسته

به اخلاق سپورتی باشند



دختران حین اجرای نمایش با مهارت حرکات موزون را اجرامی نمایند.

آوردند، که در حدود دو هزار ورزش کار در جمناسستیک مدرن امروزی درجه ماستری بدست دارند.

تلاش های در جریان است که این ورزش جدید را به حیث یک مضمون درسی در مکاتب نیز هدوش سایر ورزش ها به شاگردان بیاموزند. این ورزش جدید مختص زنان و دختران است و گفته میشود تلاش های متمرکز در جریان است که این ورزش در مسابقات بین المللی نیز مقام های ارجمندی را حاصل و به جهانیان معرفی گردد.

همچنان اجرای این تمرینات با ریسمان نوار نیز عین حقیقت بازی دلچسپ را نشان میدهد. دلچسپی و خارق العاده بودن این ورزش تعداد زیاد مردم را بخود کشانیده است و میلیونها تماشاچی از مسابقات مهم و دلچسپ این ورزش دیدن بعمل می آورند.

در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی هزاران زن و دختر درین جمناسستیک مدرن ثبت نام می نمایند که از جمله ثبت نام کنندگان سیزده نفر شان توانسته اند سرآمد همه گردیده و مدال های بدست

قسمت سوم

نگرشی بر سوابق تربیت بدنی و تحولات ورزشی در اتحاد شوروی

کاپلونیوف بسال ۱۹۶۳ شامپیون وزنه برداری شد، ویکتور کوز نتسوف و ولادیمیر گولو وانوف در سال ۱۹۶۴ از جمله قهرمانان وزنه برداری اروپا و از زمره قایم کنندگان ریکاردهای جدید این رشته شناخته شدند، اینان با شرکتشان در بازیهای توکیو یک مدال طلا و دو مدال نقره را از مقام آوردند. الکسی و اخونین معدنچی و آموزگار وی رودلیف پلیوفیلدر کارگر برق قهرمانان المپیک توکیو شدند. ایوگنی گریشین دهنده ماهر در بازیهای المپیک ۱۹۵۶ و ۱۹۶۰ که مسابقه دویدن پنجم و یکپنجاه و یکمتری را برنده شد، دو مدال طلا و بسال ۱۹۶۴ یک مدال نقره را بدست آورد، اکثر اعضای خانواده اش در بازی روی یخ هم مهارت بسزایی دارند. از آنجمله (مارینا) خانمش از چهره های قهرمان اتحاد شوروی شناخته شده است تیم ها کی یخ شوروی طی سالهای ۱۹۶۳-۱۹۶۴، ۱۹۶۵، ۱۹۶۶ و ۱۹۶۷ برای مدت پنجسال مقام قهرمانی را در جهان داشته است

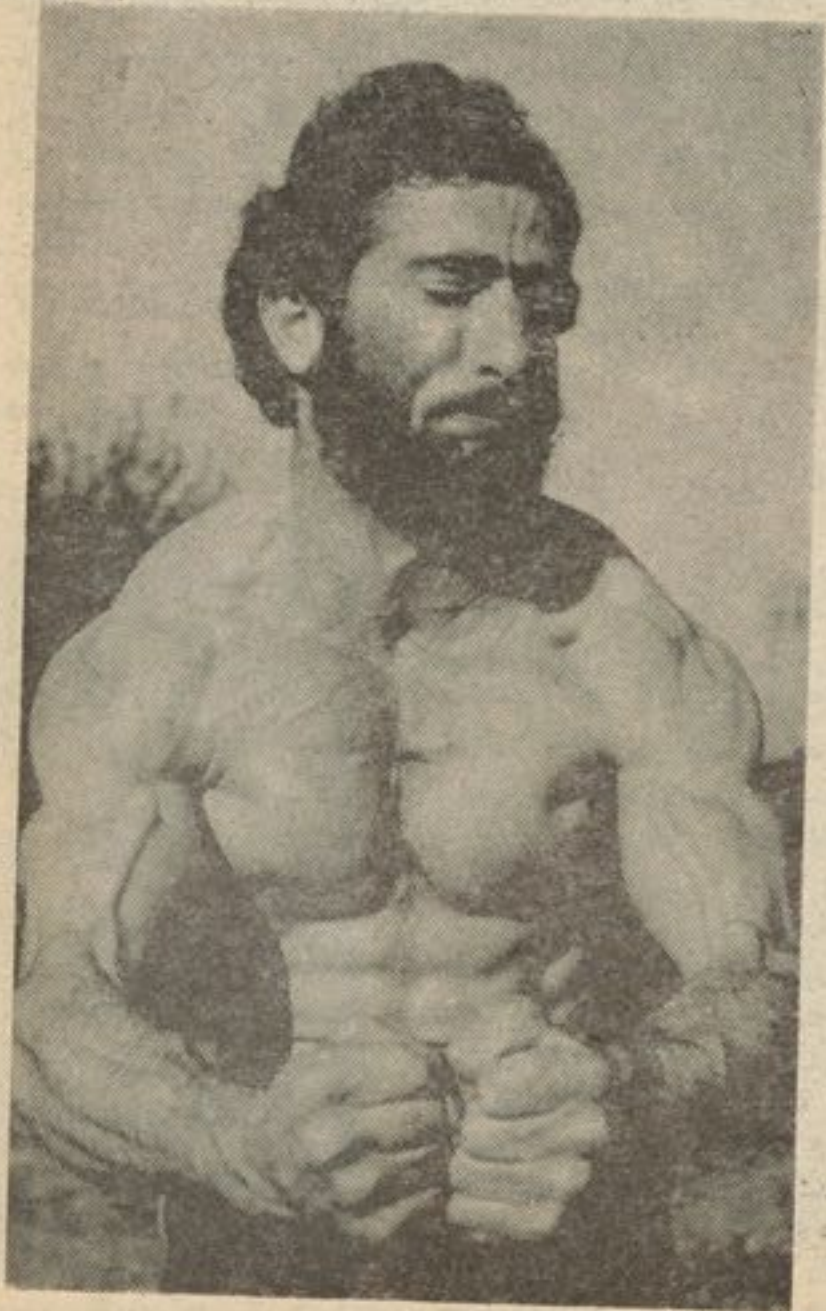
بوریس مایاروف کپتان این تیم به سال ۱۹۵۲ در بازیهای هاکي قدم گذاشت و با (سپارک مسکو) پیوست. تیم یاد شده برای نخستین بار در بازیهای ستاکهولم (پایتخت سویدن) مقام قهرمانی دنیا را حاصل کرد و ولادیمیر کوتس یکی از قهرمانان بازیهای المپیک ملبورن، شامپیون اروپا و قایم کننده ریکارد جدید در مسابقه دویدن است. به نحویکه در سال ۱۹۵۷ در روم ریکارد پنجپنجاه متری را قایم کرد که برای مدت هشت سال ثابت ماند و دیگر ورزشکاری آنرا نتوانست بشکند. وی در اگست سال ۱۹۵۳ طی مسابقه بین المللی بغارست (پایتخت رومانیه) در برابر ایمیل زاتوپیک دهنده تندگام چکوسلواکی و برنده سه مدال طلایی از بازیهای المپیک هلسنکی پیشی جست و او را شکست داد. یکسال بعد در مسابقات قهرمانی برون (سوئیس) باز هم ولادیمیر کوتس نسبت به زاتوپیک ورزشکار

بقیه در صفحه ۴۴

چند سال می شود ورزش می کنید. دو سال قبل به ورزش زیبا پی اندام با نهاده ام. چند مدتی از فعالیت ورزشی ام نگذشته بود که تکلیف مر یقی به سراغم آمد، بعداً به خارج از کشور جهت سیاحت رفتم که در پهلوی آن به تداوی ام نیز توجه کرده و صحت شدم، و قتی دو باره به وطن بازگشتم به تمرین سپورت مورد علاقه ام اندام دادم که تا حال جریان دارد. نام برده افزود: در مسابقات تور لغت خزانگی و بهاری یکبار از طرف امریت ورزشی ولایت بلخ صورت گرفته حصه داشتم که در هر دو مسابقه در کلاس متوسط قهرمان شناخته شده و کپ های ورزشی را نصیب شدم که در مسابقات دور خزانگی رئیس ریاست عالی و ورزش هیات همراه شان نیز از مسابقات ما دیدن کردند.

باید بگویم کپ های که قبل از آن عضویت داشتیم کپ های آزاد بودند که در مسابقات هم حصه نداشتیم بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند شوروی

بقیه در صفحه ۴۴



محمد اسمعیل ورزشکار جوان و خوش اندام

قهرمان جهان شطرنج اناتولی کارپوف



یک باشمع (سه‌پروزی به‌شمع) از طرف

دوم باگیو

عینات نمایندگی اتحاد شوروی مردوزن جوان بالباس سرخ جا گرفتند. اینها دو تبعه امریکا از گروه مذہبی «آنانده مارگلاستیون دواپر وویکتور ییشپارد بودند که از اتر سو قصد و عملیات ترور یستی با لای دیپلومات های هندی در سال ۱۹۷۸ نو سطر ارگان های دولتی فلپا بن به هفده سال حبس محکوم شده بودند و تحت ضمانت با آلمان تاغوراستیناف آزاد گذاشته شده بودند. قسمیکه بعد معلوم شد ستیون دو یکتور با به شهر باگیود عوت شده بودند تا منجبت معاویشتن کور جنوبی فعالیت نمایند و حتی بحیث اعضای رسمی عینات نمایندگی خودکود جنوبی آنها را اعلام داشت.

دخول این نوع اشخاص مجرم و ترور رست در فضای بازی های جهانی شطرنج بی سابقه میباشد. هدف از دعوت این دو نفر این بود تا بدین وسیله کور جنوبی بتواند با لای حرف خود، اعضای حکم بازی فشار و انسی وارد نماید. هیچ کس این را پیشگوئی کرده نمیتوانست که ترور رست های که به هفده سال حبس محکوم شده اند چه جانی یا بی را مرتکب خواهند شد. این نکته را سازماندهان بازی خوبتر درک کرده بودند و نخست از ورود ترور رست ها به سالون بازی و بعد مانع دخول آنها به اطاق های دیگر شدند. اما در مقابل کسور جنوبی تا ختم مسابقات با این دو نفر ارتباط خود را قائم کرده بود. چندی نگذشت که گامه صبر اعضای

حکم بازی تبریز شد و این اعمال کور جنوبی را که جریمان نورمال و مساعدا مقامات را برهم میزد و به اسامنا به فدرا سیون جهانی شطرنج مقایرت تام دارد بشدت محکوم کردند و تقاضا کردند تا بدون گفتگو ترور رست ها از شهر باگیو خارج شوند. کور جنوبی از اعمال اعضای حکم انتقاد شدید کرد و ارگان های دولتی فلپا بن و سازماندهان بازی را متهم ساخت که آنها از اناتولی کارپوف جانبداری میکنند.

بقیه در صفحه ۵۳

بر استفاده از بیرغ مو پس رد کرد. حکم های بازی که در جمله آن شطرنج بازان معروف جهان قرار داشت به پیشنهاد های مشا به دیگر او جواب منفی داد. بعد از اینکه حکم جواب منفی خود را درین موارد اعلام داشت کور جنوبی حکم بازی را متهم کرد که گو یا آنها از اناتولی کارپوف و طرفداران او پشتیبانی میکنند.

کور جنوبی طبق اعلام قبلی خود سعی میکرد تا به هر ترتیبی باشد فضا بازی را خیره کند و درین قسمت از طرق مختلف استفاده میکرد. این نکته به هنگام معلوم است که در جریان پنج ساعت بازی شطرنج بازان جای قبوه و غمییره نو شمیدنی ها مینو شدند حتی بعضی اوقات تسکین اشتها میکنند. عجیب است وقتی که کارپوف از طرف یکی از حضار از طریق حکم بازی گیلایس ماست را در یافت کرد کور جنوبی پروتست خود را درین قسمت نیز اعلام داشت. به فکر او ماست نوعی از اشاره ماست تاکارپوف را کمک کند.

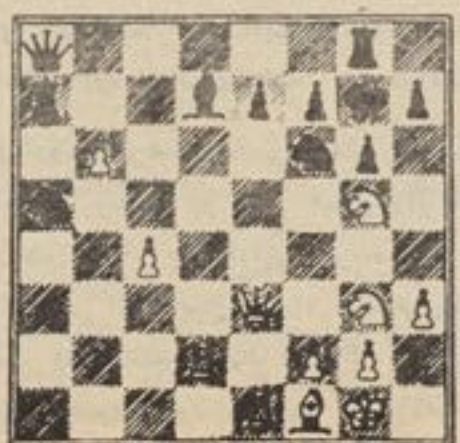
در قسمت دیگر اظهار داشت که یکی از اعضای عیات شوروی او را در اغما میگیرد به این ترتیب هر بازی که بازی دامن باخت از رخوت و اغما سخن میگفت



کاخ کنگرس در این جامسابقات ادامه داشت

بعد از ختم بازی هندی و قتیکه ویکتور کور جنوبی شکست خورد روایت جدید را پیش کش کرد و اظهار داشت که نه تنها او را در اغما میگیرند بلکه کارپوف را نیز درین حالت قرار میدهند و به او کمک میکنند تا خوبتر بازی کند. به این لحاظ حرف پیشنهاد نمود تا پرده آنتوی نصب شود برای اینکه بازی کنندگان تاظرین دورتر قرار بگیرند تا دیگران آنها را نبینند. این تقاضای غیرمنطقی او طبعاً رد گردید.

دیری نگذشت که به اعمال جدی تر دست زد. در وقت یکی از بازی ها در نزدیکی کور جنوبی



بازی نهایی کارپوف و کور جنوبی

داخلی و بین المللی برای کسانیکه به قهرمانی او مشکوک بودند دیگر جای شک و تردید باقی نگذاشت.

یکی از نمونه های بارز موفقیت های او در مسابقات افتخار دریا فت پنج مجسمه کوچک نقره ای است که فعلاً ترین دهنده خانه او میباشد. این مجسمه ها جوایز «اوسکار» اند که سالانه از طرف اتحادیه زور تالسان مسابقات شطرنج برای بهترین بازیکن شطرنج سال اهدا میگردد. کارپوف بار دوم غرض حفظ لقب قهرمانی خود برای اجرای مسابقات غلزم فلپا بن شد. درین وقت شهر باگیو تو جه زور تالستان جهان را بخود جلب کرده بود و از همه اطراف واکتاف زمین به شهر باگیو سرازیر شدند. اناتولی کارپوف انسان متواضع و با همه به بسیار نرمی رفتار می کرد. دیری نگذشت که توجه مردم را درین شهر بخود جلب کرد. در مقابل حرف های بطور دیگر رفتار می کرد. کور جنوبی که در مقابل کارپوف قرار گرفت یکی از بزرگترین استادان شطرنج است اما در پهلوی این صفات خوب خود در وقت مسابقات چارو جنجال های را بر پا می کند که به شطرنج هیچ ارتباطی ندارد و همه خوبی های او را برهم می زند. در سال ۱۹۷۴ و قتیکه کور جنوبی در مقابل اناتولی کارپوف مغلوب گردید. میخواست خود را مغلوب نشان دهد و در مقابل حکم از رفتار های غیر سیور تی کار میگرفت و تاحدی رسید که بالاخره از بازگشت دوباره به وطن خود یعنی اتحاد شوروی ابا ورزید.

وقتی که ویکتور کور جنوبی به مانیلا رسید نه تنها پروگرام سیور تی باخود داشت بلکه میخواست که بازی های شطرنج خود را جنبه سیاسی بدهد. همتیکه به فلپین رسید در یک مصاحبه مطبوعاتی حرف را به یاد دشنام گرفت و اعلام داشت که در حین مسابقات اوضاعی را بوجود خواهد آورد که برای کارپوف غیر قابل تحمل باشد. کور جنوبی ازینکه انسان خود خواه است و از لفظ تواضع هیچ خبری ندارد در فلپا بن در مصاحبه مطبوعاتی با یکی از خبر نگاران مجله امریکا تی «سیور تلس الیو ستریت» چنین اظهار داشت: «من پیروز خواهم شد حرف یسف را با رچه پا رچه خواهیم کرد و این راه اثبات میرسانم که کدام شطرنج باز حقیقتاً قویترین در جهان میباشد.» حکم بازی پیشنهاد کور جنوبی را مبنی

(۹۳) روز مسابقه شطرنج غرض کسب لقب قهرمان جهانی که در تاریخ مسابقات شطرنج از نقطه نظر مداومت بی نظیر بود دوام داشت. درین مسابقه هیجان انگیز که بعضی اوقات حالت دراماتیک را بخود میگرفت جوان (۲۷) ساله به مقام پیروزی رسید و لقب قهرمانی را یکبار دیگر حاصل کرد. این جوان اناتولی کارپوف نام دارد.

اولین بازی غرض کسب لقب قهرمان جهانی در سال (۱۸۸۶) صورت گرفت. در نتیجه ستینتس لقب قهرمانی را بدست آورد. از آنوقت تا حال تقریباً (۹۴) سال میگذرد. درین مدت (۲۹) بازی غرض کسب لقب قهرمانی مسابقات شطرنج بوفوق پیوست و (۱۲) نفر لقب قهرمانی را حاصل کردند. بعد از ستینتس لاسکر، کاپابلانکی، الیوخین، ایوی، بوتو، تنیک، سمیسلوف، پتروسیان، سبا سکی، فیشر و کارپوف با الترتیب لقب قهرمانی را حاصل کرده اند.

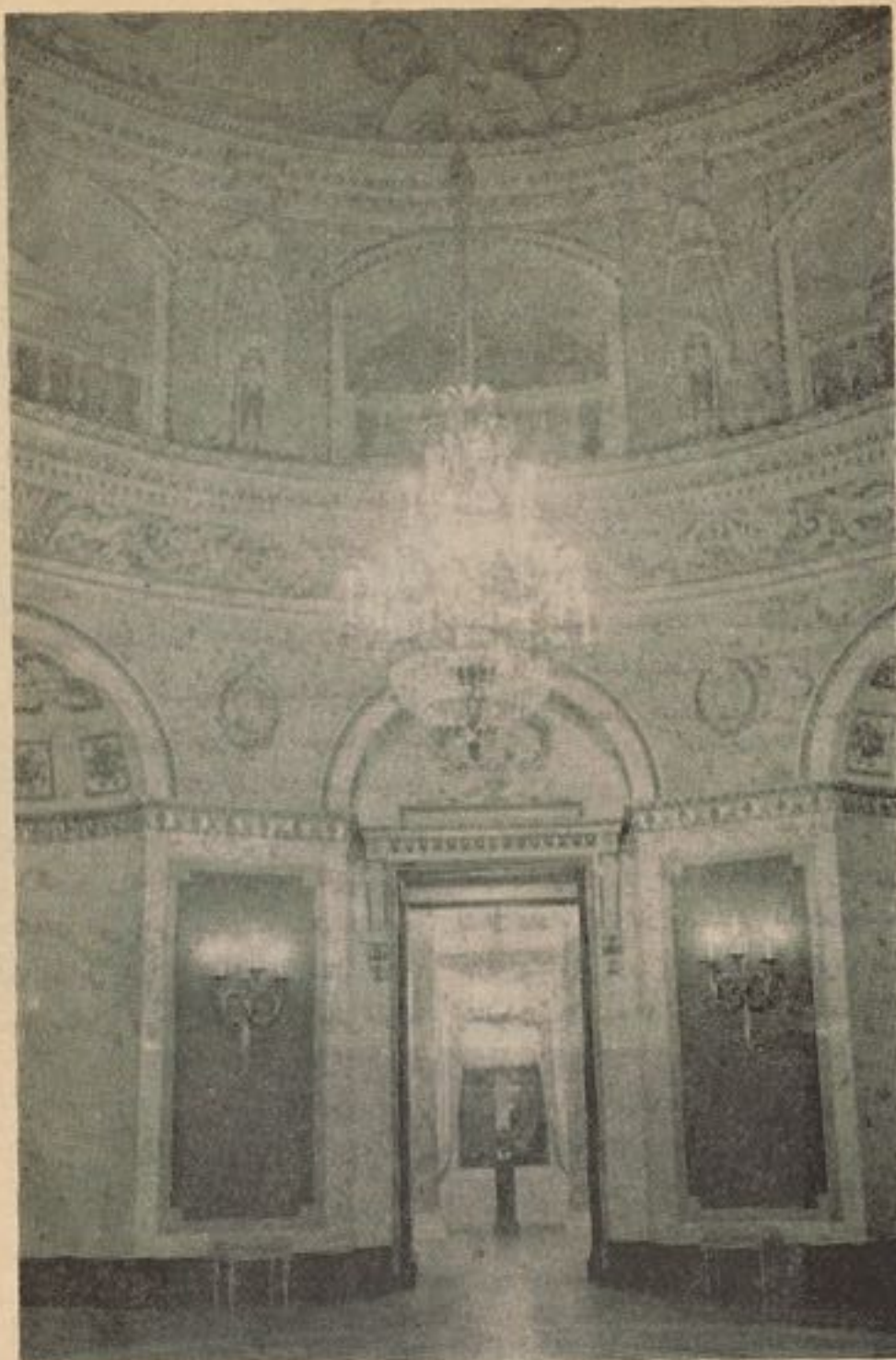
بزرگترین شطرنج باز روسی الکساندر الیوخین تا دقایق مرگ خود لقب قهرمانی را حفظ کرد. شطرنج باز امریکایی دویرت فیشر بدون کدام عامل اشتراک در مسابقه ابا ورزید و لقب قهرمانی خود را از دست داد و درین شش سال در هیچ یک از مسابقات شطرنج اشتراک نداشت و زید است و به عوض او جوان (۲۷) ساله از لیننگراد اتحاد شوروی بر مسند قهرمانی شطرنج تکیه زد.

موفقیت های بی هم کارپوف در مسابقات



کارپوف بعد از پیروزی بالای حرفی خود

کاخ موزیم پاولوفسک...



نمایی از داخل کاخ موزیم پاولوفسک

به این ترتیب فیو دور پروژه اعمار مجدد قصر را آغاز کرد.

ایمن شخص در وقت کار به همه دو موضوعات مختلف کمک میکرد و هیچگاه اشتباه نمیکرد. رسامی های واقعی مطالعه میکرد و غرض اعمار مجدد مواد زیاد جمع آوری گردید. بزودی در جلسه اعمار

مجدد کاخ های لیتنگراد از طریق زینووه سخن گفته شد. هر يك از سالون ها از خود دو بینه مخصوص داشت. همه عکاسی جامع آوری میشد و مطالعه میکردید تا کبوتری ها و نقایص آن بر طرف شود و با اگر ضرورت باشد سر از نو ایجاد گردد.

پلان پارک توسط خط های مخصوص که علامت درخت های قطع شده را نشان میداد بر شد. ضرور بود تا اسناد قبل از جنگ دیده شود و نسل درختان قطع شده هویدا گردد زیرا پارک باید شکل سابقه را بخود میگرفت.

برای اجرای این کار عظیم به نیروی کار زیاد ضرور بود. به این ترتیب در روزهای رخصتی همه به کار های داوطلبانه می پرداختند.

بعد از کار های مقدما تی مجسمه سالان، نقاشان، تخته فرش کنندگان و متلاکاران به موزیم سر از بر شدند و ضایعات را جبران کردند.

زینووه چون دو لسان خارجی را میداد تا او پیشنهاد کردند تا در سازمان یونسکو منحیث مشاور هنر شناس در قسمت

بعد از کار های مقدما تی مجسمه سالان، نقاشان، تخته فرش کنندگان و متلاکاران به موزیم سر از بر شدند و ضایعات را جبران کردند.

زینووه چون دو لسان خارجی را میداد تا او پیشنهاد کردند تا در سازمان یونسکو منحیث مشاور هنر شناس در قسمت

تضادهای درونی...

بازی کند که برنده و غالب باشد و تا هنوز در زمره کشورهای امپریالیستی دارای فرصت های متناسب بغاظر کسب ثروت بوده، علاوه تا در دنیای سرمایه داری، دارای نیروی اقتصادی و نظامی شایسته است. که در واقعیت امر این

ایالات متحده امریکا است، که مرکز عمده ایدئولوژی سرمایه داری میباشد. هر چه خشی عظیمی که در پیشرفت و انکشاف او ضایع بین المللی رخ میدهد، به همان اندازه در بین کشورهای سرمایه داری رقابت فزونی می یابد، و این نوع خصوصیت ها و اختلافات زیاد تر آت وقت بحرانیات در حال تکوین باشد.

ایالات متحده امریکا سعی فر ۱ و ۱ ن بخرچ میدهد تا ارزش دالرش را در مناسبات تجاری و بازار های فروش کالا در مارکیت های رقابتی سرمایه داری اش بلند ببرد، به همین منظور است

و عرصه مخالفت شان هر روز وسیعتر گردیده و میگردد.

علاوالتا درین اواخر کشور های اروپای غربی این درک واقعیتانه را کسب کرده اند، که به جز از پروسه دینانت کسدام اثر نا تیف دیگری وجود ندارد تا تنج را در این قاره کا هشی دهد. یک چهارم این دول نسبت به اتا زوئی این مسئله را بارها خوب فهمیده اند که به کار انداختن مبالغ هنگفت بمنظور مسا بقات تسلیحاتی عمل بوج و نا معقولی است که این خود نقش منفی را در مناسبات بین ما و دول سوسیالستی که با ما دارای مناسبات مرزی و سرحدی اند میگذارد، و قاره ما را به عرصه مسابقات تسلیحاتی پیورده و بوج مبدل ساخته مصونیت و آرامش را برای همه اتباعی این سر زمین از بین خواهد برد.

دینانت در اروپا تا ثیرات مفید و قابل ملاحظه در تمام عرصه های زندگی اجتماعی خصوصاً در مناسبات بین الدول گذاشته و بر کشورهای اروپای است که دینانت را هر چه زیاد تر در قاره خود تعقیق و تحقق دهند، اکثریت رهبران سیاسی پورژوازی معتقد اند که کنفرانس «۱۹۷۵» اروپا بخاطر پیاده شدن دینانت درین قاره یک واقعه اساسی بین المللی بشمار میرود و اگر به اماسات این واقع تاریخی احترام گذاشته شود و به منصه تطبیق قرار گیرد اروپا آینده روشنی خواهد داشت.

امروز همه کسی از سعی و تلاش اتحاد شوروی، دول برادر سوسیالستی و تمام نیرو های صلح دوست این تشکر و احترام را بجای می آورند، که ایشان در پیاده نمودن دینانت مبارزه خستگی نا پذیر نموده و این دینانت است که سرمایه ست بلاک بازی را دچار انحطاط و بحرانات شده اند. نموده و نیرو های متجاوز را مواجه به نا کامی، و در عین زمان مخالفت های بین دول امپریالیستی را کمی نرمود ملایمت بخشیده است. و لی بهر حال

نشریات غرب بصورت واضح و روشن یاد آور میشود که حالا اتا زوئی در ارتباطات اقتصادی و سیاسی خود نسبت به قبل ضعیف تر گردیده یعنی آن عادات

نگرشی بر سوابق تربیت

چکوسلواکی پیروز شد و در مسابقات پراگ مدت ده سال کپتان تیم خود بود و در یکتعداد بمقابل جریس چانوی ورزشکار انگلیسی و در مسابقات المپیک ۱۹۵۶ هم پیروزیهای رانصیب شد.

فوتبالبازان اتحاد شوروی در مسابقات المپیک المپورن نیز با کامیابیهای زیادی مواجه شدند، مخصوصا شطارتهای لیو یاشین گولکیر تیم (دینامو ماسکو) بنفع ماسکو، اتحاد شوروی اروپا و جهان افتخاراتی را حاصل کرد. یاشین سال ۱۹۶۳ ضمن مسابقات فوتبالیکه با تیمهای معروف یکتعداد کشور های دنیا صورت گرفت در مطبوعات سیپورتی لقب (قهرمان سابقه) را صاحب شد. در سال ۱۹۶۴ بمقابل تیم یوگو سلاویا ریکارد جدیدی را قایم کرد. در مسابقات قهرمانی جهان به سال ۱۹۵۸ در سویدن بمقابل تیم استریا و در سال ۱۹۶۳ در روم بمقابل تیم ایتالیای قهرمانی اروپا

گریگوری کریس فوتبالباز معروف که در المپیک توکیو از خود مهارتهای پرمایه را نشان داد، آموزگار و استادش لیافت واستعداد خلاقه سیپورتی او را بارها توصیف کرده است، چنانچه در سال ۱۹۵۸ مقام قهرمانی را بدست آورد



را برنده شد، موصوف تا سال ۱۹۶۵ در پنجاه و هشت مسابقه شرکت کرد و عضویت برجسته را در اداره فدراسیون فوتبال اتحاد شوروی حاصل کرد. همچنان (ایگوریتو) یکی از چهره های درخشان فوتبال در مسابقات المپیک المپورن از شهرت فراوان برخوردار شد و در بازیهای سکی واتلتیک نیز مهارتهای را از خود نشان داد و با اشتراکات همراه تیم سیپارتک بسال ۱۹۴۹ در ناروی، تیم اتحاد شوروی را معروف ساخت و کب بزرگ سیپورتی را دستیاب کرد. در سال ۱۹۵۲ عضویت تیم المپیک شوروی را کبابی کرد و تا سال ۱۹۶۵ هم می ۱۹۶۵

سیپورت بین المللی اسم او را در ردیف ورزشکاران ممتاز جهان معاصر ماقلمداد کرده است، وی در سال ۱۹۶۳ ضمن يك تورنمنت از خود کار رواییهای مپیچ و شور انگیز را تبارز داد و یکسال بعد شامپون ماسکو شد و سپس افتخار شمول را در المپیک توکیو نیز صاحب گردیده و در سال ۱۹۶۵ با حصول مقام قهرمانی ملی در عالم ورزش شهرت پیدا کرد و متعاقبا سال ۱۹۶۶ در بازیهای دور نمود تمام

موقف شایانی گرفت. در سال ۱۹۶۷ میخائیل وروتین و ویکتور لیسیستسکی در مسابقات شامپونی دنیا واقع (نامپری) فنلیند نیز پیروزیهای رابدست آوردند. در سال ۱۹۶۶ تیم فوتبال خردسالان اتحاد شوروی در بلگراد موفقیتش را حاصل کردند و بسیاری از آنان بقا در مسابقات قهرمانی سال ۱۹۷۰ نیز پیروز بدر آمدند. حصول جایزه بزرگ مسابقه بین المللی اتحادیه فدراسیون فوتبال اروپا از دستاوردهای بین المللی پیروزیهای رابدست آورده اند.

بقیه صفحه ۴۱

ورزشکاران ما باید

از طرف ریاست عالی ورزش در ولایت ما آمریت ورزشی تاسیس و تمام کسل های آزاد مر بو ط به آن گردید که فعلا تحت رهنماییهای خوب آن آمریت به تمرینات خود ادامه میدهم البته در پهلوی رهنمای های تکنیکی و تاکتیکی ای که از آن آمریت بر خور دار هستیم مشکلات دیگر ما هم از نا حیه ندا شتن جای مناسب تمرین و وسایل ورزشی حل گردیده که این خود سبب تشویق و بلند بردن سطح ورزشی در جامعه ما می باشد.

محمد اسمعیل کارگر به ما سخاوتی سخنان خود را چنین ادامه داده گفت:

يك ورزشکار وقتی موفق بوده می تواند که تمرینات مداوم را فرا میوش نکرده در پهلوی تمرین به خصوص زیبایی اندام که از جمله سیورت های ثقیله می باشد خوراک درست هم داشته باشد. که به نظر من هر ورزشکار باید از طرف صبح اگر توانا بی داشته باشد يك گیلان شیر و یکدانه تخم بخورد چرا که اگر انرژی کامل نداشت توانا بی بلند کردن دمبل را که نسبتا کم وزن می باشد نخواهد داشت و یا اینکه حرکات ورزشی را به صورت درست و فنی آن انجام داده نخواهد توانست.

نا مبرده افزود: به نظر من هر بازی سیپورتی و هر حرکت سیپورتی در نگهداری صحت به اندازه يك خرپه دوام می باشد چنانچه از روزیکه خود ورزش می کنیم از چارو چنگال با دو کتوران رها بی یافتن مخصص دکتور را نی که نسبت به مریض و تشخیص مریض با پول

زیاد تر علاقه داشتند به هر حال در پهلوی صحت کامل، ورزش تمام افراد جامعه را نیرو مند تر می سازد و همچنان بین افراد جامعه صمیمیت زیاد تر می آورد که نمیتوان او صاف ورزش را در چند کلمه بیا چند سطر خلاصه کرد و همین انگیزه باعث شد تا يك ورزشکار شو م از روزیکه ورزش می کنیم فکر می آید و علاقه ام به کار دو چند ان گردیده امیدوارم تمام ورزشکاران جوان ما در کمتر ش هرجه بهتر بازی های سیپورتی تاحد امکان بگویند.

خوب علیکه باعث پرد در مسابقه زیبا بی اندام میگردد چه می باشد؟ در قدم اول ورزش کار زیبا بی اندام باید دارای اندام مناسب به زیبا بی اندام باشد، عضلات سیپورتی داشته تمرین زیاد کند و مہتر از همه یگانہ چیزیکه در برد مسابقه زیبا بی اندام رول عمد و بسرا دارد (فیگور) می باشد اگر يك ورزشکار زیبا بی اندام حرکت فیگور را درست انجام داده نتواند بنظر من موفق نخواهد بود. خوب اسمعیل چنان اگر به ورزشکاران جوان جامعه ما پیمان داشته باشیم بگویند!

بیان من به عموم هوطنان و ورزشکاران جوان ما اینست که اولتزاز همه از انقلاب نظر آفرین نور تا پای جان دفاع کنند. و در نگهداری ناموس وطن از هیچ گو نه فداکاری دریغ نه ورزند، نایا ورزشکاران ما دا پیمانته به اخلاق سیپورتی باشند و هم چنان در بلند بردن هر چه بستر سطح ورزش در جامعه ما کوشش خستگی نا پذیر



یوگاتشوفا هنرپیشه، صاحب نام تیاتر، تلو یز یون، فلم و آواز خوان موفق.

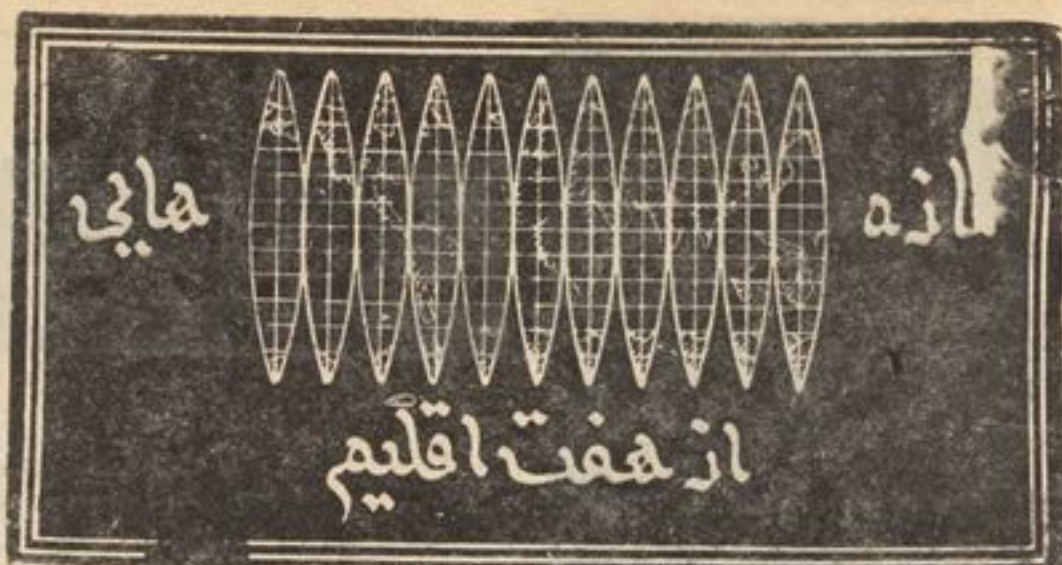
تا زگی ها در فستیوال فلم در بلغا ریا سهم گرفت و دستدارانش بسجده مبهوت ساخت. موفقیتش بحدی بود که جا یز ملا یی را که بنا م (افسانه طلایی) موسوم بود به وی دادند. متعاقباً وی در (زوپوت) یکی از شهرهای پولیند دریک مسابقه آواز خوانی بین المللی سهم گرفت آنجا نیز پیروزی از آن الایوگا تشوفا بود یکی از عواملی که تا اینحد در شهرت (الایوگا تشوفا) یاری نموده همانا دسترسی او در فهمیدگی و وارد بودن در شعر است. او اشعاری به پختگی اشعار شکسپیر را تحلیل مینماید و می خواند. خاصتا زمانی «الایوگا تشوفا» بر سکوی شهرت تکیه زد که شعر (من بخود حسرت می خورم، تو هم میخوایی بسا ن من برایم حسود باشی) شکسپیر را بگو نه خواند که شنوند رادیو انگشت حیرت میان لب گذاشت واز دل و جان خردا را استعداد و هنر او گردید.

الایوگا تشوفا را عقیده برینست که هنر باید در خدمت توده ها و خلق باشد باید برای خوشنودی همه مردم در هر گجایی که اند چه بالای مز رعه چه در کارگاه، باید کوشید.

میخواند بگو نه که شنونده را تحرك و تپج می بخشید. او خودش ندا شت میان آهنگ ها یش و فقه ایجاد گردد و خودش به تفریح بپر دازد زیرا او يك هدف داشت که باید برآورده میشد و آن عبارت بود از خورسندی جیولو جست ها و رفع خستگی آنها که برای آسوده خالی مردم عریزی میگردند. این آواز خوان و هنرپیشه صاحب نام باری سوار بر کشتی کو چک، تا نزدیک لبه های بحر و سواحل کشتی اش را می راند تا به کار گران حفر معادن منطقه (تیو من) که سخت مصروف کار بودند، بسراغشان بشتابد و چنان آواز بخواند که او شانرا مسحور نموده و تا تا یی کار بیشتر بدد و با آهنگهای خویش باعث رفع کسالت شان گردد.

این اتفاق یکسال قبل بود آنوقت (الایوگا تشوفا) هجده سال داشت. موصوف هنرپیشه ایست سخت گریو مشکل پسند کمتر به اشعار و کمپوزهای دیگران قناعت میکند و این بدان ملحوظ که خود يك کمپوزیتور موفق است و در انتخاب استعاره ها طولا دارد و خودش از موزیک چیزهایی می فهمد. از تگام او میان لغات و میلودی ها و اشعار يك ارتباط عمیق وجود دارد و همین ارتباط است که در روح و قلب شتو ند. یا بیننده اگر میگردد «الایوگا تشوفا» معتقد است که جشک زدن هنر به قلب و دستدار هنر کار سادهای نیست بلکه خارق العادگی می خواهد با یستی موثر ترین و کوتاه ترین راه را برای تسخیر قلبها و خوشنودی علاقه مندان هنر و تسکین روح در مواقع ناراحتی با لایحه اتغاز کرد. الایوگا تشوفا

گاهگاهی پا رجه های تر از ید نیز میخواند و از عهده ایفای نما یشات تراژیک نیز پیروز مندانه بدر شده میتواند چون او دیگر تنها يك آواز خوان نیست بلکه هنرپیشه تیاتر و هنرپیشه فلم نیز است. او هنرپیشه ایست صاحب کرکترهای متعدد. گاهی قیافه در د آلود بخود میدهد و مریض بچشم میرسد، د فستای بیحد خورسند جلب نظر میکند، با ری شوخی و مزاح را راه انداخته و چه بسی لحظاتی که شدید به گریستن متوسل میگردد و بغا طراپنهمه پختگی در کار آواز خوانی و تمثیل است که وی به یسن



یوگاتشوفا هنرپیشه نوعدوست بر سکوی شهرت

دارای سقف سفید نیز بود آواز می خواند در طول راه قبل از آنکه به مهمانخانه «لیگوز» یا چیزهای جالب و دیدنی بر خوردیم. با قیافه های حسنه و زنانه کارگران معادن نفت و گاز، با قیافه های آنانیکه تازه از طیاره فرود آمده بسو د تسد در کانتینر جیو لوجست ها گرد آمده بودند تا از لود سپیکر هاضدای موزیک دل انگیز واکه آنسو تر کنسرت داده میشد بشنوند. در تالار کنسرت جاییکه کارگران و سایر جیو لو جست ها برای رفع خستگی آمده بودند يك و یلنی بچشم میخورد و در واقع این «الایوگا تشوفا» هنرپیشه مردم بود که با آواز فریبنده اش و با قیافه خوش ترکیبش نگاه ها را بخود میکشید و تا احمای قلب تماشاگران می بخشید. او پیهم آواز میخواند، خیلی ها خوب

در هو تل متعلق به جیو لو جست ها که در شهر کو چکی بنا م (زالیکارد) در نزدیک دائره قطبی قرار دارد. صدای دل انگیز گیتار آدم رابو جدمی آورد. از میان پنجره شلق قطبی بدرون اتاق نور افشانی مینماید. درین محیط شاعرانه که کارگروان معدن وزمین شتا سان اقامت گزیده اند صدای ملیح و پر جاذبه دختر جوانی توجه آدمی را بخود می کشد. ملاحت و گرمی صدا بحدی است که تا اعماق قلب شتو ند و مستمع نفوذ میکند مگر این زیاد ارزند و قابل تقدیر نیست که دريك سر زمین متروک محلیکه نه درخت، نه به و نه آثار چرخ های ارابه ها هیچکدام آنجا دیده نمیشود چه آنجا رفته نمیتواند و فقط در فواصل دور جلگه هایی جلب توجه میکرد. زیبارویی در وسط سالون که



یوگاتشوفا در حال آواز خوانی دیده میشود



فاروق حریق

دخلمکو انقلاب

دا انقلاب دنوی ژوند انقلاب
 دا انقلاب دنوی خوند انقلاب
 د هیلو دک انقلاب
 دنوی خونده سره
 دنوی ژوند انقلاب
 له ارمغانه سره
 زمونږ هیواد ته راغی
 له غم اوساله سره
 ښایي همدا انقلاب
 له هر افغانه سره
 دا انقلاب دنوی ژوند انقلاب
 دا انقلاب دنوی خوند انقلاب
 دآبادی انقلاب
 دپرگنو انقلاب
 ددښادی انقلاب
 دهر بزرگ انقلاب
 دهر کارگر انقلاب
 دهیواد گوت گوت ته مو
 د خوشحالی انقلاب

دا انقلاب دنوی ژوند انقلاب
 دا انقلاب دنوی خوند انقلاب

احترام

لشکر زحمتکش انسان سلام
 بر همه انسان جهان احترام
 صلح بخلقان جهان آرزو
 کار بانسان زمان آبرو

مشت شود کار گیتی ما
 پست شود دشمن هستی ما
 لاله سرخ آرزویم چنین

شاهد پاکم آبرویم همین
 شادتر از این منم کی منم
 سبز تر از این چمنم کی چمن
 شعر از محمد نذیر «زهر»

وجدان

- همیشه قضایا را قبل از اخذ تصمیم به محکمه وجدان تسلیم نمائید . وجدان رهنمای
 بی نظیر وقاضی بی طرف است .
 - رضایت وجدان بالاترین مسرت هاست .
 - وجدان یگانه محکمه ایست که احتیاج به قاضی ندارد .
 - کمیکه در هر امری وجدان خود را تابعیت می کند هیچگاه خسته نشده و از
 زندگی ملول و از روزگار متالم نیست .
 فرستنده : ملک مشرف

نامه عاشقانه

عزیزم سلام بر آن چشمانت مانند چراغهای مردس بنز سه صد که فاصله دو صد متری
 را روشنی میدهد . هلیکوپتر خیالم در فضای توهر لحظه چون مگس بی پروا باطراف
 پیاله جای در طبران است و میتر وجودم از فراق هر آن فیوس میبازد نمی دانم که در
 سوچورد قلبم چه دست بازی کرده ای گروپ چشمانم کم نور و چراغ خطر رخسارم
 هر لحظه سرخ میشود . دیشب از غمت رنج فراق را گرفته بدفورد خنده را از دهانم
 کشیدم و به غمی آن بطری اشک و آه را چارچ نمودم تا تو بدانی که از هجرت چطور
 چاقو دسته میکنم و آن وقتی که تنگی نگاهت را به من نشانه گرفتی و با کارتوس
 خنده بمن فیر نمودی دیگر یاری سخنرانی بر من حرام شده بود، جز اینکه بسم آه را
 بر بالینت منفجر سازم . بعد ازین قصد کردم که بلك گوشه ای را چارچ نمایم تا دیگر
 هرگز آواز ترا نشنوم .

و دیدتور وجودم از سرخی عشق تو لعاب دیزل میخورد، کاربتر سینه ام از چرت صدای
 آرکستر جاز را گرفته است . به استیشن سرم چنان صد مه وارد کرده ای که اکنون
 لودسپیکر دهانم از خبر های مهم وجودم جز نالشی چیزی دیگر را پرود کاست نمیکند .
 افسوس که اشتراک صبر از دستم رفته است و برگ تحویل فیل گردیده و دایتمو هم
 کار نمیکند و پای غضب هر آن بی تاقی راسلف میزد و مگر نه کلج رسوایی را زیر پا
 گرفته گیر عشق را تبدیل میکردم .
 خیر بهر صورت از خداوند خواستارم که ویرنگ وجودت شارت گردیده و گیر بکس
 اشتهایت را بسوزاند و از غم و پشیمانی هر شب هارن بزی .

میمن

من بلبل بهار گلستان میمن
 آری همیشه مرغ غزلخوان میمن
 من زاده شجاعت مردان میمن
 دلدادۀ شپامت شیران میمن
 پرورده محبت احسان میمن
 من جانفدای کوه و بیابان میمن
 من قطره سحاب خروشان میمن
 رخننده باد اختر تابان میمن
 سروده محمد نیاز و شربت باقری

من عاشق دیار فروزان میمن
 قلبم بوصف خاک مقدس همی تقد
 تا جان مراست حب وطن دردلم بود
 به قله های شامخ این مرز بوم قسم
 آزاده ام به یمن سعادت درین دیار
 ای مدعی چشم حقارت مبین گهی
 در بادبان رحمت این مرز «باقری»
 در آرزوی عظمتش از جان و دل (نیاز)

کارگر

تو ای کارگر !
 تویی سازنده تاریخ
 تویی روشنگر شبهای تاریک
 تویی شگوفه آفتاب زندگی
 ...

تو ای کارگر !
 فخر دارم به تو

فخر دارم به توای ضامن فردای روشن
 فخر دارم به نامت ای معمار آزادی و خوشبختی
 فخر دارم که زنجیر ها شکستی
 ...

تو ای کارگر !
 بتو میباید امروز خلق های رنجبر
 بتومی باید امروز روح مزدوران و مظلومان
 بتومی باید امروز قلب محنت بار زحمتکش
 کز چنگال ددمنشان رها ندید انسان را
 غریب نواز

سیل خروشان

طوفان موج خلق
 خشم بی امان او
 لانه دشمنان ریخت
 بازوی دهقان
 نعره کاریگران
 ظلمت شب را شکست
 سیل خروشان خلق
 نعره شادمانه اش
 صخره خارا شکست
 بازوی توانای خلق
 موج بی امان او
 گردن اعدا شکست

حشمت ربی



بدون شرح



بدون شرح

زن محتاط

در يك روز قشنگ و آفتابی آقا خانم در خیابان قدم میزدند. خانم نوزادشنگ و مقبول را نیز در بغل گرفته بود. وقتی پیش يك لبنیات فروشی رسیدند خانم به شوهرش گفت:

- برو دوازده دانه تخم مرغ بخر.

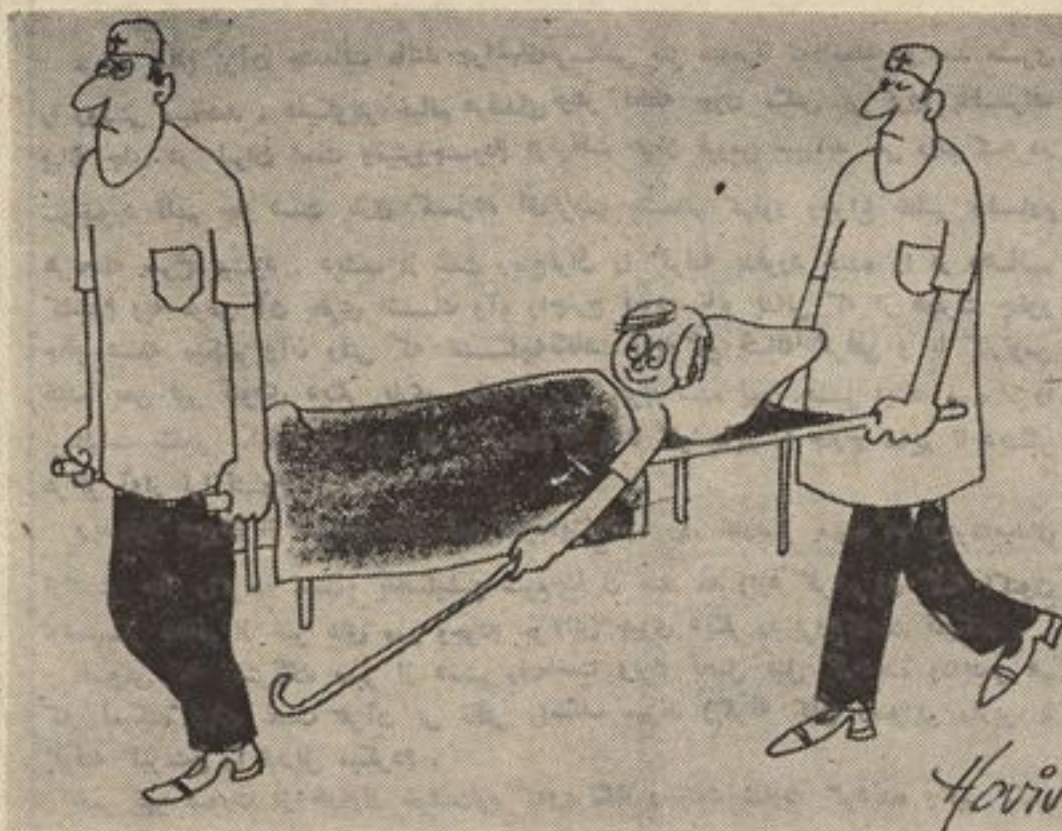
مرد برای اجرای دستور رفت و چند دقیقه بعد با پاکت تخم مرغ برگشت.

زن گفت:

- بسیار خوب. حالا تخم مرغ هارا به من بده و تو بچه را بغل بگیر.

- چرا؟

- چون من ترا خوب می شناسم هر وقت که مردی از کنار من عبور کند و با من تصادم کند، هر چیزی که به دست باشد به ز میزنم!



بدون شرح

تکت دیشب است

چرا: عیب و نقصی دارد؟

- عیب و نقصی ندارد. فقط تکت دیشب است.

مرد بطری زنی برگشت و گفت:

- هزار دفعه گفتم قدری عجله کنی تا به موقع برسیم و تو گوش نکردی.

ژوندون

نازه نمایش شروع شده بود که آقا و خانم نفس زنان از راه رسیدند ولی مأمور کنترل سالون تگهای به تکت های آنها انداخت و گفت:

- متأسفانه با این تکت هائی نتوانید به سالون بروید.



مستی و راستی

در يك می فروشی شهر لندن بعد از آنکه كله ها تا اندازه ای گرم شد یکی از مشتریان مردی را کنار کشید و آهسته به او گفت:

- میخواستم موضوع خصوصی و محرمانه ای را خیلی دوستانه به تو بگویم. يك ساعت پیش که میخواستم به اینجا بیایم اتفاقاً از پیش منزل تو گزاشتم پنجره اتاق خوابت روشن بود و پرده های آنرا هم نکشیده بودند.

- خوب، خوب....

- بلی، آنوقت دیدم که زنی و مردی مشغول معاشقه اند.

مرد فکری کرد و گفت:

- مرحله شکلی بود؟

قدش کوتاه نبود؟

- چرا؟

عینک نداشت؟

- چرا؟

مرد سری تکان داد و گفت:

- فهمیدم، زوژ بوده است.

او با هر زنی که پیش بیاید عشقبازی میکند.



از بالا به پایین بدون شرح

به من احتیاجی نداری

در وسط سرك ایستگاه راه آهن خانم منی بعد از آنکه مدتی سرایمه به اطراف نگاه می کرد چشمش به یکی از باربران ایستگاه افتاد. او را صدا زد و گفت:

- آه: آقا، بی زحمت بیاید اینجا. من یکس و بستره را راگم کرده ام.

باربر شانه هارا بالا انداخت و جواب داد: - خوب. بنابراین به من احتیاجی نداری.

از نیوتایمز

ترجمه: خان محمد گوارا *

آی، ال، او: در فضای همکاری

تغییرات مثبتی که طی چند سال گذشته در اروپا رخ داده تاثير مساعدی بالای فعالیت سازمان های بین المللی این قاره داشته است، بجای اختلافات سیاسی وایدیولوژیک آنها (سا زمانها) حالا به کثرت راه های توسعه تقاضم متقابل واتخاذ تصمیم مشترک را جستجو می کنند.

ثبوت تازه این مدعا کنفرانس ناحیوی سازمان بین المللی کار (آی، ال، او) میباشد که اخیرا در جنوا برگزار گردید. درین کنفرانس هیات های نمایندگی بیش از سی کشور اروپایی ونمایندگان شعبات اختصاصی ملل متحد و دیگر سازمان های دولتی و غیر دولتی حضور بهم رسانیده بودند.

بسیاری از هیات های نمایندگی خاطرنشان ساختند که حمایت موثر از منافع کارگران، که یکی از اهداف منشور آی، ال، او می باشد، بدون مبارزه موثر بغضاطر صلح، منع مسابقات تسلیحاتی، و گذار به خلق سلاح واقعی، غیر قابل تصور می باشد. تاکید گردید که برای اجرای این اهداف، ابتکارات سیاست خار جی اتحاد شوروی که هنگام سخنرانی لیونید برژنف در برلین پیش کشیده شده است دارای اهمیت بسیار می باشد.

کرکتر سازنده این کنفرانس از روی این حقیقت آشکار است که کنفرانس مذکور باآرای موافق نه فیصله نامه را بر خلاف سه فیصله نامه کنفرانس گذشته به تصویب رسانیده.

چیزیکه مهم است، تعداد فیصله نامه ها نیست بلکه ماهیت این فیصله نامه هائست که ساحت وسیع از جر یانات کار را، در حدود صلاحیت سازمان بین المللی کار، دربر می گیرد. در میان این ساحت وسیع، بهبود

شرایط کار وماحول تولید، همکاری در ساحت تامین اجتماعی، انکشاف تبادل تجارب ناحیوی در سازمان وتنظیم فابریکه، نتایج استفاده تخنیک جدید، حقوق اتحادیه های کارگری روابط کار، مسایل مربوط به مهاجرت کارگران ومقررات وظایف برای نو جوانان، قرار دارد. البته، هر یک از اسناد، به صورت جداگانه مهم و باارزش می باشد.

گرچه، عمو ما احساس می شد که احتمالا مهمترین فیصله نامه، سندی که همه اسناد دیگر را در بر می گرفت، عبارت می باشد از سندی که توسط کشور های سوسیالیستی تضمین گردیده بود و به سهمگیری سازمان بین المللی کار در همکاری اروپا تعلق می گرفت. این سند به دارالانشاء سازمان بین المللی کار

هدایت می دهد که به زود ترین فرصت ممکن نتایج تحقیقاتی مربوط به جوانب اجتماعی و

اقتصادی خلق سلاح، و طرح یلان پیشنهاد یرا درباره سهمگیری ممکن سازمان بین

المللی کار جهت مطالعه نتایج اجتماعی واقتصادی خلق سلاح وارتباط بین خلق سلاح و انکشاف برای مطالعه متخصصین دولتی ملل متحد، تقدیم نماید.

این حقیقت که نمایندگی های اختصاصی ملل متحد، خصوصا سازمان بین المللی کار، برای حل مساله خلق سلاح اشتراك مسا عی خواهند نمود، دارای اهمیت کمی نمی باشد، اسامبله عمومی ملل متحد این سازمان هارا موظف به سهمگیری در این امر مشترک نموده است.

مسابقه تسلیحاتی که از طرف حلقه های معین در غرب براه انداخته شده منابع مادی قوای بشری عظیمی را می بلعد، می توان آن را برای اهداف تولیدی مورد استعمال قرار داد، که بار سنگینی را بر دوش مردمان کارگر کشور های سرمایه داری می گذارد. نظامی گری روز افزون اقتصادی رشد سریع بیکاری را تعجیل می بخشد.

گروپ متشکله میسگان درباره تحقیق منافع عامه، بطور مثال، پیشبینی می نماید، که یک میلیون و سه صدو شصت هزار وظیفه (محل کار) امسال در ایالات متحده در نتیجه مصارف فوق العاده نظامی از میان خواهد رفت. عین پروسه در مورد اروپای غربی، جاییکه به استناد سازمان بین المللی کار بیکاری به سطح عظیمی مجموعه هشت عشریه شش میلیون رسیده است، و در یک عده کشور هابه صعود خود ادامه می دهد، در نظر گرفته شده می تواند.

تصمیمی که از جانب کنفرانس به ابتکار کشور های سوسیالیستی اتخاذ گردید به ضرورت توسعه همکاری اروپایی در مورد تهیه وظیفه وریشه کن ساختن بیکاری اشاره می کند به علاوه، قبول اتخاذ اقدامات قانونیکه حد ف

آن دادن اطمینان از حق انتخاب آزادانه کاربردون تبعیض می باشد) به وظیفه درجه اول ارتقاء داده شده است.

این امر می رساند که کنفرانس در مورد تجارت اقتصاد و همکاری های علمی و تخنیکی و تاثیر آن بالای سطح استخدام دلچسپی فراوانی نشان داده است. بخصوص، خاطر نشان گردیده است که سفارشات شوروی برای بیش از یک میلیون نفر در اروپای غربی وظیفه تهیه می نماید. کشور های سوسیالیستی بطور تغییرناپذیری به توسعه همکاری باشرکای غربی خود در عرصه های مختلف آمادگی نشان داده اند. لیونید گوستین رئیس هیات شوروی در کنفرانس تاکید به عمل آورد که (بایان مسابقه تسلیحاتی، انکشاف همکاری اقتصادی باالمر متقابل، پیوندهای تجارتی و علمی و تخنیکی بین شرق و غرب، بین شورای تعاون اقتصادی متقابل و جامعه اقتصادی اروپا، بین ممالک انکشاف یافته و اروپا به انکشاف) می تواند و باید بتواند به ازدیاد در چه رشد اقتصادی، حل مسایل اجتماعی و کار در تمام کشور هاموفقانه کمک نمایند.

نظر هیات شوروی فعالانه از جانب دیگر اشتراك کنندگان کنفرانس حمایت گردید و در عین زمان، نیروهای محافظه کار، آنانیکه هنوز تاثیر قابل ملاحظه بالای سازمان بین المللی کار دارند از سازمان می خواهند که محض با جوانب تخنیکی جریانات اجتماعی و کار سروکار داشته و از مسایل حاد امروزی بدور باشد. آنها آرزو دارند به بهانه غیر منطقی (دوری از سیاست) سازمان بین المللی کار را به موقف (صلح طبقاتی) و (همکاری طبقاتی) سوق دهند.

مگرچه، تجربه نشان می دهد که بهبود شرایط زندگی و کار در اروپا نمی تواند از طریق انزوا بلکه از طریق همکاری دو جانبه و چندین جانبه دول و تمام قوای عامه باعث اطمینان بخشیدن از صلح دوامدار و تکمیل دیتانت سیاسی بادیتانت در عرصه نظامی حل شده میتواند.

افسان‌های قدیم ♦♦♦

دستاره ها را تحت مطالعه قرار داده يك كتاب بزرگي را كه نمايندگي از مفكوره و نظريات او ميكرد تاليف كرد . كوپرنيك درين كتابش اظهار عقیده کرده بود كه آفتاب اداره کننده فاعيل سيارات بوده و تماما به دورا دور او گردش مينمايند به همین قسم گردش زمین بدور محورش و تغييرات شب وروز را توضيح كرد .

عالم ديگري كه بعضي زاويه های تاريخ اين پديده را روشن ساخت و اجسام سماوي را بهتر و روشن تر مشاهده و مطالعه كرد عبارات ز كاليله مرياشد . موصوف بحث يك فزيك

دان ایتالوی اولین کسی بود که توسط تلسکوپ
کائنات را نظاره کرد وبا خوشی زایدالوصفی
کوه های سطح مهبان ونیس وچهار ستاره
نزدیک به جویتر را کشف نمود او ستاره های
بی شمار دیگر را که قبلا هیچ دیده وشناخته نشده
بود دید او استنباط نمود که آفتاب هم بدور
محور خود گردش میکند .

دانشمند دیگری که توانست در مورد سیر و گردش اجسام فضایی نظر به ترقعات بخش تر بدهد بنام کپلر مسمی بود وی در سال ۱۵۷۱ در جرمنی متولد گردیده است . کپلر شخصاً آنقدر به سیارات نظاره نمیکرد ولی با ستاره

شناس بزرگ دمارك بنام تيوجو كار ميكردو
 معلومات و مشاهدات تيوجو رادر زمينه سيارات
 تحت مطالعه و تدقيق قرار ميداد . كپلر براي
 ابدآن نظر كوپرنيك را كه ميگفت سيارات
 حركت انتقالی خود را دريك مدار دايروي انجام
 ميدهند از بين برد در عوض او كشف كردكه
 سيارات برعكس نظر كوپرنيك اين حركت
 خود را دريك مدار بيضوي انجام ميدهند .

شخص معروف دیگر در زمینه اینکه چرا
سیارات بشکلی که هستند بدور آفتاب گردش
میکنند قانون قوه جاذبیت را که اقصار و
سیارات را در یک مدار معین نگاه میدارد، بوجود
آورد بنام نیوتن یاد می شود . همزمان با او
کپلر راز سیرو گردش سیارات را که در چه
نوع مدار حرکت خود را انجام میدهند، افشاء
انشتین که در آلمان تولد گردیده بود به
عمر ۲۶ سالگی کتاب مخصوص تیوری نسبی
خود را در ۱۹۰۵ بطبع رسانید او در ۱۹۱۶ کتاب
دوم یا کتاب تیوری عمومی جاذبیت را بجا
رسانید در ۱۹۲۱ نسبت کشیقات او بشمول
روشنی و برق فزیک دان موصوف جایزه نوبل
را بدست آورد .

همه افراد خود چه زن و چه مرد خدمت می‌خواهند
من به حیث يك خواهر از همه دختران و زنان
افغان توقع دارم كه با روحیه انقلابی و خستگی
ناپذیر در راه عمران و شگوفائی هرچه بیشتر
افغانستان عزیز خدمت نمایند تا وطن عزیز ما از
دسایس شوم دشمنان خلق این دیار پال
گردد*

خوانندگان عزیز! گرچه شنیدن صحبت و حکایت
خاطرات زندان پلخرخی صالحه جان و سمین جان
خیلی دلچسپ و شنیدنیست مگر نگارش همه آنها
از حوصله مجله ما بیشتر میباشد که ما به همین
اندازه از خاطرات شان اکتفا می نماییم.

وستاره ها را تحت مطالعه قرار داده يك كتاب بزرگی را كه نمایندگی از مفكوره و نظريات او ميكرد تاليف كرد . كوپرنيك درين كتابش اظهار عقیده کرده بود كه آفتاب اداره کننده فاعيل سيارات بوده و تماما به دورا دور او گردش مينمايند به همين قسم گردش زمين بدور محورش و تغييرات شب وروز را توضيح كرد .

عالم دیگری كه بعضی زاويه های تاريخ اين پديده را روشن ساخت واجسام سماوی را بهتر و روشن تر مشاهده و مطالعه كردعبارت از گاليله می باشد . موصوف بحیث يك فزيك دان ايتالوی اولين کسی بودكه توسط تلسكوپ كائنات را نظاره كرد وبا خوشی زايدالوصفی كوه های سطح مهتاب ونيس وچهار ستاره نزديك به چوپيتر را كشف نمود او ستاره های بی شمار ديگر را كه قبل اهيچ ديده و شتاخته نشده بود دید او استنباط نمود كه آفتاب هم بدور محور خود گردش ميكند .

دانشمند دیگری که توانست در مورد سیر و گردش اجسام فضایی نظر به تروئانت بخش تر بدهد بنام کیلر مسمی بودوی در سال ۱۵۷۱ در چرمی متولد گردیده است . کیلر شخصاً آنقدر به سیارات نظاره نمیگرد ولی با ستاره شناس بزرگ دنمارک بنام تیوچو کار میکرد و معلومات و مشاهدات تیوچو را در زمینه سیارات تحت مطالعه و تدقیق قرار میداد . کیلر برای بدان نظر کوپرنیک را که میگفت سیارات حرکت انتقالی خود را در یک مدار دایروی انجام میدهند از بین برد در عوض او کشف کرد که سیارات برعکس نظر کوپرنیک این حرکت خود را در یک مدار بیضوی انجام میدهند .

شخص معروف دیگر در زمینه اینکه چرا
سیارات بشکلی که هستند بدور آفتاب گردش
میکنند قانون قوه جاذبیت را که اتمار و
سیارات رادریک مدار معین نگامیدارد، بوجود
آورد بنام نیوتن یاد می شود . همزمان با او
کپلر راز سیرو گردش سیارات را که در چه
نوع مدار حرکت خود را انجام میدهند، افشاء

بقیہ صفحہ ۲۹

خاطرات زندانی

قربانی در راه نیک بشریت هراس نداشته باشد
یک زن مبارز هنگام مقابل شدن با هر کسی بر-
خورد صمیمانه و دوستانه می‌داشته باشد ، بنظر مر-
صحات یک زن مبارز اجتماعی بودن، برده‌بار بودن
و خوش خلقی او می‌باشد و همراه با برادران مبارز
خود دست همبستگی و اتحاد داده و در راه
ساختن یک افغانستان شگوفان و نجات آن از فقر و
فاکگی صادقانه خدمت نماید.

جمع آوری تکت های پستی



و بدسترس هم دیگر بگذارند .

(۴) کلکسیو نر های تکت های پستی
با جمع آوری تکت های مناسب
احرف توجه خود میتوا اند بطور
غیر مستقیم عمل پس انداز را انجام
دهند و بدین ترتیب برای مصنوئیت
آینده بخویش يك اندوخته مادی
داشته باشند زیرا کسا نیکه
تکت های پستی را جمع آوری مینما-
یند تکتها را نظر بقیمت روی آن
تهیه اما در صور تیکه بعد از سیری
شدن چند سال دوباره به فروش
برسانند بایک قیمت خو بتر و
بلند تر امکان دارد آنرا بفروش
برسانند .

(۵) ازینکه در تمام ممالك جهان سالانه به هزار ها منا سبت تكتهای بستى طبع و تشر مىگردد و جمع کنندگان میتوانند تمام آنها را جمع آوری کنند آنها نظر به ذوق و علاقه خویش تكتهای همان منا سبت های بین المللی ، ملی و هنری را تهیه میکنند که طرف تأیید و علاقه شان باشد و این تكتها را در يك یا چند جلد البم بستى با استفاده از انور (پنس) مخصوص-

ص تکتھای پستی جابجا نمودہ
کلکسیون خویش را تکمیل مینماید.
(۶) برای رهنمای بہتر علاقمندان
متعلمان و جوانان عزیز شعبہ
رهنمایی موزیم پستی فیلا تیلی
وزارت مخابرات حاضر است بہ
سوالات و پر سشہای آنها جواب
قناعت بخش ارایہ نماید علا و تا
جہت آشنایی و تامین علاقہ جمع
کنندہ گان تکتھای پستی افغانی
یک موزیم در منزل اول مقابل دروازہ
ورودی وزارت مخابرات تا سیس
وبہ فعالیت خویش ادامہ میدہد .

انسانها در زندگی اجتماعی
نظر به تماسهای ما حول خویش
بجمع آوری اشیای طرف توجه مثلا
جمع آوری آثار هنری ، تابلو ها
، نقاشی ها ، کتب ، مجلات روزنامه
ها نسخ خطی و یا بعضی اشیای
زینتی کم قیمت و گلهای طبیعی
پروانه ها و غیره که شا مل هزار
ها قلم خوا هد گردید میسر دارند .
اما نظر به گذشت زمان برای همه
ثابت گردیده که بهترین چیز و سرآمد
سایر علایق جمع آوری تکت های
پستی میباشند که دارای فواید و
مزایای زیاد میباشد
که از جمله نکات چندی آنرا ذیلا
جهت مزید معلومات علاقمندان
توضیح میدهم .

(۱) جمع آوری تکت های پستی باعث ازدیاد معلو مات علمی، هنری، نقاشی، کلتوری تاریخی طبیعی، جمع کنندگان تکت های پستی میگردد زیرا تصا ویر تکت های پستی که آثار هنری نقاشان رسا مان، عکا- سان متبحر جامعه بوده معرف کلتور هنر، تاریخ وثقافت اصیل یک مملکت میا شد.

(۲) باعث انکشاف ذهن جوانان و اطفال میشود زیرا تکت های پستی که اثر نقاشان ورزیده و عکاسان ماهر میباشد ذوق هنری جوانان را که آثار لطیف و زیبا طرف تائیدشان است بر می انگیزد همچنان آمیزش رنگها ، تفاسیت خطوط احساسات اطفال و جوانان را بیدار میسازد .

(۳) باعث معرفی و آشنائی
بیشتر علاقمندان تکتبهای پستی
میشود به این معنی که انجمن های
فلاتیلی و کلکسیو نرهای تکتبهای
پستی حین تبادله تکتبهای مورد
نظر بایکدیگر تماس نزدیکی گرفته
باهم آشنائی بیشتر پیدا میکنند
که این انجمن ها در هر محیط و
مملکت متفاوت میباشد علاوه
بر گردان مکتب نیز حین تفریح و
در اوقات فراغت میتوانند جهت
اکمال کلکسیون های پستی خویش
باهم تبادل افکار نموده تکتبهای
مورد ضرورت یکدیگر را تهیه

کمیدین معروف تیا تر...

و در ضمن خطرناک ترین وظیفه خلق ما جنگ علیه فاشیسم هتلی بود.

ارکادی راینیک نه تنها در دست گرفته و نه علیه دشمنان جنگیده و نه توسط هاربا با شانه های خود از جاسای صعب العور گذشتا نه و نه پل ها را منفجر ساخته و نه کدام قهرمانی دیگر در این موارد از خود نشان داده است. اما او از روز

اول تا ختم جنگ (۱۹۴۱-۱۹۴۵) درجه جنگ قرار گرفته بود (به استثنای اوقاتی که تبار به فریه جات و شهرها در مقابل مردم غیر نظامی نما یشتا به ها اجرا می کرد) ارکادی را راینیک نیز و ظایف محوله خود را انجام داد در مقابل عساکر خشمگین و بحری و قوماندان های جنگ نما یشتا به ها

اجرا کرد و اغلبا نما یشتا به ها را طوری عیار می ساخت که مسایل حربی و نظامی را در بر می گرفت یعنی عساکر را اضافه تر در مقابل فاشیست های هتلی تحریک می کرد و آنها را به کمک نما یشتا به خود و امید داشت تا اضافه تر به وظایف خود بی برسد و هر چه زود تر فاشیست ها را نابود کنند. هنوز سه روز از آغاز

جنگ نگذشته بود که ارکادی را راینیک در پروگرام نما یشتا به خود قسمت «صحنه شیطان» را جا داد. درین نما یشتا به صحنه های از عصبانیت هتلی را تمثیل مینمود.

درین چار سال جنگ ارکادی راینیک فاصله های زیاد را از یک جبهه به جبهه

دیگر جنگ طی کرد. عساکر کوشش می کردند تا هر چه خوبتر از ایشان محافظت کنند اما باز هم او قاتی میرسید که از ریسک کار می گرفتند.

اغلبا نما یشتا به های او در جا های اجرا میشد که در پهلوی آن گلوله های توپ و طیاره اصابت میکرد راه های طی میکردند که از طرف هتلی ها هر روز تحت گلوله بار قرار میگرفتند

عساکر در اطراف آنها جمع میشدند اضافه تر از همه رقاصان تبار در شرایط خرابتر قرار میگرفتند زیرا اوقات میبود که طبق درجه حرارت هوا لباس در تن نمیداشتند یا آشیای را که بالای میز بمقدار پیشبرد نما یشتا به قرار میدادند توسط باد به دور برده میشد. تماشاچیان مشکلات آنها دور میکردند و یکی از عساکر به آنها کمک میکرد همه را دوباره

به ترکیب با لای میز میگذاشت. بصورت عموم تماشاچیان در اوقات که در شرایط بسیار دشوار نما یشتا به ها صورت میگرفت از آنها به گرمی استقبال میکردند نه کدام خط فاصل

بین اجرا کنندگان نما یشتا به و تماشاچیان نه کدام پرده و نه کدام دیکور خاص موجود بود اما يك نکته مهم این بود که همه به اینها اعتماد تام داشتند.

در روز نهم ماه می سال ۱۹۴۵ روز پیروزی خلق شوروی با لای فاشیسم هتلی تجلیل میگردد. این روز بدون شك روز تولد مجدد بشریت گفته میشود.

درین روز در همه جا خوشی برپا بود و فکر میشد که زجر و شکنجه های راکه مردم شوروی و خلقهای بسیاری از کشورها از اثر اشغالگری ارتش اشغالگر فاشیستی آلمان متحمل شدند در خواب دیده باشند.

در زندگی و فعالیت هنری ارکادی راینیک یکی از هنرمندان معروف و جهان چارلی چاپلین رول مهم را بازی کرد. است. بدین مناسبت ارکادی را راینیک چنین میگویند: «چندی قبل شخصی از جهان چشم پوشید که با او شنا مناسبتی شخصی نداشتم اما در مقابل منجبت معلم اساسی در قسمت هنر خود فکر میکردم این شخصی چارلی چاپلین بود. این خنایه بزرگی بود که نه تنها جهان هنر بلکه بشریت از او صدمه دید». مشکل است گفته شود که کدام چیز او را به همه بزرگ نشان میداد اما به فکر ارکادی راینیک چیزی که او را نزد همه محبوب نشان

میداد این بود که چارلی چاپلین به بسیار مهارت چیزهای مضحک و اغراق های هنری را با اسرودگی و غمگینی انسان توأم میساخت.

پدر ارکادی را راینیک حافظه جنگلات را بعد از داشت و معنی میورد زبند تا را راینیک نیز شغلی را انتخاب کند که پدرش به آن علاقه مند است و همه وقت کوشش میکرد تا ارکادی را راینیک از هنر مندی دور نگه داشته شود. پدر راینیک معتقد بود که هنر شغل نیست به فکر او شغل و حرفه واقعی و جدی، داکتری و محافظه جنگل بود.

را راینیک با پدرش زبان مشترک پیدا نکردند و به این ترتیب راینیک در لیلیه به زندگی پر دخت و در استیوت تبار به تحصیل آغاز کرد. را راینیک میگوید «من خود را حق به جانب فکر میکردم و دوستانم از من حمایت کامل میکردند و هر يك از آنها سعی میکردند تا به این و آن ترتیب تنوعات فامیلی را برهم زنند. ما فکر میکردیم که پدران و مادران ما افکار عقب مانده را در سر می پرو رانند و به چشم در ست به زندگی نظر نمیکند».

ما میخواهیم بطرز جدید زندگی کنیم. را راینیک افکار پدر را وقتی درك کرد که خود پدر شد و بعد به درجه پدر کلان رسید. او تشو یشتا به پدرش را فهمید زیرا او فکر میکرد که پدرش اشتباه غیر قابل اصلاح را مرتکب شده است. در نتیجه یگان آرزویش که پدرش نظر به او باید بهتر زندگی کند برآورده شد

را راینیک درین مورد چنین میگوید: اگر چه این به اثبات رسید که من در قسمت انتخاب شغل خود حق به جانب بودم و آرزوهایم برآورده شد اما با زهم همه

را در مقابل پدر نمیتکندم زیرا درین وقت گذشته های خود را بخاطر می آوردم زیرا ضرورت است تا از همه نتایج

زندگی در س عبرت گرفته شود. را راینیک میگوید: «از انشا دانی که از اطفال میکنند خوشم نمی آید اضافه تر تکانی انسان را غمگین میسازد و قتی گفته شود که همه نقایص در اطفال اثرات بدی ندارد».

این گمراهی بزرگ است. اثر اطفال مانظر به ما خوبتر و بهتر زندگی نه کنند زحمات و غمها شخصیت انسان را پرورش میدهد. انسان در موجودیت دیت خود شپختی پرورش میشود و این وقتی است که هیچ از ما یشتا به زندگی به او مشکل تمام نمیشود.

درین قسمت به گفتار بعضی اشخاص پیرامونی را نمی بینم که میگویند که جوانان در سابق عاقل و درخت ها سبز تر بود... جوانانی که من با آنها ملاقات کرده ام بسیار جلب توجه میکنند و قابل ستایش اند. و نه تنها این که آیتده از آن آنها ست بلکه آنها

کار و زحمت را دوست دارند در مقابل زحمات ما و هستند و سعی میکنند تا نظریات مترقی خود را در عمل پیاده کنند من به جوانان نظر می اندازم و می دانم که همه به جای خود است. ما دارای نسل آینده بسیار قابل ستایش هستیم. اینطور باید باشد!

است که در تمام مسایل جهان نمیشود جایان و کشورهای اروپای غربی را خواهان میا شد و خود سرا نه مانند سابق عملی را مرتکب نمیکرد. و هم دول امپریالیستی سعی بخرچ میدهند تا اگر میتوانند تضادها و اختلافات درونی خود را حل و فصل نمایند.

واژ طرف دیگر میا وزه نیروهای صلح و سوسیالیسم و دموکراسی و جنبش طبقه کارگر چنان به فعالیت خستگی نا پذیر خود ادامه میدهند که نیروهای متجاوز و امپریالیست را لحظه به لحظه به پرتگاه نیستی و نابودی می کشانند، ولی دول سرمایه داری بنظر آنکه دیتا نت را مواجه به

شکست نمایند سعی میدارند تا اختلافات درونی خود را با تشدید اختلافات بین المللی مستور و پوشیده دارند، ولی بهر حال تغییرات بین المللی به تقیص صلح، دموکراسی و سوسیالیسم بوده و شرایط بهتر و بهتر تری را آماده نیروهای صلح دوست میسازد.

تضادهای درونی...

بقیه صفحه ۴۳

در کنفرانس برلین احزاب کمونیست و کارگری در سند آخری خویش ایسن فیصله را درج و تثبیت کردند که:

«در کشورهای سرمایه داری فعالیت طبقه کارگر و دیگر نیروهای سیاسی و اجتماعی آنقدر در حال پیشرفت و انکشاف اند که حامی صلح و همکاری بهای متقابل بین مردم بوده و این خود فکتور فوق العاده مهم و با ارزشی است که در مبارزه بخاطر استحکام و تقویت دیتا نت نقش قابل طمع و تعیین کننده را دارا است».

در تحت تاثیر تغییرات بین المللی موجود اصلاحات قابل ملاحظه ای در روابط بین کشورهای سرمایه داری نیز بوجود آمده است، بهر حال در میان ست خارجی انا زونی نسبت مشکلات و پرابلم های موجود جهان این چرخش بوجود آمده

همیشگی خود را که در پی سودجوی زیاد بود از دست داده است.

چیزی دیگر یکه بصورت و صلی در تضاد های کشور های امپریالیستی افزوده میشود همانا مواجه شدن این دول به پرابلم های وسیع جهانی است، که یکی ازین پرابلم ها برای این کشورها همانا جنبش طبقه کارگر و طر فداران این جنبش است. که بورژوازی انحصاری قیلا متوجه این مشکل نبوده، ولی حالا که در کشورهای امپریالیستی شکل مالکیت بر وسایل تولید انحصاری گردیده، جنبش طبقه کارگر در مخالفت با بورژوازی انحصاری عرصه برای انحصار گرگران تنگتر ساخته است. و این مشکلی است بزرگ که بورژوازی به آن مواجه است.

سگرت پلورونکی

هو! خوار سگريټ پلورونکی هره ورځ سهار وختی له کوره راووت، بازار ته راته، دهمدی مهربانه او زړه سوانده دکاندار، دکان ته یی چی د دوی یوازیښی غمخور و او خپله مرسته یی نه تری سپمو له، خان را رساوه دوه دری ډېلیه سگريټ یی دخر خلاو له پاره په پور تری اخیستل، او وروسته له هغه چی سگريټ به یی له دکانداره تر لاسه کړه، نو هغه وخت به دده اصلی کار پیل شو، په منډه به یی په واټونو اوسې کونو کسی گرځیدل شروع کړه، دهر هر چا مخی ته به یی سگريټ نیول که گوندی کومه دانه تری و پیری. ترما ښامه به یی همدا کار و او کله چی به ماښام ستړی ستومانس دسگريټو له خرڅو لو را خلاص شو، نو غوښی رو پی به یی دسهارنی دکاندار مخی ته کښیښود لی، لومړی به یی دهغه دسگريټو بیه ور کړه او په ور پاتی رو پیو به یی چی دده دټو لی ورځی دکار او زحمت گټه وه، دوه دری وچی دوچی وپیرلی او مخا مخ به دخپل کور په خوارهی شو ...

وړو سگريټ پلورونکی په خپلو چور تو نو و کسی و رک و او دوخت تیریدو ته یی هیڅ پام نه وړ او ښت. هغه سپرو غونډ کرخت کړی وو اوسر تر پایه د چناردبانی په شان رپړ دیده، خو پدی وخت کی هغه ته تر دی ټولو خبرو دی کار ډیر از زښت در لود چی بیا هم خو شیبی همدی سپرو او یخنی ته طاقت راوړی او خان ور ته کرخت کړی که گوندی چیری یو دوه سگريټه نور هم و پلور لای شی. آخر نشوه کو لای چی ژر کور ته لاړشی دا ځکه چی له دری ډېلیه سگريټو څخه داو پوره خوار لس دانس سگريټه لا ور ته پاتی وه او تراوسه پوری یی هیله په هیله چی دبیی روپی پوره کړی وی. شپه تیاره وه خو هغه باید چی نور هم معطل شوی وای او سگريټ یی خرڅ کړی وای ترڅو چی اقلا دو چی دو دی رو پی خولاس ته ور شی ...

ماشوم سگريټ پلورو نکسی همدغسی سپرو او یخنی ته ولاړ و

سر تر پایه رپړ دیده، په ډیره امید واری یی غمخپلی سترگی یوی او بلی خوا ته اړ و لی، په مات زړه به یی ساه په ستونی کی سره را غونډه کړه او ناری به یی کړلی: - سگريټ ... سگريټ ... دغه دی سگريټ ... خو څوک پرمخه نه ور ته، او که به چیری کوم لاروی دده له مخی تیر هم شو نو غیر له دی چی کومه دانه سگريټ دی تری و پیری همدغسی به یی خپله لار ونيو له او په خپل کار پسې به لاړ.

شپه داوه اوس پوره تیاره شوی وه، خوار سگريټ پلورونکی لا په بازار کی ددکان مخی ته ترما لاندی و لاړ و او دباران په شدت اورید لو ته یی کتل، چی یو وارله لری دیوه موټر دڅراغ رڼا ترسترگو شوه چی دده په خواراخی. سگريټ پلورونکی همدغسی په خپل ځای ولاړ و او له سترگو او پزی څخه یی دسپرو له شدت او به بهیدلی، چی موټر دده و حد ته را ورسید او له مخی یی تیر شو ماشوم هلکی په موټر پسې تر شا و کتل او ویسی لیدل چی موټر ودرید، بیر ته په شا راغی او دده مخی ته ودرید. سگريټ پلورونکی لا همدغسی حیران په خپل ځای ولاړ و چی دموټر دکړ کی هنداره کښته شوه او په موټر کی ناست ځوان چی غټ غو ښینی مخ اوسری سړی پرسیدلی سترگی یی در لودی، ده ته لاس و ښوراوه او ور څخه و یی غوښتل چی نژدی ور شی. سپرو واخیستی هلکی و غوښتل چی دموټر خوا ته ورشی، خو د باران اوریدلو ته یی پام شوه او دځان او سگر یتودلند. یدلو و پری بیرته په خپل ځای ودراره، خو لنډی شیبی لا په همدی تر تیبته و ی تیری شوی چی په موټر کی ناست ځوان په ډیر کبر او غرور ور ناری کړی چی دهغه خوا ته ور شی، سگريټ پلورونکی نوره معطلی ونکړه او په بیر په یی دځوان خوا ته ورمندپه کړه، دموټر دکړ کی خوا ته ودرید او په رپړیدلی آواز یی ور ته وویل:

- زه دی په کارو م؟

په موټر کی ناست ځوان دهلکی د دی پو ښتنی په اورید لو او پری پور ته ور غور ځو لی، بیایی له ځان سره څنگ ته ناستی ښکلی او ښایسته نجلی ته په معنی داره نظر وکتل، دواړو په زوره زوره وخنډل او وروسته له هغه په وپړنو جامو کی پټ ځوان په ډیره له تکبر او ریشخنده ډکه لهجه سگريټ پلورونکی ته وویل:

- هو «پلاره!» ته می په کاروی خپه خونه شوی ... هاهاما ... او بیا دواړو په لوړ آواز په سپرو واخیستی ماشوم باندی وخنډل او وروسته له څو شیبی خندا په موټر کی ناست ځوان په داسی حال کی چی د ډیری خندا له لاسه یی په سترگو کی او ښکی راټو لی شوی وی، هغه یی په خپل چاغ ور غوی پاکولی، هلکی ته مخ ور واپراوه، ویی ویل:

ژر شه، یو ډېلی سگريټ راکړه! ماشوم په خورا معصومیت ځواب ورکړ:

- کاکا جانه یو بشپړ ډېلی خو نشته، بس دغه څو دانی پاتی دی، که یی غواړی چی در یی کړم ... او په موټر کی ناست ځوان په داسی حال کی چی دهلکی دخو لی پیښی یی کولی په ډیر قهر ور ته وویل:

- څو دانسی سگريټ دی ستاسروخوری ... زما بشپړ ډېلی په کار دی او ته وایی چی «ځودانی پاتی دی!» ... هی ...

څو لحظی چپ شو، وروسته له هغه یی زیا ته کړه:

- ښه څنگه ر ډر ر اته گوری؟ چی بشپړ ډېلی نشته یوه دانه خو به وی که یه ... ژر شه هله چی شپه می همدی ستامتحوس په څنگ کی تیره شوه ...

دا یی وویل او تر څنگ ناستی نجلی ته یی سترگی ور واپو لی، په ډیر شوق یی ور ته وخنډل او په سپینه غاړه کی یی لاس ورواچاوه. سگريټ پلورونکی، چی سر تر پایه باران لوند کړی و په بیر یوه دانه سگريټ له ډېلیه راویو ست او له اور لگیت سره یی

یو ځای ځوان ته ونيو. ځوان، سگريټ تری واخیست ویی لگاوه او وروسته له هغه یی بیر ته په څنگ کی ناسته نجلی په غیر کی ونيو له.

وړو کی سگريټ پلورونکی څو لحظی همدغسی چپ په خپل ځای و درید که گوندی ځوان یی د سگريټو رو پی ور کړی، خو چی ویی لیدل چی، هغه لا همدا سسی بی خیا له په موټر کی له نجلی سره لکيا دی، نو په بیر او رپړ دیدو. نکسی آواز یی ور ته وویل چی دسگريټو رو پی یی نه دی ور کړی. او چی ځوان بیا هم ځواب ورکړ، نو خپله خبره یی په لوړ آواز دوه دری واره ور ته تکراره کړه.

پدی وخت کی ځوان خپلی سړی سترگی مخا مخ د سگريټ پلورونکی مظلومو سترگو ته ونيو لی، سر تر پایه یی ور ته وکتل، لمړی یی څو شیبی ور باندی وخنډل او وروسته له هغه یی بداسی حال کی چی قهر او غضب یی له ورايه په سترگو او خیره کی بریښیده په ډیره غضب ناکه او له سپکاوی څخه ډکه لهجه ور ته وویل:

- پیسی غواړی؟ ... دڅه شی پیسی؟ ... ها؟ ... بیایی ما شوم د سر لندو - وینستانو ونيو د خپل ځان خوا ته یی ور کش کړی او ورته تکرار یی کړه: - ووايه دڅه شی پیسی؟ ...

او وړوکی سگريټ پلورونکی په ډیره ویر جنه او وار خطا لهجه ځواب ورکړ:

- د ... س ... سگ ...

سگريټ پیسی ... او مغرور ځوان چی دما شوم له دی ځوابه لا په قهر شو، په ډیر قهر هلکی بیا دځان وخوا ته ورکش کړی، ورته و ویل:

واخله! ... ها، ها، ها ... اوله دی خبری سره سم یی هغه په ډیر شدت پوری واهه، بی گناه هلك په لندو خټوکی و لوید، سر تر پایه په خټو ولړل شو، دزړه سو ځوونکی ژړ اېږ یی په سپره هواکی د ځوان له مغروری خندا سره وپیچل شو او په ډیر شدت دموټر دخو خید لو ښغللری بریکړه.

قهرمان جهانی شطرنج...

با بازی ها در با گویو (۹۳) روز طول کشید. در طول این مدت حریفان باهم (۳۲) بازی شطرنج را ادامه دادند که ازین جمله (۱۱) بازی آن با نتیجه خاتمه یافت حریفان (۱۰۲۷) حرکت انجام دادند و در عقب میز شطرنج (۱۷۵) ساعات راسپری کردند. این دور مسابقات کارپوف و کورچنوی نظری به سال گذشته بسیار حاد و هیجان انگیز بود حتی نظری به مسابقات سال (۱۹۷۲) بین دو برت فیشر و بوریس سپاسکی در ریکجا و یک مرکز مملکت ایسلند که نتایج مسابقات در بازی ها دهم الی دوازدهم خاتمه یافت. براتب جالب تر و دیدنی بود.

هفت بازی او لی بین کارپوف و کورچنوی با موفقیت های متغیروبی نتیجه با یان یافت در دور بازی هشتم کارپوف با قر بانی یکی از «پیاده» های وسطی توانست (شاه) حریف را تحت حمله شد بد قرار بدهد و بازی را به نفع خود خاتمه دهد.

بعد از سه بازی دیگر حریف توانست توازن را برقرار و در بازی سیزدهم ابتکار را در دست گرفت و در لحظه بازی ناتمام به روز آینده موکول میشد کورچنوی در شرایط مساعد تر قرار داشت در روزی که بازی ناتمام با بد خاتمه می یافت کورچنوی بطور غیر مترقبه رخصتی گرفت.

در روز های که بازی ها بشکل ناتمام باقی ماند لایرا توار سازندگی کارپوف شب و روز کار میکرد. درین لایرا توار معا و لین کارپوف شامل بودند و عبارت بودند از:

- یوری بالاشوف که در قسمت شطرنج دارای فکرو خاطر بسیار عالی میباشد. - ایگور زایتسف شطرنج با زبانتی عالی که در قسمت حل ناگهانی شطرنج از مهارت زیاد برخوردار بود.

- قهرمان جهانی سابق شطرنج میخائیل تال که به گفته خودش از شعبه کنترول تخنیک (لابراتوار) با زرسی می نمود و تقایص را زود تر درک میکرد.

تحلیل مسایل معمولی به شکل جوره نی صورت میگرفت و بعد با همدیگر در مورد مذاکره میکردند. درعین تحلیل موضوع کارپوف نکته ضعف را بطور آنی درک میکرد و مباحثات سر از نو آغاز میشد. رفقای کارپوف به بسیار زحمت او را وادار می ساختند تا به خواب برود و برای بازی

های آینده نیروی خود را حفظ نماید. ساعات چارو یا پنج شب میبود که کارپوف به بسیار زحمت موافقه میکرد و صبح با نوشته ها و نظریات جدید نزد رفقا می آمد. این نظریات رادر و قتی طرح میکرد که همه معتقد بودند او خواب است. روز آینده بازی چار دهم آغاز گردید. در یک روز با بدو بازی ناتمام خاتمه می یافت در حالیکه حریف در هر دو بازی شانس خوبی داشت اما مسابقات را شانس خوب نه بلکه بازی کیفی انا تولی کارپوف به نفع خود کشانید.

کورچنوی و معا و لین فنی او که از شطرنج بازان انگلیسی کین، ستین، شطرنج با زار جنتانین پا نو و شطرنج با زار اسرائیلی موری تشکیل یافته بودند نتوانستند به نکات بازی سیزدهم پی ببرند. در لحظات اول حرکات دلیرانه کارپوف برای حریف غیر مترقبه بود. در نتیجه حریف رشته را از دست داد و بازی سیزدهم را باخت. به عین ترتیب در بازی چاردهم نیز مغلوب گردید. انا تولی کارپوف با سه پیروزی و یک باخت ابتکار را در دست گرفت.

در بازی هفدهم از ویکتور کورچنوی حوا دت بسیار ناگوار استقبال کردند درین بازی کورچنوی با زهم نتوانست به عملیات کارپوف پی ببرد و مغلوب شد.

پیروزی کارپوف بطور نهایی بسیار نزدیک شده بود. درین وقت کورچنوی رخصتی میگرفت و عازم مانیلا شد. به مقامات رسمی پیشنهاد کرد تا برده

آینوی گذشته شود و تما شایان نتوانند از جریان مسابقات دیدن نمایند بعد از شش روز تفریح مسابقات دو باره آغاز شد و نتایج چار مقابل یک در کارپوف احساسات منفی را بوجود آورد زیرا فکر میکرد که پیروزی در چند قدمی او قرار دارد به این لحاظ بود که در بازی های هفدهم، بیستم، بیست و دوم و بیست و پنجم کارپوف به بسیار مهارت بازی ها را آغاز کرد اما در لحظه نهایی اشتباهاتی

رخ میداد که به نفع او صدمه وارد میکرد و بعد از اینکه کورچنوی بازی بیست و یکم را به نفع خود خاتمه داد فاصله بین هر دو نزدیکتر شد.

بعد از بازی موافقتی در دور بیست و هشتم کارپوف توانست دو باره با لای حریف پیروزی حاصل نماید و نتایج را

تا سه نمره اضافه تر به نفع خود بکشاند و ضرور بود تا یک پیروزی دیگر حاصل نماید و مسابقات را بطور نهایی به نفع خود برساند. اما تا وقتی که این پیروزی نهایی را حاصل کرد روز های دشواری در اما نیک را تحمل نمود.

چون کارپوف درین وقت روحی و جسمی بسیار خسته شده بود در بازی های او اشتباهات دیده میشد. قبل از اینکه کارپوف عازم مانیلا شود پنج ماه مسلسل از تخته شطرنج دور نمی شد و روز و شب بطرف دانه های آن میدید و مسایل مغلق آنرا با خود حل میکرد در نتیجه بسیار خسته شده بود. رخصتی های که در خلال مسابقات کارپوف می گرفت اصلا رخصتی گفته نمیشد زیرا درین روز ها هم کار به شدت ادامه می داشت و با رفقای خود در مورد مسایل مغلق شطرنج مذاکره میکرد.

در نتیجه پیروزی نزدیک با لای کارپوف تاثیر روانی را وارد نمود. زیرا وقتی که فکر شود کار تقریبا به اتمام رسیده با نیروی مکمل انجام آن بسیار مشکل میباشد و انسان نمیتواند در لحظات اخیر فعالیت مکمل خود را بکار اندازد کارپوف به عین ترتیب این نکات را یاد آوری میکرد و به بسیار نرمی اعتراف می کرد. من انتظار تسلیمی را داشتیم به این ترتیب انا تولی کارپوف در طول سه سال که قهرمان شطرنج جهانی بود از (۱۸۶) بازی فقط (۶) آنرا باختی بود در با گویو نیز فقط دوبار مغلوب شد در عین حال از چار بازی سه بازی آنرا (که دو بازی در نتیجه اشتباهات صریح

بو قوع پیوست) که در عین حال برای کورچنوی نیز غیر مترقبه بود باخت و بازی به مرحله پنج مقابل پنج رسید. درین وقت ضرور بود تا کارپوف از تاثیر روانی مغلوبیت های خود دور تر شود بنا رفقایش تصمیم گرفتند تا عازم مانیلا شود. درین وقت قییم منتخب با سکتبال اتحاد شوروی در مانیلا در بازی نهایی

قهرمانی در مقابل تیم با سکتبال یوگوسلاویا قرار گرفته بود. گرچه تیم با سکتبال اتحاد شوروی درین مسابقه مغلوب شد اما کارپوف به حالت بسیار خوب به شهر با گویو برگشت و مانند دو نده های که فاصله های زیاد را طی میکنند در دقایق اخیر نفس دو می پیدایم شود با حالت نورمال وارد مسابقات شد.

در بازی سی و دوم کارپوف به حملات نهانی پرداخت و معتقد بود که این بازی نهایی خواهد بود که به پیروزی اش خواهد انجامید. کارپوف بازی نهایی را مانند قهرمان ها انجام داد و به حریف موقع نداد که به حملات متقابل دست بزند. غرض اتمام بازی تا تمام شود و کورچنوی حاضر نه شد. همچنین در محفل رسمی اختتام بازی ها نیز حاضر نگردید و به بسیار زودی از شهر با گویو عازم مانیلا شد و پرو تست تولی از خود به اعضای حکم گذاشت. حکما، سازمان دهان بازی ها، رئیس فدراسیون جهانی شطرنج و بعد کانگرس فدراسیون جهانی شطرنج تقاضای بی اساس کورچنوی را بکلی رد کردند.

در بازی اخیر کارپوف استعداد مکمل خود را ظاهرا ساخت. در نتیجه در تاریخ مکتب شطرنج اتحاد شوروی صفحه دیگر زمین جا گرفت.

بقیه صفحه ۹

شبهه یی از جنایات ضد بشری...

وزارت خارجه کمپوچیا طی ابلاغیه یی که در جولای ۱۹۷۹ بارتباط به کمک عساکر ویتنام به عساکر کمپوچیا انتشار داد گفت بموجب معاهده دوستی و همکاری بین جمهوری خلق کمپوچیا و جمهوری سوسیالیستی ویتنام، اردوی خلق ویتنام به اقامت خود در کمپوچیا بمنظور کمک بانبروهای مسلح کمپوچیا برای از بین بردن عناصر باقیمانده طرفدار رژیم فاشیستی پو لبوت، ینگساری و سایر عناصر مرتجع ادامه خواهند داد. موجودیت اردوی خلق ویتنام در کمپوچیا کاملاً مربوط به روابط برادرانه دو کشور است و کدام کشور دیگر را تهدید نمی کند، مادامیکه توسعه کلیان منطقه و امپریالیستان طرح های مداخلی خود را راجع به کمپوچیا ترک داده، استقلال و حاکمیت ملی

جمهوری خلق کمپوچیا را برسمیت بشناسد. نگاه اردوی خلق ویتنام بلافاصله از کمپوچیا خارج خواهد شد. جمهوری خلق کمپوچیا بایروری از سیاست زیست باهمی مسالمت آمیز و دوستی با همه ملل بدون هرگونه تبعیض و براساس احترام متقابل و عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر، طور روزافزون حمایت ملل جهان را جلب میکند خلق کمپوچیا با پشتیبانی بین المللی جمع نیروهای طرفدار صلح و موکراسی و ترقی اجتماعی مخصوصا با حمایت دول مترقی و سوسیالیستی بر جمیع طرح های امپریالیستی علیه کشورشان غالب خواهند شد و کار عمران مجدد ملی و اعمار یک جامعه پیشرفته و عاری از هرگونه ظلم و استثمار را طور مطمئن به پیش خواهد برد.

خواره تاسی جوړوی...

رشد کی زیات موثر دی دژوندانه
دپیل نه د بلو غی (خوانی) تریایه
پوری د بدن په وده او نه تکامل
کی تعیین کوو نکی نقش لو پوی او
دامید وای او شیدو ور کو لو
په وخت کی د وجود اپتیا دی ویتا
مین ته زیاته وی.

دا ویتا مین د کلسیم او فا سفور
جذب د کلمو څخه ممکنوی ددی
ویتا مین کموا لی دهیو کی دپا سته
کیدو او کپیدو سبب کیږی. ددی
ویتا مین د کموا لی له کبله د کلسیم او
فا سفور د زیات اخیستلو سره سره
دهغوی جذب د کو لمو پوا سطره صو-
رت نه نیسی څرنگه چی دهیو کی
پاسنه کیدل او کوړوا لی په ماشمو-
مانو کی زیات لیدل کیږی لدی کبله
دگرانی میندو یا ملر نه دی ټکو نه
اړوم.



مین دی په کموا لی اخته نشی باید
دهغوی د لمر وړا نگو ته او چول شی
که په ورځ کی ۵-۳۰ دقیقو
له پاره ما شوم لوڅ لمر ته او چول

شی کافی اندازه ویتا مین دی د
دهغوی د بدن په پو ستنکی کی جوړ-

پیری ور یخ دوری، کالی شیشه ددی
ویتا مین دجوړیدو مانع د بدن
په پو ستنکی کی کیږی. ددی ویتا مین

مقدار په هغو غذا گا نو کی لکه د
چرکی هکی، کوچ، شیدی، څکر
نظرو بیلو بیلو مو سمو او خای
توپیر لری. چی دمحا سبی لکه
نظره د پام وړندی. لدی کبله
که دخان او خپل ما شو ما نور وعتیا
سلا متی او ښکلا غوا پی نوددی

نوریا

چگونه علاج امراض

از طبیعت بوجود آمده باشد میتواند موثر
نابت شود.

امروز به انتر زحمات دانشمندان مواد کیمیاوی

زیاد کشف گردیده که میتواند با علل دایشه

امراض مبارزه نموده آنها را از ازدیاد و تکثیر

حدیث تر میتواند جلو گیری نماید. این

که چگونه میتوان با مواد کیمیاوی علل امراض

مانند سفلس و دفتری را از میان برداشت زحمات

زیادی را لازم و ضروری داشت. کشفیات پاک

ایریج در مورد مبارزه و محدودیته های امراض

سفلس مانند گلوله بود که فقط ریشه و اساس مرض

را مورد حمله قرار داده بود.

پال آدم عجیب بود اواز طعن و اتهامات که به

اومی بستند هیچگاه دل افسرده و پژمرده نمیشد

اوبا دقت و احتیاط کارش را دنبال میکرد او

عقیده راسخ داشت که بر اتهامات ناجوانمردانه

آینده پالیزم میتواند بابر هان عملی و قوانین

عینی تکامل غلبه حاصل کند که کارو فرجام

کارش نیز به همینگونه که او عقیده داشت منجر

گردید.

دانشمند بزرگ جاپانی سبوجی رو هانا نیز با پال

در تحقیق و کشفیات علمی کمک های لازم بعمل

آورد دوش به دوش با او با همکاران و شاگردان

که در موسسه به آنها کار می نمود در آموزش

و کمال احترام یاد می شد.

په پرمختیایی

په بیلابیلو پرمختیایی هیژادو نوکی دکار او عمل
پروگرام طرح او په کور نیو زیر مو او بشری
قواو باندی زیاته قوه واچوله شی.

د زامرب په ښارکی د پرمختیایی هیوادو

په ملور میز کی درایو په قاطع اکثریت موافقه

وشوه چی په خان باندی د انکاد اصل دیواو

تیا او دیوه نوی نړیوال اقتصادی نظم د جوړولو

دپاره د پرمختیایی هیوادو په مینځ کی د صمیمانه

همکاریو موضوع د پره مهمه او یو ضروری کار

گنل کیږی. همدارنگه د غذایی موادو د تولیداتو

د سطحی دلورولو او په اقتصادی او تخنیکسی

چاروکی دیوه کیفی بدلون درامنځ ته کولو

دپاره د پرمختیایی هیوادو نو ترمنځ په زړه

پوری همکاری یو مهم کار بلل کیدای شی.

پرمختیایی هیوادونه که جبری و غواپی چی دیوه

پرمختیایی هیوادونه و ښودل شی.

امپریالیزم عمده ترین ...

پوشیده نیست. این به اصطلاح مدافع حقوق بشر طی بیست سال تجاوز و جنگ افروزی در ویتنام صد ها هزار انسان بیگناه و وطن پرست را مقتول و یا معدوم نمود و پست ترین اعمال غیر انسانی و خلاف کرامت انسانی و حقوق بشر را درین سر زمین مرتکب شد. از نا پالم گرفته تا بمب های مکرر بی و کیمیاوی بر خلق ویتنام قهر مان استعمال نمود مزارع ربه آتش کشید و حتی با استعمال مواد کیمیای زمین ها را غیر قابل زرع ساخت.

آری، این است شمه ای از خدمت گذاری های بشر دوستانه و آزادی طلبانه ای؟! امپریالیزم که امروز با بر خ کشیدن پرده ی حقوق بشر؟! و آزادی؟! جادو و جنجال بزرگی را برای انداخته است. و هر قدر انسان ها آگاه تر می شوند امپریالیزم نیز جامه بدل می کند و تازه ترین شکل تعمیل امپریالیست های خود را علاوه از طریق مستقیم و مداخله مستقیم سرور صورت می دهد بلکه با دست نشانده ساختن و متقاعد ساختن و تطمیع ممالک مختلف در مناطق مختلف جهان بهر سو دست اندازی می کند.

امپریالیزم و در راس امپریالیزم امریکاییان برای انداختن توطئه ها و دسیسه ها در مناطق مختلف جهان فکر می کند که در هر جا که بخواند مانند چلی پنو چت هارا بر سر قدرت آورد و آنرا محافظه نماید تا خلق را به خاک و خون بکشد ولی این امر در عمل ثابت شده است که ناممکن می باشد چنانچه پنو چت وطن ما (حفیظ امین جاسوس) را با وجود بکار بردن هر نوع حیله و نیرنگ نتوانست از طوفان خشم خلق برهانند.

جای بسیار تا سف است که در مناطق مختلف جهان مرتجعین بر سر اقتدار کشور های آله ای - دست و پیا ده کننده ای نقشه های

محمیلانه امپریالیزم می گردد که خلقهای خود آنکشور ها در طول تاریخ مورد دستبرد امپریالیزم قرار گرفته اند.

امروز دولت مصر در شرق میانه و پاکستان در منطقه ی جنوب آسیا، پیاده کنندگان نقشه های دسیسه کارانه ای امپریالیزم امریکایی می باشد چنانچه:

دولت فعلی مصر به سر دمداری سادات این معاهده گر نا مدار تاریخ همه اعمال و دسیس و نقشه و دشمنی های امپریالیزم را که در حق خلق عرب و بخصوص مصر نموده بباد فرا می سپرد و علاوه از آنکه با سازش ننگین کمپ دیوید نام سیاه خود را در تاریخ ثبت نمود اینک بحکم امپریالیزم امریکا، دسیس آن دولت و آقای کارتر رادر حاشیه ای سرحدات ماعملی می نماید و از داری خلق تاراج شده ای مصر کمک های حاتم طایی مایا نه ای با به اصطلاح مهاجرین افغانی انجام می دهد.

هكذا جنرال ضياء الحق که زمام امور کشور بـرا در مسلمان و همسایه ای ما را بدست دارد با اعمال عاقبت نه اندیشا نهی خود با صلح و آرا می منطقه بازی میکند. دولت پاکستان تحت قوامانده جنرال ضیاء کچکول خود را از کمک های ؟ اما لک

مختلف مملو ساخته است و بسا اصرار زیاد به ولی نعمت خود و وسعت این کمک هارا طالب است.

چندی قبل هنگامیکه برژینسکی (چون ارواح خبیثه و سرگردان) نفا ره به اصطلاح موضوع افغانستان را بگردن داشت و ووا رد پاکستان شد، جنرال صا حـب مصرانه از در بار امپریالیزم خود - اهان کمک های وسیع تر شد.

آیا جنرال صا حـب اعمال دوستانه و غمخوارانه ای امپریالیزم انگلیس (سلف امپریالیزم امریکا) رادر مورد نیم قاره فراموش کرده است که حالا کشور اسلامی و برا در ما را به زور خانه ای امپریالیزم تبدیل می نماید. به همه مرتجعین به صراحت اعلام می گردد که هر نوع تبلیغات و اعمال تحریک آمیز تنها به سود امپریالیزم و استعمار است و منطقه رانا آرام ساختن است. امپریالیزم امریکا که با این فعالیت های خود می خواهد ژاندارم دیگری در منطقه ایجاد نماید (قبلا امپریالیزم امریکا رضا شاه را در ایران با پلان های وسیع پنتاگون بمثابه ژاندارم استعمال می کرد و طوریکه تا ریخ شامه است خشم خلق ایران براه انداختن انقلاب اسلامی ضد امپریالیستی این توطئه ها و نقشه هارا نقش بر آب ساخت که این موضوع برای همه کسانیکه آله ای دست امپریالیزم قرار می گیرند از جمله جنرال صا حـب سخت آمو زنده است) و توسط آن

«مسافرت برژینسکی به پاکستان و بعضی کشور های شرق میانه و بطور خاص دیدار وی از آنجمنایع امپریالیزم کمپ پنا - هگزینان می نامند، ادامه می دهد مغرضانه ای است که امپریالیزم امریکا در مورد افغانستان بعد از مرحله ی جدید انقلاب افغانستان اتخاذ کرده است...» خلق های مسلمان سرا سر جهان از افغانستان و پاکستان و مصر و غیره هیچگاه فراموش نمی کنند که این امپریالیزم و در راس امپریالیزم امریکا ست که باعث سرگردانی آوارگی بیچارگی و فقر آنها شده است و به مقدس ترین مقدسات مذهبی آنها خیره سرانه بازی می نماید و اسرا نیل صبیحو نیست را بمثابه او باش تجاوزگر تطمیع و مسلح می سازد.

زنده باد خلق های آزاده جهان روی امپریالیزم مانند همیشه سیاه باد

نقشه های تجاوزکارانه و مغرضانه خود را عملی سازد، امپریالیزم امریکا که سخت در جهان تجرید است و همه به ما عیت اصلی آن پسی برده است اکنون می گویند که به زعم خود با براه انداختن موضوع نام نهاد افغانستان ذهنیت جهان نیان را از اعمال شوم خود منحرف سازد. مگر همین حالا خلق آزاد - ده یی ایران برای کشیدن انتقام ازین دشمن بشریت و جهت اعتراض علیه دفاع و پناه دادن شاه فراری ایران لانه ی جاسوسی امپریالیزم امریکا را از صد روز به اینطرف در اشغال خود نداند؟

امپریالیزم امریکا که با از دست دادن اجنت خود در افغانستان (حفیظ الله امین) سخت دستپاچه شده است و صریحاً مغرضانه علیه افغانستان اقدام و تبلیغ می نماید جز رسوایی و ندامت چیزی دیگر بدست نخواهد آورد. چنانچه در مورد موضوع مغرضانه ای امپریالیزم امریکا بعد از پیروزی مرحله دوم و تکاملی انقلاب ثور در مصاحبه ای تا ریخی هجدهم دلو ۱۳۵۸ نطق وزارت امور خارجه افغانستان چنین گفته شده است:

«مسافرت برژینسکی به پاکستان و بعضی کشور های شرق میانه و بطور خاص دیدار وی از آنجمنایع امپریالیزم کمپ پنا - هگزینان می نامند، ادامه می دهد مغرضانه ای است که امپریالیزم امریکا در مورد افغانستان بعد از مرحله ی جدید انقلاب افغانستان

اتخاذ کرده است...» خلق های مسلمان سرا سر جهان از افغانستان و پاکستان و مصر و غیره هیچگاه فراموش نمی کنند که این امپریالیزم و در راس امپریالیزم امریکا ست که باعث سرگردانی آوارگی بیچارگی و فقر آنها شده است و به مقدس ترین مقدسات مذهبی آنها خیره سرانه بازی می نماید و اسرا نیل صبیحو نیست را بمثابه او باش تجاوزگر تطمیع و مسلح می سازد.

زنده باد خلق های آزاده جهان روی امپریالیزم مانند همیشه سیاه باد

دیوار های جدید

بدون نقاشی فرق میکند، و شاید نقاش هم در این امر مسئولیتی نداشته و او بیشتر ذوق و نظر فرمایشی دهند و امرای عاتق نموده باشند. بهر صورت این نقاشی های دیواری نظر به دید اشخاص فرق میکند. یک عده آنرا ستوده اند و عده دیگر هم از آن انتقاد نموده اند و آنرا فاقد زیبا یی و هنر دانسته اند، تا نظر شما چه باشد.

و دیکو زیشن برای زیبا یی منازل دانست. کسیکه تا اندازه در این هنر آشنا یی دارد می داند که این نوع نقاشی ها بیشتر جنبه تفریحی دارد تا هنری بهر حال چه این نقاشی ها بر خوردار از محتوا باشد یا نباشد برای دیوار ها و ساختمان ها بیکه فاقد زیبایی اندیکنوع پوشش بشمار میرود، ولی این پوشش نظر



چند نمونه از دیوارهای رنگ شده

نقاشی های که در بعضی از دیوارهای دیده میشود فاقد این تازه گی است زیرا نه با معیارهای قبول شده نقاشی برای براند و نه تو جلی بیننده را جلب میکند .

بعضی از این نقاشی ها علاوه از اینکه فاقد زیبایی اند آزاردهنده نیز است مانند دیوارهای منعکس کننده که از رنگ های تند و درخشان بیشتر کار گرفته شده است .

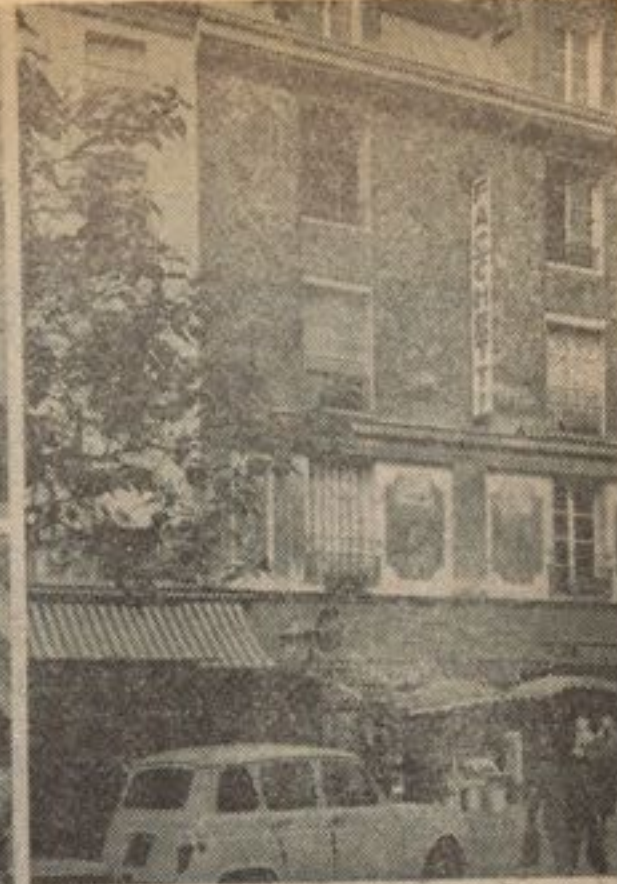
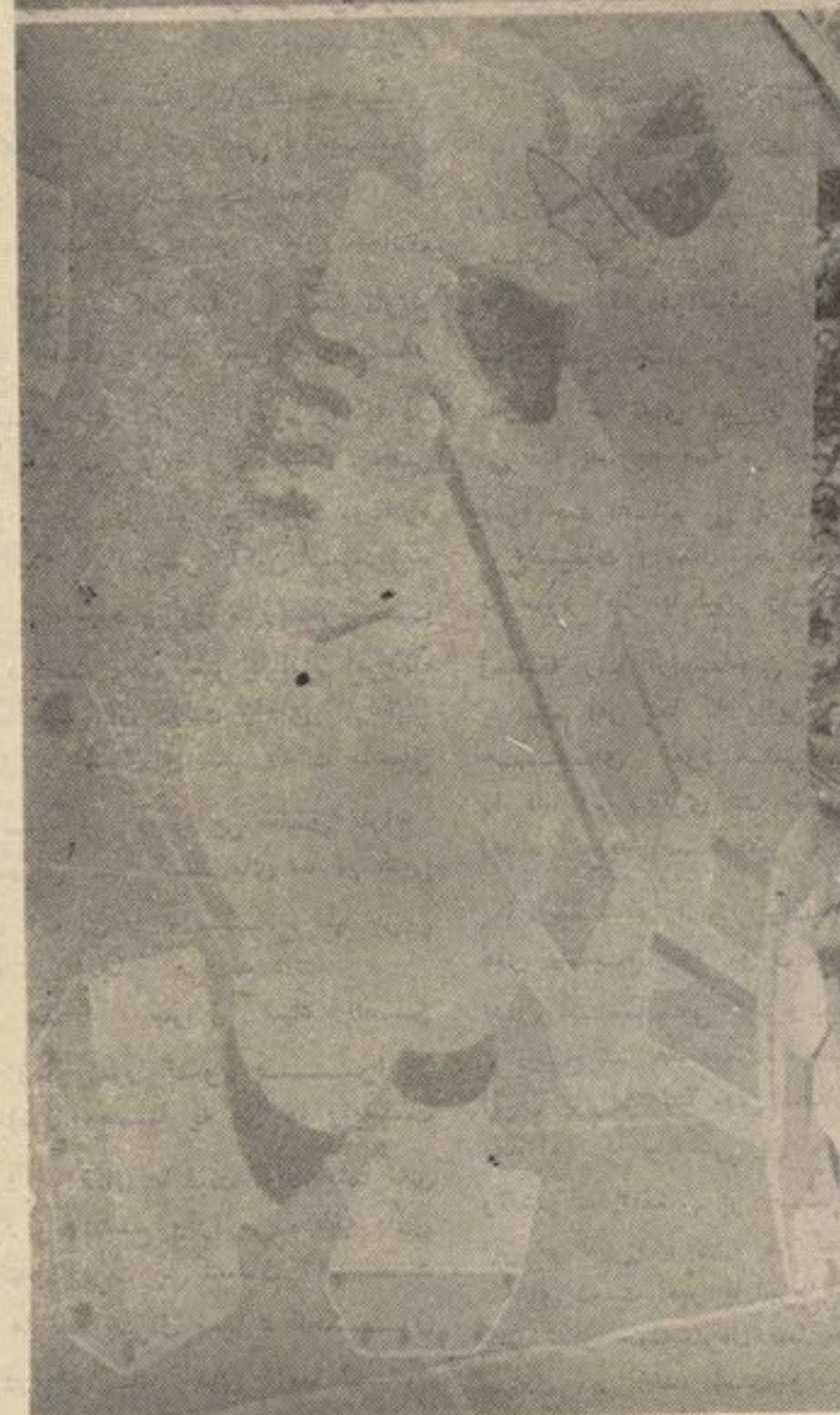
این نقاشی های دیواری بیشتر در ساختمان های بکار رفته که فاقد زیبایی منظره بیرونی اند و صرف بخاطر پوشاندن عیوب این دیوارها است . رهگذر نا بلند و سیاح که این نقاشی ها را مشاهده میکند باید بداند آن متاثر میگردد زیرا تصور می نماید که هنر نقاشی چقدر رو به زوال نهاده است . و این هنر زیبا و کهن صرف به همین نقاشی های دیواری محدود مانده است و بسی .

یک عده گمان میکنند که این نقاشی ها رادیده اند در مورد چنین ابراز نظر میکنند بعضی آن نقاشی ها مانند سراب است و فریب

مسافر یکبار از دور این نقاشی های دیواری را می بیند بتصور اینکه هر چه است در همین جا است بسوی باغ و بوستان می شتابد ولی هر قدر نزدیک میگردد بیشتر به حقیقت آگاه میگردد و بالاخره جز دیوار رنگ شده چیزی نمی یابد .

باید گفت که این نقاشی های دیواری چیز تازه و بکری نیست . این شیوه هزاران سال قبل از امروز رواج داشته است ، با این تفاوت که در آن روز کاری نقاشی های دیواری از وسایل

محدود تری نسبت به امروز برخوردار بود . و نقاشی تازه راه خود را در قطار سایر هنر ها باز کرده بود .



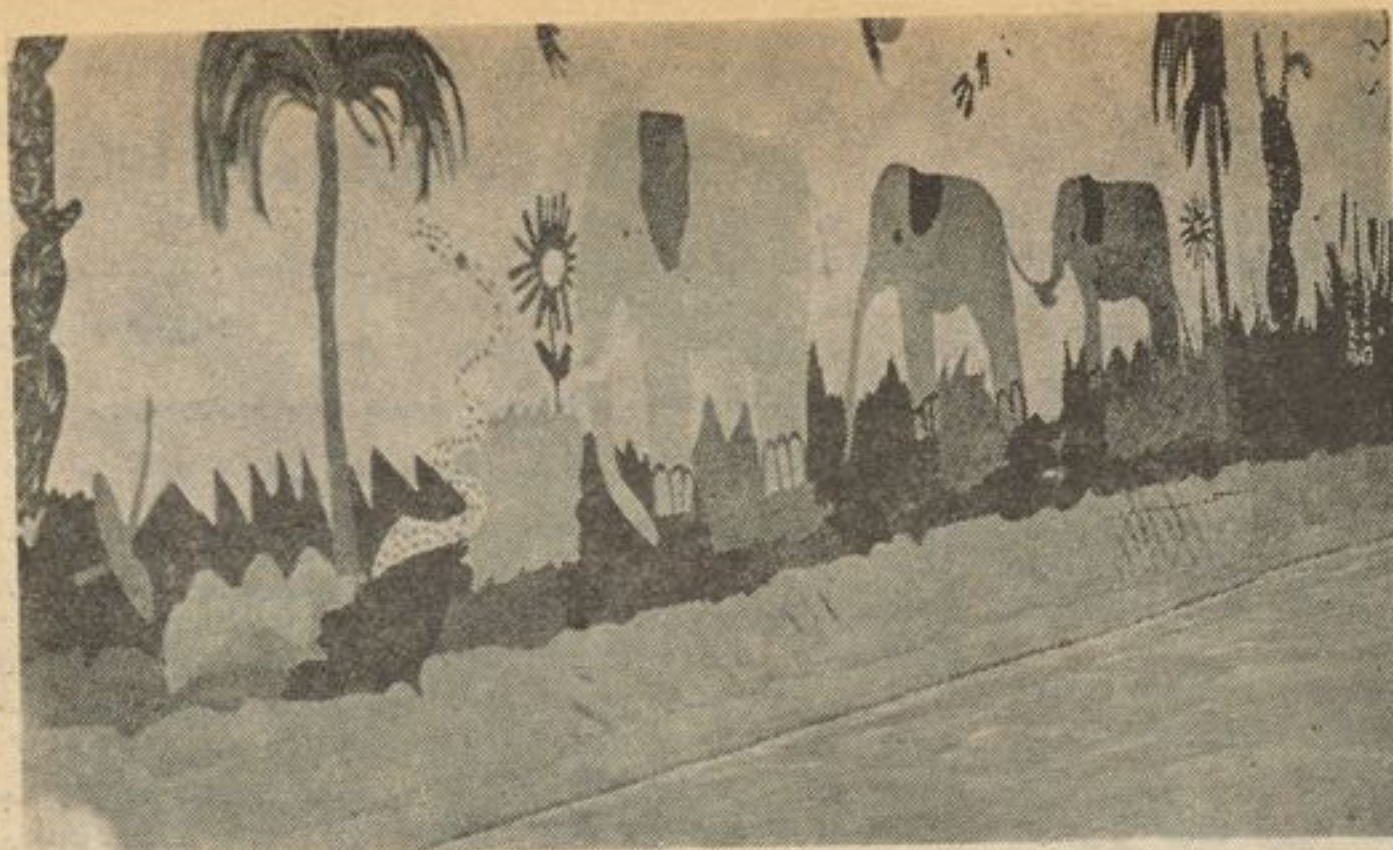
چند نمونه از نقاشی های دیواری که بعضی از آنها فاقد زیبایی اند و برخی دیگر آن

ترجمه : ر. ا

دیوارهای جدید برای شهر

نقاشی روی دیوار یا پندیده ی تازه که راه خود را باز کرده است

از چندی بدین طرف موج نقاشی های روی دیوار در ارو با رواج فراوان یافته است . بعضی از این نقاشی ها طوری است که بیننده و تماشاگر را متاثر می سازد ، زیرا این نقاشی ها جز رنگ آمیزی روی دیوارهای کج و معوج چیزی دیگری نیست ، اما برخی دیگر آن تا اندازه بسیاری از هنر ها دیده میشود لکن دارای زیبایی اند که میتوان به آن نقاشی گفت . نوآوری و تازه آفرینی امروز در بسیاری از هنر ها دیده میشود لکن



گاه‌های این نقاشی‌ها فریبنده‌است

برای زیبا ساختن دیوارها و سبک-
ختمانها این چنین نقاشی‌ها امر
لازمی و حتمی نبوده بلکه میتوان از
راه‌های دیگر نیز بر زیبایی آن‌افز-
ود مانند پاک نگه‌داشتن این سبک-
ختمانها از دود و بعضی کثافات
دیگر.

یک‌کدام دیگر با تمایزهای این-
نقاشی‌های دیواری می‌گویند:
وقتی انسان به این رسمها می‌نگرد
فاصله و تفاوت که میان آثار نقاش-
شان حرفه‌ای و پیر و فیشنل و آماتور
وجود دارد بخوبی مشخصا می‌نماید.
بند هر قدر انسان به این رسمها
دقیق گردد بیشتر این فاصله و تفاوت-
وت‌ها را می‌بیند لکن با تمام اینها
این شیوه و اشکال در ذات خود بی‌نتیجه
و خالی از فایده نیست. مهمترین
اصل که در این نقاشی‌ها مشاهده
میشود کار جمعی را نشان می‌دهد
و این خود وسیله ارتباط است بین
نقاشان و هنرمندان. به‌طوریکه این
نقاشی‌های دیواری‌ها را می‌توان تزیین
بقیه در ص ۵۵



بعضی از این نقاشی‌ها به شیوه
خاص ترسیم شده

جوان در برابر سودجویی‌های
شخصی و منفردانه بعضی می‌لو-
ها و صا حبان ثروت این نقاشی‌هایی
دیواری باعث شده که یک‌کدام زیادی
از نقاشان و هنرمندان جوان مصر-
وف کار گردند و کار مشترک برای
آنان ایجاد گردد. یک‌کدام هم چنین
عقیده دارند که تغییر دادن دیوارها
و ساختمانها توسط نقاشی یک
مسئله مهم و یک پروبلم عمده نبوده
اگر از جنبه بی‌سمبولیک این
نقاشی‌ها بگذریم، باید گفته
شود که این کارها فرود و نزول هنر
نقاشی را نشان می‌دهد. و تمام
این کارها جز تظاهر چیزی دیگری
نیست.

اما بعضی از این نقاشی‌های
دیواری واقعاً زیبا و جالب است
یکی از بینندگان در مورد این نقاشی
ها چنین ابراز نظر می‌کند: منزل
من نزدیک این ساختمان‌های نقاش-
شی شده است. من هر روز مشاهده
می‌کنم که عده زیادی از این نقاشی-
ها دیدن می‌کنند و این امر باعث
شده که بازار یک عده از دو کس-
نداران رونق داشته باشد.

آر تیستا نیکه این نقاشی‌ها را
به وجود آورده اند یک عمل مثبت
را برای اجتماع نشان انجام داده
اند... وقتیکه برای نقاشان و هنر-
مندان کاری در آتیله‌ها و کارگاه-
های شان وجود نداشته باشد
این مصروفیت‌ها تا اندازه می‌تواند
آنان را از غمی نگه‌دارد و این عمل
شان نوعی ارتباط معنوی است
با اجتماع شان.

عده دیگر هم چنین عقیده دارند:

در نقاشی دیواری که امروزه
اروپا رواج پیدا نموده است علاوه
بر پوشش دیوارها توسط رنگ
و روغن، احیای هنر قدیم بیشتر
مد نظر است. وقتیکه به ساختمان
ها و معابد قدیمی نظر می‌اندازیم
بعضی روی دیوارهای این معابد
و ساختمانها نقاشی‌های
های را مشاهده می‌کنیم که ترسیم
کننده زندگی آن عصر بوده و نشان
دهنده هنر نقاشی آن زمان می‌باشد
از این رو ترسیم روی دیوارها
و ساختمانها یکی هم حفظ هنر قدیم است
این سخنان را یکی از نقاشان بیان
داشت.

یک موضوع دیگر هم در امر
نقاشی روی دیوارها وجود دارد
آن‌که زیبا ساختن پس منظر این-
دیوارها و پنهان نگه‌داشتن نیاز-
یابی‌های دیوار از چشم‌هاست.
اکثر این نقاشی‌های دیواری‌ها
فاصله بر یک‌کدام ساختمانها یک-
از طرف بیرون منظره زیبا یی-
ندارند صورت گرفته است.

اما بطور کلی این نقاشی‌ها
صرف برای پوشاندن عیوب دیوار
ها نیست، بلکه بیشتر این نقاشی‌ها

ها جنبه هنری دارند.
مثلاً در فرانسه در بعضی سبک-
ختمانها مخصوصاً روی دیوارهای
بیرونی نقاشی‌های وجود دارد که
واقعاً از زیبایی زیادتری برخوردار
است.

در نقاشی‌های دیواری هدف
عمده دیگری نیز مطرح است و آن
عکس العمل شدیدی که عده نقاشان



نمونه‌ای از نقاشی روی دیوار که بیشتر برای زیبا ساختن منظره
بیرونی بکار رفته است.

درباره سودمندی ...

تصحیح و یاد آوری :

باپوزش و غلظت خواص فراوان از خوانندگان ارجمند، متذکر میشویم که در مضمون «درباره سودمندی هنر» این شماره گسیختگی رو نگارگریده است که در واپسین دقایق چاپ مجله ملتفت گردیدیم. بنا به انداز سطر «برابر انسان می‌کشد» صفحه ۲۲، مطلب ذیل همین جوکات مطالعه شود، و آنگاه به آغاز صفحه (۲۳) مراجعه گردد.

تولستوی که طرفدار جستجوی عارفانه حقیقت بود سالها بر این سوال مبنی اندیشید که «چرا می‌توانیم؟» و بالاخر بدان نتیجه رسید که هدف هنر مشابهه و آن وسیله متحد ساختن مردم میباشد. در زیر سایه خداوند و کلمه از تباط و نیز از آن منشاء گرفته است. از این رو هر هنری که این یکپارچگی تیولویک مردم را بر هم بزند معیوب است.

بدینصورت به وضاحت دیدیم می‌شود که تیوری های گوناگون زیبایی شناسی به سودمندی هنری و بدانکه هنر در خدمت اهداف غیر زیبایی شناسی قرار می‌گیرد باور دارند. و این مطلب صادق است بدون نظر داشت آنکه اهداف مذکور تکامل تاریخی را می‌دهد یا نه.

در واقع هنر هم لذت می‌بخشد و هم می‌آموزد. هم تنویر میکند و هم بر انگیزند. فعالیت و پیشرفت است در اینجا سخن بر سر هنر پیشرو است هنر ارتجاعی یا تکیه بر غرایز بیش از همه لذت می‌بخشد و مردم را به پستی مسمی کشاند، به بیراهه می‌برد و تسخیر می‌نماید. هنر ارتجاعی مانع پیشرفت و تحقق ضرورت تاریخی است چنان هنری منفی، معیوب و دروغین است و اما در دوران معیوب و بلهوس تنها همین هنر ارتجاعی را هنر می‌شناسند و تنها

۱۴۴ مخ پاتی

دخمکی دآب او هوا ...

شته که چیزی دار کتیک دسمند و گی‌دا نمی‌کنگلو نه و یلی شی ددگی سیمی به زیاترو سیمو کی به بیا دژ می‌دموسم کنگلو نه تشکیل نشی.

دخمکی د تو دو خی زیاتوالی دسمندرونو دسطحی خفه د بغار ونو پورته کیدل هم زیاتوی او احصا نیو دا هم جو ته کیری

د توخی به صورت کسی و لوب و عر ضی زیاتوالی داووبو د تبخیر اندازه به پوره انداز زیاتوی لکه چی پورته ذکر شوی د تو دو خی به صورت کی د لوب و عر ضی اللبد ونو دسیمو د توخی د تیپو عر ضی - اللبد و نو د سیمو به پرتله لوب پری د

داو پوره هم شته چی دمخنیو عر ضی اللبدونو سیمی یعنی د آسیا، ارو پااو شعلی امریکا به سیمو کی داو بو نشو الی احساس شی. دغه شان حالات به (۱۹۳۰) کال او (۱۹۶۷) او (۱۹۷۲) کلونو کی هم به نو موپو سیمو کی خه نا خه ولیدل شول خو به

خو خه تو که دا سخته بر یسی چی درانلونکی جغه دوران داب او هوا به باب چی کنگلو یکی نه وی خه وویل شی. خو به عر صورت ددغه دوران آب او هوا به بیخی دنی آب او هوا به نسبت بیخی تو بیر ولری. دار کتیک ددایمی کنگلو تو دو یلی کید و به نتیجه کی به زمون او سنی نری آب او هوا د یلیو سینی دوری ته سبا عت پیدا کیری. د خمکی دپا سه د یلیو سینی دوره له دوو خفه تر دریو میلیونو کلونو خفه یخوا وه. ددگی دوری اقلیمی حالت د خمکی داتمو سفیر داو سنی حالت سر ه

از مجله ساینس ورلد ترجمه بریالی علی زاد

در صرف نمودن گوشت باید

محتاط بود

ممکن سوالات گوناگون راجع به طرز تغذی انسانها در ادوار مختلف تاریخ نزد هر کس خلق شود و شاید یکی از این سوالات این باشد که آیا مردمان مغاره نشین چه می‌خوردند؟

اکثر مردم جهان به این عقیده اند که مغاره نشینان ابتدایی ترین واو لین گوشت خواران روی زمین بودند. مگر در اثر کاوشهای خستگی ناپذیر دانشمندان این حقیقت به اثبات رسیده که اجداد ما درازمه های قبل تاریخ گیاه خوار بودند.

داکتر الان واکر اترولوچست پوهنتون جانس هویکنس بمنظور اینکه فقط دریابد که اجداد ما در ادوار مختلف تاریخ چه می‌خوردند دندانهای فوسیلی انسانهای را که در زمانهای ماقبل تاریخ در روی زمین زیست داشتند تحت مطالعه قرار داد. (دندان فوسیلی دندانی را گویند که نظریه گذشت زمان به سنگ تحول نموده باشد.) داکتر

واکر در نتیجه تحقیقات پیگیرش در یافت نمود که انواع ذرات سیلیکا (ریگ) موجود در غذا خراشیده گی های میکروسکوپی را بردند آنها تولید می‌نماید. اینرا هم باید خاطر نشان نمود که واکر میتواند با مشاهده دندان فوسیلی در تحت میکروسکوپ مخصوص معلوم نماید که آیا صاحب اصلی دندان گوشتخوار بوده یا گیاه خوار و یا اینکه از گوشت و گیاه بطور مختلف تغذی می‌نمود.

باید گفت که داکتر واکر دندانهای آن انسانهای ماقبل تاریخ را تحت مطالعه قرار داده که در سالیان خیلی قدیم از هومو ارکتس (اسلاف قرین مردمان مدرن) میزیستند. و در نتیجه در یافت که اوشان میوه خوار بودند.



سلام به همکاران عزیز !

بعد از دعای سلامتی، تجدید مطلع میکنیم و میگوییم که در شماره گذشته میبایستی بجواب نامه های شما میپرداختیم اما توفیقی نیافتیم و اقبالش را از کف مادر رودند و از سوی چه باید کرد ؟ من مامورم و معذور ، و شما هم همینگونه ... بهر صورت :

دوست عزیز محمد نذیر (زهیر) مامورنی برق دستگاه پروان !

خوب کار میکنید و هیچ اندیشه بی خود راه ندهید! آفندرم، این هر دو (شعر و سخن) از هم دور نیست که باهم جوش نخورند، گرچه دریادی امر این کجا و آن کجاست و شعر کجا و تخنیک کجا ... اگر از جز بیات شعر گفتن و کار فنی کردن بگذریم ، برای پاس داشتن علاقه و سلیقه شما، توجه شمارا به این قلمه جلب میکنیم :

میگویند «واقعیه کجا فضا نوردان شوروی در آن سفینه تنگ فضایی خویش ، در آن فضای بی انتها و لایتنای در دل آسمان ره میزدند ، با ترم ترانه هوسرود هادلنگی خود را زمزمه مینمودند و شادمانه به انجام کارهای خود مشغول می شدند ...

و گویی اگر شعر و ترانه نمی بود، دل فضا نوردان در آن سفینه بی تنگ و دل آواز از دلنگی به فرکیدن می آمد و آغان را از کارشان باز میداشت! بهر تقدیر اینهم گره خوردگی صنعت و تخنیک با شعر و ادب ...

دوست عزیز، اشعار شما را از نظر گذرانیدم و بنا به خواست شما توصیه می نمایم که شعر بسیار بخوانید . اگر نوبه شعر گفتن دست یازیده اید ، حرفی نیست و بقول حافظ:
همه بدرقه رام کن ای طایر قدس
که در ازست ره مقصد و من توسفرم

در غیر آن در اشعار شما استحکام و بلندی کلام، دید شاعرانه، نحوه بیان، وسعت و وفور واژه ها جای ندارد و فقط کلمات در قالب موزون کلام ریخته شده است و دیگر در فکر نبوده اید که کدام کلمات در قالب شعر ریخته شود که شعر پخته شود ... عجلالتا یک یادو پارچه شعر شما را به رعایت نوبت، در صفحه دوستان به نشر میسپاریم و حرف بقیه را میگذاریم به بعد که چه میفرستید. اما، مورد اینکه گفته اید (این پارچه شعر بعد از چاپ

در مجله ژوندون ، بایست توسط رسیده زاله از طریق تلویزیون نیز قرائت گردد... ما را متعجب ساختید و فکر ما را به قصه ای انداختید که خود هم می فهمید برای برهمن از پرگویی، قصه را مختصر میگویم. میگوید: اسب سواری را به ده راه نمیدادند ولی او قنایا داشت که اسبش را در خانه ملک بیندند به انتظار همکاری تان .

دوست گرامی، س. ج متعلم صنف دوازدهم
تکاهی ارسالی تان رسید، و در یکی از شماره های آینده بجای میرسد و انتظار کلمات پر خنده یی دیگر شما را داریم و راستی نقشه را نمی بینید اگر نه پدر محترمش هم همین چنین کلان کلان نمی گفت . به امان خدا و انصرا الدین ...

دوست مهربان عبدالقدیر بران متعلم صنف یازدهم لیسه رحمن بابا !
سلام علیکم پارچه شعری که به استقبالات صفحه زنان و دختران فرستاده اید، رسید. تشکر از لطف و نظر تان . اینهم گزیده یی از آن :

بساط نام تو در جهان به دختر افغان
بانام نامی رابعه ات کافی است همین
که از تودر گوشه دنیا سخن آید عجیب خواند
اندر صفت تو ((غرق آزادی)) باخون رنگین
ای دخت سرنوشت خود را خود کن تعیین
بدست قلم به دست دیگر تفنگ زین

به گیتی سر بلند باش ای دختر افغان
جاوید زی باش به همین رهین

دوست ارجمند میر حبیب الله شفق عضو مهندسی ریاست تعمیرات وزارت دفاع

ماهم سلام هایکه گرمی را از خورشید و شیرینی را از عسل وام گرفته باشد ، تقدیم شما دوست عزیز می نمایم و سلامتی آرزو می کنیم از لطف و نظر نیک تان تشکر پارچه شعر (بیتوی) شما را که خدائکند بی اوشوید، در یکی از شماره های آینده بدون در نظر داشت قربت بچاپ میسپاریم و علتش اینکه نوبت را از ماه هایش گرفته اید و یار دیگر انصاف نمائید که باز هم بر رعایت نوبت بایستید . خدا حافظ

دوست عزیز محمد همایون عزیز عضو انجمن تجارتنی در گویت .
سلام میفرستیم و سلامتی شما همکاران بان را آرزو میبریم . خرسندیم که در یاد ما اید و همکاری خویش را پیوسته دنبال میکنید

مضمونی بایک قطعه عکس و شعر از شما دریافتیم که مضمون تان به صفحه جوانان بچاپ میرسد و پارچه شعر شما در صفحه دوستان ، به انتظار همکاری تان ، خدا حافظ .

دوست عزیز احمد فواد داعی !
یادداشت های سودمندتان که حاوی گریختن از عویش ها از خانه ها، و حفاظت کاهو ها از حشره ها و تشنیک تخم خوب از بد بود به ما رسید و سپردیمش به متصدیان صفحه خنده و دوستان که در صورت لزوم به چاپ بپارند. موفق باشید ..

همکار مهربان فاطمه حمیدی متعلم لیسۀ آمنه فدوی !

بپذیر سلام مرا نیز، مطلب شما را به متصدی صفحه مسابقات و سر گرمیا تحویل دادیم که در امر نشرش اقدام نماید. خدا حافظ تان .

رفیق ارجمند محمد یاسین محصل پوهنخی انجنیری !

سلام علیکم دوست عزیز ، دامتان شما رسید و اگر با اسلوب داستان نویسی هماهنگ بود ، همزمان باطلیعه بسیار داستان شما نیز از صفحات مجله ژوندون ملو ع خواهد کرد . ولی در غیر آن چیز های دیگری بفرستید ...

برادر بزرگوار محمد شریف پیغام !
پارچه شعر، چکیده از ذهن جستجوگر تان به ما رسید ، سپردیمش به متصدی صفحه دوستان که با در نظر داشت رعایت نوبت به به نشرش مبادرت ورزد، کامروا باشید ...

دوست عزیز فضل هادی وزین متعلم مدرسه عالی دارا لعلوم غری کابل !
«نگاه گرم» شما را از بسته رسان گرفتیم کمی هوای سرد امسال آن نگاه ها را سرد ساخته است . اگر از شوخی بگذریم این پارچه شعر شما از پختگی کلام عاریست که حتما در آینده ، با همکاری های دیگر تان جبرانش را میکنید و واقعا «نگاه های گرم» میفرستید موفق باشید .

رفیق مهربان غ.ج. چولی نای !
دو پارچه شعر از شما دوست عزیز در یافتیم و عنقریب یکی آن که با مرامنامه نشراتی مجله وفق دارد به حلیه طبع آراسته میگردد. مطالب بیشتری بفرستید و همکاری خویش را پیوسته ادامه دهید .

دوست مهربان ا.س. جنبش !
سلام میگویم و خوشوقتم که همکاری خویش را با مجله ژوندون آغاز یده اید . مطلب بنام «زن در اجتماع» و جواب به پرسش صفحه مسابقات و سر گرمیا را خواندیم . هر دو مطلب رایبه متصدیان «دوستان» و «سر گرمیا» سپردیم که در نشرش توجه بدارند ، موفق باشید.

برادر عزیز غلام سخی !
متقابلا سلام میگویم . ملی حتما میفرستید هر چه دل تشنگ تان میخواست بگو یید و ما بفرستید : و باز هم عرض کنیم که حتما بجای اقدام میوزیم مشروط بر اینکه مسا موازین و اصول نشراتی مجله وفق داشته باشد مطمئن باشید، خدا حافظ تان .

رفیق مهربان شیر محمد هوتکیار محصل اکادمی تربیه معلم !
جواب جدول شماره (۳۷) مجله ژوندون را دریافتیم و یادداشت که در ذیل نام خویش نکاشته اید درست و صحیح است . مطلب تانرا به متصدی صفحه سر گرمیا و مسابقات سپردیم که قناعت تانرا فراهم سازد و اسم شما را در زمره حل کنندگان جدول مسابقات بکشد . موفق باشید .

مطالب دیگری نیز به مجله رسیده است که وفق به آرایه پاسخ نشدیم و در آینده کوشش می نماییم که به جواب پردازیم عجلالتا از آنهاییکه به مانامه فرستاده اند و جواب نگرفته اند، فقط اسم شائرا ذکر می کنیم که نامه های شان بما رسیده است :

دوست عزیز، فینون وری عین
دوست عزیز، عبدالقهار امان
دوست عزیز، سید رحیم متعلم لیسۀ شبرغان
دوست عزیز، ا. س. جنبش
دوست عزیز، عزیزه رسولی
دوست عزیز، نادر
دوست عزیز، میرمن هاری
دوست عزیز، بشیر احمد
دوست عزیز، نعمت الله «نیکین»
دوست عزیز، عبدالحی «غروب»
دوست عزیز، یارپور
دوست عزیز، ناصر آرین
دوست عزیز، بسم الله «حریف»
دوست عزیز، محمد یاسین محصل انجنیری
دوست عزیز، محمد عاطف عثمانی
دوست عزیز، سید حسن
دوست عزیز، احمد الله رهین
دوست عزیز، سوریان
دوست عزیز، شیر محمد هوتکیار



مدیرمسؤل : شیر محمد کاوه
معاون : محمد زمان نیکرای
امر چاپ : علی محمد عثمان زاده
مبتمم : نوریه
آرکس : انصاری و ات

مقابل ریاست مطبع دولتی
تیشون دفتر : ۲۶۸۴۹

مطبعة دولتی



Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library